

نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی
دانشگاه امام صادق علیه السلام

نظام برنامه‌ریزی درسی



دانشگاه امام صادق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شناسنامه طرح |

عنوان طرح:	نظام‌نامه جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق علیه السلام
عنوان گزارش:	خلاصه نظام‌نامه جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی دانشگاه امام صادق علیه السلام
توضیحات:	این طرح در قالب سه جلد: مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی تهیه شده که گزارش حاضر خلاصه و چکیده‌ای از این سه جلد می‌باشد.
تاریخ شروع:	۱۳۹۰/۱۱/۱
تاریخ ارائه‌ی گزارش:	۱۳۹۵/۸/۲۵
ویرایش:	اول
وضعیت:	نهایی

عوامل تهیه |

تهیه‌کننده:	دکتر محمدمهدی اعتصامی
مدیر اجرایی:	مسعود بخشی
همکاران:	حامد کهوند، علی اسلامجو، سید علی اکبر نگهبان، محمدحسین سلامی، رضا طاهرنیا، محمدمهدی سیفی
مشاوران:	جناب آقایان دکتر محمدهادی همایون، دکتر رضا محمدزاده، حجه‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد سعید مهدوی‌کنی، یزدان‌پناه، نصرت‌پناه

مدخل

نظام برنامه ریزی درسی

۱- فصل اول: اسناد بالادستی دانشگاه..... ۱

۱-۱- بیانیه‌ی رسالت دانشگاه..... ۳

۱-۲- چشم‌انداز دانشگاه..... ۴

۱-۳- اهداف کلان دانشگاه به ترتیب اولویت..... ۴

۱-۴- راهبردهای کلان دانشگاه (ابلاغی از جانب مقام معظم رهبری (عجالتاً)..... ۵

۱-۵- آرمان‌های ملهم از اسناد..... ۵

۲- فصل دوم: رویکردهای نظام برنامه ریزی درسی..... ۷

۲-۱- رویکرد مبنایی و مشترک..... ۹

۲-۲- رویکردهای فرعی..... ۱۰

۳- فصل سوم: هم/فزایی و تلفیق در برنامه ریزی (با محوریت تربیت علمی و برنامه‌های درسی)..... ۱۹

۳-۱- قلمروهای تلفیق..... ۲۱

۳-۲- اصول حاکم بر برنامه ریزی تلفیقی..... ۲۶

۳-۳- شیوهی اجرا..... ۲۷

۴- فصل چهارم: رشته‌های تحصیلی..... ۲۹

۴-۱- ترتیب منطقی و هرمی تنظیم اهداف..... ۳۱

۴-۲- اهداف کلی دروس معارف اسلامی..... ۳۱

۴-۳- اهداف مشترک در رشته‌های تحصیلی..... ۳۱

۴-۴- سطوح اهداف تحصیلی..... ۳۲

۴-۵- شاخص‌های تصویب رشته‌های تحصیلی..... ۳۵

۴-۶- اصول حاکم بر تعیین دروس هر رشته..... ۳۷

۴-۷- نحوه‌ی توزیع دروس مشترک در سنوات تحصیلی..... ۳۷

۴-۸- امکان جابجایی درس‌های یک رشته براساس استعدادیابی دانشجویان..... ۳۸

۴-۹- جایگاه دروس معارف اسلامی در رشته‌ی تحصیلی..... ۳۸

۴-۱۰- چارچوب و ساختار مشترک رشته‌ی تحصیلی..... ۴۲

۴-۱۱- شاخص‌های عمومی تصویب پایان‌نامه (با عنایت به آزادی عمل استاد)..... ۴۳

۵- فصل پنجم: ساختار مشترک برنامه‌ی درسی هر ماده‌ی درسی..... ۴۵

۵-۱- ضرورت و فلسفه وجودی درس (جایگاه ماده‌ی درسی در رشته)..... ۴۷

۵-۲- اهداف ماده‌ی درسی..... ۴۷

۵-۳- تدوین اهداف در سه قلمرو شناختی، گرایشی و مهارتی..... ۴۷

۵-۴- تقسیم اهداف به کلی و جزئی..... ۴۷

۵-۵- اصول و ضوابط مشترک انتخاب و سازماندهی محتوا..... ۴۹

۵-۶- جدول محتوا و سرفصل‌های درس..... ۵۲

۵۲	۷-۵- تعیین صلاحیت‌های تخصصی استاد
۵۲	۸-۵- تعیین شیوه‌ی ارزشیابی
۵۲	۹-۵- راهکارهای تولید برنامه‌های درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی
۶۱	۱۰-۵- پژوهش و برنامه‌ی درسی
۶۳	۶- فصل ششم: تولید محتوای آموزشی
۶۵	۱-۶- اصول و ضوابط تولید محتوای آموزشی
۶۶	۲-۶- روش‌های تولید محتوای آموزشی
۶۷	۷- فصل هفتم: روش‌ها و فنون تربیت علمی (فعالیت‌های یاددهی - یادگیری)
۶۹	۱-۷- طرح درس و مراحل آن
۷۰	۲-۷- تنظیم طرح درس
۷۱	۳-۷- اصول حاکم بر روش‌ها
۷۲	۴-۷- انواع روش‌ها
۷۵	۸- فصل هشتم: ارزشیابی در تربیت علمی
۷۷	۱-۸- رابطه‌ی میان اهداف و ارزشیابی
۷۷	۲-۸- قلمروهای ارزشیابی
۷۸	۳-۸- اصول حاکم بر ارزشیابی
۷۸	۴-۸- ارزشیابی از عناصر برنامه
۸۰	۵-۸- ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانشجو
۸۲	۶-۸- انواع ارزشیابی در تربیت علمی
۸۴	۷-۸- خودارزیابی دانشجو
۸۵	۹- فصل نهم: جایگاه استاد در برنامه‌ی درسی
۸۷	۱-۹- شاخص‌های جذب استاد
۸۸	۲-۹- ویژگی‌های استاد طراز دانشگاه
۹۳	۳-۹- نظام ارتقاء استاد
۹۴	۴-۹- استاد راهنما
۹۵	۱۰- فصل دهم: جایگاه دانشجو در دانشگاه
۹۷	۱-۱۰- صلاحیت‌های دانشجوی ورودی
۹۸	۲-۱۰- شاخص‌های جذب دانشجوی دوره‌ی دکتری
۹۸	۳-۱۰- پذیرش دانشجوی غیرایرانی
۹۸	۴-۱۰- شاخص‌های سبک زندگی دانشجویی طراز دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
۱۰۲	۵-۱۰- برنامه‌های ویژه‌ی دانشجویان مستعد برای اهداف ۳ تا ۵
۱۰۲	۶-۱۰- آموزش‌های ویژه‌ی دانشجوی مستعد برای اهداف ۳ تا ۵
۱۰۳	۷-۱۰- رسالت متقابل دانش‌آموختگان و دانشگاه
۱۰۵	۱۱- فصل یازدهم: پیام‌های نظام‌نامه تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای نهادهای دانشگاه
۱۰۸	۱-۱۱- حوزه‌ی ریاست دانشگاه
۱۰۹	۲-۱۱- اداره کل طرح و برنامه
۱۱۰	۳-۱۱- اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی

۱۱۰	۴-۱۱- حوزه‌ی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی
۱۱۱	۵-۱۱- دانشکده‌ها
۱۱۳	۶-۱۱- حوزه‌ی معاونت پژوهشی
۱۱۴	۷-۱۱- حوزه‌ی معاونت دانشجویی و فرهنگی
۱۱۶	۸-۱۱- حوزه‌ی معاونت اداری و مالی
۱۱۶	۹-۱۱- مرکز رشد
۱۱۷	۱۰-۱۱- بسیج دانشجویی
۱۱۷	۱۱-۱۱- مرکز تحقیقات بسیج
۱۱۸	۱۲-۱۱- هیئت میثاق با شهدا
۱۱۸	۱۳-۱۱- انجمن‌های علمی
۱۱۸	۱۴-۱۱- دفتر اعزام مبلغ
۱۲۱	۱۲- فصل دوازدهم: اشاعه‌ی برنامه
۱۲۳	۱-۱۲- مخاطبان اشاعه
۱۲۳	۲-۱۲- روش‌های اشاعه
۱۲۳	۳-۱۲- پشتیبانی از برنامه
۱۲۳	۴-۱۲- مراحل اجرا و عملیاتی شدن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی
۱۲۵	۱۳- فصل سیزدهم: نظارت و ارزیابی از اجرای نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی
۱۲۷	۱-۱۳- ضرورت پویایی و تکامل مستمر
۱۲۷	۲-۱۳- زمان‌بندی بازنگری در برنامه
۱۲۷	۳-۱۳- مهم‌ترین بخش‌های مورد نظارت
۱۲۹	۱۴- فصل چهاردهم: الگوی جامع مراحل برنامه‌ریزی تربیتی و درسی
۱۳۱	۱-۱۴- مراحل برنامه‌ریزی
۱۳۷	تعاریف
۱۴۵	منابع و مأخذ



مدخل

نظام برنامه ریزی درسی

۱- فصل اول: اسناد بالادستی دانشگاه..... ۱

- ۱-۱- بیانیه‌ی رسالت دانشگاه..... ۳
- ۲-۱- چشم‌انداز دانشگاه..... ۴
- ۳-۱- اهداف کلان دانشگاه به ترتیب اولویت..... ۴
- ۴-۱- راهبردهای کلان دانشگاه (ابلاغی از جانب مقام معظم رهبری (عجالتاً)..... ۵
- ۵-۱- آرمان‌های ملهم از اسناد..... ۵

۲- فصل دوم: رویکردهای نظام برنامه ریزی درسی..... ۷

- ۱-۲- رویکرد مبنایی و مشترک..... ۹
- ۲-۲- رویکردهای فرعی..... ۱۰
- ۱-۲-۲- رویکرد موضوع محور..... ۱۰
- ۲-۲-۲- رویکرد محتوا محور..... ۱۱
- ۳-۲-۲- رویکرد مسئله محور..... ۱۱
- ۱-۳-۲-۲- تعادل میان موضوع محوری و مسئله محوری..... ۱۳
- ۴-۲-۲- رویکرد غایت محور..... ۱۳
- ۵-۲-۲- رویکرد فرایند محور..... ۱۴
- ۱-۵-۲-۲- تعادل میان غایت محوری و فرایند محوری..... ۱۵
- ۶-۲-۲- رویکرد متعلم محور..... ۱۵
- ۱-۶-۲-۲- تعادل میان محتوا محوری و متعلم محوری..... ۱۶
- ۱-۱-۶-۲-۲- راهکارهای ایجاد تعادل میان دو رویکرد موضوع محور و متعلم محور..... ۱۶
- ۷-۲-۲- همه جانبه گرایی..... ۱۷
- ۱-۲-۲- رویکرد تلفیقی..... ۱۷
- ۹-۲-۲- نیاز گرایی در آموزش..... ۱۷

۳- فصل سوم: هم افزایی و تلفیق در برنامه ریزی (با محوریت تربیت علمی و برنامه های درسی)..... ۱۹

- ۱-۳- قلمروهای تلفیق..... ۲۱
- ۱-۱-۳- تلفیق در ابعاد تربیت..... ۲۱
- ۲-۱-۳- تلفیق در روش های تربیتی..... ۲۱
- ۳-۱-۳- تلفیق میان مهارت های تفکر و محتوای علمی..... ۲۱
- ۴-۱-۳- تلفیق میان اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری..... ۲۲
- ۵-۱-۳- تلفیق میان آموزش و پژوهش..... ۲۲
- ۶-۱-۳- تلفیق میان دروس و محتوای آموزشی..... ۲۲
- ۱-۶-۱-۳- محدوده های هم افزایی و تلفیق دروس..... ۲۲
- ۲-۶-۱-۳- ابعاد هم افزایی و تلفیق دروس..... ۲۳
- ۱-۶-۱-۳- بُعد اول: وسعت تلفیق..... ۲۳

۲۴..... ۱-۳-۶-۲-۲-تعدد دوم، درجه و سطح تلفیق

۲۵..... ۱-۳-۶-۳-۳-روش‌های هم‌افزایی و تلفیق دروس

۲۵..... ۱-۳-۶-۱-۳-روش موازی‌سازی در دروس

۲۵..... ۱-۳-۶-۲-۳-روش سازماندهی عنوان مشترک میان چند رشته

۲۵..... ۱-۳-۶-۳-۳-روش سازماندهی میان رشته‌ای

۲۶..... ۱-۳-۶-۴-۳-روش سازماندهی فرارشته‌ای

۲۶..... ۲-۳-اصول حاکم بر برنامه‌ریزی تلفیقی

۲۶..... ۱-۲-۳-توجه به نظام‌نامه‌ی تربیتی و ساحت‌های تربیت

۲۶..... ۲-۲-۳-همراه کردن عوامل برنامه، به خصوص اساتید، با هم‌افزایی و تلفیق

۲۶..... ۳-۲-۳-رعایت اصل تدریج

۲۶..... ۴-۲-۳-توجه به سطوح تلفیق

۲۶..... ۵-۲-۳-تقویت زبان و ادبیات فارسی به کمک تلفیق

۲۷..... ۶-۲-۳-ارتقاء خط تحریر دانشجویان به کمک تلفیق مهارت و محتوا

۲۷..... ۳-۳-شیوه‌ی اجرا

۲۹..... فصل چهارم: رشته‌های تحصیلی

۳۱..... ۱-۴-ترتیب منطقی و هرمی تنظیم اهداف

۳۱..... ۲-۴-اهداف کلی دروس معارف اسلامی

۳۱..... ۳-۴-اهداف مشترک در رشته‌های تحصیلی

۳۲..... ۱-۳-۴-اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی کارشناسی ارشد

۳۲..... ۲-۳-۴-اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی دکتری

۳۲..... ۴-۴-سطوح اهداف تحصیلی

۳۵..... ۵-۴-شاخص‌های تصویب رشته‌های تحصیلی

۳۵..... ۱-۵-۴-فرایند تصویب رشته‌های جدید

۳۷..... ۶-۴-اصول حاکم بر تعیین دروس هر رشته

۳۷..... ۷-۴-نحوه‌ی توزیع دروس مشترک در سنوات تحصیلی

۳۸..... ۸-۴-امکان جابجایی درس‌های یک رشته بر اساس استعدادیابی دانشجویان

۳۸..... ۹-۴-جایگاه دروس معارف اسلامی در رشته‌ی تحصیلی

۳۸..... ۱-۹-۴-ضرورت و فلسفه‌ی وجودی دروس معارف اسلامی

۳۹..... ۲-۹-۴-اهداف تفصیلی دروس معارف اسلامی (موردنیاز یک دانشجو)

۳۹..... ۱-۲-۹-۴-اهداف شناختی

۳۹..... ۲-۲-۹-۴-اهداف گرایشی

۳۹..... ۳-۲-۹-۴-اهداف مهارتی

۴۰..... ۳-۹-۴-اهداف تفصیلی دروس معارف اسلامی موردنیاز یک دانشجوی رشته‌ی علوم انسانی

۴۰..... ۱-۳-۹-۴-اهداف شناختی

۴۰..... ۲-۳-۹-۴-اهداف گرایشی

۴۰..... ۳-۳-۹-۴-اهداف مهارتی

۴۰..... ۴-۹-۴-اصول و ضوابط حاکم بر دروس معارف اسلامی

۴۰..... ۱-۴-۹-۴-آموزش جامع معارف اسلامی

۴۰..... ۲-۴-۹-۴-توجه بیشتر به اهداف گرایشی

- ۴-۹-۳- توجیه دانشجویان و اساتید نسبت به ضرورت درس‌های معارف اسلامی ۴۰
- ۴-۹-۴- اولویت تدریس دروس معارف اسلامی توسط اساتید رشته ۴۱
- ۴-۹-۵- هماهنگ‌سازی جدول دروس معارف اسلامی و رشته‌ی تحصیلی ۴۱
- ۴-۹-۶- جهت‌دار کردن دروس، متناسب با مقتضیات زمان ۴۱
- ۴-۹-۵- اصول و ضوابط تنظیم دروس عمومی و معارف اسلامی ۴۱
- ۴-۹-۶- شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ی دروس معارف اسلامی ۴۲
- ۱۰-۴- چارچوب و ساختار مشترک رشته‌ی تحصیلی ۴۲
- ۱-۱۰-۴- ضرورت و فلسفه‌ی وجودی رشته ۴۲
- ۲-۱۰-۴- اهداف ۴۳
- ۳-۱۰-۴- جدول درس‌های رشته ۴۳
- ۴-۱۰-۴- چگونگی و میزان هم‌افزایی و تلفیق در دروس یک رشته‌ی تحصیلی ۴۳
- ۵-۱۰-۴- شاخص‌های تخصصی اساتید رشته ۴۳
- ۶-۱۰-۴- شاخص‌های تخصصی دانشجویان رشته ۴۳
- ۱۱-۴- شاخص‌های عمومی تصویب پایان‌نامه (با عنایت به آزادی عمل استاد) ۴۳
- ۵- فصل پنجم: ساختار مشترک برنامه‌ی درسی هر ماده‌ی درسی ۴۵**
- ۱-۵- ضرورت و فلسفه وجودی درس (جایگاه ماده‌ی درسی در رشته) ۴۷
- ۲-۵- اهداف ماده‌ی درسی ۴۷
- ۳-۵- تدوین اهداف در سه قلمرو شناختی، گرایشی و مهارتی ۴۷
- ۴-۵- تقسیم اهداف به کلی و جزئی ۴۷
- ۱-۴-۵- توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان ۴۷
- ۲-۴-۵- توجه به علایق دانشجویان ۴۷
- ۳-۴-۵- توجه به توانایی‌های دانشجویان ۴۸
- ۴-۴-۵- توجه به نیازهای دانشجویان ۴۸
- ۵-۴-۵- اطلاع و موضع‌گیری نسبت به مسائل جاری کشور و جهان ۴۸
- ۶-۴-۵- توجه به مشاغل مرتبط با رشته ۴۸
- ۷-۴-۵- التزام به مبانی و اصول تربیتی، با ارائه‌ی دلالت‌ها از مبانی نظام تربیتی و نظام‌نامه‌ی تربیتی ۴۹
- ۸-۴-۵- التزام به بیانیه‌ی رسالت، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای کلان و اهداف رشته‌ها ۴۹
- ۹-۴-۵- حرکت در مرزهای دانش برای نوآوری ۴۹
- ۱۰-۴-۵- توجه به ساختار دانش در هر درس ۴۹
- ۵-۵- اصول و ضوابط مشترک انتخاب و سازماندهی محتوا ۴۹
- ۱-۵-۵- توجه به ساختار علم ۴۹
- ۲-۵-۵- توجه به ارزش ذاتی علم ۴۹
- ۳-۵-۵- عنایت به سودمندی محتوای دروس ۴۹
- ۴-۵-۵- به‌روز بودن محتوا ۵۰
- ۵-۵-۵- ارتباط طولی و افقی محتوا ۵۰
- ۶-۵-۵- سیر به‌سوی تلفیق ابعاد تربیت ۵۰
- ۷-۵-۵- انتخاب الگوی هم‌افزایی و تلفیق مناسب با رشته ۵۰
- ۸-۵-۵- توجه به اصول ذکرشده در تربیت تفکر و تعقل ۵۰



- ۵-۵-۹- تقویت قدرت استدلال و تفکر و خلاقیت..... ۵۰
- ۵-۵-۱۰- تقویت روحیه‌ی ارزیابی و نقادی..... ۵۰
- ۵-۵-۱۱- کاربردی کردن محتوا..... ۵۱
- ۵-۵-۱۲- توجه به اندیشه‌ها و نظریات مخالف و معارض..... ۵۱
- ۵-۵-۱۳- ایجاد فرصت برای فعالیت‌های یادگیری چندگانه..... ۵۱
- ۵-۵-۱۴- توسعه‌ی مهارت‌های ذهنی یادگیرنده..... ۵۱
- ۵-۵-۱۵- تدوین محتوا در رسانه‌های متعدد..... ۵۱
- ۵-۵-۱۶- بهره‌مندی از هنر در شکل و محتوا..... ۵۱
- ۵-۵-۱۷- اجتناب از انباشت اطلاعات..... ۵۱
- ۵-۵-۱۸- تنظیم محتوا مطابق با اصل پیشرفت تدریجی..... ۵۲
- ۵-۵-۱۹- ایجاد فرصت برای فعالیت‌های فوق برنامه و خارج از کلاس..... ۵۲
- ۵-۵-۲۰- ایجاد فرصت برای دانشجویان نخبه..... ۵۲
- ۵-۵-۲۱- تناسب میان شیوه‌ی نگارش و نوع محتوا..... ۵۲
- ۵-۶- جدول محتوا و سرفصل‌های درس..... ۵۲
- ۵-۶-۱- تعیین فعالیت‌های یاددهی - یادگیری اختصاصی درس (روش‌های تدریس مناسب با درس)..... ۵۲
- ۵-۷- تعیین صلاحیت‌های تخصصی استاد..... ۵۲
- ۵-۸- تعیین شیوه‌ی ارزشیابی..... ۵۲
- ۵-۹- راهکارهای تولید برنامه‌های درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی..... ۵۲
- ۵-۹-۱- راهکار ۱: بازشناسی و استخراج مبانی غیرالهی از برنامه‌های درسی و علوم تخصصی..... ۵۳
- ۵-۹-۲- راهکار ۲: تدوین متون آموزشی علوم انسانی براساس مبادی و مبانی فلسفی اسلامی..... ۵۳
- ۵-۹-۳- راهکار ۳: تقدم منبع و مأخذ بودن قرآن و سنت بر سایر منابع..... ۵۴
- ۵-۹-۴- راهکار ۴: انتقال نگاه غایت‌مندانه به طبیعت در لایه‌لای برنامه‌های درسی..... ۵۴
- ۵-۹-۵- راهکار ۵: جهت‌گیری توحیدی در همه‌ی علوم و برنامه‌های درسی..... ۵۴
- ۵-۹-۶- راهکار ۶: محتوای آموزشی نمایش‌گر تأیید عقل توسط نقل..... ۵۵
- ۵-۹-۷- راهکار ۷: محتوای آموزشی نمایش‌گر تأیید نقل توسط عقل..... ۵۵
- ۵-۹-۸- راهکار ۸: تبیین معارف وحیانی و روایی با استفاده از استدلال‌های متقن عقل و داده‌های عقلی..... ۵۵
- ۵-۹-۹- راهکار ۹: آموزش نظام‌سازی سیاسی، اخلاقی، حقوقی، اقتصادی و سبک زندگی به کمک دو منبع عقل و نقل..... ۵۶
- ۵-۹-۱۰- راهکار ۱۰: نفی رویکرد پراگماتیستی و عمل‌گرایانه به علم..... ۵۶
- ۵-۹-۱۱- راهکار ۱۱: نفی رویکرد تجربه‌گرایی و پوزیتیویستی یا نوپوزیتیویستی به علم..... ۵۶
- ۵-۹-۱۲- راهکار ۱۲: حضور اصول انسان‌شناسی دینی در محتواهای مربوط به علوم انسانی..... ۵۶
- ۵-۹-۱۳- راهکار ۱۳: پیروی برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی از حدود و چارچوب‌هایی که مبانی و غایات زندگی دینی برای علم تعیین کرده‌اند..... ۵۶
- ۵-۹-۱۴- راهکار ۱۴: ذکر ارج‌گذاری منابع نقل (قرآن کریم و روایات) به علم..... ۵۶
- ۵-۹-۱۵- راهکار ۱۵: تعیین جایگاه و رتبه‌ی علوم نسبت به یکدیگر در برنامه‌ی درسی، براساس اهداف تربیت دینی و ابعاد تربیت و تنظیم کلیه‌ی برنامه‌های اجرایی و آموزشی با توجه به این رتبه‌بندی..... ۵۶
- ۵-۹-۱۶- راهکار ۱۶: استفاده از علوم نظری برای رسیدن به غایات و اهداف دینی و الهی..... ۵۷
- ۵-۹-۱۷- راهکار ۱۷: تدوین برنامه‌ی تربیتی و درسی تلفیقی برای ابعاد تربیت..... ۵۷

- ۵-۹-۱۸- راهکار ۱۸: ایجاد فرصت برای تقویت ایمان و باور به خدا، در مجموعه‌ی برنامه‌های درسی... ۵۷
- ۵-۹-۱۹- راهکار ۱۹: محتوای آموزشی در جهت تأمین اهداف و مقاصد مختلف دین و زندگی دینی... ۵۸
- ۵-۹-۲۰- راهکار ۲۰: تبیین همه‌جانبه از احکام و مقررات دینی در موضوعات مختلف... ۵۸
- ۵-۹-۲۱- راهکار ۲۱: تنظیم محتوای آموزشی و شیوه‌ی تدریس با فضای فرهنگی دینی... ۵۸
- ۵-۹-۲۲- راهکار ۲۲: توجه دادن به مخلوق الهی بودن طبیعت و عدم مالکیت مطلق انسان نسبت به آن... ۵۹
- ۵-۹-۲۳- راهکار ۲۳: انعکاس نیازهای جامعه‌ی دینی در محتواها و برنامه‌های آموزشی و ایجاد انگیزه و همت در دانشجویان برای تأمین آن نیازها در کوتاه‌مدت و درازمدت... ۵۹
- ۵-۹-۲۴- راهکار ۲۴: کمک به اصلاح رفتارهای ناپسند و مخالف دستورات الهی با طرح درست آنها در برنامه‌های درسی و اتخاذ روش‌های تربیتی در برنامه‌های درسی برای اصلاح رفتارها... ۵۹
- ۵-۹-۲۵- راهکار ۲۵: استفاده از دستاوردهای علم برای ابعاد دیگر تربیت، مانند تربیت اجتماعی، عبادی و اخلاقی... ۵۹
- ۵-۹-۲۶- راهکار ۲۶: استفاده از دستاوردهای علم برای تبیین و توضیح اعتقادات، احکام و دستورات دینی... ۵۹
- ۵-۹-۲۷- راهکار ۲۷: بیان دستاوردهای تمدن اسلامی در محتواهای آموزشی... ۶۰
- ۵-۹-۲۸- راهکار ۲۸: تمییز گزاره‌های علمی از گزاره‌های اعتقادی در متون آموزشی... ۶۰
- ۵-۹-۲۹- راهکار ۲۹: استخراج روش‌های تربیتی قرآن کریم و معصومین (علیهم‌السلام) و استفاده از آنها در برنامه‌های درسی و همچنین استفاده از روش‌های تجربه‌شده توسط علما و دانشمندان برای تعلیم آموزه‌های قرآن کریم و معصومین (علیهم‌السلام)... ۶۰
- ۵-۹-۳۰- راهکار ۳۰: طرح مسائل مستحدثه، به تناسب رشته‌ها و دروس و استخراج پاسخ دین از دو منبع عقل و نقل با اجتهاد متخصصین و مجتهدین... ۶۰
- ۵-۹-۳۱- راهکار ۳۱: توجه به عوامل و موانع اخلاقی و رفتاری مؤثر در تربیت علمی و تنظیم برنامه‌های درسی در جهت تقویت عوامل و برداشتن موانع... ۶۰
- ۵-۹-۳۲- راهکار ۳۲: توجه به عوامل محیطی که بر تربیت دینی تأثیر می‌گذارند و استفاده از عوامل مثبت برای پیشبرد برنامه‌ی درسی و تربیت دین و اصلاح عوامل منفی برای حفاظت دانشجویان در برابر آنها... ۶۱
- ۵-۱۰- پژوهش و برنامه‌ی درسی... ۶۱
- ۵-۱۰-۱- علم‌آموزی همراه با پژوهش... ۶۱
- ۵-۱۰-۲- توجه به سطوح مختلف پژوهش... ۶۱
- ۵-۱۰-۱-۲-۱- سطح اول: اقدامات پژوهشی حین تدریس... ۶۱
- ۵-۱۰-۲-۲- سطح دوم: پژوهش‌های مستقل از فرایند تدریس و در راستای رشته‌ی تخصصی... ۶۲
- ۵-۱۰-۳-۲-۳- سطح سوم: پژوهش‌های پیشنهادی از سوی سایر نهادها... ۶۲
- ۵-۱۰-۳- درگیر کردن گروه آموزشی و دانشکده با امر پژوهش... ۶۲
- ۵-۱۰-۴- رصد نیازهای پژوهشی توسط دانشکده و گروه‌های آموزشی و انتقال آن به استاد و دانشجو... ۶۲
- ۵-۱۰-۵- تشکیل بانک اطلاعاتی از پژوهش‌های اساتید و دانشجویان و پایان‌نامه‌ها... ۶۲
- ۵-۱۰-۶- طرح مقالات پژوهشی در کلاس و بحث و مذاکره درباره‌ی آن... ۶۲
- ۵-۱۰-۷- طراحی دوره‌ها و کارگاه‌های افزایش مهارت پژوهش... ۶۲
- ۵-۱۰-۸- ایجاد وحدت رویه و هماهنگی کلان در مجموعه پژوهش‌های دانشگاه در یک نهاد معین... ۶۲
- ۵-۱۰-۹- ارزیابی مستمر از روند پژوهش توسط یک نهاد ناظر و مستقل... ۶۲

۱۰-۱۰-۵- تجهیز کتابخانه دانشگاه براساس نیازهای پژوهشی و آموزشی هر دانشکده	۶۲
۱۱-۱۰-۵- تشویق دانشجویان برای شرکت و ارائه مقاله در گردهمایی‌های داخلی و خارجی و اختصاص بودجه‌ای برای دانشجویان حائز رتبه	۶۲
۱۲-۱۰-۵- اطلاع‌رسانی دائمی درمورد برگزاری سمینارهای پژوهشی و پژوهش‌های درخواست‌شده از سوی نهادهای مختلف	۶۲
۶- فصل ششم: تولید محتوای آموزشی	۶۳
۱-۶- اصول و ضوابط تولید محتوای آموزشی	۶۵
۱-۱-۶- به‌کارگرفتن راهکارهای تدوین برنامه‌ی درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی	۶۵
۲-۱-۶- کوتاه‌تر بودن درس‌های آغازین	۶۵
۳-۱-۶- توجه به بعد قلبی پیام	۶۵
۴-۱-۶- مشخص بودن هدف هر فصل و هر درس	۶۵
۵-۱-۶- توجه به محدوده‌ی زمانی و حجم ساعات تدریس	۶۵
۶-۱-۶- ایجاد جذابیت در محتوا	۶۵
۷-۱-۶- توجه به مراحل رشد مخاطب	۶۵
۸-۱-۶- عرضه‌ی درس‌ها به‌صورت تدریجی، مستمر و حتی‌الامکان متناسب با موقعیت‌ها	۶۶
۲-۶- روش‌های تولید محتوای آموزشی	۶۶
۱-۲-۶- تولید براساس ساختار علم	۶۶
۲-۲-۶- از ساده به مشکل	۶۶
۳-۲-۶- تنظیم متن با رویکرد مسأله‌محوری	۶۶
۷- فصل هفتم: روش‌ها و فنون تربیت علمی (فعالیت‌های یاددهی - یادگیری)	۶۷
۱-۷- طرح درس و مراحل آن	۶۹
۱-۱-۷- مرحله‌ی اول: تحلیل و تنظیم هدف‌های تعلیمی	۶۹
۲-۱-۷- مرحله‌ی دوم: تحلیل و تعیین موقعیت علمی	۷۰
۳-۱-۷- مرحله‌ی سوم: تحلیل و تعیین محتوا، روش تدریس و وسایل موردنیاز در آموزش	۷۰
۴-۱-۷- مرحله‌ی چهارم: تحلیل و تعیین نحوه‌ی ارزشیابی	۷۰
۲-۷- تنظیم طرح درس	۷۰
۳-۷- اصول حاکم بر روش‌ها	۷۱
۱-۳-۷- ایجاد علاقه و انگیزه در دانشجو	۷۱
۲-۳-۷- تقویت قوه‌ی تجزیه و تحلیل، تفکر و خلاقیت	۷۱
۳-۳-۷- بهره‌گیری از ابزارهای پیام‌رسانی در تدریس	۷۱
۴-۳-۷- دخالت دادن دانشجو در تدریس	۷۱
۵-۳-۷- توجه به تقویت مهارت‌های ذهنی یادگیرنده	۷۱
۶-۳-۷- برقراری ارتباط میان مباحث نظری و عملی	۷۱
۷-۳-۷- فراهم کردن فرصت برای تعامل دانشجویان با یکدیگر	۷۲
۸-۳-۷- تنظیم فعالیت‌های یادگیری برای خارج از کلاس و ایام تعطیل	۷۲
۴-۷- انواع روش‌ها	۷۲
۱-۴-۷- روش نمایش علمی	۷۲
۲-۴-۷- روش آزمایشی	۷۲

۷۲	۳-۴-۷- روش بحث گروهی
۷۲	۴-۴-۷- روش حل مسأله
۷۳	۵-۴-۷- الگوی پیش‌سازمان‌دهنده (Model preadvance-organizer)
۷۳	۶-۴-۷- روش آموزش مستقیم
۷۳	۷-۴-۷- روش آموزش غیرمستقیم
۷۳	۸-۴-۷- روش سخنرانی
۷۳	۹-۴-۷- روش پرسش و پاسخ
۷۳	۱۰-۴-۷- روش کنفرانس دانشجویی
۷۳	۱۱-۴-۷- روش مناظره
۷۳	۱۲-۴-۷- روش خلق موقعیت برای داوری

۸- فصل هشتم: ارزشیابی در تربیت علمی

۷۷	۱-۸- رابطه‌ی میان اهداف و ارزشیابی
۷۷	۲-۸- قلمروهای ارزشیابی
۷۷	۱-۲-۸- ارزشیابی از میزان تحقق ابعاد تربیت
۷۷	۲-۲-۸- ارزشیابی از میزان تحقق تربیت علمی
۷۸	۳-۸- اصول حاکم بر ارزشیابی
۷۸	۱-۳-۸- توجه به همه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی
۷۸	۲-۳-۸- آشنایی و تسلط ارزیابی‌کنندگان بر برنامه‌ی درسی موردنظر
۷۸	۳-۳-۸- انجام ارزشیابی توسط نهاد نظارت‌کننده
۷۸	۴-۳-۸- تعیین مشکلات در فرایند اجرای برنامه و تدریس
۷۸	۵-۳-۸- تعیین موفقیت و عوامل مؤثر در موفقیت
۷۸	۶-۳-۸- تعیین شاخص‌های قابل ارزیابی
۷۸	۴-۸- ارزشیابی از عناصر برنامه
۷۹	۱-۴-۸- ارزشیابی از برنامه‌ی درسی
۷۹	۲-۴-۸- ارزشیابی از محتوای تعلیمی
۷۹	۳-۴-۸- ارزشیابی از استاد
۷۹	۱-۳-۴-۸- خودارزیابی استاد
۸۰	۴-۴-۸- ارزشیابی از فضا و امکانات
۸۰	۵-۸- ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانشجو
۸۰	۱-۵-۸- ارزشیابی از فعالیت‌های رشددهنده‌ی تفکر عقلی و شناخت
۸۱	۲-۵-۸- ارزشیابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده‌ی ایمان و گرایش قلبی
۸۲	۶-۸- انواع ارزشیابی در تربیت علمی
۸۲	۱-۶-۸- ارزشیابی مستمر
۸۳	۲-۶-۸- ارزشیابی پایانی
۸۳	۳-۶-۸- نحوه‌ی نمره‌دهی
۸۴	۷-۸- خودارزیابی دانشجو
۸۵	۹- فصل نهم: جایگاه استاد در برنامه‌ی درسی
۸۷	۱-۹- شاخص‌های جذب استاد



- ۱-۱-۹- آشنایی با معارف اسلامی، به خصوص مبانی اندیشه‌ی اسلامی..... ۱۷
- ۲-۱-۹- برخوردار از معیارهای انقلابی‌گری..... ۱۷
- ۳-۱-۹- هوشمندی، خلاقیت و قدرت ابتکار..... ۱۸
- ۴-۱-۹- دارا بودن حد نصاب صلاحیت‌های اخلاقی و شخصیتی، صلاحیت‌های علمی و صلاحیت‌های مهارتی..... ۱۸
- ۵-۱-۹- تسلط بر زبان‌های عربی و انگلیسی..... ۱۸
- ۶-۱-۹- احراز موفقیت در تدریس در یک نیم‌سال آزمایشی..... ۱۸
- ۲-۹- ویژگی‌های اسناد طراز دانشگاه..... ۱۸
- ۱-۲-۹- صلاحیت اخلاقی و شخصیتی..... ۱۸
- ۱-۱-۲-۹- رفق و مدارا..... ۸۸
- ۲-۱-۲-۹- سماحت و بزرگواری..... ۸۹
- ۳-۱-۲-۹- داشتن روحیه‌ی تغافل و اغماض..... ۸۹
- ۴-۱-۲-۹- داشتن عفت نگاه و کلام..... ۸۹
- ۵-۱-۲-۹- پرهیز از پرگویی..... ۸۹
- ۶-۱-۲-۹- تکریم دانشجو..... ۸۹
- ۷-۱-۲-۹- آراستگی ظاهر..... ۸۹
- ۸-۱-۲-۹- بیان نرم و زیبا..... ۹۰
- ۹-۱-۲-۹- داشتن سعه‌ی صدر و تحمل درمقابل دانشجویان..... ۹۰
- ۱۰-۱-۲-۹- دغدغه‌مند بودن و احساس مسئولیت نسبت به کار خود..... ۹۰
- ۱۱-۱-۲-۹- اخلاص در تعلیم و تدریس..... ۹۰
- ۱۲-۱-۲-۹- تقید مستمر به ارزش‌های دینی و انقلابی..... ۹۰
- ۱۳-۱-۲-۹- محل رجوع و مشاوره‌ی دانشجویان..... ۹۰
- ۱۴-۱-۲-۹- توانایی هدایت دانشجویان در ابعاد مختلف..... ۹۱
- ۱۵-۱-۲-۹- مسئولیت‌پذیری در اصلاح و هدایت دانشجویان و همکاران و سایر اعضای دانشگاه..... ۹۱
- ۱۶-۱-۲-۹- مشاوره و همکاری با تشکلهای قانونمند دانشجویی، نهادهای فرهنگی و حوزه‌های علمیه..... ۹۱
- ۱۷-۱-۲-۹- مشارکت در امور فرهنگی و تربیتی دانشگاه..... ۹۱
- ۲-۲-۹- صلاحیت‌های علمی..... ۹۱
- ۱-۲-۲-۹- گواهینامه‌ی شرکت در کارگاه‌های دانش‌افزایی و کسب مهارت..... ۹۱
- ۲-۲-۲-۹- تألیف مقالات پژوهشی..... ۹۱
- ۳-۲-۲-۹- توانایی تدریس در دروس مختلف حوزه‌ی تخصصی..... ۹۱
- ۴-۲-۲-۹- توانایی تألیف کتاب آموزشی با رویکرد اسلامی در حوزه‌ی تخصصی خود..... ۹۱
- ۵-۲-۲-۹- داشتن رویکرد اجتهادی به محتوای درسی..... ۹۱
- ۶-۲-۲-۹- توانا در اجرای طرح‌های پژوهشی..... ۹۲
- ۷-۲-۲-۹- توانا در ترجمه‌ی کتاب‌های تخصصی..... ۹۲
- ۸-۲-۲-۹- هدایت مؤثر در پایان‌نامه‌ها..... ۹۲
- ۹-۲-۲-۹- تسلط بر موضوعات جانبی مرتبط با درس..... ۹۲
- ۳-۲-۹- صلاحیت‌های مهارتی..... ۹۲
- ۱-۳-۲-۹- طرح درس داشتن برای هر جلسه‌ی تدریس..... ۹۲
- ۲-۳-۲-۹- توانایی استفاده‌ی مطلوب از زمان..... ۹۲
- ۳-۳-۲-۹- پویا در تدریس و حفظ انگیزه برای نوآوری..... ۹۲
- ۴-۳-۲-۹- توانا در شاگردپروری و شکوفا کردن استعداد شاگردان..... ۹۲



- ۹۲ ۹-۲-۳-۵- توانا در تربیت پژوهشگر
- ۹۲ ۹-۲-۳-۶- توانایی استفاده از شیوه‌های تنوع در تدریس
- ۹۲ ۹-۲-۳-۷- توانایی در همکاری جمعی با اساتید
- ۹۳ ۹-۲-۳-۸- توانا در اجرای جامع سرفصل‌ها
- ۹۳ ۹-۲-۳-۹- توانا در تقویت مهارت‌های فکری دانشجویان
- ۹۳ ۹-۲-۳-۱۰- توسعه‌ی فضای تدریس کلاس به فضاهای دیگر
- ۹۳ ۹-۲-۳-۱۱- توانایی تعامل و ارتباط با دانشجویان
- ۹۳ ۹-۲-۳-۱۲- توانایی مرتبط ساختن محتوای آموزشی با مسائل واقعی جامعه
- ۹۳ ۹-۲-۳-۱۳- ایجاد انگیزه و پویایی و نشاط علمی در دانشجو
- ۹۳ ۹-۲-۳-۱۴- اهل ورزش و فعالیت‌های جسمانی بودن
- ۹۳ ۹-۳- نظام ارتقاء استاد
- ۹۴ ۹-۴- استاد راهنما

۱۰- فصل دهم: جایگاه دانشجو در دانشگاه ۹۵

- ۹۷ ۱۰-۱- صلاحیت‌های دانشجوی ورودی
- ۹۷ ۱۰-۱-۱- صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی
- ۹۷ ۱۰-۱-۲- صلاحیت‌های تحصیلی و آموزشی
- ۹۸ ۱۰-۲- شاخص‌های جذب دانشجوی دوره‌ی دکتری
- ۹۸ ۱۰-۳- پذیرش دانشجوی غیرایرانی
- ۹۸ ۱۰-۴- شاخص‌های سبک زندگی دانشجویی طراز دانشگاه امام صادق (علیه السلام)
- ۹۸ ۱۰-۴-۱- انس با قرآن و تدبیر در آن
- ۹۸ ۱۰-۴-۲- مراجعه به سیره‌ی پیامبر اکرم و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام)
- ۹۹ ۱۰-۴-۳- تمرین برای مقاوت در برابر شهوات و هوس‌ها
- ۹۹ ۱۰-۴-۴- دلبسته به کار و پیشرفت
- ۹۹ ۱۰-۴-۵- اجتناب از روزمرگی
- ۹۹ ۱۰-۴-۶- احساس مسئولیت نسبت به آینده‌ی مسلمانان
- ۹۹ ۱۰-۴-۷- ایفای مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی)
- ۹۹ ۱۰-۴-۸- پرهیز از سرگرمی‌های باطل
- ۹۹ ۱۰-۴-۹- داشتن برنامه‌ی خودسازی فکری، اخلاقی و انقلابی
- ۹۹ ۱۰-۴-۱۰- تعادل میان مسئولیت علمی با سایر مسئولیت‌ها
- ۹۹ ۱۰-۴-۱۱- حضور فعال و مسئولانه و مبتنی بر وظیفه‌ی دینی در جامعه
- ۹۹ ۱۰-۴-۱۲- داشتن برنامه برای ارتقاء معرفتی خود
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۱۳- برنامه‌ریزی برای حفظ انقلاب اسلامی به عنوان امانت الهی و مردمی
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۱۴- داشتن روحیه‌ی مستقل و نقاد نسبت به سبک زندگی غربی
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۱۵- پیوند با مسجد
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۱۶- داشتن یک فعالیت هنری
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۱۷- همکاری با بسیج
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۱۸- تشکیل خانواده در اولین فرصت
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۱۹- تصمیم‌گیری عاقلانه و متفکرانه و همراه با بصیرت
- ۱۰۰ ۱۰-۴-۲۰- توانایی ارزیابی، گزینش و طرد

- ۱۰-۴-۲۱- داشتن روحیه‌ی حق‌پذیری و انعطاف در مواجهه با جریان‌های اجتماعی و سیاسی..... ۱۰۱
- ۱۰-۴-۲۲- دارای روحیه‌ی حقیقت‌طلبی و علم‌دوستی..... ۱۰۱
- ۱۰-۴-۲۳- اهل نوآوری در دانش تخصصی..... ۱۰۱
- ۱۰-۴-۲۴- ودیعه‌ی الهی دانستن علم در جهت خدمت به اسلام و جامعه‌ی اسلامی..... ۱۰۱
- ۱۰-۴-۲۵- داشتن هدف روشن و چشم‌انداز مشخص از تحصیل در رشته‌ی موردنظر..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۲۶- داشتن یک برنامه‌ی منظم ورزشی..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۲۷- حضور عدالت‌خواهانه در جامعه و تلاش برای عدالت و رفع فساد..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۲۸- داشتن درک واقع‌بینانه از خود با شناخت قوت‌ها و ضعف‌های درونی برای تصمیم‌گیری درست و پیمودن قدم‌های استوار و مطمئن..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۲۹- درک درست از حیات دنیوی به‌عنوان مزرعه‌ی آخرت و بستر شکوفایی استعدادها و پیمودن فرازها برای رسیدن به کمال با سنت ابتلاء و امتحان و تلاشگر برای برخورد درست با ابتلائات و امتحانات..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۳۰- انتقادپذیر و اندرزپذیر در هنگام نقد یا راهنمایی و ارشاد و داشتن حالت پذیرش و قبول در صورت حقانیت نقد و راهنمایی..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۳۱- برخوردار از روحیه‌ی قدردانی و شکر، نسبت به خانواده، معلمان، دوستان و کسانی که به او خیر می‌رسانند..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۳۲- اهل اعتدال و میانه‌روی و دوری از انحراف به راست و چپ، در عین حضور مسئولانه در صحنه‌ی اجتماع و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۳۳- اهل اقدام به‌جا و عکس‌العمل به‌موقع در برابر حوادث و رخدادها، و طرح دیدگاه‌ها و چالش‌ها برای از دست ندادن فرصت و عدم زمان‌سوزی..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۳۴- برخوردار از آراستگی ظاهری متناسب با فرهنگ دینی و تجلی و ظهور شخصیت اخلاقی و سیرت باطنی در سلوک ظاهری..... ۱۰۲
- ۱۰-۴-۳۵- امیدوار و خوشبین نسبت به حیات فردی و اجتماعی، با توجه به بنیادهای اعتقادی و فکر صحیح درباره‌ی خداوند، جهان خلقت و خود و توانا بر حفظ خود در شرایط سخت و دشوار و دور بودن از یأس و ناامیدی و سرخوردگی..... ۱۰۲
- ۱۰-۵- برنامه‌های ویژه‌ی دانشجویان مستعد برای اهداف ۳ تا ۵..... ۱۰۲
- ۱۰-۶- آموزش‌های ویژه‌ی دانشجوی مستعد برای اهداف ۳ تا ۵..... ۱۰۲
- ۱۰-۶-۱- ضوابط شرکت در آموزش‌های ویژه..... ۱۰۳
- ۱۰-۷- رسالت متقابل دانش‌آموختگان و دانشگاه..... ۱۰۳

۱۱- فصل یازدهم: پیام‌های نظام‌نامه تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای نهادهای دانشگاه ۱۰۵

- ۱۱-۱- حوزه‌ی ریاست دانشگاه..... ۱۰۸
- ۱۱-۲- اداره کل طرح و برنامه..... ۱۰۹
- ۱۱-۳- اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی..... ۱۱۰
- ۱۱-۴- حوزه‌ی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی..... ۱۱۰
- ۱۱-۵- دانشکده‌ها..... ۱۱۱
- ۱۱-۶- حوزه‌ی معاونت پژوهشی..... ۱۱۳
- ۱۱-۷- حوزه‌ی معاونت دانشجویی و فرهنگی..... ۱۱۴
- ۱۱-۸- حوزه‌ی معاونت اداری و مالی..... ۱۱۶



۱۱۶	۹-۱۱- مرکز رشد
۱۱۷	۱۰-۱۱- بسیج دانشجویی
۱۱۷	۱۱-۱۱- مرکز تحقیقات بسیج
۱۱۸	۱۲-۱۱- هیئت میثاق با شهدا
۱۱۸	۱۳-۱۱- انجمن‌های علمی
۱۱۸	۱۴-۱۱- دفتر اعزام مبلغ
۱۲۱	۱۲- فصل دوازدهم: اشاعه‌ی برنامه
۱۲۳	۱-۱۲- مخاطبان اشاعه
۱۲۳	۲-۱۲- روش‌های اشاعه
۱۲۳	۳-۱۲- پشتیبانی از برنامه
۱۲۳	۴-۱۲- مراحل اجرا و عملیاتی شدن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی
۱۲۵	۱۳- فصل سیزدهم: نظارت و ارزیابی از اجرای نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی
۱۲۷	۱-۱۳- ضرورت پویایی و تکامل مستمر
۱۲۷	۲-۱۳- زمان‌بندی بازنگری در برنامه
۱۲۷	۳-۱۳- مهم‌ترین بخش‌های مورد نظارت
۱۲۹	۱۴- فصل چهاردهم: الگوی جامع مراحل برنامه‌ریزی تربیتی و درسی
۱۳۱	۱-۱۴- مراحل برنامه‌ریزی
۱۳۱	۱-۱-۱۴- پژوهش
۱۳۲	۲-۱-۱۴- تدوین مبانی نظام تربیتی
۱۳۲	۳-۱-۱۴- تدوین نظام‌نامه‌ی تربیتی
۱۳۳	۴-۱-۱۴- تدوین چشم‌انداز، رسالت، اهداف و راهبردهای کلان
۱۳۳	۵-۱-۱۴- تدوین نظام برنامه‌ریزی درسی
۱۳۳	۶-۱-۱۴- تدوین برنامه‌ی درسی رشته‌ها
۱۳۳	۷-۱-۱۴- تدوین برنامه‌های نهادها و تشکیلات
۱۳۴	۸-۱-۱۴- تدوین برنامه‌ی درسی ماده‌ی درسی
۱۳۴	۹-۱-۱۴- اشاعه‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی
۱۳۴	۱۰-۱-۱۴- اجرای برنامه‌ها
۱۳۴	۱۱-۱-۱۴- نظارت و ارزیابی
۱۳۷	تعاریف
۱۴۵	منابع و مأخذ



جدول ۱-۱- آرمان‌های ملهم از اسناد بالادستی دانشگاه.....	۶
جدول ۱-۲- ملاحظات انتخاب رویکرد حقیقت‌محور به‌عنوان رویکرد مبنایی و مشترک.....	۱۰
جدول ۲-۲- ویژگی‌های رویکرد موضوع‌محور.....	۱۱
جدول ۳-۲- ویژگی‌های رویکرد محتوا‌محور.....	۱۱
جدول ۴-۲- ویژگی‌های رویکرد مسأله‌محور.....	۱۳
جدول ۵-۲- ویژگی‌های رویکرد متعلم‌محور.....	۱۶
جدول ۶-۲- ثمرات تعادل میان محتوا‌محوری و متعلم‌محوری.....	۱۶
جدول ۷-۲- راهکارهای تعادل میان موضوع‌محوری و متعلم‌محوری.....	۱۷
جدول ۱-۳- محدوده‌های تلفیق دروس.....	۲۳
جدول ۲-۳- گستره‌ی بُعد وسعت در هم‌افزایی و تلفیق.....	۲۳
جدول ۳-۳- گستره‌ی بعد شدت در هم‌افزایی و تلفیق.....	۲۵
جدول ۴-۳- اقدامات ضروری برای تحقق هم‌افزایی و تلفیق.....	۲۷
جدول ۱-۴- اهداف کلی دروس معارف اسلامی.....	۳۱
جدول ۲-۴- اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد.....	۳۲
جدول ۳-۴- اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی دکتری.....	۳۲
جدول ۴-۴-۳ سطوح اهداف تحصیلی دانشگاه.....	۳۳
جدول ۵-۴- شاخص‌های تصویب رشته.....	۳۵
جدول ۶-۴- فرایند تصویب رشته‌های جدید.....	۳۷
جدول ۷-۴- اصول حاکم بر تعیین دروس هر رشته.....	۳۷
جدول ۸-۴- پیشنهادهاى تنظيم توالی دروس رشته‌ی تحصیلی.....	۳۸
جدول ۹-۴- اصول و ضوابط تنظیم دروس عمومی و معارف اسلامی.....	۴۲
جدول ۱۰-۴- شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ی دروس معارف اسلامی.....	۴۲
جدول ۱۱-۴- نکات مورد توجه در ضرورت و فلسفه‌ی وجودی رشته.....	۴۲
جدول ۱۲-۴- نکات مورد توجه در جدول درس‌های رشته تحصیلی.....	۴۳
جدول ۱۳-۴- شاخص‌های عمومی تصویب پایان‌نامه (مشترک میان دوره‌ی کارشناسی‌ارشد پیوسته و دکتری).....	۴۴
جدول ۱۴-۴- شاخص‌های عمومی تصویب پایان‌نامه (ویژه‌ی دوره‌ی دکتری).....	۴۴
جدول ۱-۵- راهکارهای تقویت ایمان و باور به خدا در برنامه‌های درسی.....	۵۷
جدول ۲-۵- دسته‌بندی کلی علوم.....	۵۸
جدول ۳-۵- اهمّ عوامل محیطی مؤثر در تربیت دینی.....	۶۱
جدول ۱-۷- نکات مورد توجه برای تدوین طرح درس.....	۷۱
جدول ۱-۸- سه بخش عمده در شیوه‌نامه‌ی عملکرد اساتید.....	۷۹
جدول ۲-۸- مراحل سطوح شناختی.....	۸۰
جدول ۳-۸- فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی مرتبط با سطح آن.....	۸۱
جدول ۴-۸- فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو ایمان و گرایش.....	۸۲
جدول ۵-۸- ویژگی‌های ارزشیابی مستمر.....	۸۲
جدول ۶-۸- عوامل ارتقای آموزشی با ارزشیابی مستمر.....	۸۳
جدول ۷-۸- فعالیت‌های مرتبط با ارزشیابی مستمر.....	۸۴

جدول ۹-۱- ویژگی‌های استاد راهنما.....	۹۴
جدول ۱۰-۱- صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی دانشجویان ورودی.....	۹۷
جدول ۱۰-۲- صلاحیت‌های تحصیلی و آموزشی دانشجویان.....	۹۷
جدول ۱۰-۳- شاخص‌های جذب دانشجوی دوره‌ی دکتری.....	۹۸
جدول ۱۰-۴- برنامه‌های ویژه‌ی دانشجویان مستعد برای اهداف ۳ تا ۵.....	۱۰۲
جدول ۱۰-۵- اهداف تدریس متون کلاسیک برای دانشجویان مستعد برای اهداف ۳ تا ۵ (که در جدول ۴-۴- سطوح اهداف تحصیلی، مشخص شده است).....	۱۰۳
جدول ۱۰-۶- ضوابط لازم برای حضور در دوره‌های تدریس متون کلاسیک.....	۱۰۳
جدول ۱۰-۷- مجموعه وظایف و رسالت دوجانبه‌ی دانشگاه و دانش‌آموختگان.....	۱۰۴
جدول ۱۱-۱- اصول حاکم بر فعالیت‌های تشکیلات و نهادهای دانشگاه.....	۱۰۸
جدول ۱۱-۲- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی ریاست دانشگاه.....	۱۰۹
جدول ۱۱-۳- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای اداره کل طرح و برنامه.....	۱۱۰
جدول ۱۱-۴- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای اداره کل روابط عمومی و بین‌المللی.....	۱۱۰
جدول ۱۱-۵- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی.....	۱۱۱
جدول ۱۱-۶- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای دانشکده‌ها.....	۱۱۳
جدول ۱۱-۷- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت پژوهشی.....	۱۱۴
جدول ۱۱-۸- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت دانشجویی و فرهنگی.....	۱۱۶
جدول ۱۱-۹- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت اداری و مالی.....	۱۱۶
جدول ۱۱-۱۰- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای مرکز رشد.....	۱۱۷
جدول ۱۱-۱۱- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای بسیج دانشجویی.....	۱۱۷
جدول ۱۱-۱۴- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای مرکز تحقیقات بسیج.....	۱۱۷
جدول ۱۱-۱۲- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای هیئت میثاق با شهدا.....	۱۱۸
جدول ۱۱-۱۳- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای انجمن‌های علمی.....	۱۱۸
جدول ۱۱-۱۵- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای دفتر اعزام مبلغ.....	۱۱۹
جدول ۱۲-۱- مخاطبان اشاعه‌ی برنامه‌ی تربیتی و برنامه‌ریزی دانشگاه.....	۱۲۳
جدول ۱۲-۲- روش‌های اشاعه‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی دانشگاه.....	۱۲۳
جدول ۱۲-۳- اقدامات لازم به‌منظور اجرای صحیح برنامه‌ی اشاعه.....	۱۲۳
جدول ۱۲-۴- مراحل اجرا و عملیاتی شدن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی.....	۱۲۴
جدول ۱۳-۱- مهم‌ترین بخش‌های مورد نظارت و ارزیابی.....	۱۲۸
جدول ۱۴-۱- نحوه‌ی مشارکت اساتید و اعضای هیئت‌علمی در تولید برنامه‌های درسی.....	۱۳۱

فهرست نمودارها

نمودار ۴-۱- مراحل دوره‌ها و سطوح تحصیلی.....	۳۴
نمودار ۵-۱- نسبت قرآن و سنت به سایر منابع.....	۵۴
نمودار ۱۴-۱- الگوی جامع مراحل برنامه‌ریزی تربیتی (با تکیه بر وحدت رویه و استمرار تحول و تکامل).....	۱۳۵

نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی
دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدخل



دانشگاه امام صادق



دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به عنوان درخت روئیده از متن انقلاب اسلامی و بالنده و تناور شده در دوره استقرار نظام جمهوری اسلامی، هدف و رسالت ویژه و مسئولیتی سترگ برعهده دارد که سایر مسئولیتها ذیل آن قرار می گیرند؛ و آن، ارائه الگویی از یک دانشگاه اسلامی است.

با توفیقات الهی، پس از گذشت بیش از سه دهه از تأسیس دانشگاه، با مدیریت و تدبیر داهیانهای اندیشمند انقلابی مرحوم آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله) گامهای بلندی در جهت این هدف برداشته شده و تجربه های گرانسنگی فراهم آمده است. با توجه به این اندوخته ی گرانقدر و توانایی، قابل قبول است که علاوه بر هدف فوق، رسالت رسیدن به مرجعیت علمی در میان دانشگاه های معتبر جهان نیز از جانب رهبر معظم انقلاب اسلامی بر دوش این دانشگاه قرار داده شده است.

خوشبختانه دستاوردها و تجربه ها که شناخت نسبتاً دقیقی از چالش ها و آسیب ها را نیز به دنبال داشته، این امکان را برای دانشگاه فراهم کرده که در جهت تحقق منویات عالی خود، برنامه های کلان و بنیادی را تدوین و اجرا کند. یکی از این برنامه ها «نظامنامه ی تربیتی و برنامه ریزی درسی» دانشگاه است که طراحی آن از سال ۱۳۹۱ در اداره کل برنامه ریزی و ارزیابی آموزش معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی آغاز شده و در سال ۱۳۹۴ پایان یافته است. این نظامنامه مشتمل بر سه قسمت است که هر قسمت در یک مجلد ارائه شده است. قسمت اول شامل «مبانی نظام تربیتی» است و قسمت های دوم و سوم نیز «نظامنامه ی تربیتی» و «نظام برنامه ریزی درسی» را دربر دارند. این مجموعه ی تفصیلی دارای یک جلد خلاصه شده است که دسترسی برنامه ریزان و مجریان را به موارد کاربردی تسهیل می کند.

این مجموعه مبنا و نقشه ی راه حرکت تربیتی دانشگاه، در همه ی ابعاد تربیت، به خصوص تربیت علمی است. همچنین، این مجموعه منبع استخراج معیارهای سنجش برنامه ها، تصمیم گیری ها و فعالیت های اجرایی در بخش های مختلف تربیتی، آموزشی، پژوهشی و اجرایی است و به طور اخص مسیر برنامه ریزی رشته های دانشگاه و هر واحد درسی را معین می کند.

از آنجا که این دانشگاه در حوزه ی معارف اسلامی و علوم انسانی فعالیت می کند، این نظامنامه حرکت به سوی تولید برنامه و محتوا منطبق با مبانی و موازین اسلامی در رشته های علوم انسانی را نیز تسریع می کند.

این مجموعه دارای ویژگی های زیر است :

۱- تکیه بر معارف و آموزه های قرآن کریم و سنت و سیره ی پیامبر اکرم و اهل بیت بزرگوار ایشان (علیهم السلام) و استفاده از علوم مختلف در ذیل این معارف و آموزه ها؛ به طوری که می توان این مجموعه را نمونه ای از تولید علم انسانی منطبق با مبانی اسلامی به شمار آورد.

۲- بهره مندی از اندیشه های شاگردان ممتاز مکتب قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (رحمه الله)، علامه طباطبایی (رحمه الله)، استاد شهید مطهری (رحمه الله)، مقام معظم رهبری (دامت برکاته) و مرحوم آیت الله مهدوی کنی (رحمه الله).

۳- استفاده از اسناد تولید شده در چند سال اخیر، مانند نقشه ی جامع علمی کشور، مهندسی فرهنگی، سند تحول آموزش و پرورش و برنامه ی درسی ملی و نیز دستاوردهای برخی مجامع آموزشی و پژوهشی کشور نظیر جامعه المصطفی العالمیه، مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و نیز اسناد تولید شده در دانشگاه.

۴- ارائه ی یک برنامه ی جامع، شامل «مبانی برنامه»، «نظامنامه ی تربیتی» و «نظام برنامه ریزی درسی» در قالب یک طرح جامع.

۵- تولید نظریه ی تربیتی و نظریه ی تربیت علمی (یادگیری) با اتکا به معارف اسلامی و آثار علمی دانشمندان مسلمان.

۶- استخراج دلالت های «مبانی برنامه» و استفاده از آنها در تدوین «نظامنامه ی تربیتی» و نیز استخراج دلالت های «نظامنامه ی تربیتی» و استفاده از آنها در تولید «نظام برنامه ریزی درسی»، به منظور حفظ ارتباط طولی این سه قسمت و پیوند وثیق میان آنها.

۷- توجه به آسیب ها و چالش های تربیتی و برنامه ریزی درسی موجود در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) و سایر جوامع دانشگاهی و همچنین مسأله ها و چالش های جهانی.

۸- توجه به انعطاف و پویایی برنامه و نظارت و ارزشیابی از برنامه، به منظور شاداب و پویا ماندن آن.



۹- اتخاذ رویکرد استقلالی در تولید برنامه و حفظ اصالت آن در عین استفاده از دستاوردهای دیگران.

از خداوند حکیم و مدبر که توفیق تولید این مجموعه را عنایت فرمود، سپاسگزاریم و الطاف مخصوص امام عصر علیه السلام را از او طلب می‌کنیم. از همه‌ی اندیشمندان و استادانی که با نقد و راهنمایی و پیشنهادهای خود به اتقان این مجموعه کمک کرده‌اند، قدردانی می‌نماییم. از ریاست محترم دانشگاه حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر محمدسعید مهدوی‌کنی که با توجه خاص، هدایتگر این طرح تا سرانجام مطلوب آن بودند، تشکر می‌کنیم و به روح پر فتوح حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی رحمه الله درود می‌فرستیم و علو درجات ایشان را از خداوند خواستاریم.



نظام جامع تربیتی و برنامه‌ریزی درسی
دانشگاه امام صادق علیه السلام

نظام برنامه‌ریزی درسی



دانشگاه امام صادق

۱- فصل اول:

اسنادِ بالادستے

دانشگاه

۱-۱- بیانیه‌ی رسالت دانشگاه

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به‌عنوان یک دانشگاه اسلامی غیردولتی، در مجموعه‌ی آموزش عالی کشور برای آموزش و توسعه دانش بشری مبتنی بر غایت‌گرایی آفرینش، آموزه‌های وحیانی و معارف و علوم اسلامی پایه‌گذاری شده و بر این باور است که در تعالیم اسلام و مکتب امام صادق (علیه السلام) که تبلور ناب آن می‌باشد، ظرفیت و جامعیتی نهفته است که با کشف، تبیین و کاربردی کردن آن، می‌توان در علوم و فنون بشری به‌ویژه علوم انسانی - اجتماعی تحولی عظیم پدید آورد و در پرتوی آن عالمان شایسته و فرهیخته تربیت کرد.

دانشگاه، بر مبنای اصول و ارزش‌های اسلامی، علم را نوری خدایی، سرمایه‌ای والا و مایه‌ی کمال و تعالی انسان‌های مستعد و مہذب می‌داند و معتقد است که تعلیم و تعلم همراه با تهذیب نفس، در راستای حرکت انبیاء الهی (علیهم السلام) و مهم‌ترین رسالت انسان است و تنها با الهی شدن انگیزه‌ها و هدف‌ها و توأم شدن علم و عمل، نقش حقیقی علم در جامعه‌ی بشری ایفا خواهد شد.

دانشگاه، دور ماندن حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها را از معارف یکدیگر، خسارت جبران‌ناپذیری برای جامعه‌ی اسلامی می‌داند و به‌عنوان یکی از جلوه‌های عینی پیوند حوزه و دانشگاه بر آن است تا با بهره‌مندی از دستاوردها و همکاری نخبگان این دو مرکز علمی، دانش‌آموختگانی دین‌محور، آگاه به زمان و متعهد به آرمان‌ها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله) تربیت کند و در راستای تعلیم و تبلیغ معارف اسلام و اهل بیت (علیهم السلام) الگویی نوین ارائه داده و در نظام آموزش عالی و اداره‌ی امور جامعه اسلامی تحولی اساسی ایجاد کند.

دانشگاه، برای تحقق اهداف و ارتقای مستمر کیفیت خود توجه جدی به موارد زیر را ضروری می‌داند:

۱) جذب نخبگان: انتخاب دانشجویان برجسته و با استعداد از نظر اخلاقی و علمی، استادان عالم، مؤمن و مہذب دارای استقلال فکری.

۲) تقویت ایمان و غیرت دینی، رشد اخلاق اسلامی و تهذیب نفس از راه‌هایی مانند ایجاد فضای سالم اعتقادی و اخلاقی و ارائه آموزه‌ها و الگوهای عملی.

۳) اصلاح و ارتقاء مستمر و توسعه برنامه‌ها و محتوای آموزشی، پژوهش‌محور کردن آموزش‌ها، کارآمد کردن برنامه‌ها و دروس و تأسیس دوره‌های آموزشی جدید در راستای اهداف و براساس نیازسنجی از جامعه خصوصاً در مقاطع تحصیلات تکمیلی.

۴) تقویت پژوهش به‌ویژه در جهت تحقق نظام‌های معرفتی برپایه‌ی تعالیم اسلام، گسترش مرزهای علوم اسلامی و تحقیقات میان‌رشته‌ای بین علوم اسلامی و علوم انسانی - اجتماعی و ارائه‌ی دستاوردهای آن.

۵) رشد فزاینده علمی از راه‌هایی مانند تقویت فضای برخورد از نشاط، انگیزه، خلاقیت و آزاداندیشی علمی، دانش‌پژوهی، ترویج روحیه‌ی نقادی، انتقادپذیری و رسیدن به تفاهم، ایجاد بنیهِ لازم برای کسب مدارج علمی بالاتر و تسهیل دستیابی به منابع علمی و اطلاعات.

۶) ارتقاء کیفیت مدیریت دانشگاه با توجه به مقتضیات و تحولات علمی، اجتماعی و فناوری، تقدم کیفیت بر کمیت برون‌دادها، مشارکت دانشگاهیان و تخصیص بهینه‌ی امتیازات و تسهیلات برپایه‌ی اهداف و نظام ارزشیابی.

۷) تنظیم و تقویت مستمر ارتباط با سایر مراکز علمی، به‌ویژه مراکز علمی همسو و استفاده‌کنندگان از خدمات و دستاوردهای دانشگاه؛ شامل مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی، نهادها و دستگاه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، عموم مردم ایران اسلامی و کشورهای اسلامی و سایر کشورهای جهان.

۸) استفاده از فناوری‌های جدید برای بالا بردن سرعت، دقت و کارآمدی آموزش و پژوهش و تسهیل ارتباطات علمی، با توجه به مقتضیات و نیازهای جامعه؛ با این تأکید که فناوری همواره نقش ابزاری برای تحقق رسالت دانشگاه داشته باشد.

۹) متعهد بودن دانش و دانشگاهیان در قبال عدالت، حرمت و کرامت انسانی، حفظ نعمت‌های الهی و محیط زیست و مشکلات و آلام بشری.



۱۰) متعهد بودن دانش و دانشگاهیان درقبال افزایش انسجام اجتماعی، برادری، محبت، نظم اجتماعی، وجدان کار، تعهدپذیری و کاهش و رفع مشکلات جامعه از راههایی مانند بررسی مستمر نیازها و تغییر و تحولات اجتماعی، کاربردی کردن تحقیقات بنیادی، ارائه راهکارهای علمی و عملی برای برطرف کردن نیازهای متنوع، متحول و فزاینده جامعه، مقابله با تهاجمات فکری و فرهنگی از موضع تفکر اسلامی، هدایت جامعه به سمت خوداتکایی و افزایش مشارکت مردم در اعتلای نظام اسلامی.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) به عنوان اولین دانشگاه اسلامی در ایران و برآمده از انقلاب اسلامی، پیروی از ولایت فقیه را درامتداد پیروی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) یکی از مبانی اساسی خود دانسته و علاوه بر آن، ترکیب خاص هیئت امناء و هیئت علمی (متشکل از فرهیختگان حوزه و دانشگاه) مدیریت عالی، معتبر، نافذ و باثبات و ایجاد فضای مناسب جهت بروز استعدادها و توانمندی‌های زنان در مدیریت دانشگاهی را از مزیت‌های خود می‌داند و درمقابل مقام معظم رهبری (دامت باریکاته)، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و هیئت امناء جامعه الامام الصادق (علیه السلام) پاسخ‌گو است.

دانشگاه بار اصلی تحقق رسالت خود را بردوش اعضاء هیئت علمی و مدیران خود دانسته و در این راستا مشارکت دانشجویان و کارکنان اداری شایسته، کارآمد و سازگار با شرایط دانشگاه را ضروری می‌داند.

۱-۲- چشم‌انداز دانشگاه

چشم‌انداز دانشگاه امام صادق (علیه السلام): دانشگاه اسلامی مرجع

دانشگاه اسلامی: نهادی است در راستای تولید و تحول دانش و تربیت نخبگان علمی و با ایمان براساس معارف اسلامی و تعالیم اهل بیت (علیهم السلام) در علوم و فنون مورد نیاز.

دانشگاه مرجع: دانشگاهی ممتاز در حوزه‌های تخصصی به نحوی که مجموعه برون‌دادهای آن دارای بالاترین اثرگذاری و بیشترین مراجعه‌کننده باشد.

۱-۳- اهداف کلان دانشگاه به ترتیب اولویت

الف: هدف کلان در حوزه تولید علم

تولید، تحول و ارتقاء علوم انسانی - اجتماعی از طریق تولید دانش اسلامی تخصصی هدفمند در رشته‌های علمی مورد نیاز که محصول آن:

۱- موجب تحول اساسی در محتوای برنامه‌های درسی آموزش عالی و اداره‌ی جامعه اسلامی ایران باشد.

۲- در موقعیت مرجعیت علمی جهان قرار گیرد و دانشگاه‌های جاری همسو را متحول نماید.

ب: هدف کلان در حوزه تربیت نیروی انسانی

تربیت نخبگان علمی متعهد به اسلام و انقلاب اسلامی براساس دانش اسلامی تخصصی در رشته‌های مورد نیاز که دانش‌آموختگان آن:

۱- در زمره‌ی رهبران فکری جامعه قرار گیرند.

۲- یا با بالاترین شایستگی در مشاغل هدف، منشأ تحولات اساسی در اداره‌ی جامعه اسلامی شوند.

ج: هدف کلان در حوزه الگوی دانشگاهی

طراحی، اجرا و اشاعه‌ی الگوی نوین دانشگاه اسلامی که:

۱- در پیوند با حوزه‌های علمیه، تحول اساسی در نظام آموزش عالی کشور ایجاد کند.

۲- در سطح دانشگاه‌های مرجع کشور قرار گیرد و برای مؤسسات آموزشی به‌عنوان الگوی دانشگاه اسلامی شناخته شود.

۴-۱- راهبردهای کلان دانشگاه (ابلاغی از جانب مقام معظم رهبری علیه‌السلام)

- ۱- بازتبیین و تقویت نظام فکری حاکم بر دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و مبتنی نمودن کلیه فعالیت‌های دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، اعم از آموزشی و پژوهشی بر آن.
- ۲- کوشش مضاعف به‌منظور سوق دادن متوازن توانمندی‌های دانشگاه به‌سمت تربیت نیروی درجه‌ی یک برای نظام در عرصه‌های علمی و مدیریتی و همچنین تولید علوم انسانی اسلامی در دو حوزه‌ی نظری و کاربردی.
- ۳- بازمهندسی سرفصل‌ها، برنامه‌ها و متون درسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در کلیه‌ی مقاطع تحصیلی، با هدف متوازن‌سازی بیشتر محتوا و حجم آن، و همچنین تلاش مضاعف به‌منظور به‌روزرسانی آن در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب و نظام اسلامی.
- ۴- ارتقاء کیفیت فعالیت‌های آموزشی دانشگاه و گنجاندن فعالیت‌های هدفمند مطالعاتی و پژوهشی در بطن آموزش، با هدف عمق‌بخشی به فرایند تحصیلی.
- ۵- تقویت بخش پژوهشی دانشگاه در قالب راه‌اندازی یک پژوهشگاه قدرتمند در دل دانشگاه با حضور محققان برجسته از میان دانش‌آموختگان دانشگاه و تدوین برنامه‌ی پژوهشی کوتاه‌مدت و درازمدت با اختصاص بودجه و امکانات لازم در جهت نقد علوم انسانی سکولار و تولید علوم انسانی اسلامی.
- ۶- ایجاد انجمن‌های علمی قدرتمند برای هریک از رشته‌های علمی دانشگاه با هدف اتصال دانش‌آموختگان توانا به دانشگاه و امکان بهره‌گیری از آنها در فعالیت‌های علمی، تحقیقاتی و فرهنگی دانشگاه.
- ۷- گسترش کمی تحصیلات در مقطع دکترا و فوق‌دکترا در رشته‌ها و میان‌رشته‌ای‌های متنوع و جذاب با هدف ادامه‌ی تحصیل دانش‌آموختگان دانشگاه.
- ۸- تقویت بخش خاوران از جهت علمی و فرهنگی و تطبیق خروجی این بخش با نیازهای نظام به‌ویژه در عرصه‌ی زن و خانواده.
- ۹- تقویت و تکمیل شاخص‌ها و ضوابط جذب و گزینش دانشگاه به‌منظور ورود نیروهای انقلابی، خوش‌فکر و مستعد در دانشگاه، خصوصاً تقویت مدارس امام صادق علیه‌السلام برای جذب هدفمند از این مدارس.
- ۱۰- برنامه‌ریزی جدی در جهت تربیت انقلابی دانشجویان، تقویت روحیه‌ی انقلابی آنان و همچنین زمینه‌سازی برای اثرگذاری فراجناحی دانشجویان در فضای فرهنگی و سیاسی کشور.
- ۱۱- تعیین مدیران انقلابی و فاضل برای مناصب گوناگون در دانشگاه، ترجیحاً از میان دانش‌آموختگان دانشگاه براساس اصل شایسته‌سالاری.
- ۱۲- ارتقاء برنامه و بودجه‌نویسی در دانشگاه براساس سیاست‌ها و راهبردهای دانشگاه، ایجاد شفافیت در ورود و خروج بودجه به دانشگاه و همچنین توجه مضاعف به اصل چابک و سبک‌بار شدن سازمان و تشکیلات دانشگاه و همچنین صرفه‌جویی.

۵-۱- آرمان‌های ملهم از اسناد

با تأمل و تفکر دقیق در بیانات رهبر کبیر انقلاب اسلامی علیه‌السلام، مقام معظم رهبری علیه‌السلام، بیانیه‌ی رسالت، چشم‌انداز دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، اهداف کلان آن، راهبردهای کلان دانشگاه و نیز رهنمودهای حضرت آیت‌الله مرحوم مهدوی‌کنی علیه‌السلام، درمی‌یابیم که در تمام برنامه‌ریزی‌های درسی و تلاش‌های علمی و آموزشی باید آرمان‌های زیر مدنظر برنامه‌ریزان باشد:

۱- توحیدمحوری در مبدأ، مقصد و مسیر؛

۲- استقرار تمدن اسلامی و توسعه‌ی آن در جهان؛

۳- آمادگی برای برپایی حکومت جهانی مهدوی؛



۴- پایداری و استواری و اعتلای نظام اسلامی و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی؛

۵- گسترش فرهنگ علم‌دوستی و توسعه‌ی علم مبتنی بر مبانی دینی.

جدول ۱-۱- آرمان‌های ملهم از اسناد بالادستی دانشگاه





۲- فصل دوم:

رویکردهای نظام

برنامه ریزی درسه

۲-۱- رویکرد مبنایی و مشترک

رویکرد یا رهیافت، پیام اصلی مبنایی و نظام تربیتی در برنامه‌ریزی و محل به هم رسیدن هست‌ها و باید‌هاست. به تعبیر دیگر، مبنایی هر برنامه دارای پیام و رهیافتی به برنامه است. البته رویکردها با توجه به موضوعاتشان دامنه‌های خاصی دارند. به طور مثال، مجموعه‌ی نظام تربیتی دارای رویکرد فطرت‌گراست. تربیت علمی و برنامه‌ریزی درسی نیز به عنوان بخشی از نظام تربیتی رویکردهایی دارد. براساس انتخاب رویکرد فطرت‌گرا در نظام‌نامه‌ی تربیتی، رویکرد مبنایی و مشترک در برنامه‌ریزی درسی رویکرد «حقیقت‌محور» است. نکات زیر در انتخاب این رویکرد مدنظر بوده است:

۱- در مبنایی انسان‌شناسی توضیح داده شد که یکی از گرایش‌های فطری انسان، گرایش به حقیقت و حقیقت‌طلبی است. خداوند انسان را طالب درک حقیقت آفریده و معرفت به حق را از مقاصد اصلی یا اصلی‌ترین مقصد وی قرار داده است. بر مبنای این ویژگی انسانی در نظام‌نامه‌ی تربیتی، ساحت تربیت علمی یکی از ساحت‌های تربیت شناخته شد و بیان گردید که این ساحت خودش بال‌إصالة هدف است و معرفت به حقیقت جنبه‌ی ابزاری ندارد.^۱

۲- از آنجا که حقیقت ذو مراتب است، معرفت نیز تشکیکی و ذو مراتب می‌شود و معرفت به مراتب متعالی حقیقت اولویت پیدا می‌کند و مراتب پایین حقیقت جنبه‌ی تبعی یا مقدّمی به خود می‌گیرند و از آنجا که خداوند متعال حق مطلق است، معرفت به خدای تعالی اولویت اول تربیت علمی و برنامه‌ریزی درسی است و همه‌ی تعلیم و تعلّم‌ها ذیل معرفت به خداوند قرار می‌گیرند و در نسبت با این معرفت معنا پیدا می‌کنند.^۲

۳- مخلوقات جهان و پدیده‌های هستی همان‌طور که از جهت وجودی عین تعلق به خداوند و وابستگی به او هستند و جز فقر وجودی حیثیتی ندارند، از جهت معرفتی نیز فقط حیثیت آیه‌ای و نشانه‌ای دارند. از این‌رو شناخت مخلوقات و پدیده‌های هستی در وهله‌ی اول به منزله‌ی شناخت وجه آیه‌ای آنها و در جهت معرفت الهی و درک حقیقت مطلق است. بنابراین رویکرد حقیقت‌گرا در تربیت علمی از مرتبه‌ی معرفت الهی به تمام مراتب معرفتی نسبت به پدیده‌های خلقت سرایت می‌کند و برنامه‌های درسی باید حقیقت‌طلبی در تمام مسائل مطرح

^۱ هدف اصلی این بند توجه به این نکته است که حقیقت گرچه در یک مورد خودش بال‌إصالة هدف است و علم بماهو علم جنبه‌ی ابزاری ندارد. اگر علم بماهو علم جنبه‌ی ابزاری داشته باشد، دیگر نمی‌توان یک مصداق از آنرا استثنا کرد. استاد مطهری در تبیین این موضوع می‌فرماید: «در انسان غریزه‌ی حقیقت‌جویی و تحقیق وجود دارد؛ نفس دانایی و آگاهی برای انسان مطلوب و لذت‌بخش است. علم گذشته از اینکه وسیله‌ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده‌ی مسئولیت برآمدن فی‌حدنفسه نیز مطلوب بشر است. انسان اگر بداند رازی و رای کهکشانشا وجود دارد و داشتن و نداشتن آن تأثیری در زندگی او ندارد، باز هم ترجیح می‌دهد که آنرا بداند. انسان طبعاً از چهل فرار می‌کند و به سوی علم می‌شتابد. بنابراین علم و آگاهی یکی از ابعاد معنوی وجود انسان است.» (مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۷۵)

حال که خداوند فطرت فطرت حقیقت‌جویی را در انسان قرار داده، پس باید به دنبال همه‌ی علوم برود؟

پاسخ این است که: اگر واقعاً عمر انسان اجازه بدهد و انسان از رشد و سایر ابعاد وجودی خود بازماند، داشتن همه‌ی علوم و درک هر حقیقتی هرچند کوچک، مطلوب است و به همان اندازه هم کمال شمرده می‌شود. اما این دو محدودیت سبب می‌شود که انسان در کسب حقیقت اولویت‌بندی کند و برخی از علوم را به خاطر موضوعاتشان بال‌إصالة هدف قرار دهد و برخی از علوم را به خاطر نیازهای مختلف واجب بداند. به همین جهت استاد مطهری در پاسخ به این سؤال که آیا علم از نظر اسلام هدف است یا وسیله می‌فرماید: «بدون شک بعضی از علوم هدف است؛ مثل معارف ربوبی و خداشناسی و آنچه از شئون خداشناسی شمرده می‌شود، مثل معارف مربوط به خودشناسی و معاد.» (بیست گفتار، ص ۲۶۳)

اگر بخواهیم این سخن استاد را مفسر سخن قبلی قرار دهیم این نتیجه به دست می‌آید که فطرت حقیقت‌طلبی باید ابتدا برای معارف ربوبی و شئون آن شکوفا شود تا انسان به برترین حقیقت که معرفت ربوبی است علم پیدا کند.

موضوع دیگری که استاد بدان می‌پردازد، علوم واجب و غیرواجب است. از این منظر، ایشان برخی علوم را واجب و برخی دیگر را غیرواجب می‌دانند. در اینجا است که وجوب تهیوی علم مطرح می‌گردد؛ و همان‌طور که ایشان مثال زده، یاد گرفتن احکام نماز، روزه، حج و طهارت از مصداق‌های واجب تهیوی است. این مباحث، همه در طول مطلوب بالذات بودن علم است، نه در عرض آن.

^۲ درباره‌ی حق بودن خداوند و همچنین درباره‌ی معرفت به خداوند و نسبت آن با عبودیت در مبنایی نظام تربیتی (در بخش خداشناسی) توضیح داده شده است.

در شاخه‌های علوم را پیگیری نمایند و محتوای درسی ناظر به این رویکرد تدوین شود و اساتید نیز مطابق با این رویکرد تدریس نمایند و دانشجویان را تربیت کنند.^۱

۴- حقیقت‌گرایی در تربیت علمی مانع از استفاده‌ی از علم برای رفع نیازهای زیستی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، اقتصادی و نظایر آن نیست بلکه به‌معنای فرونکاستن علم در حد ابزار و نگاه پراگماتیستی صرف به آن است. بنابراین رویکردهای فرعی دیگری در اینجا مطرح می‌شود که در ذیل این رویکرد اصلی باید مورد ملاحظه و توجه قرار گیرند.

جدول ۱-۲- ملاحظات انتخاب رویکرد حقیقت‌محور به‌عنوان رویکرد مبنایی و مشترک

۲-۲- رویکردهای فرعی

بر مبنای روابط دوگانه‌ی تربیت علمی با سایر ابعاد تربیت و نیز رابطه‌ی جمعی آنها که در بخش نظام‌نامه‌ی تربیتی توضیح داده شد، در چارچوب رویکرد اصلی برنامه‌ریزی درسی و با محوریت آن، رویکردهای دیگری نیز موضوعیت می‌یابند که باید در تدوین برنامه‌های هر رشته‌ی تحصیلی و نیز هر ماده‌ی درسی به آنها توجه شود و با ملاحظه آنها برنامه‌ریزی صورت بگیرد. هر کدام از این رویکردها در عرض یکدیگر و درمقابل هم نیستند، بلکه به وجه خاصی از برنامه ارتباط دارند؛ لذا مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند و به کمک هم برنامه را سامان می‌دهند. این رویکردها عبارتند از:

۲-۲-۱- رویکرد موضوع‌محور

این رویکرد با فرایند منطقی ذهن تناسب بیشتر دارد و هدف اصلی آن دادن بینش صحیح و منطقی به متربی است. در این شیوه، آموزش یک سیر منطقی دارد؛ یعنی کلی‌ترین و پایه‌ای‌ترین مسائل و موضوع هر علم شروع می‌شود و به شاخه‌ها و فروع آن علم خاتمه می‌یابد. در طرح هر موضوع و هر مسأله دلایلی در تبیین و اثبات اقامه می‌گردد تا عقل و تفکر اقناع شود و متربی آن دلایل را بپذیرد. این رویکرد در مباحث بنیانی و نظری، مانند مباحث کلامی و فلسفی کارایی بیشتری دارد و متربی می‌تواند به یک معرفت نظری متفن و محکم دست یابد. بیشتر کتاب‌های فلسفی و کلامی و فقهی و حتی کتاب‌هایی که در علوم طبیعی نوشته می‌شود، با چنین رویکردی نوشته شده است، که البته برای کتاب‌هایی که جنبه‌ی آموزشی ندارند، مناسب است.

در حقیقت، در این رویکرد تقدم و تأخر موضوعی و اولویت موضوعی بیش از هر امر دیگری در طراحی مسیر تفکر اولویت دارد و به موقعیت یا نیاز متربی کمتر توجه می‌شود. به عبارت دیگر، ساختار موضوعی آن علمی که آموزش داده می‌شود، تعیین‌کننده‌ی اولویت‌های آموزش است، نه مسأله‌ها و نیازهایی که متربی هم‌اکنون با آنها مواجه است. در این رویکرد ویژگی‌های زیر مشاهده می‌شود:

- ۱- ارتباط منطقی و معرفتی میان مباحث بسیار خوب است.
- ۲- حجم مفاهیم ارائه‌شده معمولاً زیاد است.
- ۳- میزان اطلاعات متربی، در موضوعات طرح‌شده معمولاً بالاست.
- ۴- ذهن متربی انسجام نظری مطلوب پیدا می‌کند.
- ۵- میان دانسته‌ها ارتباط منطقی برقرار است و متربی توانایی انتقال از اصول به فروع را کسب می‌کند.
- ۶- متربی معمولاً فعال نیست و نقش انفعالی دارد.
- ۷- مهارت‌های تفکر در معرض تمرین و پرورش قرار نمی‌گیرد.
- ۸- آموخته‌ها کمتر منجر به تغییر نگرش و رفتار می‌شود.
- ۹- روش‌های فعال و متنوع تدریس، کاربرد کمتری دارند.
- ۱۰- فعالیت اصلی تدریس برعهده‌ی مربی و استاد قرار می‌گیرد.
- ۱۱- آموخته‌ها کمتر با نیازها و مسأله‌های روز گره می‌خورد.

^۱ آیت‌الله جوادی آملی در مجموعه‌ی مباحث خود پیرامون علم دینی بر این موضوع تکیه می‌کند.

۱۲- امکان برنامه‌ریزی کلی و کلان و مشترک بیشتر فراهم می‌گردد.

۱۳- برنامه‌ی درسی از کل به جزء تنظیم می‌شود و واحد یا درس براساس موضوع‌ها و مفاهیم سازماندهی می‌شود.

۱۴- ماده‌ی درسی براساس حوزه‌ها یا رشته‌های متمایز و به‌صورت جدا ارائه می‌شود.

۱۵- تحول در کتاب‌های درسی و برنامه‌های آموزشی کمتر صورت می‌گیرد.

جدول ۲-۲- ویژگی‌های رویکرد موضوع‌محور

۲-۲-۲- رویکرد محتوا/محور

در این رویکرد، محتوای تفکر و یادگیری از قبل توسط برنامه‌ریزان طراحی و تدوین می‌شود و در اختیار استاد و دانشجو (مربی و متربی) قرار می‌گیرد. در نتیجه استاد صرفاً باید همین محتوای آموزشی را تدریس کند و امکان دخل و تصرف در آن وجود ندارد یا به حداقل می‌رسد. این رویکرد دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- محتوای آموزشی دارای اعتبار علمی است؛ زیرا توسط کارشناسان و مؤلفان متخصص و مجرب تدوین شده است.

۲- از انعطاف کمتری برخوردار است و براساس اصول معین و ثابتی تدوین شده است.

۳- معمولاً جمع گسترده‌ای از متربیان را در یک منطقه یا استان و حتی کشور را دربر می‌گیرد و به جمع متربیان، دانش واحدی را انتقال می‌دهد.

۴- امکان آزمون‌گیری سراسری را به برنامه‌ریزان می‌دهد، زیرا محتوا ثابت است و همه از یک محتوا استفاده می‌کنند.

۵- امکان دخالت دادن اهداف کلان تربیتی را در تدوین محتوا فراهم می‌کند و از دخالت مربیان در یک کلاس یا یک منطقه برای توجه به اهداف تربیتی آنها می‌کاهد.

۶- مربی و استاد در کلاس با محتوای روشن و مشخص سروکار دارد و کار تربیت برای او آسان‌تر است.

۷- با رویکرد موضوع‌محور تناسب بیشتری دارد، زیرا کارشناسان و مؤلفان می‌توانند براساس طراحی موضوعی، محتوا را تدوین کنند.

۸- ویژگی‌ها و سلايق متربیان کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

۹- تصمیم‌گیری برنامه‌ریزان، عامل اصلی تعیین محتوا یا تغییر آنهاست.

۱۰- توجه به یادگیری حافظه‌ای افزایش می‌یابد.

۱۱- فعالیت‌های یادگیری تابعی از سازماندهی محتوا می‌شود و اگر در محتوا فعال شدن یادگیرنده و متربی پیش‌بینی شده باشد، تاحدودی متربی فعال می‌شود و اگر پیش‌بینی نشده باشد، یادگیرنده منفعل است.

جدول ۲-۳- ویژگی‌های رویکرد محتوا/محور

۲-۳-۲- رویکرد مسأله‌محور

این رویکرد که در نقطه‌ی مقابل رویکردهای موضوع‌محور و محتوا/محور است و به‌منظور رفع کاستی‌های این دو رویکرد مطرح شد. انعطاف‌ناپذیری آن دو رویکرد و اعتقاد به وجود قوانین ثابت و مراحل از پیش تعیین‌شده برای یادگیری و عدم توجه به نیازهای جدید و خاص، توجه به رویکرد مسأله‌محور را افزایش داد.

زمینه‌ی رشد و تکوین رویکرد مسأله‌محور یا حل مسأله، رئالیسم انتقادی و تجربه‌گرایی جدید است. کارل پوپر در کتاب «زندگی سراسر حل مسأله است»، به حل مسأله، نگاه فلسفی می‌کند و به‌نوعی آن را غایت و هدف مجموعه‌ی فرایندهای طبیعی و افعال انسانی می‌شمارد. در این دیدگاه، بودن و بقای هر موجودی از جمله انسان با حل مسأله گره خورده است. یعنی همه‌ی موجودات در مواجهه‌ی با موانع و باید موانع را حل کنند تا بتوانند بمانند. بنابر این دیدگاه، حل مسأله خودش موضوعیت و اصالت دارد و لذا مسأله متفاوت با

سؤال است. سؤال، ریشه در گرایش انسان به فهمیدن و کشف حقایق علمی و لذت بردن از دانش است. سؤال، درآمدن از نقص به کمال در حوزه‌ی معرفت است.

درست است که در رویکرد حل مسأله هم، انسان با دانستن مسأله را حل می‌کند اما ارزش علم به حل مسأله است و صرفاً جنبه‌ی ابزاری دارد. به عبارت دیگر، علم در انسان همان نقشی را ایفا می‌کند که گلیول سفید در بدن انجام می‌دهد و سبب بقای شخص می‌شود. ممکن است ما در محاوره، از اصطلاح «مسأله» در همان معنی «سؤال» استفاده کنیم، اما باید به خاستگاه معنایی این قبیل اصطلاحات توجه کنیم که حقیقتاً حل سؤال با حل مسأله تفاوت دارد و ما هم با مسأله مواجهیم و هم با سؤال. اگر به سؤال کودکان توجه کنیم، می‌بینیم که بسیاری از سؤال‌های آنان از سر کنجکاوی است. آنان گمشده‌ای دارند و می‌خواهند بیابند. بیدار نگهداشتن این روحیه و تکامل آن، حقیقت‌طلبی را زنده نگه می‌دارد. البته همین کودکان وقتی با مشکلی روبرو می‌شوند و مسأله‌ای پیدا می‌کنند نیز می‌پرسند. یعنی هر انسانی دو دسته پرسش دارد؛ پرسشی از سر کنجکاوی و حقیقت‌طلبی و پرسشی ناشی از پیدا کردن مشکل و مسأله. تعادل و تناسب میان این دو دسته پرسش از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا تعلیم و تعلم و علم‌آموزی برای رفع دو نیاز است؛ یک نیاز فطری برای کشف حقایق جهان از مبدأ هستی (یعنی خدا) تا همه‌ی نظام خلقت. انسان به دنبال آن است که «عالم عقلی بشود متناظر با عالم عینی». یک نیاز طبیعی و روزمره هم دارد. بسیاری از رشته‌های علمی امروز مانند پزشکی، مهندسی و کشاورزی برای رفع نیازهای طبیعی است. آنچه امروزه تحت‌عنوان «پیوند میان دانشگاه و صنعت» مطرح شده، این پیام را در خود دارد که آموختن برای رفع نیازهای عموماً مادی و طبیعی زندگی است. و اگر این پیام اصالت پیدا کند و کلیت یابد، آثار و تبعات منفی فراوانی دارد.

مبادی نظریه‌ای که قائل است علم برای حل مسأله است با اصل فطرت علم‌دوستی و اصالت علم در تقابل است. مطابق این دیدگاه، علم تابعی از نیازهای مادی است و ارزش ذاتی ندارد. از حیث غایت‌نگری نیز نمی‌توان برای تربیت عقلانی، غایت بالذات قائل شد و به عقل اصالت ذاتی داد. از همین خاستگاه است که «عقلانیت ابزاری» ظهور می‌کند و جایگاه عقل در حد «عقل ابزاری» تنزل پیدا می‌کند. ارزش ذاتی علم در اسلام و تابع صرف نیازهای روزمره قرار نگرفتن آن، درعین توجه به علم نافع، سبب اتخاذ یک دیدگاه متعادل در این زمینه شده است. با توجه به این دیدگاه، اعتدالی است که همچنان می‌توان مداد علماء را افضل از دماء شهدا دانست و پیام قرآن کریم را به گوش جان دریافت که: ﴿... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ...﴾ - فاطر، ۲۸.

پس با توجه به تفاوت میان سؤال و مسأله و خاستگاه «مسأله»، رویکرد مسأله‌محور باید در دانش‌هایی اولویت پیدا کند که با زندگی مادی و طبیعی ما پیوند خورده است؛ مانند دانش پزشکی و رشته‌های مهندسی. همچنین دانش‌هایی که برای زندگی اجتماعی پدید آمده و توسعه پیدا کرده‌اند، مانند حقوق و اقتصاد. این رویکرد دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- مسأله‌ها و نیازهای متربی در اولویت آموزش قرار می‌گیرند.
- ۲- بر حل مسأله در محیط زندگی تأکید می‌شود.
- ۳- امکان طراحی برنامه‌ی درسی در محیط آموزش فراهم می‌شود، به‌طوری‌که تربیت از تمرکززدایی بیرون بیاید و نیازهای محیطی مورد توجه قرار بگیرند.
- ۴- امکان متنوع شدن مواد تربیتی بیشتر فراهم می‌شود.
- ۵- از منابع آموزشی محیطی بیشتر می‌توان استفاده کرد.
- ۶- شرایط استفاده از روش‌های فعال و مشارکت دانشجویان در تدریس بیشتر فراهم می‌گردد.
- ۷- فرصت‌های متعدد و متنوعی پیش‌روی متربیان قرار می‌گیرد و امکان انتخاب‌های مشخص فراهم می‌شود.
- ۸- تنوع مسأله‌ها و تمرین آنها مهارت تفکر را بهتر رشد داده و به متربیان در مواجهه‌ی با مسأله‌های جدید کمک می‌کند.
- ۹- ذهن متربی از انسجام علمی و منطق، بهره‌ی کمتری دارد و از توانایی کمتری برای برقراری ارتباط میان آموخته‌ها برخوردار است.

۱۰- متری می‌تواند میان اصول و فروع ارتباط برقرار کند؛ در نتیجه، دارای دیدگاه کلی در حوزه‌ی علمی موردنظر نیست.

۱۱- متری بیشتر به جنبه‌ی عملی دانش خود توجه دارد و در صورت ورود مبانی غلط به این دانش، دیرتر متوجه ورود آنها می‌شود.

۱۲- کل‌نگری متری ضعیف است و توانایی کمتری در نقد مبانی دیدگاه‌های مختلف دارد.

۱۳- امکان تلفیق ماده‌های درسی و ارائه‌ی آنها در درس واحد فراهم می‌شود. زیرا می‌توان به یک مسأله‌ی محیطی و اجتماعی از زوایای مختلف نگاه کرد.

جدول ۲-۴- ویژگی‌های رویکرد مسأله‌محور

۲-۳-۱- تعادل میان موضوع‌محوری و مسأله‌محوری

با توجه به مبانی معرفت‌شناسی (به‌خصوص نحوه‌ی تقسیم موضوعی علوم) و انسان‌شناسی و اهدافی که در رشد تفکر موردنظر است، و مباحثی که در بُعد تربیت علمی خواهد آمد و نیز با توجه به امتیازات و معایب دو رویکرد موضوع‌محور و مسأله‌محور، ضروری است که برنامه‌ی رشد تفکر و یادگیری با رویکرد تعادل میان موضوع‌محور و مسأله‌محور تنظیم شود.

در این برنامه، مسأله‌محوری در بستر و دامن موضوع‌محوری قرار می‌گیرد تا متناسب با موضوع‌ها و علوم، قبض و بسط یابد. بنابراین در علوم که جنبه‌ی کاربردی آنها غالب است، مانند مدیریت و اقتصاد، میزان مسأله‌محوری بسط می‌یابد و در علوم که جنبه‌ی نظری آنها غلبه دارد و دیدگاه کلی به متری می‌دهد، مانند الهیات و فلسفه، باید جنبه‌ی مسأله‌محوری قبض پیدا کند. البته منظور این نیست که در علوم الهیات و فلسفه به مسأله‌ها توجه کمتر می‌شود، بلکه منظور اولویت رویکردی است. یعنی مسأله‌ها زیر چتر موضوع‌ها قرار می‌گیرند و در بستر آنها طرح می‌شوند تا آن انسجام نظری لازم به متری داده شود. تا وی بتواند در مدیریت و اقتصاد نیز با آن نگرش کلی وارد شود و هدف و غایت را در درازمدت اشتباه نگیرد.

این رویکرد تعادلی باید در هر شاخه‌ی علمی و نسبت به موضوع‌های درون آن علم نیز حفظ شود. به‌طور مثال، در علم فقه، موضوعی مانند امر به معروف و نهی از منکر که همواره با مسأله‌های نو مواجه است، رویکرد مسأله‌محور بسط می‌یابد. اما در موضوعی مانند نماز رویکرد مسأله‌محور قبض داشته و جایگاه زیادی ندارد.

تشخیص قبض و بسط این دو رویکرد و در داخل علوم هر رشته برعهده‌ی متخصصان آن رشته، با رعایت نکات ذکرشده در این نظام‌نامه است.

۲-۳-۴- رویکرد غایت‌محور

در این رویکرد، پرورش تفکر و فعالیت یادگیری برای اهداف و غایات تعیین‌شده صورت می‌گیرد و متعلم برای رسیدن به آن اهداف اقدام به یادگیری می‌کند. یعنی آنچه در این رویکرد اصالت دارد، هدف و نتیجه است. در مقابل این رویکرد، «رویکرد فرایندمحور» قرار دارد که اصالت را به فرایند تفکر و یادگیری می‌دهد و کاری به نتیجه ندارد.

از آنجاکه در رویکرد غایت‌محور غایت از پیش تعیین‌شده است، مربی و معلم تلاش می‌کند متری را به آن هدف برساند. به‌طور مثال مربی می‌خواهد به متری بفهماند که رعایت بهداشت برای انسان مفید است. در اینجا هدف، از پیش تعیین‌شده و متری باید با انجام فرایندی از تعلیم و تعلم این هدف را بفهمد و قبول کند.

در اینجا مربی می‌تواند به دو نحوه عمل کند: یکی اینکه فکر کند فرایند یادگیری و پرورش تفکر، جنبه‌ی ابزاری دارد و خودش اصالت ندارد؛ در این صورت خود را مجاز می‌بیند که از هر راهی برای رسیدن به هدف و قبول کردن متری استفاده کند، گرچه آن راه به قدرت یادگیری و تفکر آسیب وارد نماید.

دیگر اینکه، مربی برای فرایند یادگیری نیز اهمیت قائل شود و بگوید هدف من تنها قبول و پذیرش متری نیست، بلکه مهارت در فرایند یادگیری هم جزء هدف هست؛ در این صورت فقط از فرایند درست یادگیری کمک بگیرد و بکوشد که متری با تمرین درست

فرایند به‌هدف برسد و اگر در یک مرحله نتوانست به‌هدف برسد، آن را برای زمان دیگر بگذارد تا بالأخره ذهن متربی آماده‌ی درک آن دانش بشود و یادگیری اتفاق افتد.

این شیوه‌ی عمل در رویکرد غایت‌محور، روش درستی است که در غالب موضوع‌های تربیتی کاربرد دارد. هر پدر و مادری برای تربیت فرزندان خود غایاتی درنظر گرفته‌اند. مدرسه و دانشگاه دارای اهداف از پیش تعیین‌شده در هر رشته‌ی درسی هستند و در صورتی کارنامه‌ی قبولی به دانش‌آموز و دانشجو می‌دهند که به‌حد نصابی از آن اهداف دست یابند. دین نیز که برنامه‌ی هدایتی بشر است، دارای اهداف معین و راه مشخص است. دیندار از بی‌دین و مؤمن از کافر متمایز شده و هرکس به اوصاف مشخصی آراسته باشد، دیندار و مؤمن خوانده می‌شود و سعادت و رستگاری را در آغوش خواهد گرفت.

البته معرفت به این اهداف و پذیرش علمی آنها از سوی متربی فقط از یک راه میسر است و آن عبارت است از پیمودن فرایند تفکر و تعقل که خداوند در نهاد بشر قرار داده است. مربی نمی‌تواند از جهالت متربی استفاده کند و با اغفال یا ایجاد تعصب قبیله‌ای، قومی، ملیتی و نظایر آن، او را به پذیرش جاهلانه سوق دهد. بلکه باید متربی، متناسب با اقتضائات سنی خود، عاقلانه و آگاهانه کاری را بپذیرد و انجام دهد. از این‌رو چه‌بسا در مسیر تربیت، ریزش‌هایی وجود داشته باشد و برخی از متربیان به این دریافت آگاهانه نرسند.

بنابراین باید میان غایت و روش رسیدن به غایت، هماهنگی برقرار شود؛ از یک طرف، تربیت بدون غایت معنا ندارد و از طرف دیگر، غایت که از طریق فرایند تفکر به‌دست نیامده باشد، ارزش ندارد و برای متربی کمال محسوب نمی‌شود.

۲-۵- رویکرد فرایند‌محور

عمل تفکر، همان‌طور که در تعریف آن آمد، دارای مراحل و فرایندی ویژه است. به عبارت دیگر، تفکر مجموعه‌ی اعمال بی‌نظم و بدون ارتباط با یکدیگر نیست؛ بلکه مجموعه‌ای زنجیروار از کارهای فکری پیوسته و منظم است، به‌طوری‌که اگر یکی از این کارها تحقق نیابد، ادامه‌ی زنجیره هم تحقق نخواهد یافت.

اصول و پایه‌های تفکر ثابت و عمومی است و در همه‌ی اقسام تفکر وجود دارند. این اصول که در دانش منطق آموزش داده می‌شود، در رشته‌های مختلف علمی، متناسب با موضوع‌های آن علم، تفصیل می‌یابند و روش (متدولوژی) آموزش آن علم را پدید می‌آورند. متدولوژی‌ها، توضیح‌دهنده‌ی فرایند یادگیری در هریک از شاخه‌های دانش هستند. به‌طور مثال، برای کشف علت یک بیماری در پزشکی فرایند خاصی وجود دارد که با فرایند قبول معاد در جهان متفاوت است.

البته فرایندهای یادگیری و تفکر، از فرایندهای ساده و پیچیده تشکیل شده‌اند که متناسب با سن و دوره‌ی آموزش باید به متربی آموزش داده شود و متربی باید مهارت استفاده از فرایندها را کسب کند.

برای اینکه قوه‌ی تفکر شکوفا شود و مهارت‌های فکر کردن ملکه‌ی متربی گردد، این پیشنهاد به مربی داده می‌شود که متربی را با مسأله مواجه کند و بدون درنظر گرفتن نتیجه‌ی مطلوب و غایت از پیش تعیین‌شده به او اجازه دهد که مهارت‌های تفکر را تمرین کند، هرچند که متربی به نتایجی که ما انتظار داریم، نرسد و متفاوت با دیدگاه مربی اظهارنظر کند؛ زیرا این کار منجر به پرورش قدرت ذهنی و دستیابی به مهارت‌های تفکر می‌شود. بنابراین در این رویکرد، اصل با فرایند تفکر است، خواه نتیجه‌ی مطلوب به‌دست آید و خواه نیاید.

اصالت دادن به رویکرد فرایند‌محور، در علوم انسانی و به‌خصوص اخلاق و فرهنگ و اصول پذیرفته‌شده میان یک ملت و جامعه، چالش‌برانگیز شده است. این چالش در آنجا خود را بیشتر نشان می‌دهد که ارزش‌ها و اصول اخلاقی و فرهنگ جوامع، امور نسبی و قراردادی فرض شوند به‌گونه‌ای که ملت‌ها متناسب با سلیقه‌ی خود انتخاب می‌کنند. از این‌رو برخی از فیلسوفان تربیت متذکر می‌شوند که ما نباید ارزش‌ها و اصول اخلاقی پذیرفته‌شده‌ی خود را به‌عنوان غایت مطلوب تربیت تلقی کنیم و بکوشیم که متربی حتماً به همین اصول و ارزش‌ها برسد، زیرا این امور سلیقه‌ای هستند و نیاز نیست که آنها را بر نسل بعد از خود تحمیل کنیم. از نظر این فیلسوفان، در هنگام تفکر در ارزش‌ها و اخلاق و اموری از این قبیل، باید اصالت را به فرایند تفکر بدهیم و بگذاریم که متربی به نتیجه‌ای که خودش به‌دست

می‌آورد، معتقد شود و همین هم مطلوب است. اینان می‌گویند البته همین فرایندمحوری در مسائل و موضوعات علوم طبیعی نیز مطرح است که البته در آنجا چالش‌برانگیز نیست و به‌دست آوردن نتایج متفاوت با گذشتگان مطلوب هم هست و سبب پیشرفت علم می‌شود.

برخی دیگر از فیلسوفان معتقدند که این رویکرد با اصل تربیت منافات دارد؛ زیرا تربیت برای آن است که متری به‌طور پرورش شود که به یک شهروند مطلوب تبدیل شود و هنجارهای جامعه‌ی خود را بپذیرد و مخالف هنجارها عمل نکند. اگر این تربیت اتفاق نیفتد، همواره با افراد هنجارشکنی روبرو خواهیم بود که نظم جامعه را مخدوش می‌کنند و سبب هرج‌ومرج در جامعه می‌شوند.

یکی از عوامل وضع موجود زندگی مدرن در غرب، همین چالش میان غایت‌محوری، نسبی‌گرایی و فرایندمحوری است. غایت‌محوری در فلسفه‌ای از تربیت موضوعیت دارد که معتقد به غایت فطری و عمومی و عقلانی باشد، نه غایات عرفی و قراردادی. اگر کسی برای اخلاق و ارزش‌ها پایگاه فطری و عقلانی قائل نباشد، به‌طور طبیعی فرایندمحوری در تفکر را درمقابل غایت‌محوری خواهید داید و به‌ناچار باید میان آنها یکی را برگزیند.

۲-۵-۱- تعادل میان غایت‌محوری و فرایندمحوری

با توجه به مبانی ذکرشده در معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، نه‌تنها میان غایت‌گرایی و تقویت فرایند تفکر تناقض و چالشی نیست، بلکه با افزایش قدرت تفکر و تعقل دستیابی به غایات اصیل انسان امکان‌پذیر است. بنابراین نه‌تنها فرایند تفکر اصالت دارد، بلکه با توانمندی در تفکر است که دستیابی به غایات عمومی و انسانی که مشترک میان عموم انسان‌هاست، امکان‌پذیر است.

مطابق با این دیدگاه، روی آوردن برخی از افراد به ارزش‌ها و هنجارهای غیرمعارف و غیرمعمول، ریشه در اموری از قبیل تعصب‌ها، تقلیدهای غیرمعمول، لجاجت، تحمیل و تحمیق قدرتمندان و ظالمان، سلطه‌ی هوای نفس و هوس بر انسان و در یک کلمه، جهالت انسان دارد. تربیت صحیح باید بتواند این زنجیرها را از دست‌وپای تفکر و تعقل باز کند تا عقل از اسارت درآمد و آزادانه فرایند تفکر را بیماید و به هدف مطلوب برسد. البته در اینجا ممکن است که انسان متفکر دچار خطا و اشتباه شود؛ که البته با توجه به آنچه درباره‌ی عقل آمد، این قبیل اشتباهات که از روی تعصب و تقلید و لجاجت نیست، دامنه‌ی بسیار محدودی خواهد داشت و منجر به تفاوت و اختلاف در اصول اخلاقی و ارزشی درمیان اغلب مردم نخواهد شد.

با توجه به نکات فوق، مربی باید میان فرایندمحوری و غایت‌محوری تعادل برقرار کند. بدین معنا که از یک طرف دارای غایات تربیتی معین و پذیرفته‌شده از دین (عقل و شرع) باشد؛ و از طرف دیگر تمام تلاش خود را بکند که متری به‌طور پرورش و به‌دور از جهالت‌ها و تعصب‌ها، فرایند تفکر و مهارت‌های فکر کردن را بیاموزد و به‌کار ببرد تا به حقیقت نائل شود و این رویکرد برای او یک اصل باشد و بداند که متری، اگر هم در مسیر تربیت دچار فرازونشیب شود، بالأخره به شاهراه فلاح دست خواهد یافت.

۲-۶- رویکرد متعلم‌محور

در این رویکرد، مبنای تفکر و یادگیری، نیازها و علایق متری و یادگیرنده است و فعالیت‌های یادگیری و انتخاب و سازماندهی محتوا بر این اساس صورت می‌گیرد.

این رویکرد دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- از انعطاف بالایی برای دخالت دادن نیازها و علایق متری برخوردار است و مربیان و اساتید می‌توانند با توجه به نیازهای اقلیمی، فرهنگی و حتی فردی یادگیرنده‌ها، فعالیت‌های یادگیری را سامان‌دهی کنند.
- ۲- مربی و متری (استاد و دانشجو)، هردو در تولید محتوای یادگیری نقش دارند و به تولید محتوا اقدام می‌کنند.
- ۳- امکان استفاده از روش‌های فعال تدریس فراهم می‌شود.
- ۴- این رویکرد با رویکرد مسأله‌محور تناسب بیشتری دارد و معمولاً رویکرد مسأله‌محور منجر به رویکرد متعلم‌محور هم می‌شود.



- ۵- انسجام علمی در این رویکرد کاهش می‌یابد و معلومات متعلم حالت جزئی و پراکنده پیدا می‌کند.
- ۶- دخالت تصمیم‌گیران و کارشناسان کلان جامعه برای برنامه‌ریزی کلان و همگرایی در جهت اهداف کلان کاهش می‌یابد.
- ۷- فعالیت‌های یادگیری متناسب با مسأله‌ها توسط مربی و مربی طراحی می‌شود و از پیش تعیین شده نیست.
- ۸- مربی و استاد باید از توانایی کافی برای دخالت روش‌های نو و ایده‌های جدید برخوردار باشد.
- ۹- مربی و استاد باید توانایی سازماندهی و نظم کلاس و ازدست ندادن فرصت‌ها و زمان تدریس را داشته باشد.

جدول ۲-۵- ویژگی‌های رویکرد متعلم‌محور

۲-۶-۱- تعادل میان محتوامحوری و متعلم‌محوری

هیچ‌کدام از این دو رویکرد نمی‌توانند به تربیت مطلوب تفکر و یادگیری منجر شوند. درحقیقت، افراط در هر رویکرد، منجر به تفریط و نادیده گرفتن رویکرد دیگر می‌شود و سبب بروز آسیب‌ها می‌گردد. لازمی تعادل میان موضوع‌محوری و مسأله‌محوری و فرایندمحوری و غایت‌محوری، تعادل میان محتوامحوری و متعلم‌محوری نیز هست. با برقرار کردن تعادل، آسیب‌های هردو رویکرد کاهش می‌یابد و امتیازات آن برجسته می‌شود، به‌گونه‌ای که:

- ۱- هم امکان طراحی کلی به کارشناسان می‌دهد و هم برای دخالت و نقش مربی و مربی‌ها جا باز می‌کند.
- ۲- از روش فعال در حد متعادل استفاده می‌کند، به‌طوری‌که هدایت فعالیت‌ها توسط مربی برای رسیدن به نتایج وجود داشته باشد.
- ۳- درعین انسجام سازماندهی، از انعطاف لازم برای ورود مسأله‌های مربی و مربی‌ها و نیازهای او فراهم است.
- ۴- درعین حفظ اصول کلی و فعالیت‌های یادگیری، طراحی بخشی از فعالیت‌ها توسط مربی و مربی‌ها امکان‌پذیر است.
- ۵- استفاده‌ی مطلوب از کلاس درس وجود دارد و زمان تربیت تلف نمی‌شود.
- ۶- رشد مهارت‌های تفکر در یک سیر منطقی صورت می‌گیرد.
- ۷- سازماندهی قبلی محتوا، مانع نوآوری مربی در طراحی فعالیت‌های یادگیری نمی‌شود.
- ۸- درعین وجود اهداف ثابت در برنامه، امکان دخالت دادن اهداف جدید برای نیازهای محیطی و موردی فراهم می‌شود.
- ۹- مانع یکنواختی تجربیات کلاس و موقعیت‌های آموزشی می‌شود.
- ۱۰- درعین احترام به محتوای تعیین‌شده، امکان دخالت در محتوا و تولید بخشی از آن برای مربی و مربی‌ها فراهم می‌گردد.
- ۱۱- درعین حفظ ساختار علمی ماده‌ی درسی، امکان ورود موضوع‌ها و مسائل جدید به‌دست می‌آید.
- ۱۲- مدرسه و دانشگاه و حوزه هم می‌تواند فرهنگ عمومی و کلان کشور را که دستاورد تاریخی ملت است، انتقال دهد و هم بر جامعه تأثیر گذاشته و به‌عنوان پیشگامان علم، به ارزیابی وضع موجود پرداخته و در جهت اعتلا و اصلاح جامعه اقدام کند.

جدول ۲-۶- ثمرات تعادل میان محتوامحوری و متعلم‌محوری

۲-۶-۱-۱- راهکارهای ایجاد تعادل میان دو رویکرد موضوع‌محور و متعلم‌محور

- ۱- در شیوه‌ی آموزش علاوه بر طرح موضوع و مسائل پیرامون آن، راه‌هایی اتخاذ شود که دانشجو به‌نحو اکتشافی و با فعالیت فکری و حل مسأله‌ها، خودش به اهداف یادگیری برسد. به‌کار گرفتن دانشجو و دادن نقشی در آموزش به او، امکان تغییر رفتار را فراهم می‌کند.

۲- دانشجو باید طالب و جستجوگر تربیت شود. ایجاد تشنگی در تعلیم باید مقدم بر دادن اطلاعات به دانشجو باشد. او باید بیشتر یاد بگیرد که چگونه و چه چیزی را در موضوع درسی خود جستجو کند و بیابد. به مفاهیم علمی مطرح در درس به‌عنوان مجموعه‌ای از اندوخته‌های علمی که در رقابت و تفاخر علمی قابل استفاده است نظر نکند، بلکه آنها را کلیدهایی بیابد که برای حل مسأله‌های زندگی نیاز دارد.

۳- از انباشت اطلاعات در کتاب‌های درسی باید اجتناب کرد و زمینه‌ی مناسب را برای تحقیق و ابتکار دانشجو باید فراهم نمود و از تکیه‌ی بیش از حد روی حافظه خودداری کرد.

۴- در طراحی درس‌ها باید بر فعالیت‌های عملی دارای جهت تأکید شود.

۵- کار گروهی و دسته‌جمعی و مشارکت و کسب نتیجه در تحقیقات را باید مدنظر قرار داد و فرصت فعالیت‌های خارج از کلاس درس را فراهم نمود.

جدول ۲-۷- راهکارهای تعادل میان موضوع‌محوری و متعلم‌محوری

۲-۲-۷- همه‌جانبه‌گرایی

با اینکه دانشگاه برای تربیت علمی تخصصی ایجاد شده و تشکیلات آن برای اهداف علمی خاصی سازماندهی شده است، اما به دلیل اینکه هریک از ابعاد وجودی انسان با ابعاد دیگر ارتباط دارند و برهم تأثیر می‌گذارند، برنامه‌ریزان درسی باید به سایر ابعاد تربیت نیز بپردازند و تربیت علمی را در چارچوب یک تربیت همه‌جانبه ارائه کنند. در این تربیت همه‌جانبه هم به تربیت اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی، عبادی توجه می‌شود و هم به تربیت علمی. البته تربیت علمی سهم ویژه‌ای دارد و سهم بیشتری از زمان و امکانات را به خود اختصاص می‌دهد. همه‌جانبه‌گرایی در برنامه‌ی درسی سبب می‌شود که تشکیلات دانشگاه برای هریک از آن جنبه‌ها و ابعاد تربیت، برنامه داشته باشد و اساتید نیز به آن ابعاد عنایت کنند و خود را صرفاً موظف به تدریس دروس تخصصی ندانند.

۲-۲-۸- رویکرد تلفیقی

تخصصی شدن رشته‌های علمی و تربیت متخصصین و دانشمندانی که سالیان دراز در یک رشته علمی تحصیل کرده‌اند و با فضای تخصص خود خو کرده و از فضای سایر علوم و تخصص‌ها دور شده‌اند و نیز برنامه‌های درسی موضوع‌محور در آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها سبب شده که نظام تربیتی هم در دانشگاه و هم در آموزش و پرورش در برنامه‌ریزی تلفیقی موفقیت چندانی نداشته باشند؛ درحالی‌که لازمه‌ی رویکرد همه‌جانبه‌گرا در تربیت و برنامه‌ی درسی توجه به رویکرد تلفیقی نیز هست.

ارتباط وثیقی که میان ابعاد تربیت از یک طرف و این ابعاد با زندگی خانوادگی و اجتماعی از طرف دیگر وجود دارد، همواره متعلم را با مسأله‌هایی مواجه می‌کند که هرکدام از آن مسأله‌ها چندبعدی هستند و به هر مسأله باید در ابعاد مختلف بپردازد و به حل آن اقدام کند. از این‌رو اگر برنامه‌ها مجزا از یکدیگر سازماندهی شوند صلاحیت لازم را برای روبه‌رو شدن با مسائل زندگی را در دانشجویان به‌وجود نمی‌آورد و فرد را آماده‌ی حل مسائل واقعی زندگی و حضور در فعالیت‌های فردی و اجتماعی نمی‌کند. البته رویکرد تلفیقی در رشته‌های دانشگاهی، همواره این خطر را در پی دارد که ساختار و هویت و سازماندهی دانش‌ها را تخریب کند و مانع آموزش عمیق و تخصصی در دانش شوند؛ لذا از افراط در تلفیق نیز باید اجتناب کرد و امکان تعمیق در هر دانشی را فراهم نمود. اعتدال میان دیسپلین‌گرایی و نادیده گرفتن ساختار دانش به‌بهانه‌ی تلفیق، مقصد اصلی این برنامه است. از این‌رو باید بستر و زمینه‌ی مناسب تلفیق را یافت و در آنجا تلفیق را اعمال کرد. همچنین باید طیف سلسله‌مراتبی از تلفیق رقیق تا غلیظ را پیش‌بینی نمود و متناسب با موقعیت‌ها از آنها بهره برد. در فصل بعد، درباره‌ی تلفیق توضیح کامل داده خواهد شد و ابعاد مختلف آن بررسی خواهد گردید.

۲-۲-۹- نیازگرایی در آموزش

همان‌طور که در مبانی نظام تربیتی، مبحث معرفت‌شناسی تبیین گردید، بخشی از دانش بشری «اعتباریات» هستند که برای رفع نیازهای مادی و معنوی ساخته شده‌اند و اصولاً افعال اختیاری انسان که عموماً برای رفع نیاز و رسیدن به هدفی صورت می‌گیرد، بدون

این سنخ از دانش امکان‌پذیر نیست. البته این اعتباریات و علوم عملی برگرفته و تمثیل حقایق یا علوم نظری می‌باشند که در محل خود تبیین شده است.^۱

بنابراین با اینکه علم و معرفت خود یک مطلوب فطری انسان است و انسان با کسب علم و معرفت، مراتب کمال را از این بُعد طی می‌کند؛ اما خلقت انسان به گونه‌ای است که رفع نیازهای مادی و معنوی او نیز بدون استعانت از علم امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر، انسان با خلق مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها دست به نظام‌سازی اقتصادی، حقوقی، سیاسی، اخلاقی، خانوادگی و نظایر آن می‌زند و براساس آنها زندگی فردی و اجتماعی خود را تنظیم می‌کند تا به نیازهای خود پاسخ دهد و به اهداف خود دست یابد. بنابراین علاوه بر مطلوبیت بالذات علم که رویکرد اصلی ما در تربیت علمی محسوب می‌شود، مطلوبیت بالعرض و بالتبع آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد. از این حیث، علم تقسیم می‌شود به علم نافع و غیر نافع. از این جنبه است که مثلاً آموزش اقتصاد بماهو اقتصاد موضوعیت ندارد؛ آموزش اقتصادی ضرورت دارد که نافع برای فرد و جامعه باشد، یعنی نیازی از نیازهای جامعه را برآورد و گره‌ای از مشکلات بگشاید.

برنامه‌های درسی به‌خصوص در رشته‌هایی که اصولاً برای رفع نیازها پدید آمده‌اند و نظام‌هایی از بایدها و نبایدها را می‌سازند، باید با رویکرد نیازمحور تنظیم شوند تا آموزه‌ها و دانش‌های کسب‌شده کاربردی شوند و دانش‌آموختگان و دانش‌آموختگان بتوانند از دانش خود در جامعه استفاده کنند و مفید واقع شوند.

نیازهای انسان به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- نیازهای اولیه که همان نیازهای طبیعی و فطری است که هر انسانی برای رشد مادی و معنوی خود دارد. مثلاً از حیث مادی هر انسانی برای رشد و سلامتی، نیاز به غذا، هوا، آب و مانند آن دارد و از حیث معنوی هر انسانی برای رشد و تکامل و تقرب الهی، نیاز به انجام کارهایی مانند نماز، انفاق، تعاون با دیگران دارد.

۲- نیازهای ثانویه که در نسبت انسان با محیط و اجتماع پیدا شده‌اند و بدون تأمین آن نیازها، شرایط مطلوبی برای رسیدن به نیازهای اولیه فراهم نمی‌گردد؛ مانند نیاز به امنیت که تا انسان محیط امنی برای زندگی نداشته باشد، تأمین برخی از نیازهای اولیه مقدور نیست.

اختلاف زیستگاهی روی کره‌ی زمین و تنوع جوامع از یک‌سو و گذار انسان از یک فرایند تاریخی از طرف دیگر، نه تنها سبب تکثر نیازها و پیچیدگی آنها در عصر حاضر شده است، بلکه نیازهای کاذب فراوانی که به‌ظاهر نیازند، پدید آورده‌اند. چگونگی حل این نیازهای کاذب که شرایط اجتماعی غلط و نامطلوب بر ما تحمیل کرده است، خود به معضلی بزرگ برای شکل‌دهی یک زندگی سالم و الهی تبدیل شده است.

همین نیازهای پیچیده و متکثر، خود به دو دسته‌ی بومی و جهانی تقسیم می‌شوند:

- نیازهای بومی و ویژه‌ی کشور ما یا جهان اسلام؛ که برخاسته از اقتضائات سرزمینی و تاریخی خودمان است.
- نیازهای جهانی؛ که برخاسته از اقتضاعات جهانی و فرهنگ حاکم بر جهان است و بر اثر پدیده‌ی جهانی‌شدن، جامعه‌ی ما را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

برنامه‌های درسی در هریک از رشته‌ها، درعین تکیه بر مبانی اصیل دین و اقتضائات دانشی در هر رشته، باید با توجه به مجموعه‌ی نیازها تدوین شود و به‌اجرا درآید. در غیر این‌صورت برنامه‌هایی غیرمفید و ناکارآمد خواهند بود و نقش سازنده و مثبتی نخواهند داشت.

۳- فصل سوم:

هم افزایه و تالیف در

برنامه ریزی (با محوریت

تربیت علم و

برنامه های درسی)

در تبیینی که از انسان، و نسبت فرد، خانواده و جامعه ارائه شد، مشخص گردید که درعین ذوابعاد بودن انسان، وی وجودی یگانه دارد و تمام ابعاد وجودی او به هم پیوسته و درهم تنیده‌اند. همچنین روشن شد که خانواده، نهادی طبیعی و فطری برای رشد و تکامل ابعاد وجودی انسان است؛ همان‌طور که انسان، بدون حیات اجتماعی زمینه‌ی لازم برای تکوین و تکامل همه‌جانبه را به‌دست نمی‌آورد.

پیوستگی وجودی، خانوادگی و اجتماعی انسان، حاوی این پیام مهم و بنیادی است که تربیت یک امر یکپارچه و پیوسته است و تعیین ساحت‌ها و ابعاد تربیت، به‌منظور جداسازی آنها نیست؛ بلکه به‌منظور تعیین نقش و سهم و وظیفه‌ی آنها در این تربیت واحد می‌باشند. مانند بدن انسان که هویتی یکپارچه دارد و صحبت درباره‌ی دستگاه‌هایی مانند دستگاه گردش خون، دستگاه تنفس و دستگاه گوارش به‌منظور تعیین وظیفه هر کدام در حیات بدن و ارتباط و هماهنگی با یکدیگر است.

از این‌رو برنامه‌ریزی درسی دانشگاه، گرچه بر محور تربیت علمی و برنامه‌های درسی طراحی می‌شود، اما باید در پیوستگی با سایر برنامه‌های تربیتی و وحدت با آنها تنظیم شود. به عبارت دیگر، کلیه‌ی برنامه‌های تربیتی دانشگاه باید بر محور تربیت علمی به یکپارچگی، هم‌افزایی و تلفیق برسند؛ به‌طوری‌که این برنامه‌ها همگی معاضد و مکمل یکدیگر باشند و راه تربیت علمی را هموار سازند و به موفقیت آن کمک نمایند.

یکپارچگی و تلفیق در برنامه‌ریزی، امری فراتر از هماهنگی و همکاری است. هماهنگی و همکاری در برنامه‌ریزی‌های مجزا نیز امکان‌پذیر است، اما در برنامه‌ریزی یکپارچه که به‌مراتبی از تلفیق هم دست یافته:

- وحدت سازمان یافته و ارگانیک ایجاد می‌شود؛
- از تکرر در برنامه‌ها اجتناب می‌شود؛
- پیچیدگی برنامه‌ها کاهش می‌یابد؛
- از اتلاف امکانات و دوباره‌کاری‌ها می‌کاهد.

۳-۱- قلمروهای تلفیق

تلفیق میان برنامه‌ها باید در قلمروهای زیر صورت بگیرد:

۳-۱-۱- تلفیق در ابعاد تربیت

مهم‌ترین قلمرو تلفیق، ابعاد تربیت است. دلایل ضرورت این تلفیق در نظام‌نامه‌ی تربیتی ذکر گردید و در تبیین اصل یکپارچگی در برنامه‌ریزی نیز بدان اشاره شد. درحقیقت ملاک و مناط تلفیق در سایر قلمروها، تلفیق در ابعاد تربیت است که یک ملاک طبیعی و فطری دارد و ناشی از ساختار وجود انسان است.

۳-۱-۲- تلفیق در روش‌های تربیتی

با توجه به رابطه‌ی دوجانبه‌ی عقل و قلب و تأثیر متقابل شناخت، گرایش و رفتار، در یک برنامه‌ی تربیتی، حتی‌الامکان باید از چند روش مکمل برای تربیت استفاده شود. حتی در آنجا که به‌طور مثال، موضوع تربیت علمی و استدلالی است، شایسته است علاوه بر روشی که برای فهم آن موضوع به کار می‌رود، از روشی که علاقه‌مندی مخاطب را به فهمیدن افزایش دهد نیز استفاده گردد.

۳-۱-۳- تلفیق میان مهارت‌های تفکر و محتوای علمی

بدین‌صورت که رشد مهارت‌های تفکر نیاز به برنامه‌ای جدا از برنامه‌های درسی نداشته باشد و همان درس‌های تخصصی به‌نحوی طراحی و آموزش داده شوند که مهارت‌های تفکر نیز رشد کنند و دانشجویان به این مهارت‌ها دست یابند. البته این تلفیق مانع از این نیست که برنامه‌های ویژه هم برای رشد بهتر برخی از مهارت‌های تفکر تنظیم شود؛ اما اصل آن است که مجموعه‌ی برنامه‌های درسی به رشد این مهارت‌ها کمک کنند.

۳-۱-۴- تلفیق میان اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری

بدین صورت که در یک محتوای آموزشی و روش تدریس و شیوه‌ی ارزشیابی، اهداف شناختی، گرایشی و رفتاری با یکدیگر دنبال شوند. محتوای آموزشی فعلی که عموماً با ساختار موضوعی طراحی شده‌اند «شناخت‌محور» هستند و فرصت تقویت اهداف گرایشی و رفتاری را فراهم نمی‌کنند و اساتید نیز به این اهداف توجه چندانی ندارند.

۳-۱-۵- تلفیق میان آموزش و پژوهش

از آنجا که تربیت علمی موفق، منوط به تقویت روحیه‌ی پژوهشگری در مخاطب است، ضروری است آموزش با پژوهش توأمان انجام شود؛ بدین معنا که پیشنهادهای پژوهشی در صحنه‌ی تدریس و آموزش بیرون آید و پژوهش نقش مکمل آموزشی را ایفا کند، به‌طوری‌که آن آموزش بدون پژوهش ناقص باشد.

۳-۱-۶- تلفیق میان دروس و محتوای آموزشی

تأسیس رشته‌های مختلف تحصیلی، براساس طبقه‌بندی علوم، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است که بشر در طول توسعه‌ی تدریجی علم و شاخه‌های آن بدان روی آورده است، یعنی وقتی که ما یک شاخه از دانش، مثلاً ریاضی را می‌خواهیم بیاموزیم منطق حاکم بر این دانش ما را در یک دیسپلین و نظام ویژه‌ی این دانش قرار می‌دهد تا بتوانیم فارغ از هر مسأله دیگر، خود این دانش را فرا بگیریم و شاخ و برگ‌های دیگر آن را بشناسیم. ساختار هر علمی، از آن جهت که ساختار آن علم است، کمتر ما را به بیرون از خود و همسایگان خود فرا می‌خواند و به وجود و تأثیر این همسایگان توجه می‌دهد؛ درحالی‌که هر دانشی از سه جهت باید متوجه بیرون از خود باشد:

اول، از این جهت که این دانش در ترابط و تعامل با دانش‌های دیگر درحال رشد و نمو و شکل‌گیری است.

دوم، از این جهت که یادگیرنده شخصیتی ذو ابعاد دارد و در همان حالی که دانشی را می‌آموزد به‌سراغ دانش دیگر می‌رود که رابطه‌ای طولی یا افقی، دور یا نزدیک، باواسطه یا بی‌واسطه با دانش اول دارد. علاوه‌براین، یادگیرنده دارای اعتقادات، اخلاق، گرایش‌ها، و شخصیت ویژه‌ای است که با تمام هویت با دانش موردنظر مواجه شده است.

سوم، از این جهت که این دانش در بستری از نیازهای اجتماعی موضوعیت پیدا کرده و سهمی از این نیازها را برآورده می‌سازد.

گام برداشتن به‌سوی هم‌افزایی و تلفیق به‌خصوص در دو جهت اول، امری اجتناب‌ناپذیر است و موفقیت در تربیت علمی تا حدود زیادی منوط به آن است. این ضرورت با توجه به توضیحاتی که در نظام‌نامه‌ی تربیتی و ابعاد تربیت آمده، بیشتر روشن می‌شود.

مقصود از هم‌افزایی، ارائه‌ی محتوای آموزشی به‌گونه‌ای است که مکمل و مؤید و تقویت‌کننده یکدیگر باشند.

مقصود از تلفیق ارائه‌ی محتوای دو یا چند درس در یک درس تلفیقی است، به‌طوری‌که مخاطب در همان یک درس به اهداف موردنظر نائل گردد.

کاربرد هم‌افزایی از تلفیق آسان‌تر است و گستردگی بیشتری دارد. اما تلفیق هم با موانع درونی (ساختارهای علم) و هم بیرونی (آموخته‌های اساتید و کتاب‌های موجود در بازار) مواجه است. البته هم‌افزایی همواره مفید و ضروری است، اما تلفیق در برخی موارد نه‌تنها ضروری نیست، بلکه آسیب‌زا و زیان‌دهنده نیز هست.

از آنجا که هم‌افزایی از تلفیق آسان‌تر و امکان‌پذیرتر است و همه‌ی ابعاد را دربر می‌گیرد، ضروری است که حرکتی از مسیر هم‌افزایی به‌سمت تلفیق صورت گیرد.

لازمه‌ی اصلی هم‌افزایی و تلفیق، پذیرش و مقبولیت آن از جانب اساتید و توانایی علمی و مهارتی اساتید در اجرای آن است. لذا انجام این مهم باید در بستری آرام و مورد قبول و درعین حال محکم و بدون بازگشت به‌اجرا درآید.

۳-۱-۶-۱- محدوددهای هم‌افزایی و تلفیق دروس

هم‌افزایی و تلفیق میان دروس در محدوده‌های زیر صورت می‌گیرد:

- الف: هم‌افزایی و تلفیق میان دروس معارف اسلامی و دروس تخصصی؛**
ب: هم‌افزایی و تلفیق میان برخی دروس تخصصی؛
ج: هم‌افزایی و تلفیق میان برخی دروس معارف اسلامی.
د: هم‌افزایی و تلفیق میان برخی دروس عمومی و معارف اسلامی.

جدول ۱-۳- محدوده‌های تلفیق دروس

الف: هم‌افزایی و تلفیق میان دروس معارف اسلامی و دروس تخصصی: مباحثی از معارف اسلامی که مرتبط با موضوعات دروس تخصصی است، می‌توانند در یک متن ادغام شوند. در این صورت، مبحث معرفتی ممکن است جزء مبانی درس تخصصی باشد، ممکن است از مؤیدات آن باشد یا ممکن است توسط درس تخصصی آن بحث معرفتی تبیین گردد. همچنین به‌منظور هم‌افزایی می‌توان میان دو درس به شیوه‌های مختلف ارتباط برقرار کرد، مانند یافتن مصداق‌های موضوع معارفی در درس تخصصی.

ب: هم‌افزایی و تلفیق میان برخی دروس تخصصی: درس‌هایی که رابطه‌ی موضوعی بیشتر با یکدیگر دارند، یا درسی که مصداق درس دیگر یا جنبه‌ی کاربردی درس دیگر را دارد، برای تلفیق مناسب‌تر هستند. این نوع تلفیق سبب کاهش تعداد عناوین و افزایش قدرت یادگیری می‌شود. همچنین به‌منظور هم‌افزایی می‌توان میان دو درس تخصصی ارتباط برقرار کرد، مانند دعوت از استاد درس دیگر برای تبیین موضوع مشترک، از زاویه‌ی آن درس یا ارجاع به کتاب‌های یکدیگر، یا تشکیل جلسات مشترک.

ج: هم‌افزایی و تلفیق میان برخی دروس معارف اسلامی: درس‌هایی در معارف اسلامی که جنبه‌ی مصداقی یا کاربردی برای درس دیگری را دارند، می‌توانند با یکدیگر تلفیق شوند و عنوان جدیدی پیدا کنند. مانند تفسیر موضوعی که از یک طرف، تفسیر است و از طرف دیگر، آموزش یک موضوع تخصصی (مثلاً اخلاق و کلام) است.

د: هم‌افزایی و تلفیق میان دروس عمومی و تخصصی و معارف اسلامی: درس‌هایی مانند ادبیات فارسی و عربی قابل تقویت از طریق دروس تخصصی و معارفی هستند و حتی می‌توان درصدی از ارزشیابی در آن درس‌ها را به توانایی دانشجو در متن‌نویسی اختصاص داد.

۳-۶-۲- ابعاد هم‌افزایی و تلفیق دروس

از نگاهی دیگر، هم‌افزایی و تلفیق محتوا و دروس در دو بُعد قابل اجرا است:

۳-۶-۱-۳- بُعد اول: وسعت تلفیق

این بُعد ناظر به تعداد، نوع رشته‌ها و دروس هر رشته است و در گستره‌های زیر قابل فرض می‌باشد:

الف: میان دروس رشته‌های تخصصی

ب: میان دروس معارف اسلامی و دروس رشته‌ی تخصصی

ج: میان دروس یکی از شاخه‌های معارف اسلامی

د: میان دروس تمام شاخه‌های معارف اسلامی

جدول ۲-۳- گستره‌ی بُعد وسعت در هم‌افزایی و تلفیق

الف: میان دروس رشته‌های تخصصی؛ هم‌افزایی میان دروس رشته‌های تخصصی نه‌تنها ممکن، بلکه ضروری است. به‌عنوان مثال دروس رشته‌ی سیاسی یا اقتصاد باید مکمل و تأییدکننده و سازگار با یکدیگر باشند و به‌صورت جزیره‌های جدا از یکدیگر عمل نکنند.

علاوه‌بر هم‌افزایی، تلفیق میان دروس تخصصی نیز امکان‌پذیر است. یکی از آسیب‌های نظام درسی، کثرت دروس است که سبب می‌شود دانشجویان اطلاعات سطحی و با عمق کم از موضوعات زیادی به‌دست آورند. این قبیل دانشجویان توانایی اندکی در تحلیل، نقد و ارزیابی، خلق اندیشه‌های نو و نوآوری دارند و به متخصصان و کارشناسانی تبدیل می‌شوند که صرفاً به نقل دستاوردهای دیگران می‌پردازند. تلفیق درست و به‌جا یکی از راه‌های کاهش درس‌ها است که اساتید هر رشته توانایی اظهارنظر در این باره را دارند.

ب: میان دروس معارف اسلامی و دروس رشته‌ای تخصصی؛ هم‌افزایی میان دروس معارف و دروس رشته‌ای تخصصی نیز مطلوب و ضروری است. این هم‌افزایی به‌خصوص از حیث مبانی از اهمیت خاص برخوردار است. آموزه‌های معارف اسلامی درباره‌ی هستی، معرفت‌شناسی، انسان، تکالیف و بایدها و نبایدهای زندگی فردی و اجتماعی با مبانی هر دانش تخصصی در حوزه‌ی علوم انسانی تلاقی دارد و تعارض میان آنها به تعارض ذهنی دانشجو و هم‌گرایی میان آنها به وحدت فکری و انسجام ذهنی وی می‌انجامد. از این‌رو رسیدن به هم‌گرایی بسیار ضروری است. این هم‌گرایی و هم‌افزایی باید هم در محتوای تعلیمی و هم در تفکر استاد مشاهده شود. مواردی از شیوه‌های این هم‌افزایی تحت‌عنوان راهکارهای تدوین نظام درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی ارائه شده است.

اما تلفیق میان دروس تخصصی و دروس معارف، گرچه در برخی سرفصل‌ها امکان‌پذیر است اما راهی است که هنوز هموار نگردیده و نیازمند اقدامات پژوهشی جدی توسط دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) است که رشته‌های تخصصی خود را به‌عنوان «معارف اسلامی» زینت بخشیده است.

مسئله‌ای که در یک موضوع، محتوایی در رشته‌ی اقتصاد ارائه داد که متناقض و متضاد با محتوای درس فقه درباره‌ی همان موضوع باشد و بالعکس. همان‌طور که در فصل معرفت‌شناسی توضیح داده شد، باید ادله‌ی نقلی و عقلی را بررسی کرد و براساس ترجیح یکی از ادله، یک محتوا را ترجیح داد. این شیوه مقایسه‌ی دلایل عقلی و نقلی یک روش درون‌دینی است و نتیجه‌ای هم که به‌دست می‌آید، یک نتیجه‌ی مورد تأیید دین است.

با توجه به رابطه‌ی «عقل» و «نقل» و نقش تکمیلی آنها نسبت به یکدیگر، که در بخش مبانی نظام تربیتی و در مبحث معرفت‌شناسی توضیح داده شد،^۱ آموزش محتوای متضاد و متقابل درباره‌ی موضوع واحد، مثلاً سیاست، اقتصاد یا حقوق اعتبار منطقی ندارد و دانشجو را با دو دسته محتوا که یکی متکی بر ادله‌ی نقلی و دیگری مؤید به تأیید علم و استنتاجات دانشمندان است، مواجه می‌کند.

راهکار اصلی برای حرکت به‌سوی چنین تلفیقی، تربیت اساتیدی است که علاوه بر تخصص در یکی از رشته‌ها، متخصص در آموزه‌های دین و دستاورد دانشمندان اسلامی در همان رشته نیز باشند و با احاطه بر مبانی علمی رشته و مبانی اجتهاد اسلامی گام در مسیر تلفیق بردارد. طبیعی است که این اقدام اجتهادی منجر به نقدهای بنیادین در وضع موجود شود و نارسایی‌های هردو جریان را آشکار نماید. زیرا این تلفیق، به‌معنای استفاده از آیات و روایات در متون تخصصی نیست، بلکه تولید دانش به‌معنای دقیق کلمه از دو منبع عقل و نقل و استخراج توصیه‌های اقتصادی، سیاسی، حقوقی و... براساس این دو منبع و نظام‌سازی بر مبنای دانش تولیدشده است؛ که صد البته راهی دراز و ناهموار تا رسیدن به دستاوردهای معتبر درپیش دارد. اما در این راه دراز و ناهموار، برداشتن یک گام نیز پیشروی محسوب می‌شود و نزدیک شدن به مقصد را به‌دنبال دارد.

ج: میان دروس یکی از شاخه‌های معارف اسلامی؛ مانند هم‌افزایی و تلفیق دروس مختلف فقه عمومی، فقه موضوعی و قواعد فقه.

د: میان دروس تمام شاخه‌های معارف اسلامی؛ مانند هم‌افزایی و تلفیق میان قرآن و روایات و تاریخ، فقه، عقاید و اخلاق.

۱-۳-۶-۲- بعد دوم: درجه و سطح تلفیق

برنامه‌های مختلف در سطوح و درجات مختلفی قابل هم‌افزایی و تلفیق هستند که بعضی از سطوح آن عبارتند از:

الف- تدریس همزمان دو درس که با یکدیگر سنخیت دارند؛

ب- تدریس متعاقب دو درس؛

ج- برقرار کردن ارتباط افقی میان دروس دو حوزه؛

د- برقرار کردن ارتباط طولی؛

^۱ بخش مبانی نظام تربیتی، بند ۵-۱۳- منابع معرفت و دلالت‌های آن

ه- تلفیق نسبی؛

و- تلفیق کامل.

جدول ۳-۳- گستره‌ی بعد شدت در هم‌افزایی و تلفیق

- الف- تدریس همزمان دو درس که با یکدیگر سنخیت دارند؛ گرچه یکی در حوزه‌ی معارف قرار دارد و دیگری در حوزه‌ی تخصصی.
- ب- تدریس متعاقب دو درس، که یکی می‌تواند جنبه‌ی مبنایی نسبت به دیگری داشته باشد؛ مثلاً درسی در حوزه‌ی معارف که مبنای فکری دانشجو را می‌سازد، مقدم بر درس تخصصی قرار گیرد.
- ج- برقرار کردن ارتباط افقی میان دروس دو حوزه؛ بدین‌نحو که دانشجو متوجه شود که فلان سرفصل و عنوان در یک درس خاص از معارف، مؤید و مکمل عنوان و سرفصلی دیگر در درس تخصصی است.
- د- برقرار کردن ارتباط طولی؛ بدین‌نحو که در دروس تخصصی یا معارفی به محتوای اندوخته‌شده‌ی قبلی ارجاع داده شود.
- ه- تلفیق نسبی؛ بدین‌نحو که میان یک یا چند سرفصل از یک درس با مباحث معارف اسلامی ارتباط محتوایی برقرار شود و جنبه‌ی تخصصی محتوا با جنبه‌ی معارفی آن در یک متن قرار بگیرد.
- و- تلفیق کامل؛ این تلفیق وقتی اتفاق می‌افتد که عنوان دو یا چند درسی که با یکدیگر ارتباط دارند، حذف شود و عنوان جدیدی که از مسئله‌ی مشترک میان آنها نشأت گرفته، انتخاب شود و محتوای درس، بر محور این عنوان جدید تدوین گردد.

۳-۶-۱-۳- روش‌های هم‌افزایی و تلفیق دروس

می‌توان از روش‌های زیر برای تلفیق میان دروس بهره گرفت:^۱

۱-۳-۶-۱-۳- روش موازی‌سازی در دروس

موازی‌سازی تلاشی است که در آن دو یا چند درس با یکدیگر هماهنگ و مرتبط می‌شوند به این ترتیب که آنچه در یکی یاد گرفته شود، با یادگیری درس دیگر تقویت می‌شود. بنابراین می‌توان گفت موازی‌سازی برنامه‌های درسی اقدامی است که برنامه‌ها را از حالت مستقل و مجزا بازمی‌دارد و محتوای آنها را با یکدیگر مرتبط می‌سازد؛ علاوه بر اشاراتی که در هر درس به محتوای درس دیگر می‌شود و به‌ویژه از مطالب آن استفاده می‌گردد. در این روش دروس مختلف هویت خود را نگه می‌دارند و در محتوای آنها ترکیب حقیقی صورت نمی‌گیرد.

۱-۳-۶-۲- روش سازماندهی عنوان مشترک میان چند رشته

به این ترتیب که در یک عنوان درس، بخش‌هایی از دروس دیگر که با این درس مرتبط هستند، ادغام می‌شوند، به‌طور مثال در درس جهان اسلام، تاریخ و جغرافی و اقتصاد دنیای اسلام آموزش داده می‌شود.

۱-۳-۶-۳- روش سازماندهی میان‌رشته‌ای

در این شیوه برخلاف دو روش پیشین، هویت مجزای دروس و رشته‌های متعدد باقی نمی‌ماند؛ به این معنا که برای آموزش مطالب موردنظر، استقلال عناوین دروس دیگر و سایر رشته‌ها کنار گذاشته می‌شود و محتوا در قالب یک عنوان درسی جدید ارائه می‌گردد. درس‌هایی مانند جامعه‌شناسی سیاسی، فلسفه تطبیقی اسلام و غرب که با تلفیق جامعه‌شناسی و علوم سیاسی و نیز فلسفه اسلامی و فلسفه غرب شکل گرفته‌اند، از این شیوه تلفیق پیروی می‌کنند.

^۱ جزوه‌ی برنامه‌ی درسی گروه معارف اسلامی برای دوره‌ی کارشناسی‌ارشد.

در این روش حتی رشته‌های علمی هم در نظر گرفته نمی‌شوند، بلکه با استفاده از معارف رشته‌های مختلف، دانش جدیدی تولید می‌شود. اهمیت این روش به‌خاطر تناسباتش با «مسأله‌محوری» است. به‌طور مثال، مسأله‌های پیرامون محیط زیست سبب تبدیل محیط زیست به یک دانش شده است که در این دانش علوم مختلفی با هم تلفیق شده و آموزش داده می‌شوند.

۳-۲- اصول حاکم بر برنامه‌ریزی تلفیقی

به‌منظور رسیدن به حقیقت یکپارچگی در برنامه‌های تربیتی و سیر به‌سوی تلفیق در برنامه‌ریزی درسی، ضروری است اصول زیر مراعات شود:

۳-۲-۱- توجه به نظام‌نامه‌ی تربیتی و ساحت‌های تربیت

پیام ساحت‌ها و ابعاد تربیت، حرکت به‌سوی یکپارچگی و تلفیق است. علاوه‌براین، توجه به این ابعاد، چگونگی و حدود تلفیق را نیز روشن می‌کند.

۳-۲-۲- همراه کردن عوامل برنامه، به‌خصوص اساتید، با هم‌افزایی و تلفیق

از آنجا که تلفیق برنامه، معمولاً وضع موجود را به‌هم می‌زند و تصویر روشنی از آینده به‌دست نمی‌دهد، باید اصل تلفیق و مزایای آن برای عوامل و مجریان طرح تبیین گردد.

۳-۲-۳- رعایت اصل تدریج

از آنجا که رویکرد تلفیقی یک رویکرد درهم‌تنیده و تاحدودی پیچیده است، نیازمند آماده‌سازی ذهنی، ابزاری و توانایی‌ها و مهارت‌های علمی و تربیتی است. لذا باید یک حرکت مناسب از همسویی به‌سمت یک تلفیق ساده تا یک تلفیق کامل و تمام‌عیار صورت گیرد.

۳-۲-۴- توجه به سطوح تلفیق

تلفیق یک اقدام بسته و یک‌شکل نیست، بلکه دارای سطوح و مراتب ساده تا پیچیده است. یافتن سطوح تلفیق و استفاده از آنها در جای مناسب خود، تلفیق را کمتر با مشکل روبرو می‌سازد و آن را عملی و مقدور می‌کند.^۱

سطحی از تلفیق، استفاده‌ی متقابل از ظرفیت‌های دو درس است؛ بدین‌صورت که یک درس، با حفظ ساختار موضوعی خود، در تمرین‌ها، فعالیت‌ها، مثال‌ها و نظایر آن فضا را برای درس دیگری که قابلیت داشته باشد، آماده می‌کند. سطح دیگر از تلفیق این است که یک محتوا برای دو موضوع که به‌طور معمول در قالب دو درس ارائه می‌شدند، ارائه شود؛ مثل آموزش قرآن و زبان عربی. سطح دیگر از تلفیق این است که برخی از سرفصل‌های یک درس در داخل درس دیگر آموزش داده شود؛ به‌طور مثال، بسیاری از اهداف اخلاقی می‌تواند در درس ادبیات فارسی و عربی و زبان انگلیسی قرار داده شوند و با اهداف این دروس همراه گردند.

۳-۲-۵- تقویت زبان و ادبیات فارسی به‌کمک تلفیق

زبان و ادبیات فارسی باید جایگاه ممتازی داشته باشد و دانشجویان واقف به اهمیت آن باشند و برای رسیدن به مهارت لازم در زبان و ادبیات اهتمام لازم را داشته باشند. لازمه‌ی رسیدن به این جایگاه، اتخاذ رویکرد تلفیقی در زبان و ادبیات فارسی است، به‌طوری‌که در همه‌ی درس‌ها به آن توجه شود و همه‌ی اساتید، خود را مسئول ارتقاء دانشجویان در این زمینه بدانند. در صورتی‌که اساتید در این مهارت توانمندی کافی را ندارند، باید دوره‌های کوتاه‌مدت کارگاهی را بگذرانند.

یکی از معیارهای گزینش اساتید، داشتن مهارت‌های عمومی در زبان و ادبیات فارسی است. این مهارت عمومی در سخنرانی و نوشتار اساتید جلوه‌گر می‌شود و قابل ارزیابی است.

^۱ ملکی، حسن، برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۸ ه.ش.

۳-۲-۶- ارتقاء خط تحریر دانشجویان به کمک تلفیق مهارت و محتوا

خط تحریری دانشجویان باید در سطح بالاتر از عموم دانشجویان کشور باشد. در بدو ورود باید خط تحریری دانشجویان ارزیابی شود و در صورت مردودی در ارزیابی، باید به دانشجویان یک‌سال زمان داده شود که خط خود را ارتقاء دهند و گواهی لازم را کسب کنند.

۳-۳- شیوهی اجرا

با توجه به اینکه هم‌افزایی و تلفیق یک حرکت علمی پژوهشی است، شورای علمی رشته‌ی تحصیلی و گروه اساتید مربوط به هر گرایش، بهترین مجموعه برای طراحی و تدوین ابعاد هم‌افزایی و تلفیق و تعیین مراحل آن است. از این‌رو ضروری است اقدامات زیر در دانشکده و شورای علمی هر رشته‌ی تحصیلی انجام شود:

۱- بحث و تبادل نظر مستمر درباره‌ی نسبت معارف اسلامی و مبانی آن با دانش تخصصی آن رشته با دستورکار معین و ثبت محتوای جلسات و ارائه‌ی آن به دانشجویان و مراجع ذی‌ربط در دانشگاه.
۲- تبیین مبانی هم‌افزایی و تلفیق و برگزاری کارگاه‌های مستمر برای اساتید به منظور تولید محتوای نمونه در هم‌افزایی و تلفیق.
۳- مشخص کردن موارد هم‌افزایی و تلفیق در شورای علمی رشته‌ی تحصیلی.
۴- جهت دادن به پایان‌نامه‌ها برای تبیین ابعاد هم‌افزایی و تلفیق و تولید محتوایی با رویکرد هم‌افزایی و تلفیق.
۵- انجام پژوهش‌ها در حوزه‌ی هم‌افزایی و تلفیق زیر نظر معاونت پژوهشی و با مدیریت و اجرای اساتید رشته‌های تخصصی.
۶- اولویت دادن به تدریس دروس معارف توسط اساتید رشته‌ی تخصصی.

جدول ۳-۴- اقدامات ضروری برای تحقق هم‌افزایی و تلفیق



۲- فصل چهارم:

رشته‌های تحصیلی

۴-۱- ترتیب منطقی و هرمی تنظیم اهداف

با توجه به اهداف کلان این دانشگاه و قرار گرفتن عنوان «معارف اسلامی» در ابتدای هر رشته و با توجه به تحلیلی که از رابطه‌ی علم و دین در فصل دین‌شناسی و رابطه‌ی عقل و نقل در فصل‌های معرفت‌شناسی و دین‌شناسی ارائه شد، و به‌منظور رعایت این موارد، ضروری است این ترتیب در هدف‌نویسی رشته‌های تحصیلی رعایت شود:

الف: اهداف آموزش معارف اسلامی

- ۱- اهداف معارف اسلامی (موردنیاز یک دانشجو)
- ۲- اهداف معارف اسلامی (موردنیاز یک دانشجوی علوم انسانی)
- ۳- اهداف معارف اسلامی ناظر به هر رشته (موردنیاز دانشجوی رشته‌ی خاص)

ب: اهداف آموزش رشته‌های خاص علوم انسانی، شامل:

- ۴- اهداف مشترک رشته‌ها (ناظر به ابعاد مشترک علوم انسانی و جایگاه آن در جامعه و تمدن اسلامی)
 - ۵- اهداف هریک از رشته‌ها (ناظر به ابعاد خاص هر رشته و جایگاه آن در جامعه و تمدن اسلامی)
- اهداف بند ۱ و ۲ در این مجموعه ارائه می‌شود. اهداف بند ۳ باید در برنامه‌ی درسی هر رشته و براساس اهداف بند ۱ و ۲ تنظیم گردد. اهداف بند ۴ در این مجموعه ارائه شده است. اهداف بند ۵ نیز باید در برنامه‌ی درسی هر رشته ارائه گردد.

۴-۲- اهداف کلی دروس معارف اسلامی

هدف از دروس معارف اسلامی تربیت افرادی است که:

- ۱- درعین تخصص در یکی از رشته‌های متعارف علوم انسانی، دانش اکتسابی خود را در چارچوب و مبتنی بر معارف اسلامی به‌دست آورند و میان دانش تخصصی خود و معارف اسلامی تلائم و همراهی مشاهده کنند.
- ۲- با هدف پاسخ‌گویی و حل مسائل و مشکلات موجود، نسبت‌به علوم اسلامی موردنیاز آشنایی مؤثر کسب کنند.
- ۳- علاوه بر تخلق به اخلاق و رعایت کامل آداب اسلامی و ایمان به کارآمدی معارف اسلامی، نسبت‌به مسائل و مشکلات جامعه دردمند باشند.

جدول ۴-۱- اهداف کلی دروس معارف اسلامی

۴-۳- اهداف مشترک در رشته‌های تحصیلی

از آنجا که برنامه‌های مشترک دانشگاه در رشته‌های مصوب تحصیلی، به‌منظور تربیت دانشجویانی در حوزه‌ی معارف اسلامی و علوم انسانی تنظیم می‌گردد، این اهداف ترمیم‌کننده برون‌داد مشترک مجموعه رشته‌های تحصیلی است، البته هریک از رشته‌های تحصیلی اهداف ویژه‌ی خود را تعقیب می‌کنند که در برنامه‌ی تخصصی آن رشته‌ها ارائه خواهد شد.

در تدوین اهداف مشترک رشته‌های تحصیلی، از اسناد زیر استفاده شده است:

- ۱) سند چشم‌انداز دانشگاه؛
- ۲) اهداف کلان دانشگاه؛
- ۳) راهبردهای کلان دانشگاه؛
- ۴) مجموعه‌ی سخنان مقام معظم رهبری (دام‌ظله) در دیدار با اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان؛
- ۵) مبانی نظام تربیتی؛
- ۶) نظام‌نامه‌ی تربیتی دانشگاه به‌خصوص بخش تربیت علمی آن؛

۷) پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های مربوط به دانشگاه و حوزه‌ی علوم انسانی.

۴-۳-۱- اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی کارشناسی/ارشد

- ۱) تربیت نخبگان علمی متعهد؛
- ۲) کسب بالاترین شایستگی‌ها و قابلیت‌های علمی توسط دانشجویان؛
- ۳) رشد همه‌جانبه ابعاد دانشجو در عین تربیت تخصصی در رشته‌های خاص؛
- ۴) تربیت محققانی که با آگاهی از مبانی معرفت دینی و با شناخت نظریه‌ها و الگوهای رایج، قدرت نقادی نظریه‌ها را دارا باشند.
- ۵) پرورش متخصصان خودباور، خلاق و توانا در تولید علم؛
- ۶) فراهم کردن فرصت تولید علم در عرصه‌ی علوم انسانی با بهره گرفتن از مبانی و معارف اسلامی؛
- ۷) ایجاد فرهنگ تحول و ارتقاء علوم انسانی؛
- ۸) ایجاد فرهنگ اجتهاد و خلاقیت در علوم و کشف مسئله‌ها و پاسخ‌گویی اجتهادی به آنها؛
- ۹) ایجاد فضا و بستر مناسب تعلیم و تعلم و دانش پژوهشی؛
- ۱۰) ایجاد انگیزه تحقیق و پژوهش در دانشجویان؛
- ۱۱) استفاده مطلوب از برنامه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه؛
- ۱۲) امکان برقراری ارتباط منطقی و تعریف‌شده میان دروس معارف و دروس تخصصی.

جدول ۴-۲- اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی کارشناسی/ارشد

۴-۳-۲- اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی دکتری

در دوره‌ی دکتری که ورود به مرحله‌ی اجتهاد و صاحب‌رأی شدن است، علاوه بر اهداف دوره‌ی کارشناسی/ارشد، اهداف زیر نیز باید محقق گردد:

- ۱) تربیت نخبگان صاحب‌نظر و مجتهد؛
- ۲) امکان تولید علمی در سطح بین‌المللی؛
- ۳) تولید علم بومی در چارچوب مبانی اسلامی؛
- ۴) انجام پژوهش‌های بنیادی در سطح ملی و جهانی؛
- ۵) تربیت استاد برای حضور در سایر دانشگاه‌ها به‌منظور کمک به تحول در علوم انسانی؛
- ۶) تربیت صاحب‌نظرانی که بتوانند با تکیه بر مبانی علوم اسلامی در یکی از شاخه‌های علوم انسانی به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی راهبردی بپردازند.
- ۷) تربیت اسلام‌شناسانی که در یکی از شاخه‌های علوم انسانی نیز متخصص باشند.
- ۸) تربیت متخصصینی که راه‌های میان‌بر برای عبور از مرزهای علم را کشف کنند.
- ۹) اندیشمندانی که در جهت‌دهی به معارف بشری بر پایه‌ی تعالیم اسلام مؤثر باشند.
- ۱۰) تربیت دانش‌آموختگانی که با اندوخته‌ای درخور از علوم اسلامی و یکی از شاخه‌های علوم انسانی بتوانند گفتگوی میان این دو حوزه‌ی معرفتی را تسهیل نمایند.

جدول ۴-۳- اهداف مشترک رشته‌ها در دوره‌ی دکتری

۴-۴- سطوح اهداف تحصیلی

براساس بیانیه‌ی رسالت و سند چشم‌انداز دانشگاه و با نگاه به اهداف کلان و مشترک رشته‌های تحصیلی و همچنین راهبردهای کلان دانشگاه، دانش‌آموختگان این دانشگاه باید به یکی از توانمندی‌ها در سطوح زیر برسند:

سطح

اندیشمندانی که در جهت‌دهی به معارف بشری بر



پنجم	پایه‌ی تعلیم اسلام نقش‌آفرینی کنند و در جهان اسلام و ملل دیگر به‌عنوان مرجع علمی شناخته شوند.
سطح چهارم	متفکران اسلام‌شناسی که بر دانش متعارف رشته‌ی تخصصی خود مسلط باشند و با بهره‌گیری از معارف اسلامی به تولید مبانی در دانش تخصص خود بپردازند و در تولید علم بر پایه‌ی تعلیم اسلام مشارکت کنند.
سطح سوم	اساتید و متخصصانی که با اندوخته‌ی درخور از رشته‌ی تحصیلی خود و علوم اسلامی، بتوانند گفتگوی این‌دو حوزه‌ی معرفتی را تسهیل کنند و نظریه‌ها و مبانی رایج در حوزه‌ی تخصصی خود را نقد و بررسی نمایند.
سطح دوم	مسئولان تحول‌آفرین و توانمند که معتقد به اسلام و متعهد به انقلاب اسلامی و عامل به اوامر و نواهی شرع مقدس و توانمند در پیاده کردن ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی
سطح اول	کارشناسان و مجریان معتقد به اسلام و متعهد به انقلاب اسلامی و عامل به اوامر و نواهی شرع مقدس و الگو برای سایر مجریان

جدول ۳-۴-۴- سطوح اهداف تحصیلی دانشگاه

نمودار زیر، فرایند تعیین دانشجویان در سطوح اهداف تحصیلی و طی مراحل آموزشی در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد پیوسته را مشخص

می‌کند:





نمودار ۴-۱- مراحل دوره‌ها و سطوح تحصیلی

(۱) توجه: ضروری است در دفترچه‌ی آزمون ورودی اعلام شود که در صورت عدم کسب حدنصاب صلاحیت‌های علمی و تربیتی، به تحصیل دانشجو با دادن مدرک کارشناسی پایان داده می‌شود.

۴-۵- شاخص‌های تصویب رشته‌های تحصیلی

برای اینکه یک رشته تحصیلی در دانشگاه تأسیس شود، علاوه بر وجود امکانات مالی و اقتصادی، باید معدل قابل قبولی از شاخص‌های زیر را داشته باشد:

۱- در راستای بیانیه‌ی رسالت، سند چشم‌انداز، اهداف کلان و راهبردهای کلان دانشگاه باشد و به تحقق آنها کمک نماید.
۲- جزء رشته‌های اصلی و پایه‌ای در علوم انسانی و معارف اسلامی محسوب شود؛ به نحوی که در سایر حوزه‌های علوم انسانی تأثیرگذار باشد.
۳- از جهت تحول در علوم انسانی در کشور، از اولویت برخوردار باشد.
۴- از نظر علمی، فرهنگی، اقتصادی، تربیتی و یا مدیریتی و اجرایی از ضرورت‌های نظام محسوب شود و تربیت متخصص در آن رشته به یکی از نیازهای اصلی جامعه در این حوزه‌ها پاسخ دهد.
۵- جزء آن دسته از حوزه‌های علم باشد که دانش وارداتی آن چالش بیشتری با مبانی و فرهنگ اسلامی دارد.

جدول ۴-۵- شاخص‌های تصویب رشته

۴-۵-۱- فرایند تصویب رشته‌های جدید

۱- <u>نیازسنجی</u> : بدین صورت که نهاد پژوهشی دانشگاه و دانشکده‌ها به‌طور مستمر نیازهای علمی جامعه را رصد کنند و رشته‌ای را که با شاخص‌ها سازگار می‌یابند، مشخص نمایند.
۲- <u>امکان‌سنجی</u> : بدین صورت که نهاد پژوهشی با همکاری معاونت آموزشی امکانات و شرایط مورد نیاز آن رشته را بررسی نمایند. در این بررسی باید مشخص شود که در صورت فراهم آمدن چه شرایط و امکاناتی و در طول چه زمانی می‌توان برای تأسیس آن رشته اقدام نمود. بررسی ویژه‌ای باید روی دو عامل اصلی، یعنی استاد و محتوای آموزشی صورت بگیرد.
۳- <u>تعیین مراحل فراهم کردن امکانات و شرایط تأسیس رشته</u> : بدین صورت که بعد از امکان‌سنجی، نهاد پژوهشی دانشگاه و معاونت آموزشی، یک برنامه‌ی عملیاتی برای فراهم کردن امکاناتی که موجود نیست، ارائه کند که مهم‌ترین آنها، برنامه‌ی عملیاتی برای جذب و آموزش استاد مورد نیاز و تهیه‌ی محتوای آموزشی، منطبق با نکاتی است که ذیل محتوای آموزشی بیان شده است. در بسیاری از موارد ضروری است که تربیت استاد و تولید محتوای آموزشی مناسب، قبل از تأسیس رشته در اولویت قرار گیرد و محتوای آموزشی برای رشته‌ای که تأسیس نشده، تألیف شود.
۴- <u>بررسی سه بسته‌ی «نیازسنجی»، «امکان‌سنجی» و «مراحل تأسیس» توسط شورای دانشگاه به‌منظور تصویب رشته‌ی مورد نظر</u> : بدیهی است که تصویب رشته مساوی با تأسیس آن نیست. تأسیس رشته، منوط به عملیاتی شدن بسته‌ی سوم و به‌انجام رسیدن آن است. ^۱

^۱ با توجه به مطالعاتی که برای تدوین این نظام‌نامه صورت گرفت و با عنایت به نیازهای جدید نظام اسلامی و رسیدن به مرجعیت علمی در رشته‌هایی که ضروری‌تر به‌نظر می‌رسند، پیشنهاد اولیه‌ای جهت طی فرایند تصویب پیشنهاد می‌شود تا در دستور کار نهاد پژوهشی دانشگاه و معاونت آموزشی قرار بگیرد. این رشته‌ها عبارتند از:

۱- در حوزه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی

۱-۱- فلسفه‌ی تعلیم و تربیت

در این رشته که زیرمجموعه‌ی علوم تربیتی است، دو دسته مطرح است:

(۱) دسته‌ی اول، مباحث فلسفی مربوط به هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی است که مکاتب مختلف در تعلیم و تربیت با توجه به اختلاف آراء در این مباحث پدید آمده‌اند.

(۲) دسته‌ی دوم، مربوط به رویکردها، روش‌ها و مانند آن است که بیشتر جنبه‌ی تجویزی دارند.

تأسیس این رشته، با توجه به مباحث طرح‌شده در مبانی نظام تربیتی و چالش‌های موجود در این عرصه و با توجه به نکات زیر، ضروری به‌نظر می‌رسد:



دانشگاه امام صادق

اهمیت تربیت و نظام تربیتی در جمهوری اسلامی ایران؛

- وجود چالش‌های جدی و بنیادین در فلسفه‌ی تربیت و نظام تربیتی میان دیدگاه اسلامی و نظام سکولار حاکم بر جهان؛
- ضرورت تربیت متخصصین و نظریه‌پردازان تربیت مبتنی بر اندیشه‌های اسلامی؛
- نیاز مبرم نظام اسلامی به فیلسوفان تربیت با دیدگاه اسلامی و حضور آنان در برنامه‌ریزی‌های کلان، مانند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول آموزش و پرورش و نظام تربیتی حوزه‌های علمیه.

۱-۲- تربیت خانوادگی و خانواده

این رشته که شاید یک رشته‌ی نو و ابداعی در کشور هم تلقی شود، با توجه به مباحث مطروحه در بخش انسان‌شناسی و با عنایت به نکات زیر ضروری به‌نظر می‌رسد:

- جایگاه بی‌بدیل خانواده به‌عنوان یک کانون با خاستگاه طبیعی و تأثیرگذاری منحصر به فرد در تعلیم و تربیت؛
- چالش‌های جدی و بنیادین میان دیدگاه سکولار و غربی با دیدگاه اسلام درباره‌ی خانواده؛
- بحران بنیان‌افکن خانواده در غرب و سرایت آن به جوامع اسلامی از جمله جامعه‌ی ما؛
- حضور متخصصین مجرب و نظریه‌پرداز با دیدگاه اسلامی در جامعه برای جلوگیری از گرایش به غرب یا گرایش به تبحر در مباحث مربوط به خانواده؛
- نیاز دنیای جدید به طرح مبنایی و ریشه‌ای نظام خانواده و ارائه‌ی الگوهای صحیح و منطقی و مبتنی بر دین الهی به جهانیان.

۱-۳- برنامه‌ریزی درسی

این رشته که از شاخه‌های علوم تربیتی محسوب می‌شود، متخصص در برنامه‌ریزی درسی را تربیت می‌کند و معمولاً دکترای این رشته دارای کارایی است. با توجه به نکات زیر، تأسیس این رشته ضروری به‌نظر می‌رسد:

- نقش محوری این رشته در برنامه‌ریزی‌های کلان و جزئی آموزش و پرورش؛
- شکل‌گیری این رشته در غرب با مبنای غربی و انتقال آن مبنای به برنامه‌های درسی و چالش جدی میان آن مبنای و اندیشه‌های اسلامی؛
- ضرورت تربیت برنامه‌ریزان درسی با تفکر اسلامی برای حضور در مهم‌ترین نهادهای کشور؛
- ضرورت نظریه‌پردازی در این رشته با توجه به مبنای فلسفی متفکرین مسلمان و طرح آن در مجامع علمی جهان؛
- نگاه تقلیدی برنامه‌ریزان آموزش و پرورش دنیای اسلام به غرب و حضور برنامه‌ریزان درسی غربی در بسیاری از کشورهای اسلامی و عقب‌ماندگی دنیای اسلام در این زمینه.

۲- در حوزه‌ی فلسفه

۱-۲- فلسفه‌ی علم

این رشته که از شاخه‌های فلسفه و در اصطلاح امروز، از فلسفه‌های مضاف محسوب می‌شود، با توجه به نکات زیر ضروری است:

- تقلیل و فروکاهی فلسفه در غرب به معرفت‌شناسی و محور قرار گرفتن مباحث معرفت‌شناسی در فلسفه‌های جدید، به‌خصوص در پوزیتیویست‌ها، نوپوزیتیویست‌ها، فیلسوفان تحلیلی و زبان و فیلسوفان پست‌مدرن؛
- بحران جدی در واقع‌نمایی معرفت و سرایت نسبی‌گرایی و شکاکیت جدید به حوزه‌ی اخلاق و سایر حوزه‌های زندگی؛
- تأثیر مباحث معرفت‌شناسی بر معرفت دینی و سرایت نسبی‌گرایی مطلق به معرفت دینی و ورود این مباحث به جامعه‌ی اسلامی؛
- ضرورت تبیین مباحث علم‌شناسی، مبتنی بر فلسفه‌ی غنی اسلامی و نظریه‌پردازی جدی در این زمینه و ارائه‌ی آن به محافل علمی و فلسفی جهان.

۲-۲- فلسفه‌ی هنر

این رشته از فلسفه‌های مضاف محسوب می‌شود و شامل مباحث فلسفی و غیرفلسفی در حوزه‌ی هنر و زیبایی‌شناسی است. تأسیس این رشته با توجه به مباحث زیر ضروری است:

- نقش جدی هنر در زندگی امروز بشر؛
- کار و تلاش علمی دنیای غرب در قرون اخیر در مباحث نظری هنر، بر مبنای اندیشه‌های فلسفی رایج در غرب؛
- خالی بودن دست جوامع اسلامی از مباحث نظری در حوزه‌ی هنر که مبتنی بر فلسفه‌ی اسلامی و تفکر دینی باشد؛
- تهاجم هنری غرب به دنیای اسلامی و تخریب فرهنگ دینی از این طریق؛
- ناتوانی جهان اسلام در تربیت عناصر نقش‌آفرین در صحنه‌ی هنر، مانند رمان‌نویس، کارگردان، نویسنده‌ی فیلم، بازیگر، نقاش، معمار و مانند آن که با تفکر عمیق اسلامی آشنا باشند.

۲-۳- فلسفه‌ی دین

این رشته که دربردارنده‌ی مباحث کلاسیک و قدیمی حوزه‌ی نبوت و مباحث جدید و مستحدثه‌ی فراوانی است، با توجه به نکات زیر ضروری است:

- ظهور چالش‌ها و مسأله‌های جدی در قرون جدید درباره‌ی اصل دین و جایگاه آن در حیات بشری؛
- پیدایش ادیان و معنویت نوظهور و کاذب برای پاسخ‌گویی به نیاز حقیقی بشر به معنویت؛
- تهاجم گسترده و همه‌جانبه‌ی فکری و فرهنگی غرب به اسلام و تأسیس رشته‌های اسلام‌شناسی در غرب برای تربیت نیروهای متخصص موردنظر خود و تهاجم فرهنگی قوی‌تر به اسلام و تألیف کتاب‌ها و برگزاری سمینارهای متعدد در نقد فلسفی و کلامی اسلام.

۳- در حوزه‌ی الهیات و معارف اسلامی

۱-۳- شناخت ادیان



۴-۶- اصول حاکم بر تعیین دروس هر رشته

در تعیین درس‌های هر رشته‌ی تحصیلی باید به اصول زیر توجه کرد:

۱- ارتباط درس با حل چند مسأله‌ی اساسی رشته‌ی تحصیلی؛
۲- افزایش دروس انتخابی به‌منظور توجه به گرایش‌ها و علایق دانشجویان؛
۳- شفاف کردن ارتباط بین دروس مختلف در یک رشته برای دانشجویان؛
۴- حرکت به سمت افزایش دروس تلفیقی؛
۵- حرکت به سمت بومی‌سازی دروس تخصصی؛
۶- تناسب میان تعداد واحدها و رویکرد حقیقت‌طلبی (که نیازمند پرورش دانشجویان متفکر و اهل نظر می‌باشد). ^۱

جدول ۴-۷- اصول حاکم بر تعیین دروس هر رشته

۴-۷- نحوه‌ی توزیع دروس مشترک در سنوات تحصیلی

به‌منظور رعایت اهداف مشترک رشته‌ها و اصول حاکم بر تعیین دروس، لازم است تنظیم درس‌ها به‌صورت زیر انجام پذیرد:

۴-۴- در حوزه‌ی آموزش و پرورش

۴-۱- آموزش معارف اسلامی

این رشته که برای تربیت متخصصانی است که بتوانند برنامه‌ی درسی معارف اسلامی را تدوین کنند و توانایی نوشتن کتاب درسی را، به معنای درست کلمه، داشته باشند. آموزش در این حوزه با توجه به نکات زیر ضروری است:

- نقش اساسی درس تعلیمات دینی در آموزش و پرورش؛
- کمبود سرمایه‌ی انسانی متخصص و دارای بینش عمیق و درست و توانا در تألیف کتاب و تدوین برنامه در این درس؛
- آسیب‌های جدی دانش‌آموزان در این درس؛
- پیشرفت ادیان مسیحی، یهودی و بودایی در تربیت متخصصان عالی‌رتبه و ضرورت رقابت جدی با آنان؛
- جایگاه جمهوری اسلامی ایران در جوامع اسلامی و ضرورت الگو و اسوه بودن کشور ما در آموزش این درس و نوشتن کتاب‌های درسی متنوع برای نقاط مختلف جهان با فرهنگ‌های گوناگون.

۴-۲- آموزش علوم اجتماعی

درس‌های علوم اجتماعی در آموزش و پرورش یکی از درس‌های پرچالش و درعین حال، نقش‌آفرین در شکل‌گیری شخصیت دانش‌آموزان است. با توجه به نکات زیر آموزش در این حوزه ضروری است:

- کمبود سرمایه‌ی انسانی توانا، متخصص و دارای بینش اسلامی برای تدوین برنامه و تألیف کتاب؛
- وجود چالش‌های جدی میان دیدگاه غربی و سکولار درباره‌ی مباحث اساسی اجتماعی، از جمله جایگاه قانون و مشروعیت حکومت؛
- تأثیرگذاری این درس در تفکر دانش‌آموزان؛
- نگاه تقلیدی در برخی متخصصان این درس و گرایش به ترجمه به‌جای تولید بر اساس نگرش اسلامی و فرهنگ خودی.

پیشنهاد: با توجه به اصالت بحث «تربیت» در اسلام و جایگاه آن در نظام جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های عمیقی که میان نظام تربیتی اسلام و نظام تربیتی سکولار وجود دارد و آسیب‌هایی که از این جهت بر کشور ما وارد کرده است، ارتقاء توان علمی کشور و تربیت دانشمندانی که در چارچوب مبانی اسلامی به تولید علم بپردازند، ضروری می‌باشد.

از این رو لازم است دانشکده‌ای تحت‌عنوان «دانشکده‌ی تربیت» تشکیل شود و رشته‌های مربوط به علوم تربیتی و آموزش و پرورش در آن دانشکده تدریس شود.

۵-۴- در حوزه‌ی مطالعات اجتماعی

۵-۱- فلسفه‌ی علوم اجتماعی

۵-۲- جامعه‌شناسی

۵-۳- فرهنگ و تمدن اسلامی

^۱ تعداد واحدهای فعلی، امکان تفکر عمیق و پژوهش و جستجوگری را از دانشجوی سلب می‌کند و تمام وقت مفید وی را صرف امتحان و کلاس می‌کند. البته کاهش دروس باید با هدایت تحصیلی دانشجویان و فراهم کردن زمینه‌ی مباحثه و تحقیق شود و به بیکاری و بطالت منجر نشود.



۱- واحدهای مربوط به زبان عربی، زبان انگلیسی، منطق، زبان و ادبیات فارسی در پنج ترم اول توزیع شوند.

۲- واحدهای اصول فقه و فقه عمومی در پنج ترم اول توزیع شوند.

۳- واحدهای عمومی که جنبه‌ی تربیتی دارند در شش ترم اول توزیع شوند.

۴- واحدهایی که جنبه‌ی کاربردی دارند و نتایج دروس تخصصی و عمومی در آنها مؤثر است، مانند درس علوم انسانی - اسلامی در ترم‌های ۱۱ و ۱۲ ارائه شوند.

جدول ۴-۸- پیشنهادهای تنظیم توالی دروس رشته‌ی تحصیلی

۴-۸- امکان جابجایی درس‌های یک رشته براساس استعدادیابی دانشجویان

با توجه به استعدادیابی دانشجو و تشخیص استعداد ویژه در دانشجویان و نیاز جامعه به اینگونه تخصص‌های جزئی، عناوین درس‌های هر رشته باید قابلیت عرضه به اینگونه دانشجویان را داشته باشد. از این‌رو در هر رشته‌ی تحصیلی عناوین درس‌ها به تعداد ۸ واحد برای دوره‌ی کارشناسی‌ارشد و ۵ واحد برای دوره‌ی دکتری قابلیت جابجایی برای هر دانشجو دارد.

استفاده از این ظرفیت بدین‌گونه است که استاد راهنما به استعدادیابی دانشجویان، به‌همان صورت که در شرح وظایف استاد راهنما آمده است، می‌پردازد و پس از تشخیص حیطه‌ی خاص مورد علاقه‌ی دانشجو در رشته‌ی تحصیلی‌اش، دروسی را که به شکوفایی این استعداد کمک می‌کند، تعیین می‌نماید. ایشان همچنین عناوین دروسی را که باید حذف شوند تا این دروس جایگزین آنها قرار گیرند، مشخص می‌نماید و به مدیر گروه و رئیس دانشکده ارائه می‌کند تا پس از تصویب، به دانشجو ابلاغ گردیده و به‌اجرا درآید.

همچنین مدیر گروه می‌تواند به‌پیشنهاد استاد راهنما و سایر اساتید درس‌های تخصصی، دانشجو را مأمور به گذراندن دروسی خاص در دانشکده‌ی مربوطه یا سایر دانشکده‌ها نماید؛ به‌نحوی که به تخصص جزئی‌تر و کاربردی‌تری در رشته‌ی خود نائل آید. البته این اقدام باید به اطلاع دفتر برنامه‌ریزی درسی برسد. چنین دانشجویانی می‌توانند این تخصص ویژه را در کارنامه‌ی خود نیز ثبت کنند.

۴-۹- جایگاه دروس معارف اسلامی در رشته‌ی تحصیلی

۴-۹-۱- ضرورت و فلسفه‌ی وجودی دروس معارف اسلامی

با مراجعه‌ی به دو مبحث «دین‌شناسی» و «معرفت‌شناسی» بخش مبانی نظام تربیتی و تبیین ارائه‌شده از رابطه‌ی علم و دین، به‌دست می‌آید که کسب معرفت در هریک از شاخه‌های علوم انسانی منوط به معرفت به مبانی دینی و معارف اسلامی است. به‌عبارت دیگر، تحصیل علم در هریک از شاخه‌های علوم انسانی از دو منبع عقل و نقل باید صورت بگیرد و دروس معارف اسلامی علاوه بر ارتقاء بینش و نگرش دینی دانشجویان، باید آنان را برای استفاده از منبع نقلی معرفت و بهره‌مندی از آن در دانش تخصصی خود، مجهز و آماده سازد.

از این‌رو دانشجوی ورودی به دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در همان ابتدا باید توجیه شود که در این دانشگاه با رویکرد مراجعه‌ی به عقل و نقل، اقتصاد و سیاست و حقوق و سایر رشته‌ها آموزش داده می‌شوند و دروس معارف اسلامی مستقیم یا غیرمستقیم، لازمه‌ی تحقق چنین امری است.

همچنین با مراجعه‌ی به مبحث «ابعاد تربیت» و نسبت آنها به یکدیگر و مبحث «تربیت علمی عمومی» که در نظام‌نامه‌ی تربیتی به آن پرداخته شد، دروس معارف، تربیت علمی عمومی را تداوم می‌بخشد و معرفت دینی دانشجویان را تقویت می‌نماید و به سایر ابعاد تربیت مانند تربیت عبادی، تربیت اخلاقی، تربیت زیبایی‌شناختی، تربیت خانوادگی و تربیت اجتماعی کمک می‌کند. البته به‌میزانی که رویکرد «هم‌افزایی و تلفیق» جدی‌تر گرفته شود و در دروس بیشتری توسعه یابد، ضرورت درس‌های معارف برای دانشجویان ملموس‌تر و جدی‌تر خواهد بود. در همین بخش، به‌تفصیل این مبحث پرداخته شده است.

بنابراین با توجه به مبانی ذکرشده، تدریس این دروس در قالب‌های مناسب، لازمه‌ی تمام رشته‌ها به‌خصوص رشته‌های علوم انسانی در سراسر کشور است؛ که البته باید با تبیین دقیق علمی و نقشه‌ی راه صحیح صورت پذیرد.

۴-۹-۲- اهداف تفصیلی دروس معارف اسلامی (موردنیاز یک دانشجو)

۴-۹-۲-۱- اهداف شناختی

- تقویت و تعمیق شناخت اصول و مبانی اسلامی؛
- شناخت قرآن کریم و سنت پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) به‌عنوان راهنمای هدایت و تنها راه غلبه بر معضلات بشر در عصر کنونی؛
- شناخت الگوهای برتر و نقاط برجسته و موفقیت‌آمیز در تاریخ تمدن اسلامی؛
- آشنایی تفصیلی با نظر اسلام و دانشمندان مسلمان درحد تأمین نیازهای معرفتی دانشجویان کارشناسی‌ارشد در یکی از رشته‌ها؛
- آشنایی با اندیشه‌های مخالف و معارض با تفکر دینی و اسلامی و نقدهای وارد بر آنها؛
- ارائه‌ی نگاهی همه‌جانبه به ابعاد مختلف معارف اسلامی و استفاده از جامعیت و انسجام آن، به‌ویژه در پاسخ‌گویی به شبهات و سؤال‌ها؛
- آشنایی با مصادیقی از تقریرها و دفاع‌های عقلانی از معارف اسلامی.

۴-۹-۲-۲- اهداف گرایشی

- اخلاق دینی، تقوای الهی، معاداندیشی و اجتناب از دنیاطلبی؛
- انس با قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت و ایمان به الهی بودن و پایان‌ناپذیری معارف آن؛
- محبت به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) به‌عنوان اسوه‌های کامل و ایمان به کارآمدی تعالیم ایشان؛
- تقید کامل به فرائض دینی و نیز انجام مستحباتی مانند حضور در نمازهای جماعت و جمعه، جلسات موعظه، قرائت روزانه‌ی قرآن کریم، ادعیه و...؛
- ایمان به دقت، عمق و جامعیت تعالیم اسلام و کارآمدی و راهگشا بودن آن تعالیم در حل معضلات جوامع بشری؛
- ایجاد خوش‌بینی و نگاه مثبت به میراث تمدن اسلامی، به‌ویژه روحانیت و علمای دین؛
- انتظار سازنده نسبت به آینده‌ی جهان، ایجاد تمدن عظیم اسلامی و ظهور موعود جهانی؛
- غیرت دینی در دفاع از معارف برحق اسلامی، درعین عدم تعصب‌ورزی؛
- عدم مرعوبیت و بلکه نگاه انتقادی نسبت به اندیشه و فرهنگ غرب؛
- احساس مسئولیت نسبت به اوضاع جهان اسلام و نظام اسلامی به‌ویژه در جریانات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛
- تقویت روحیه و انگیزه‌ی مطالعه و تحقیق.

۴-۹-۲-۳- اهداف مهارتی

- تقویت مهارت‌های تحصیلی شامل:
 - مطالعه با کمیت و کیفیت بالا؛
 - تجزیه و تحلیل و مواجهه‌ی نقادانه با متون مختلف؛
 - مهارت‌های نگارشی مانند تلخیص، فیش‌برداری، طبقه‌بندی اطلاعات، مقاله‌نویسی.
- توان استفاده از متون درسی و کمک‌درسی به زبان عربی؛
- توان مراجعه به متون اسلامی (قرآن کریم، روایات، متون تفسیری، فقهی و...) برای پژوهش علمی و روش‌مند؛
- توان تشخیص و نقد دیدگاه‌های نادرست (بدفهمی‌ها و شبهات) در تعالیم دینی و معارف اسلامی.

۴-۹-۳- اهداف تفصیلی دروس معارف اسلامی موردنیاز یک دانشجوی رشته‌ی علوم انسانی

۴-۹-۳-۱- اهداف شناختی

- آشنایی با نگاه اسلام به انسان و جامعه؛
- آشنایی با دانش نظری و تجویزی متون دینی در حوزه‌ی علوم انسانی؛
- آشنایی با اندیشه‌های مخالف و معارض تفکر اسلامی در حوزه‌ی علوم انسانی و نقدهای وارد بر آنها؛
- آشنا با آراء متفکرین مسلمان در حوزه‌ی علوم انسانی و تاریخ این علوم در جهان اسلام.

۴-۹-۳-۲- اهداف گرایشی

- علاقه‌مندی به درک مبانی اسلامی در حوزه‌ی علوم انسانی؛
- قبول اعتبار و ارزشمندی متون دینی در حوزه‌ی علوم انسانی؛
- علاقه‌مندی به بنای علوم انسانی با رویکرد مراجعه به عقل و نقل.

۴-۹-۳-۳- اهداف مهارتی

- توانایی مراجعه به منابع دینی به‌منظور استخراج گزاره‌های مربوط به حوزه‌ی علوم انسانی؛
- توانایی جدا کردن مبانی فلسفی و نظری متون علوم انسانی از گزاره‌های تجویزی آنها؛
- توانایی مقایسه و نقد دیدگاه‌ها در حوزه‌ی علوم انسانی.

۴-۹-۴- اصول و ضوابط حاکم بر دروس معارف اسلامی

۴-۹-۴-۱- آموزش جامع معارف اسلامی

دین اسلام یک دین همه‌جانبه و ذو ابعاد است و همه‌ی ابعاد و جنبه‌ها ارتباط نظام‌مند با یکدیگر دارند. برای اینکه این نظام‌وارگی معرفتی نسبت به اسلام در اندیشه‌ی دانشجو شکل بگیرد، باید آموزش جامع که نسبت اصول به فروع و اصول با یکدیگر و فروع نیز با یکدیگر روشن شده باشد، ارائه گردد.

البته توجه به این اصل به‌معنای آموزش تفصیلی و جزءبه‌جزء همه‌ی محتوای دین نیست، بلکه منظور این است که یک دوره‌ی معارف اسلامی که ناظر به دو ساحت نظر و عمل باشد، در هر مرتبه‌ای از اجمال یا تفصیل که ظرف زمانی آموزش اقتضا می‌کند، آموزش داده شود و اهداف برنامه با توجه به چنین اصلی طراحی گردد.

۴-۹-۴-۲- توجه بیشتر به اهداف گرایشی^۱

با توجه به اینکه دانشجویان علوم انسانی برای تخصص در یکی از رشته‌های علوم انسانی به دانشگاه آمده و خود را با دانشجویان سایر دانشگاه‌ها مقایسه می‌کنند، انگیزه‌ی یادگیری دروس معارف در آنان ضعیف‌تر از دروس تخصصی می‌باشد. لذا باید به اهداف گرایشی این درس‌ها توجه بیشتر شود تا انگیزه‌ی یادگیری افزایش یابد.

۴-۹-۴-۳- توجیه دانشجویان و اساتید نسبت به ضرورت درس‌های معارف اسلامی

دانشجویانی که رشته‌ی علوم انسانی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) را انتخاب می‌کنند، باید در دو مرحله با رویکرد ویژه‌ی این دانشگاه آشنا شوند و با آگاهی کامل و انتخاب آگاهانه وارد دانشگاه شوند.

مرحله‌ی اول، مرحله‌ی انتخاب رشته است. در این مرحله دانشجو باید بداند که چرا به رشته‌های علوم انسانی این دانشگاه عنوان «معارف اسلامی» ضمیمه شده است. در پایگاه اطلاع‌رسانی دانشگاه، در جزوه‌های راهنمای رشته و نظایر آن باید در این مورد اطلاع‌رسانی شود و دانشجو بداند که درس‌هایی متفاوت با سایر دانشگاه‌ها، در رشته‌ی تخصصی خود باید بخواند و آن دروس «معارف اسلامی» است.

^۱ با توجه به نظرسنجی سال ۱۳۸۶ «طراحی برنامه‌ی درسی گروه معارف اسلامی» (توسط جناب آقای دکتر خندان)

مرحله‌ی دوم، آغاز دوره‌ی تحصیلی است. در همان آغاز دوره باید به‌صورت تفصیلی و با تبیینی جامع، ضرورت دروس معارف اسلامی ارائه گردد تا دانشجو به‌لحاظ علمی بپذیرد که آموزش چنین درس‌هایی برای وی ضروری است.

با توجه به نقش اساتید در توجیه دانشجویان و تأثیر دیدگاه‌های آنان بر دانشجویان، باید اساتید نیز نسبت به ضرورت دروس معارف توجیه شوند و خود اساتید در حد مطلوبی با این معارف آشنا باشند و توانایی تدریس این درس‌ها را داشته باشند.

۴-۹-۴- اولویت تدریس دروس معارف اسلامی توسط اساتید رشته

آمیخته بودن علوم انسانی با مبانی فلسفی و اعتقادی و انسان‌شناسی فلسفی و نیز اتخاذ رویکرد هم‌افزایی و تلفیق ایجاب می‌کند دروس معارف حتی‌المقدور توسط اساتید دروس تخصصی تدریس شود. البته اساتید رشته تخصصی باید مسلط به این دروس باشند و توانایی تدریس دقیق و عالمانه‌ی دروس را داشته باشند.

۴-۹-۵- هماهنگ‌سازی جدول دروس معارف اسلامی و رشته‌ی تحصیلی

جدول دروس معارف اسلامی و رشته‌ی تحصیلی باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که پاسخ‌گوی نیازهای ویژه‌ی دانشجویان هر رشته باشد. بدین‌منظور باید دو اقدام صورت بگیرد:

۱) گنجاندن درس‌های انتخابی در معارف که دانشجویان هر رشته بتوانند مطابق با نیاز خود انتخاب کنند.

۲) گنجاندن دروسی که محتوا و مضمون آن مباحثی باشد که با رشته‌ی تخصصی آنها ارتباط دارد.

۴-۹-۶- جهت‌دار کردن دروس، متناسب با مقتضیات زمان

توجه به مقتضیات زمان که معنایی جامع‌تر از نیازهای زمان است، یکی از شروط اساسی موفقیت متفکرین مسلمان در پیشبرد اهداف اسلامی است. استاد مطهری می‌گوید: «برای روشنفکران مسلمان در عصر ما که از نظر کیفیت زنده‌ترین طبقات اجتماعی می‌باشند و از نظر کمیت خوشبختانه قشر قابل توجهی به‌شمار می‌روند، مهم‌ترین مسأله‌ی اجتماعی «اسلام و مقتضیات زمان» است. دو ضرورت فردی، مسئولیت سنگین و رسالتی دشوار بر دوش این طبقه می‌گذارد: یکی ضرورت شناخت صحیح اسلام واقعی به‌عنوان یک فلسفه‌ی اجتماعی و یک ایدئولوژی الهی ...؛ و دیگر ضرورت شناخت شرایط و مقتضیات زمان و تفکیک واقعیات ناشی از تکامل علم و صنعت از پدیده‌های انحرافی و سقوط.»^۱

۴-۹-۵- اصول و ضوابط تنظیم دروس عمومی و معارف اسلامی

با توجه به رابطه‌ی تربیت علمی با سایر ابعاد تربیت و ضرورت رشد همه‌جانبه‌ی دانشجو و با توجه به اصول تربیت که در بخش نظام‌نامه‌ی تربیتی ذکر گردید، دروس عمومی و معارف اسلامی باید در چارچوب اصول و ضوابط زیر طراحی گردد:

۱- توجه به هم‌افزایی دروس و تلفیق میان دروس عمومی و معارف اسلامی با دروس تخصصی.

۲- تعیین دروسی که دانشجویان را به سطحی از دین‌شناسی برساند که توانایی پیوند میان رشته‌ی تخصصی و معارف دینی را به دانشجو بدهد.

۳- دروس عمومی و معارفی باید این حوزه‌ها را شامل شود: مبانی و اصول عقاید اسلامی، قرآن و تفسیر آن، سیره و تاریخ اسلام، زبان و ادبیات عربی، فقه و اصول فقه، دانش ضروری برای تربیت اخلاقی و عبادی، تربیت اجتماعی (تربیت سیاسی و تمدنی، حقوقی و مالی، ...)، تربیت خانوادگی، تربیت جسمانی، فرهنگ و تمدن معاصر و مهارت‌های تحصیلی.

۴- تنظیم درس‌های عمومی و معارفی به تعداد ۱۰۰ واحد (۵+/-)؛

۵- تنظیم درس‌های تخصصی در هر رشته به تعداد ۱۰۰ واحد (۵+/-)؛

۶- اختصاص حداقل ۱۵ واحد به دروس انتخابی؛

۷- جهت‌گیری دروسی مانند مبانی و اصول عقاید و فقه به‌سمت رشته‌ی تخصصی با هدف مصداقیابی در آن رشته و برقراری ارتباط میان مبانی و محتوای رشته.

جدول ۹-۴- اصول و ضوابط تنظیم دروس عمومی و معارف اسلامی

۹-۴-۶- شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ی دروس معارف اسلامی

میزان موفقیت برنامه‌ی دروس معارف اسلامی، با توجه به شاخص‌های زیر ارزیابی می‌گردد:

۱- تعیین دقیق مبانی هم‌افزایی و تلفیق؛
۲- تعیین ابعاد و موارد امکان‌پذیر هم‌افزایی و تلفیق؛
۳- میزان توانایی اساتید بر تدریس با رویکرد هم‌افزایی و تلفیق؛
۴- میزان توانایی اساتید رشته در تدریس دروس معارف؛
۵- توانایی تولید مواد آموزشی با رویکرد هم‌افزایی و تلفیق؛
۶- نگرش دانشجویان نسبت به تلفیق و هم‌افزایی.
۷- توانایی ارتباط میان رشته‌ی تخصصی و دروس معارف اسلامی؛
۸- توانایی در دادن معرفت عمیق به دانشجویان در حوزه‌ی دین و تمدن‌سازی دین؛
۹- توانا کردن دانشجویان در مهارت‌های موردنیاز درضمن تحصیل؛
۱۰- برقراری ارتباط میان تربیت علمی با سایر ابعاد تربیت؛
۱۱- توانا کردن دانشجو در تحلیل فرهنگ و تمدن جدید و مبانی فکری آن.

جدول ۱۰-۴- شاخص‌های ارزیابی برنامه‌ی دروس معارف اسلامی

۱۰-۴-۱۰- چارچوب و ساختار مشترک رشته‌ی تحصیلی

به‌منظور وحدت رویه، ایجاد ارتباط تعریف‌شده میان مبانی نظام تربیتی و نظام‌نامه‌ی تربیتی با رشته‌ی تحصیلی، امکان ارزیابی و مقایسه گردش کار روان و آشنایی آسان و راحت دانشجویان، اساتید و مراجعه‌کنندگان با رشته‌های تحصیلی، برنامه‌ی درسی رشته‌های تحصیلی باید دارای عناوین ذیل باشد:

۱۰-۴-۱- ضرورت و فلسفه‌ی وجودی رشته

در تبیین ضرورت و فلسفه‌ی وجودی رشته باید به نکات زیر توجه شود:

- ۱- رابطه‌ی این رشته با اهداف کلان؛
- ۲- رابطه‌ی این رشته با چشم‌انداز (مرجعیت علمی و تولید علم)؛
- ۳- چالش‌های پیش‌روی نظام در این رشته؛
- ۴- عواملی که به تشکیل این رشته اولویت بخشیده‌اند؛
- ۵- جایگاه این رشته در تربیت علمی، عمومی و تخصصی (مشخص‌شده در نظام‌نامه‌ی تربیتی دانشگاه)؛
- ۶- جایگاه رشته در منظومه‌ی علمی دانشکده و دانشگاه؛
- ۷- مسأله‌های اساسی مطرح در رشته؛
- ۸- چارچوب مفهومی رشته و نسبت آن با مسأله‌های اساسی رشته؛
- ۹- تبیین مبانی نظری رشته با جهت بومی‌گرایی؛
- ۱۰- تعیین نسبت آن با نیازهای جامعه.

جدول ۱۱-۴- نکات مورد توجه در ضرورت و فلسفه‌ی وجودی رشته



پس از تبیین فلسفه‌ی وجودی و تدوین آن باید اهداف رشته‌ی تحصیلی با توجه به اهداف دروس معارف اسلامی و اهداف مشترک رشته‌ها مشخص گردد. این اهداف باید در سه قلمرو: شناخت‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها تدوین گردد.

۴-۱۰-۳- جدول دروس‌های رشته

پس از تدوین اهداف نوبت به جدول دروس‌های رشته تحصیلی می‌رسد. در تنظیم این جدول باید به نکات زیر توجه شود:

- ۱- رابطه‌ی دروس رشته با دروس معارف اسلامی؛
- ۲- توجه به کاهش تعداد دروس و تأکید بر درس‌های اصلی؛
- ۳- توجه به ابعاد تربیت و نسبت دروس با سایر ابعاد تربیت؛
- ۴- توجه به چالش‌ها، آسیب‌های پیش‌رو و نیازهای جامعه؛
- ۵- توجه به اهداف تعیین‌شده برای رشته.

جدول ۴-۱۲- نکات مورد توجه در جدول دروس‌های رشته تحصیلی

۴-۱۰-۴- چگونگی و میزان هم‌افزایی و تلفیق در دروس یک رشته‌ی تحصیلی

با توجه به مباحث ذیل تلفیق و هم‌افزایی، لازم است تبیین دقیقی از ارتباط دروس یک رشته با یکدیگر و با دروس معارف اسلامی ارائه شود و حدود تلفیق در این دروس مشخص گردد تا برنامه‌ریزان رشته‌های تحصیلی و اساتید این رشته‌ها، بدون ابهام و با آگاهی از ابعاد و حدود ارتباط دروس معارف و دروس تخصصی تدریس کنند و در ابهام قرار نگیرند.

۴-۱۰-۵- شاخص‌های تخصصی اساتید رشته

در کنار شاخص‌های عمومی که برای اساتید دانشگاه معین شده، شاخص‌های ویژه‌ی هر رشته تحصیلی نیز باید در برنامه‌ی رشته ارائه گردد. این شاخص‌ها باید در چارچوب شاخص‌های عمومی باشد و نباید با آن در تعارض قرار گیرد.

۴-۱۰-۶- شاخص‌های تخصصی دانشجویان رشته

علاوه بر شاخص‌های عمومی دانشجویان، لازم است تدوین‌کنندگان برنامه‌ی درسی رشته‌ی تحصیلی، شاخص دانشجویان مناسب برای رشته‌ها را نیز تعیین کنند. همچنین ضروری است که گزینش دانشگاه نیز به این شاخص‌ها توجه نماید. شایسته است که ارزیابی دانشجویان داوطلب از جهت شاخص‌های تخصصی، برعهده‌ی اساتید دانشکده باشد و آیین‌نامه گزینش مطابق با این پیشنهاد اصلاح گردد.

۴-۱۱- شاخص‌های عمومی تصویب پایان‌نامه (با عنایت به آزادی عمل استاد)

این شاخص‌ها عبارتند از:

۱- مطالعه و بررسی در موضوع‌های میان‌رشته‌ای علوم اسلامی و علوم انسانی و اجتماعی؛
۲- نقد و ارزیابی مبانی، جهت‌گیری‌ها و یافته‌های علوم انسانی و اجتماعی براساس اصول و معارف اسلامی؛
۳- پاسخ‌گویی به شبهات و انتقاداتی که درمورد فرهنگ و معارف اسلامی و انقلاب اسلامی مطرح می‌شود.
۴- سنجش و تحلیل وضعیت جوامع اسلامی و جهان اسلام در بُعد معرفت دینی، فرهنگ و وضعیت علوم انسانی و اسلامی؛
۵- الگودهی به امت اسلامی در مسیر پایه‌ریزی، تحکیم و گسترش کمی و کیفی آموزه‌های اسلامی؛
۶- کمک به فرهنگ تحول و ارتقاء علوم انسانی؛
۷- کمک به کشف مسئله‌ها و پاسخ‌گویی اجتهادی به آنها؛
۸- نقد و ارزیابی کتاب‌های موجود که از منابع سنتی و مرسوم دروس محسوب می‌شوند.





۹- توجه به حوزه‌هایی از علوم انسانی که دانش وارداتی آن چالش بیشتری با مبانی و فرهنگ اسلامی دارد.

جدول ۴-۱۳- شاخص‌های عمومی تصویب پایان‌نامه (مشترک میان دوره‌ی کارشناسی‌ارشد پیوسته و دکتری)

علاوه‌بر شاخص‌های فوق که مشترک میان دوره‌ی کارشناسی‌ارشد پیوسته و دکتری است، شاخص‌های زیر ویژه‌ی دوره‌ی دکتری است:

۱- گسترش مرزهای علوم انسانی و تولید علم براساس مبانی و معارف اسلامی؛
۲- طراحی چارچوب‌های نظری، الگوها و روش‌های تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی و منطبق با مبانی فلسفی اسلامی؛
۳- ارائه‌ی نمونه‌ها و الگوهایی از کتاب درسی و مواد آموزشی با رویکرد اسلامی در دروس مربوط به رشته‌ی تخصصی خود؛
۴- ارائه‌ی نمونه‌هایی از کتاب‌های درسی و مواد آموزشی با رویکرد تلفیق که سطوحی از تلفیق میان دروس معارف اسلامی و دروس تخصصی یا میان دروس معارف اسلامی یا دروس تخصصی را دارا باشد، یا یکی از روش‌های تلفیقی را تبیین کند و نمونه ارائه دهد.
۵- قابل عرضه در مجامع بین‌المللی و گفتگوهای بین‌فرهنگی.

جدول ۴-۱۴- شاخص‌های عمومی تصویب پایان‌نامه (ویژه‌ی دوره‌ی دکتری)

هر پایان‌نامه باید حائز حدنصاب و معدلی قابل قبول از این شاخص‌ها باشد؛ بدین‌معنا که ممکن است یک پایان‌نامه، تعداد اندکی از شاخص‌ها را در سطحی از تمامیت دارا باشد که برای قبول آن کفایت کند، اما پایان‌نامه‌ای دیگر درعین پوشش تعداد بیشتری از شاخص‌ها، از نظر اساتید، در سطح قابل قبول قرار نگیرد. به عبارت دیگر، کیفیت احراز حدنصاب بر کمیت آن تقدم دارد. تشخیص احراز حدنصاب با اساتید گروه و دانشکده است.



۵۔ فصل پنجم:

ساختار مشترک

پرنامہ‌ی درسے

ہر مادہ‌ی درسے

در هر رشته‌ی تحصیلی تعدادی از عناوین درسی با واحدهای معین وجود دارد که هرکدام از این عناوین، یک ماده‌ی درسی را تشکیل می‌دهند. این مواد درسی در دو بخش دروس عمومی و دروس تخصصی توزیع شده‌اند.

با توجه به دلایلی که در ساختار رشته‌ی تحصیلی بیان شد، باید عناصر زیر در برنامه‌ی هر ماده‌ی درسی لحاظ گردد:

۵-۱- ضرورت و فلسفه وجودی درس (جایگاه ماده‌ی درسی در رشته)

تحت این عنوان جایگاه هر ماده‌ی درسی تبیین می‌گردد و معلوم می‌شود که این ماده‌ی درسی چه کمکی به یادگیری در این رشته می‌کند و عدم وجود آن، چه آسیب‌ها و کمبودهایی را به دنبال دارد.

۵-۲- اهداف ماده‌ی درسی

پس از تبیین ضرورت و فلسفه وجودی هر درس در رشته‌ی تحصیلی، باید اهداف آن درس مشخص شود. تعیین اهداف درس به برنامه‌ریزان در تدوین محتوا، روش‌های تعلیم و شیوه‌ی ارزشیابی کمک می‌کند. مشخص بودن اهداف برای مخاطبان برنامه‌ی درسی، یعنی مؤلفان، اساتید و دانشجویان نیز مفید است و روشن‌کننده‌ی راه هریک از آنان خواهد بود. در تعیین اهداف، باید اصول زیر مورد توجه قرار گیرد:

۵-۳- تدوین اهداف در سه قلمرو شناختی، گرایشی و مهارتی

تعلیم جامع و کارآمد تعلیمی است که متعلم را آماده عمل کند و انگیزه‌ی استفاده از دانش کسب‌شده را در وی پدید آورد و این امر وقتی تحقق می‌یابد که تعلیم متوجه سه قلمرو شناختی، گرایشی و مهارتی باشد. یعنی تعلیم باید به‌صورتی انجام گیرد که دانشجو به شناخت و معرفت موردنیاز در درس مذکور دست یابد و علاقه و انگیزه‌ی لازم برای بهره‌مندی و استفاده‌ی از آن دانش را کسب کند و مهارت‌های لازم مربوط به آن دانش را حائز باشد. البته میزان توجه به هریک از این قلمروها در درس‌های مختلف متفاوت است؛ در برخی از درس‌ها قلمرو شناختی غلبه دارد، مانند دروس فلسفه و کلام؛ و در برخی درس‌ها قلمرو گرایشی غلبه دارد، مانند درس اخلاق؛ و در برخی از درس‌ها قلمرو مهارتی، مانند مکالمه و منطق. اما در همه‌ی درس‌ها این سه قلمرو حضور دارد و موفقیت محتوا و تدریس استاد وقتی است که این سه قلمرو را شامل شود و دربر گیرد. بنابراین اهداف هر درس باید در این سه قلمرو تنظیم شود.

۵-۴- تقسیم اهداف به کلی و جزئی

ابتدا باید اهداف کلی ماده‌ی درسی مشخص شود و سپس براساس اهداف کلی، اهداف جزئی تعیین گردد. اهداف جزئی مهم‌ترین شاخص تعیین موضوع‌ها و مفاهیمی است که در آن درس باید آموزش داده شود.

۵-۴-۱- توجه به تفاوت‌های فردی دانشجویان

اختلافات فردی دانشجویان به‌خصوص از نظر مهارت‌ها و توانایی‌های ذهنی، بستر مناسبی برای انعطاف‌پذیری برنامه و تدوین اهداف ویژه و به‌تبع آن سازماندهی محتواهای خاص است. در اهداف هر درس باید این ظرفیت و امکان پیش‌بینی شود که دانشجویان بتوانند علاوه بر اهداف و محتواهای مشترک، اهداف و محتوای ویژه‌ی خود را نیز پیگیری نمایند. یعنی در هر درسی اهداف آزاد و اختیاری قرار داده شود و متناسب با آن اهداف سرفصل‌هایی نیز تعیین گردد که دانشجو بتواند با راهنمایی استاد برای آن اهداف، محتوا تهیه کند.

۵-۴-۲- توجه به علایق دانشجویان

علاقه‌ی دانشجو در هنگام تعیین رشته مدخلیت فراوان دارد و اگر دانشجویی رشته‌ی تحصیلی خود را حقیقتاً براساس علاقه‌ی خود انتخاب کرده باشد، درس‌ها را نیز با علاقه پیگیری می‌کند. اما این علاقه در تعیین اهداف هر درس و به‌خصوص در دروس عمومی بیشتر خودنمایی می‌کند. به‌علت ابعاد مختلف دروس عمومی و امکان تقریرهای گوناگون از آنها و سازماندهی‌های متفاوت از محتوا، توجه به علایق دانشجویان ضروری است. لذا در تعیین اهداف و سایر مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی این اصل باید مورد توجه باشد.

۵-۴-۳- توجه به توانایی‌های دانشجویان

شناخت دقیق توانایی‌های دانشجویان در تعیین اهداف و محتوا تأثیر دارد. حد متوسط توانایی دانشجویان نیازمند پژوهشی مستقل است. البته پیشینه‌ی تحصیلی آنان در دوره‌ی متوسطه و رتبه‌ی آنها در آزمون سراسری می‌تواند اولین معیار سنجش باشد. به‌دست آوردن توانایی دانشجویان برای تشخیص دانشجویان نخبه نیز مؤثر است. تعیین این توانایی سبب می‌شود که سطح آموزش هم از توانایی دانشجویان پایین‌تر نباشد و هم فوق توانایی آنان قرار نگیرد؛ که هر دو مورد موجب اختلال در آموزش می‌شود.

۵-۴-۴- توجه به نیازهای دانشجویان

نیازهای دانشجویان شامل نیازهای آنی و آتی در عرصه‌های فردی و اجتماعی، بدنی و زیستی، فکری و اعتقادی، خانوادگی و مانند آن است.

نیازها را از حیث توجه دانشجویان می‌توان به دو دسته‌ی کلی تقسیم کرد:

- ۱) نیازهایی که دانشجو بدان آگاه است و آن‌را مطالبه می‌کند و می‌خواهد.
 - ۲) نیازهایی که مستقیماً آن‌را طلب نمی‌کند ولی توسط کارشناسان و متخصصان تشخیص داده می‌شود.
- تعیین اهداف و به‌تبع آن محتوا براساس نیاز سبب توجه دانشجو به آموزش می‌شود. زیرا آن‌را مسأله‌ی خود می‌یابد و می‌خواهد مسأله را حل کند.

مقصود از نیاز، ضرورتاً همان تمایل افراد نیست. چه‌بسا براساس عقل و دین نیازی در دانشجو وجود داشته باشد که خود وی نسبت به آن نیاز به خودآگاهی نرسیده باشد و به‌ظاهر هم تمایلی بدان حس نکند. به‌همین جهت برای به‌دست آوردن نیازها صرفاً نمی‌توان از نظرخواهی استفاده کرد. از طریق نظرخواهی بیشتر می‌توان نیازهای فوری و محسوس و آشکار شده را به‌دست آورد. نیازهای اصیل که ممکن است که در لایه‌های درونی وجود انسان و جامعه مخفی باشد، با بررسی عقلانی و شواهد علمی قابل شناسایی هستند و از این راه‌ها به‌دست می‌آیند.

۵-۴-۵- اطلاع و موضع‌گیری نسبت به مسائل جاری کشور و جهان

اطلاع و موضع‌گیری نسبت به مسائل جاری کشور و جهان وظیفه‌ی قطعی استاد و دانشجوی مسلمان و متعهد است، به‌ویژه برای دانشجویان دروس معارف اسلامی و دانشجویان رشته‌های علوم انسانی که در آینده ارتباط و درگیری کامل با مسائل جاری کشور خواهد داشت.

از آنجا که عدم دوراندیشی برای تغذیه و هدایت درست دانشجو در این زمینه، ممکن است به سستی و بی‌تفاوتی یا به انحراف و موضع‌گیری‌های غلط و تخریبی منجر شود، باید برای تحقق این اصل برنامه‌ریزی کرد. این برنامه‌ریزی باید در دو بخش باشد:

۱) در بخش مربوط به درس‌های معارف؛

۲) در بخش مربوط به درس‌های تخصصی.

در تنظیم اهداف و به‌تبع آن در تدوین محتوای آموزشی باید فضا برای اینگونه مسائل باز شود و استاد در هنگام تدریس بخشی از وقت خود را بدان اختصاص دهد.

۵-۴-۶- توجه به مشاغل مرتبط با رشته

از آنجا که هر فرد باید نقش اقتصادی خود را در نظام اجتماعی ایفا کند، بهتر است در هر درسی، به‌خصوص دروس تخصصی، کاربرد آن علم نیز آموزش داده شود تا شغل و آینده‌ی دانشجو ارتباط مستقیم با آموخته‌ها و رشته‌ی تخصصی او داشته باشد.

۵-۴-۷- التزام به مبانی و اصول تربیتی، با ارائه دلالت‌ها از مبانی نظام تربیتی و نظام‌نامه‌ی تربیتی

۵-۴-۸- التزام به بیانیه‌ی رسالت، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای کلان و اهداف رشته‌ها

۵-۴-۹- حرکت در مرزهای دانش برای نوآوری

۵-۴-۱۰- توجه به ساختار دانش در هر درس

۵-۵- اصول و ضوابط مشترک انتخاب و سازماندهی محتوا

مقصود از محتوا مجموعه مباحث، تمرین‌ها و فعالیت‌هایی است که برای آموزش یک درس در قالب کتاب، فیلم و سایر رسانه‌های آموزشی به دانشجو عرضه می‌شود و استاد با روشی که برمی‌گزیند، این محتوا را به دانشجو آموزش می‌دهد. کتاب، مشهورترین رسانه‌ی آموزشی است و دربردارنده‌ی قسمت اعظم محتوای هر درس می‌باشد و به دو صورت کاغذی و لوح فشرده عرضه می‌شود. انتخاب و سازماندهی محتوا بیشتر ناظر بر عام‌ترین رسانه یعنی کتاب تنظیم شده است و سپس به سایر رسانه‌ها تعمیم داده می‌شود. برخی از این اصول عام هستند و شامل تمام درس‌ها می‌شوند و برخی نیز متناسب با موضوع درس می‌باشند که باید در درس‌های خاصی مراعات گردند. لازم است مؤلفان کتاب‌های درسی در هنگام تألیف به این اصول توجه کنند و صرفاً به مهارت‌های تجربی خود قانع نباشند. اساتید و مدرسان نیز باید به اصولی که تألیف کتاب یا هر رسانه‌ی دیگری بر آن استوار بوده، آگاه باشند و تدریس خود را با توجه به آن اصول سامان‌دهی کنند.

۵-۵-۱- توجه به ساختار علم

هریک از علوم گرچه مشترکاتی با سایر شاخه‌های علم دارند، دارای ساختار ویژه‌ای هستند که اگر آن ساختار به‌درستی فهمیده شود، درک و فهم محتوای داخلی آن آسان‌تر صورت می‌گیرد. به‌طور مثال ساختار منطق صوری به ما می‌گوید که این علم به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: تفکر در حوزه‌ی تصورات و تفکر در حوزه‌ی تصدیقات و تصدیقات، مبتنی بر تصورات هستند.

درک و فهم این ساختار توسط فراگیران به انسجام ذهنی آنان کمک می‌کند و می‌تواند جایگاه هر گزاره‌ی علمی در هر درس را در جای مناسب خود و مرتبط با سایر گزاره‌ها قرار دهند. البته این اصل می‌تواند به طرق مختلفی محقق شود و به این معنا نیست که سازماندهی درس باید مثلاً از کلی به جزئی باشد و از یک قالب خشک پیروی کند؛ لذا می‌تواند با شیوه‌های مختلف سازماندهی محتوا جمع شود.

۵-۵-۲- توجه به ارزش ذاتی علم

در فصل انسان‌شناسی بیان گردید که حقیقت‌طلبی یک گرایش فطری است و درک حقیقت، خودش اصالت دارد. برترین حقیقت نیز خداوند است و معرفت به خداوند ارزشمندترین معارف محسوب می‌شود و رسیدن به این معرفت، یک هدف بالذات شمرده می‌شود. ازطرف دیگر در فصل معرفت‌شناسی نیز بیان گردید که مناط اصلی صدق گزاره‌ها، مطابقت با واقع و کشف حقیقت است، نه عمل و سودمندی. لذا باید ارزش ذاتی علم مورد توجه ویژه قرار بگیرد.

۵-۵-۳- عنایت به سودمندی محتوای دروس

علاوه بر ارزش ذاتی علم، محتوای دروس باید در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی و برای رسیدن به اهداف دیگر تربیتی نیز ضروری و مفید باشد. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «خدا یا پناه می‌برم به تو از علمی که نفع نبخشد.»^۱ آموزش علم از دو جهت می‌تواند مفید باشد: یکی از جهت نفع و فایده‌ای است که در نظام تربیتی و مصالح فردی و اجتماعی دارد؛ دیگر، از جهت نقشی است که در تعلیم ایفا می‌کند. مثلاً آموزش زبان عربی از آن جهت مفید است که در فهم قرآن کریم نقش دارد و بدون فهم این زبان، درک مفاهیم قرآن امکان‌پذیر نیست.

^۱ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ» (بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۱۸)

۵-۴-۵- به‌روز بودن محتوا

محتوا باید براساس آخرین دانسته‌ها و اطلاعات در آن درس، تدریس شود تا دانشجویان بتوانند در مرزهای دانش حرکت کرده و از لحاظ اطلاعات، نسبت به سایر جوامع علمی تأخیر زمانی نداشته باشند. از این‌رو باید همواره محتواهای آموزشی توسط اساتید مورد بازنگری قرار گیرند یا تکمیل شوند و سالانه در منابع آموزشی هر درس تجدیدنظر شود و در صورت انتشار منابع جدید، آن منابع به اطلاع اساتید و دانشجویان برسد.

۵-۵-۵- ارتباط طولی و افقی محتوا

محتوای آموزشی در هر ماده‌ی درسی، اولاً باید با آموخته‌های قبلی در همین ماده‌ی درسی و نیز سایر درس‌ها مرتبط باشد. همچنین آموخته‌های بعدی باید با این ماده‌ی درسی هماهنگ باشد تا مکمل و متمم یکدیگر باشند. ثانیاً محتوای آموزشی در ماده‌ی درسی باید با محتواهای دیگر که در هر نیم‌سال تحصیلی تدریس می‌شود، هماهنگ باشد و مکمل آنها محسوب شود. برای اینکه این ارتباط طولی و افقی به‌روشنی در معرض دید مخاطبان باشد، لازم است دو دسته جدول در ذیل این عنوان آورده شود:

۱) جداول و نمودارهای ارتباط افقی؛

۲) جداول و نمودارهای ارتباط طولی.

۵-۵-۶- سیر به‌سوی تلفیق ابعاد تربیت

با توجه به پیوستگی ابعاد تربیت و درهم‌تنیدگی آنها، آنچنان که در نظام‌نامه‌ی تربیتی توضیح داده شد، نظام آموزشی ضمن آموزش دانش تخصصی موردنظر و ارتقاء تربیت علمی تخصصی دانشجویان، لازم است محتوای آموزشی را به‌گونه‌ای طراحی نماید که برای تقویت سایر ابعاد تربیت نیز فرصت به وجود آورد.

راهکارهای اجرایی این اصل در ذیل عنوان «راهکارهای تدوین برنامه‌های درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی» ذکر شده است.

۵-۵-۷- انتخاب الگوی هم‌افزایی و تلفیق مناسب با رشته

با توجه به رویکرد تلفیق، به‌خصوص میان معارف اسلامی و محتواهای تخصصی، ضروری است برای هر ماده‌ی درسی الگوی ویژه و محدوده‌ی این تلفیق پیشنهاد شود تا راه برای امکان عملی تلفیق در محتوا و تدریس هموارتر شود.

۵-۵-۸- توجه به اصول ذکرشده در تربیت تفکر و تعقل

محتوای آموزشی باید به فرایند تفکر و تعقل و اصول و مهارت‌های آن توجه کند و محتوا را به‌نحوی تنظیم نماید که سبب شکوفایی مهارت‌های تفکر شود.

۵-۵-۹- تقویت قدرت استدلال و تفکر و خلاقیت

متن آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که متعلم را به تفکر سوق دهد و قدرت استدلال او را تقویت نماید و به استاد اجازه دهد که متعلم را در کلاس فعال کند و بخش‌هایی از استدلال را تولید نماید و بدین‌ترتیب خلاقیت او را تقویت کند.

۵-۵-۱۰- تقویت روحیه‌ی ارزیابی و نقادی

متن باید به متعلم اجازه دهد که بین دیدگاه‌ها داوری کند و صحیح را از سقیم بازشناسد. اگر همواره قضاوت آخر توسط متن یا استاد انجام شود و متعلم تماشاگر این داوری باشد، نه روحیه نقادی کسب می‌کند و نه توان آن را به‌دست می‌آورد. همان‌طور که در تربیت علمی بیان شد، یکی از اساسی‌ترین غایات تربیت علمی، رسیدن به توانایی ارزیابی و نقادی است که امام کاظم (علیه السلام) در بیانات خود به هشام‌بن حکم بر آن تأکید فرموده است.^۱

^۱ رک: اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹.

۵-۱۱- کاربرد می‌کردن محتوا

دروس مختلف را می‌توان در طیفی از علوم نظری و مهارتی سامان‌دهی کرد. برخی از دروس جنبه‌ی نظری آن بیشتر است، مانند دروس فلسفی؛ و برخی جنبه‌ی کاربردی آن بیشتر است، مانند دروس عربی و انگلیسی. در میان درس‌های یک رشته نیز می‌توان جنبه‌های نظری و مهارتی آنها را در نظر گرفت و در همه‌ی درس‌ها استعداد عملی و مهارتی آنها را بالفعل نمود و در متن محتوا گنجاند. البته توجه به این نکته ضروری است که وجه کاربردی هر علم با علم دیگر متفاوت است. در دانشی مانند فلسفه باید لوازم و ثمرات یک نظریه‌ی فلسفی در علوم، فرهنگ، سبک زندگی و نظایر آن را نشان داد و در دانشی مانند زبان خارجی توانایی متعلم بر سخن گفتن و برقرار کردن ارتباط را باید افزایش داد.

۵-۱۲- توجه به اندیشه‌ها و نظریات مخالف و معارض

برای درک بهتر نظر حق و درست، لازم است که آن نظر با دیدگاه‌های مخالفی که پیرامون آن وجود دارد مقایسه شود تا بنابر اصل «تَعْرِفُ الْأَشْيَاءَ بِأَضْدَادِهَا»^۱ آن نظر بهتر فهمیده شود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «بدانید که هیچ‌گاه حق را نخواهید شناخت جز آنکه ترک‌کننده‌ی آنرا بشناسید»^۱. این فرمایش مصداق مناسبی برای اصل یادگیری است که هر چیز درمقایسه با معارض و ضد خود بهتر شناخته می‌شود. به‌عنوان مثال، بیان قوانین و قواعد منطقی درست اندیشیدن با اشاره به لغزشگاه‌های اندیشه (مغالطات) موفق‌تر خواهد بود و یا معرفی مؤلفه‌های تمدن اسلامی در صورت مقایسه با مؤلفه‌های تمدن غیردینی غرب بهتر فهمیده می‌شود.

۵-۱۳- ایجاد فرصت برای فعالیت‌های یادگیری چندگانه

محتوای آموزشی باید بر انواع فعالیت‌های یادگیری، اعم از فعالیت‌های داخل یا خارج از کلاس تأکید کند و دانشجویان را به فعالیت‌های مختلف مانند تجزیه و تحلیل مفاهیم و وقایع، مراجعه‌ی به کتابخانه، قضاوت، استدلال و گزارش دادن وادار کند.

۵-۱۴- توسعه‌ی مهارت‌های ذهنی یادگیرنده

محتوای آموزشی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که مهارت‌های ذهنی یادگیرنده را توسعه و تکامل بخشد. برای رسیدن به این هدف، ضروری است فعالیت‌های مختلف، مانند: مقایسه، مشاهده، استدلال، تطبیق و جمع‌آوری نمونه‌ها در محتوای آموزشی قرار گیرد.

۵-۱۵- تدوین محتوا در رسانه‌های متعدد

به‌جای تکیه‌ی انحصاری بر کتاب، ضروری است محتوا در شکل رسانه‌های مختلف عرضه شود. فناوری، تنها انتقال آسان اطلاعات را میسر نکرد، بلکه سازماندهی سهل‌الوصول آموزش را نیز فراهم ساخته است. لذا شایسته است از ابزار برای تنوع محتواهای آموزشی استفاده شود.

۵-۱۶- بهره‌مندی از هنر در شکل و محتوا

محتوای آموزشی باید از زیبایی‌های هنری بهره‌برد. بهره گرفتن از هنر، در محتواهای علوم انسانی و معارف اسلامی ضروری‌تر از سایر دروس است. زیرا سرچشمه‌های هنر اصیل، همین علوم و معارف هستند و کتاب‌های درسی علوم انسانی و معارف اسلامی بستر مناسبی برای تعامل مجدد هنر و معرفت است؛ علاوه‌براینکه کتاب، زیبایی و طراوت پیدا می‌کند و انگیزه‌ی هنری دانشجویان را نیز بیدار می‌کند. البته انعکاس هنر در محتوا باید متناسب با سطح دانشجویان باشد.

۵-۱۷- اجتناب از انباشت اطلاعات

به‌میزانی که حجم اطلاعات و محتوا افزایش می‌یابد، فرصت‌های یادگیری کم می‌شود و از تعمیق آموزش کاسته می‌شود. لذا باید به دادن اطلاعاتی بسنده کرد که عدم ذکر آنها آموزش را مختل سازد.

^۱ امیرالمؤمنین (علیه السلام) «وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَنْ تَعْرِفُوا الرُّشْدَ حَتَّى تَعْرِفُوا الَّذِي تَرَكْتُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷)

۵-۵-۱۸- تنظیم محتوا مطابق با اصل پیشرفت تدریجی

از آنجا که آموزش و یادگیری امری تدریجی است، محتوا و نیز روش‌های آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شوند که دانشجو را مرحله به مرحله و گام به گام پیش ببرد.

۵-۵-۱۹- ایجاد فرصت برای فعالیت‌های فوق برنامه و خارج از کلاس

برای رسیدن به این منظور، باید در ضمن درس‌ها یا پایان آنها پیشنهادهایی ارائه شود که دانشجویان را به سمت فعالیت‌های فوق برنامه‌ای سوق دهد. مانند: پیشنهاد شرکت در گردهمایی خاص، استماع سخنرانی یک دانشمند، مراجعه به اسناد، تحقیق درباره‌ی یک کتاب و... .

۵-۵-۲۰- ایجاد فرصت برای دانشجویان نخبه

به این منظور، محتوا باید حاوی پیشنهادهای عمیق‌تر از سطح متوسط باشد تا دانشجویان ممتاز را به خود جلب کند. پیشنهادهای پژوهشی مهم، طرح سؤال‌های اساسی و کلیدی، رجوع به منابع درجه اول، طرح مسأله‌ها و چالش‌های درجه اول مربوط به درس، از جمله‌ی این فرصت‌هاست.

۵-۵-۲۱- تناسب میان شیوه‌ی نگارش و نوع محتوا

شیوه‌ی نگارش باید مناسب نوع محتوا باشد. شیوه‌های نگارش توصیفی، استدلالی، تمثیلی، داستانی، گفتگویی، مستقیم و غیرمستقیم از جمله‌ی شیوه‌های نگارشی است که باید در جای مناسب مورد استفاده قرار گیرند.

۵-۶- جدول محتوا و سرفصل‌های درس

با توجه به اهداف، جدول محتوا و سرفصل‌های آن ارائه می‌گردد. ارائه‌ی این جدول، باید متناسب با تعداد واحد درس و زمان اختصاص یافته باشد. افزایش حجم سرفصل‌ها و عدم تناسب آن با زمان آموزش سبب می‌شود که فرصت تحقیق و تفکر وجود نداشته باشد و آموزش عمیق و پایدار رخ ندهد.

۵-۶-۱- تعیین فعالیت‌های یاددهی - یادگیری اختصاصی درس (روش‌های تدریس مناسب با درس)

علاوه بر روش‌های عام تدریس که در همین برنامه‌ریزی و در بخش تربیت علمی آمده، در صورت وجود روش‌های خاص برای این ماده‌ی درسی، لازم است این روش‌ها در برنامه ذکر گردد.

همچنین اگر میان روش‌های عمومی، برخی روش‌ها کاربرد بیشتری برای این درس دارند، باید آن روش‌ها نیز در اینجا مشخص شوند.

۵-۷- تعیین صلاحیت‌های تخصصی استاد

علاوه بر صلاحیت‌های عمومی، صلاحیت‌های استاد در هر ماده‌ی درسی باید ذکر شود تا اساتیدی که این صلاحیت‌ها را دارند، آن ماده‌ی درسی را تدریس نمایند.

۵-۸- تعیین شیوه‌ی ارزشیابی

بر اساس ساختار کلی ارزشیابی که در همین نظام برنامه‌ریزی درسی مشخص شده، شیوه‌ی ارزشیابی در هر ماده‌ی درسی تعیین می‌شود.

۵-۹- راهکارهای تولید برنامه‌های درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی

در زمینه‌ی تولید عناصر اصلی برنامه‌ی درسی و تولید علم در رشته‌های تحصیلی، تجربه‌هایی وجود دارد که می‌توان آنها را در چهار تجربه‌ی کلی طبقه‌بندی کرد:

تجربه‌ی اول، توسط گروهی از دانشمندان و متخصصان معتقد به اسلام و دارای انگیزه‌های دینی صورت گرفته که درعین نگاه نقادانه نسبت به فرهنگ و تمدن غرب، آشنایی اندکی به مبانی اسلام و فرهنگ غرب دارند و صرفاً به اصلاح روبناها می‌پردازند.

تجربه‌ی دوم، فعالیت دانشمندان و متخصصانی است که درعین اعتقاد به اسلام و متشرع بودن، نقد اساسی و جدی نسبت به تمدن غرب ندارند و تلاش می‌کنند در شاخه‌های مختلف علوم انسانی، از قبیل تعلیم و تربیت، برنامه‌ی درسی، علوم اجتماعی و سیاسی از غرب الگو بگیرند تا دانش کشور را به طراز غرب برسانند.

تجربه‌ی سوم، تجربه‌ی برخی دانشمندان و فعالان حوزه‌ی فرهنگ است که در پی بنای علوم انسانی و تولید علم به‌طور آگاهانه با استفاده از مبانی اسلامی هستند.

تجربه‌ی چهارم، تجربه‌ی دانشمندان اسلام‌شناس و متخصصان حوزه‌ی علوم انسانی است که با نقد مبانی تمدن غرب و آگاهی از نحوه‌ی تأثیر این مبانی در علوم انسانی، رویکرد تحولی به علوم انسانی دارند. این دانشمندان در پی آنند که مبانی تنیده در تاروپود علوم جدید را شناسایی کنند و با تکیه بر مبانی صحیح اسلامی، این علوم را اصلاح و بازخوانی نمایند و علوم بشری را ارتقاء دهند. این تجربه درعین بهره‌مندی از دستاوردهای بشری، به تولید علم اصیل و با تکیه بر مبانی فلسفی صحیح و معارف عمیق اسلامی می‌انداشد و برای آن تلاش می‌کند.

به‌نظر می‌رسد تجربه‌ی اخیر، مأخوذ از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری و نظرات علامه‌ی طباطبائی، شهید مطهری و آیت‌الله مهدوی‌کنی است.

با توجه به تجربه‌ی فوق، برای اینکه عناصر اصلی برنامه‌های درسی، به‌خصوص تولید محتوا و نیز تولید علم در چارچوب مبانی و معارف اسلام صورت بگیرد و برنامه‌های درسی در هریک از رشته‌ها و شاخه‌های علم مبتنی بر نظام‌نامه‌ی تربیتی مصوب باشد، راهکارهایی ارائه می‌گردد:^۱

۵-۹-۱- راهکار: بازشناسی و استخراج مبانی غیرالهی از برنامه‌های درسی و علوم تخصصی

با توجه به اینکه دانش موجود، چه در علم برنامه‌ریزی درسی و چه در علوم تخصصی دیگر، مانند علوم سیاسی، حقوق، مدیریت و... در دوره‌های اخیر و در دامن فرهنگ و تفکر مدرن و با تکیه بر مبانی فلسفی غرب تولید شده، ضروری است این مبانی که در تاروپود علوم جدید تعبیه شده است، بازشناسی و استخراج شود. این بازشناسی و استخراج گرچه تدریجی و گام‌به‌گام است، اما باید در تعامل با دانشجویان انجام پذیرد؛ یعنی متون درسی موجود از این حیث نقادی شود و در معرض انظار دانشجویان قرار گیرد.

۵-۹-۲- راهکار ۲: تدوین متون آموزشی علوم انسانی براساس مبادی و مبانی فلسفی اسلامی

متون آموزشی می‌بایست براساس مبادی فلسفی ذکر شده در قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) و تبیین شده توسط دانشمندان طراز اول اسلامی تدوین شود؛ به‌طوری‌که دانشجویان در طول سال‌های یادگیری به این درک برسند که:

- از لحاظ معرفت‌شناسی، تجربه تنها ابزار معرفت نیست.
- از لحاظ وجودشناسی، جهان منحصر به جهان مادی نیست.
- هستی یک حقیقت متکی به خداوند است.
- انسان گوهری گرانبها در وجود خود دارد که از سطح زندگی طبیعی بسی فراتر است.
- جهان، آیه و نشانه‌ی خداست.

^۱ این راهکارها ناظر بر تلاش‌هایی است که برای تطبیق متون و محتوای درسی بر مبانی اسلامی، برقراری نسبت صحیح میان علم و دین در برنامه‌های درسی و تولید علوم انسانی اسلامی صورت می‌گیرد. راه‌حل بنیادی مجموعه‌ی حاضر، مبتنی کردن برنامه‌ی درسی و تربیت علمی و کتاب‌های درسی بر نظام جامع تربیت دینی است که در اینجا ارائه شده است. از این‌رو ضروری است طراحان برنامه‌های درسی در گروه‌های آموزشی و مؤلفان کتاب‌های درسی و نیز اساتید در کلاس‌های درس راهکارهای زیر را مراعات نمایند.

- زیبایی و نظم و غایت‌مندی بر جهان حاکم است؛ استاد مطهری رحمته الله علیه می‌فرماید: «هر علمی از علوم طبیعت، درعین اینکه از یک منظر طبیعت‌شناسی است، از ایده‌های دیگر و با نظری عمیق‌تر، خداشناسی است.»
- قانون‌مندی جهان، برداشت ذهن انسان نیست، بلکه این قانون‌مندی عینی و واقعی است.

۵-۹-۳- راهکار ۳: تقدم منبع و مأخذ بودن قرآن و سنت بر سایر منابع

تدوین محتواهای آموزشی باید توسط مؤلفان به‌نحوی صورت بگیرد که خواننده دریابد در میان منابع مورد استفاده از طرف مؤلف، قرآن کریم محوریت و مرکزیت داشته و سپس سنت و سیره‌ی رسول خدا و اهل‌بیت معصومین علیهم‌السلام قرار گرفته است؛ و بعد از آن، از دیدگاه اندیشمندان اسلامی بهره گرفته شده و آنگاه سایر منابع مورد استفاده بوده است.

این تقدم و تأخر به‌معنی استفاده‌ی کمی کمتر و بیشتر نیست، بلکه به‌معنای حرکت تألیفی در داخل گفتمان قرآنی و دینی است. توجه به این راهکار سبب می‌شود مؤلفانی در تدوین کتب درسی مشارکت کنند که معرفت بیشتری به قرآن کریم و سنت و آثار اندیشمندان اسلامی داشته باشند. تقدم آثار اندیشمندان اسلامی بر سایر آثار نیز بدان جهت است که این دانشمندان در فضای فرهنگ اسلامی رشد کرده‌اند و علی‌الأغلب با مبانی و محتوای قرآن کریم و سنت آشنایی بیشتر دارند.



نمودار ۵-۱- نسبت قرآن و سنت به سایر منابع

۵-۹-۴- راهکار ۴: انتقال نگاه غایت‌مندانه به طبیعت در لایه‌های برنامه‌های درسی

نگاه غایت‌مندانه به طبیعت یکی از هدف‌های اساسی تربیت دینی است که تأثیر زیادی در تربیت اخلاقی و عبادی و تربیت زیست‌محیطی و نحوه‌ی مواجهه‌ی با طبیعت دارد.

۵-۹-۵- راهکار ۵: جهت‌گیری توحیدی در همه‌ی علوم و برنامه‌های درسی

این راهکار درعین حال که مهم‌ترین هدف تربیت علمی هست، یک اقدام کلیدی نیز هست. قرآن کریم هم در توصیف حوادث طبیعی و هم در تبیین رخدادهای انسانی و اجتماعی، درعین حال که رویکرد تبیینی دارد و منشأ و علل حوادث را توضیح می‌دهد، در تمام این رخدادهای حضور خداوند را به ما نشان می‌دهد، و خواننده احساس نمی‌کند که جهان و انسان یک حقیقت به‌خود وانهاده هستند. بلکه این دریافت به او منتقل می‌شود که خداوند به‌عنوان یک طراح و مدیر و مدبّر حکیم جهان را در دست قدرت خود دارد و هدایت می‌کند.

درست است که قرآن کریم کتاب هدایت است و باید این رویکرد را در بیان رخدادها داشته باشد، اما این ویژگی قرآن توجیه‌کننده دور افتادن متون آموزشی از آن نیست. زیرا اصل تعاضد و همکاری میان اهداف، در برنامه‌های درسی و تربیتی، حکم می‌کند که متون علمی به تربیت ابعاد اخلاقی و عبادی و تقویت اعتقادات کمک کنند.

- نمونه‌ی اول (در علوم طبیعی): قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ - حجر، ۲۲﴾.
- نمونه‌ی دوم (در علوم انسانی): قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ... - اعراف، ۹۶﴾؛ این آیه درعین حال که نتیجه و ثمره‌ی تقوا و ایمان را ذکر می‌کند، این ثمره را به خداوند نسبت می‌دهد.

۵-۹-۶- راهکار ۶: محتوای آموزشی نمایش‌گر تأیید عقل توسط نقل

محتوای آموزشی، به‌خصوص در موضوعات اعتقادی و عبادی، سیره و زندگی معصومین باید به‌گونه‌ای تنظیم شود که به دانشجویان نشان دهد که منبع نقل، مؤید عقل و تقویت‌کننده‌ی آن است.

مثال ۱: در شرح زندگی امام کاظم (علیه السلام) می‌توان این واقعه را بیان کرد که روزی آن حضرت به شاگرد و دوستش هشام بن حکم فرمود: «خداوند تبارک و تعالی به انسان‌های عاقل و فهیم در کتاب خویش بشارت داده و فرموده: ﴿کسانی که از عبادت طاغوت اجتناب کردند و به‌سوی خداوند بازگشتند بشارت از آن آنها است، بنابراین بندگان مرا بشارت ده. کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند، آنها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند﴾»^۱.

مثال ۲: در رساله‌های عملیه توضیح داده شده که تقلید عقاید صحیح نیست.

۵-۹-۷- راهکار ۷: محتوای آموزشی نمایش‌گر تأیید عقل توسط نقل

محتوای آموزشی، به‌خصوص در موضوعات طبیعی و زیستی و سایر موضوعات مربوط به زندگی، به‌گونه‌ای تنظیم شود که نشان دهد عقل مؤید نقل است و هر حکمی که در قرآن و کلام معصومین (علیهم السلام) آمده، بنابر مصلحتی بوده و لازمه‌ی سعادت بشر است. با تأکید بر این اصل که ما انسان‌ها به‌اندازه‌ی درک خود می‌توانیم این مصلحت‌ها را درک کنیم و در مواردی نیز ممکن است به حکمت برخی احکام نرسیم.

این دو راهکار اخیر، اگر به‌صورت صحیح و پیوسته در برنامه‌ها به‌اجرا درآید، به‌تدریج دانشجو به این باور ثابت می‌رسد که همواره عقل و نقل در کنار هم و همراه هم هستند.

۵-۹-۸- راهکار ۸: تبیین معارف و حیانی و روایی با استفاده از استدلال‌های متقن عقل و داده‌های عقلی

قرآن کریم و کلام معصومین (علیهم السلام) حقایق ناب و خوان نعمتی هستند که خداوند برای عقول بنی‌آدم گسترده تا با تفکر و تعمق در آنها، هم عقل خود را رشد دهند و به فعلیت برسانند و هم حقایق دینی را برای آن دسته از مردم که در سطح پایین‌تری قرار دارند، تفسیر کنند و روشن نمایند. یکی از دلایل تأکید اسلام بر اجتهاد و تشویق دانشمندان به آن همین بوده است که دانشمندان مسلمان بتوانند در محتوای آیات و روایات تفکر کنند، اصول ثابت و کلی آنها را کشف نمایند و موارد جزئی و متغیر زمانی و مکانی را بر آنها تطبیق دهند و پاسخ‌گوی مسأله‌های نو باشند.

این رویکرد به جویندگان علم نشان می‌دهد که دین اسلام یک دین جامد و تعبّدی صرف نیست؛ هم دارای محتوای عقلانی قوی است و هم پاسخ‌گوی نیازها در همه‌ی دوران‌هاست.

^۱ امام کاظم (علیه السلام) «يَا هِشَامُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَشَّرَ أَهْلَ الْعَقْلِ وَالْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (اصول

استفاده از این راهکار در زمان امروز که استکبار به کمک وهابیت و طالبانیسم و رسانه‌های تخریبی چهره‌های ضد عقل و متحجر از اسلام ارائه می‌دهند، بسیار ضروری است.

۵-۹-۹- راهکار ۹: آموزش نظام‌سازی سیاسی، اخلاقی، حقوقی، اقتصادی و سبک زندگی به کمک دو منبع عقل و نقل

هر برنامه‌ی درسی، متناسب با موضوع خود حاوی بایدها و نبایدها و ارائه‌دهنده‌ی یک نظام عملی از این بایدها و نبایدهاست. مثلاً درس اقتصاد، نظام اقتصادی مطلوب را به دانشجویان آموزش می‌دهد و درس علوم اجتماعی نظام سیاسی و حقوقی مطلوب را بیان می‌کند.

اگر دانشجو مشاهده کند که این نظام اقتصادی یا سیاسی و حقوقی با استفاده از دو منبع عقل و نقل تنظیم شده، به‌طور طبیعی آن را یک نظام دینی می‌یابد و بین دین و محتوای دروس خود دوگانگی پیدا نمی‌کند.

۵-۹-۱۰- راهکار ۱۰: نفی رویکرد پراگماتیستی و عمل‌گرایانه به علم

محتوای آموزشی به دانشجویان بفهماند که علم ارزش واقع‌نمایی دارد و متناسب با روشی که به‌دست آمده یا یقینی است و یا احتمالی. اینگونه نیست که علم نتواند ما را به واقعیت برساند و صرفاً ارزش ابزاری دارد.

۵-۹-۱۱- راهکار ۱۱: نفی رویکرد تجربه‌گرایی و پوزیتیویستی یا نوپوزیتیویستی به علم

محتوای آموزشی به‌گونه‌ای باشد که دانشجویان به این درک برسند که علم، صرفاً آن چیزی نیست که از تجربه به‌دست می‌آید. راه‌هایی هستند که از روش تجربی دقیق‌تر هستند و ما را به حقیقت رهنمون می‌سازند.

۵-۹-۱۲- راهکار ۱۲: حضور اصول انسان‌شناسی دینی در محتواهای مربوط به علوم انسانی

اصول انسان‌شناسی دینی می‌بایستی در محتواهای آموزشی، به‌خصوص در علوم انسانی و دانش‌های وابسته به آن لحاظ شود؛ اصولی مانند اصل فطرت توحیدگرا، مرکب بودن حقیقت انسان از روح و جسم و... به‌طور مثال، در روان‌شناسی باید به‌صورت واضح ویژگی‌های روح مورد بحث قرار گیرد و تفاوت نگاه دینی با نگاه روان‌شناسان تجربه‌گرا به روح توضیح داده شود.

۵-۹-۱۳- راهکار ۱۳: پیروی برنامه‌های درسی و محتواهای آموزشی از حدود و چارچوب‌هایی که مبانی و غایات زندگی دینی برای علم تعیین کرده‌اند

دین، نوعی زندگی را معین می‌کند، همچنین نوع خاصی از پیشرفت اجتماعی را توصیه می‌کند، نوع خاصی از تمدن را هدف قرار می‌دهد. علوم و فناوری‌های مربوط به آنها باید برای تحقق این نوع خاص زندگی، پیشرفت و تمدن تدریس شوند و توسعه یابند.

به تعبیر دیگر: علم، یک حیث بالذات دارد که همان واقع‌نمایی و توسعه‌ی معرفت نسبت به هستی است؛ و یک حیث بالعرض و کاربردی که در خدمت غایات عملی انسان قرار می‌گیرد. غایت انسان دورافتاده از دین معمولاً رفاه مادی، لذت جنسی، سلطه بر طبیعت و مصرف بی‌حد و مرز از آن و توسعه‌ی نظامی‌گری است. اگر علم در خدمت این اهداف قرار بگیرد، نه تنها نافع نیست، بلکه مضر است. اما غایات انسان دیندار، اخلاق و معنویت، عدالت، بهداشت و سلامتی و آبادانی محیط زندگی است. برنامه‌های درسی باید برای توسعه‌ی علم در جهت این غایات عمل کند و با این جهت‌گیری دانشجویان را تربیت نماید.

۵-۹-۱۴- راهکار ۱۴: ذکر ارج‌گذاری منابع نقل (قرآن کریم و روایات) به علم

اگر این اقدام در مجموعه‌ی درس‌ها و توسط معلمان درس‌های مختلف صورت گیرد، هم انگیزه‌ی به علم را در دانشجو تقویت می‌کند و هم مقام و منزلت قرآن و معصومین را به آنان می‌شناساند و علاقه‌مندی دانشجویان به آنان را تقویت می‌دهد.

۵-۹-۱۵- راهکار ۱۵: تعیین جایگاه و رتبه‌ی علوم نسبت به یکدیگر در برنامه‌ی درسی، براساس اهداف تربیت

دینی و ابعاد تربیت و تنظیم کلیه‌ی برنامه‌های اجرایی و آموزشی با توجه به این رتبه‌بندی

این کار از جمله باید در موارد زیر تحقق یابد:

• انتخاب معلمان و ویژگی‌های آنها؛

• سوق دادن دانشجویان برتر به سمت علوم‌ی که در رتبه‌های اول اهمیت قرار دارند؛

• میزان ساعات تدریس هر درس؛

• حساسیت و توجه در اولیا نسبت به میزان اهمیت درس.

۵-۹-۱۶- راهکار ۱۶: استفاده از علوم نظری برای رسیدن به غایات و اهداف دینی و الهی

همان‌طور که گفته شد، علوم نظری یک هدف بالذات دارند و آن معرفت به حقایق هستی، از جمله حقایق و موجودات عالم طبیعت است. یک هدف بالعرض هم دارند و آن استفاده از این علوم برای رفع نیازهای مادی و معنوی است. برنامه‌های درسی که بر پایه‌ی تربیت دینی تنظیم شده‌اند، به دانشجویان می‌آموزد که چگونه نیازهای مادی و معنوی را آنگونه که خداوند فرمان داده، رفع نماید.

۵-۹-۱۷- راهکار ۱۷: تدوین برنامه‌ی تربیتی و درسی تلفیقی برای ابعاد تربیت

با توجه به تأثیرگذاری ابعاد تربیت بر یکدیگر و استفاده از ظرفیت هر بُعد برای ابعاد دیگر. تدوین چنین برنامه‌ای سبب می‌شود که تربیت علمی به کمک سایر ابعاد تربیت، مانند عبادی و اخلاقی بیاید و تربیت عبادی و اخلاقی هم به کمک ابعاد دیگر و میان تمام ابعاد تربیت تعامل سازنده پیدا شود.

البته تربیت تخصصی و موضوعی نیز یک امر ضروری است و پیشنهاد برنامه‌ی تلفیقی به معنای نفی برنامه‌ریزی موضوعی نیست. برنامه‌ی تلفیقی دارای یک طیف است. یک برنامه‌ی تلفیقی می‌تواند آنقدر پررنگ باشد که تمام عنوان‌های موضوعی را نادیده بگیرد. برنامه‌ی تلفیقی دیگری هم هست که در داخل برنامه‌های موضوعی تنظیم می‌شود و اجرا می‌گردد.

۵-۹-۱۸- راهکار ۱۸: ایجاد فرصت برای تقویت ایمان و باور به خدا، در مجموعه‌ی برنامه‌های درسی

ایمان و باور به خداوند یک هدف تلفیقی و مربوط به مجموعه‌ی برنامه‌های درسی است و اختصاص به درس خاص ندارد. به همین جهت در تمام درس‌ها باید راه‌های تقویت ایمان مورد نظر باشد، از جمله از طریق:

- أ. تفکر در آیات آفاقی و جهان خلقت، به خصوص در درس‌های علوم طبیعی؛
- ب. تفکر در آیات انفسی و خودشناسی، به خصوص در درس‌های علوم انسانی؛^۱
- ج. ایجاد فرصت ارزیابی و نقادی؛^۲
- د. رساندن دانشجویان به تفکر نظام‌مند (سیستمی)؛
- ه. رساندن دانشجویان به تفکر خلاق و خلاقیت در فکر؛
- و. رساندن دانشجویان به قدرت تفکر فلسفی؛^۳
- ز. ایجاد موقعیت و فرصت تفکر در نعمت‌های خداوند؛
- ح. ایجاد موقعیت و فرصت ذکر و یاد خداوند؛
- ط. ایجاد موقعیت و فرصت ارتباط با اموری که یاد خدا را زنده نگه می‌دارد، مانند حضور در محضر علما و ابرار، مطالعه‌ی کتاب‌های مرتبط و...؛
- ی. فراهم کردن شرایط برای مشارکت در کارهای خیر و تعاون در برّ و نیکی.

جدول ۵-۱- راهکارهای تقویت ایمان و باور به خدا در برنامه‌های درسی

^۱ «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ * وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ - ذاریات، ۲۰ و ۲۱»

^۲ امام کاظم (علیه السلام): «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بَشَرُ أَهْلِ الْعَقْلِ وَ الْفَهْمِ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ: «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...» (اصول کافی، ج ۱، ص ۱۳)

^۳ توضیحات ضروری در بخش نظام‌نامه‌ی تربیتی، ذیل «تربیت تفکر» و «تفکر فلسفی» آمده است.

توضیح بند (د): همان‌طور که حقیقت سطوحی دارد، حقیقت‌طلبی هم دارای لایه‌ها و سطوح است. حقیقت‌طلبی انسان باید در سطوح اولیه و از سطح حواس و داده‌های حسی بگذرد و به تفکر عمیق در هستی برسد. برنامه‌های درسی با طرح سؤال‌های دقیق و فعالیت‌ها و داستان‌های مناسب می‌تواند دانشجویان را وارد این مرحله کند. دانشجویی که به این مرحله برسد، سؤال‌هایی درباره‌ی فلسفه‌ی حیات، آغاز و انجام خلقت و نظایر آن برایش پیدا می‌شود. از خود می‌پرسد «کیستم؟»، «از کجا آمده‌ام؟»، «به کجا می‌روم؟» و «هدف من از زندگی چیست؟». آنگاه برنامه‌ی درسی باید شیوه‌ی صحیح رسیدن به پاسخ را نیز به آنان بیاموزد و در مسیر رسیدن به حقیقت، آنان را یاری دهد. رویکرد برنامه‌ی درسی باید عبور دانشجویان از سطحی‌نگری و اصالت حس و ورود به تفکر فلسفی و اندیشه‌های برتر و اصالت عقل باشد. این رویکرد، یک رویکرد تلفیقی است و اختصاص به درس خاصی ندارد. درس‌های جامعه‌شناسی، مدیریت، حقوق، الهیات و فرهنگ و ارتباطات و سایر درس‌ها باید دست‌به‌دست هم دهند تا دانشجویان این توانایی را به‌دست آورند. امام صادق (علیه السلام) درباره‌ی کسی که به این مرحله از تفکر و تعقل رسیده، می‌فرماید: «آنگاه که انسان از نور عقل خود مدد گیرد و او را مؤید خود قرار دهد ... در این صورت است که پاسخ سؤال‌های اساسی زندگی، مانند «چگونه؟»، «چرا؟»، «کجا؟» را بداند ... و وقتی چنین کند، گذشته‌ی از دست‌رفته را جبران نماید و بر آینده‌ی خود مسلط شود و بداند که اکنون در چه وضعی است، برای چه اینجاست، از کجا آمده و به کجا می‌رود. همه‌ی این معرفت‌ها را عقل به انسان می‌دهد.»^۱

۵-۹-۱۹- راهکار ۱۹: محتوای آموزشی در جهت تأمین اهداف و مقاصد مختلف دین و زندگی دینی

محتوای آموزشی و روش‌های یادگیری حاوی پیام‌هایی باشد که دانشجویان را به این باور برساند که علوم‌ی که می‌آموزند در جهت تأمین اهداف و مقاصد مختلف دین و یک زندگی دینی است؛ به‌همین جهت یا واجب عینی هستند یا واجب کفایی یا مستحب. اگر علمی در این چارچوب قرار نگرفت، باید از آموختن آن صرف‌نظر شود.

در یک دسته‌بندی کلی از علوم، می‌توان علوم را به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱) برخی از علوم، خودشان در سعادت ما نقش دارند، مانند علم عقاید و علم اخلاق.
- ۲) برخی از علوم لازمه‌ی انجام درست تکالیف فردی و اجتماعی ما هستند، مانند علم به احکام.
- ۳) برخی از علوم برای زندگی ما نافع و مفید هستند، مانند عموم علوم طبیعی.

جدول ۵-۲- دسته‌بندی کلی علوم

۵-۹-۲۰- راهکار ۲۰: تبیین همه‌جانبه از احکام و مقررات دینی در موضوعات مختلف

در هنگام آموزش هر موضوع علمی، احکام و مقررات دین در حوزه‌های مختلف، مانند احکام عبادی، خانوادگی، سیاسی و اقتصادی، که با آن موضوع علمی ارتباط دارد، به‌گونه‌ای تبیین شود که دانشجو احساس کند تبیین آن حکم در جایگاه طبیعی خود صورت گرفته است.

۵-۹-۲۱- راهکار ۲۱: تنظیم محتوای آموزشی و شیوه‌ی تدریس با فضای فرهنگی دینی

محتوای آموزشی و شیوه‌ی تدریس استاد باید در فضای فرهنگی دینی و با گفتمان دینی تنظیم شود.

فرهنگ دینی اقتضانات خاصی دارد که در لباس، خانه، محیط شهری، کلام و نظایر آن خود را نشان می‌دهد و همین امر سبب می‌شود که این فرهنگ از نسلی به نسل دیگر منتقل شود. فرهنگ سکولار و غیردینی اقتضانات خاصی دارد و خود را در مظاهر زندگی نشان می‌دهد. یک متن علمی اگر توسط یک دانشمند دیندار نوشته شده باشد، یا اینکه حاوی یک بحث علمی درباره‌ی مثلاً فیزیک یا روان‌شناسی است، اما دربردارنده‌ی نکات حاشیه‌ای است که نوشته‌ی او را از نوشته‌ی یک نویسنده‌ی مادی‌گرا متفاوت می‌کند. بیشتر

^۱ امام صادق (علیه السلام): «عَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ ... فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ كَانَ عَالِمًا حَافِظًا ذَاكِرًا فَطَنًا فَهَمًّا فَعَلِمَ بِذَلِكَ «كَيْفَ» وَ «لِمَ» وَ «حَيْثُ» ... يَعْرِفُ «مَا هُوَ فِيهِ» وَ «لَا شَيْءَ هُوَ هَاهُنَا» وَ «مِنْ أَيْنَ يَأْتِيهِ» وَ «إِلَى مَا هُوَ صَائِرٌ» وَ ذَلِكَ كُلُّهُ مِنْ تَأْيِيدِ الْعَقْلِ» (اصول کافی، ج ۱، ص ۶۸)

متون علمی و آموزشی در حوزه‌ی علوم طبیعی و انسانی از منابع ترجمه‌شده گرفته شده‌اند که نویسندگان آن منابع، فرهنگ خاص خود را دارند و همان فرهنگ را در کتاب منتقل کرده‌اند. متخصصین این علوم و مترجمین این قبیل کتابها، به تدریج و ناخودآگاه به آن فرهنگ نزدیک می‌شوند و سپس همان را در متون تألیفی خود منعکس می‌کنند. از این رو لازم است متون دینی که درباره‌ی موضوعات مختلف علوم است، از جهت فرهنگ دینی غنی‌سازی شوند و از مظاهر فرهنگ غیردینی پیراسته گردند؛ مانند:

- (۱) حضور ادبیات دینی و پاک بودن از ادبیات غیردینی؛
- (۲) استفاده از هنر دینی و پیراستن از هنر غیردینی؛
- (۳) استفاده از قرآن، کلام بزرگان دین، شعر و زندگی‌نامه‌ی دانشمندان اسلامی؛
- (۴) ترسیم فضای زندگی دینی.

۵-۹-۲۲ - راهکار ۲۲: توجه دادن به مخلوق الهی بودن طبیعت و عدم مالکیت مطلق انسان نسبت به آن

محتوای آموزشی، به‌خصوص کتاب‌های مربوط به فنون و صنایع این تلقی را به دانشجویان انتقال دهند که طبیعت، نعمت الهی و مخلوق اوست، نه مملوک انسان و نه یک موجود مرده؛ در برابر رفتار ناپسند انسان‌ها عکس‌العمل نشان می‌دهد و در برابر رفتار پسندیده‌ی آنها برکات خود را هدیه می‌کند.

۵-۹-۲۳ - راهکار ۲۳: انعکاس نیازهای جامعه‌ی دینی در محتواها و برنامه‌های آموزشی و ایجاد انگیزه و همت در دانشجویان برای تأمین آن نیازها در کوتاه‌مدت و درازمدت

یکی از مهم‌ترین این نیازها، استحکام نظام اسلامی در جهان و حفظ استقلال و عزت آن است. این یک وظیفه و مسئولیت الهی است که قرآن کریم ما را به تحقق آن امر فرموده است: ﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا - نساء، ۱۴۱﴾.

۵-۹-۲۴ - راهکار ۲۴: کمک به اصلاح رفتارهای ناپسند و مخالف دستورات الهی با طرح درست آنها در برنامه‌های درسی و اتخاذ روش‌های تربیتی در برنامه‌های درسی برای اصلاح رفتارها

این کار باید از طریق دانشجویان در منازل و خانواده‌ها صورت گیرد؛ مانند اصلاح رفتار در مصرف آب و برق، حفظ اموال عمومی، حجاب، امر به معروف و نهی از منکر.

۵-۹-۲۵ - راهکار ۲۵: استفاده از دستاوردهای علم برای ابعاد دیگر تربیت، مانند تربیت اجتماعی، عبادی و اخلاقی

همانگونه که خود قرآن کریم نیز برای تقویت بینش توحیدی افراد انسان‌ها را به تفکر در آیات طبیعت و آفرینش دعوت می‌کند؛ برنامه‌ی درسی نیز باید به گونه‌ای طراحی شود که نوع نگاه و آموزش نسبت به دستاوردهای جدید علوم بر مبنای همان نگاه آیه‌ای باشد. این رویکرد باعث خواهد شد که متربی سعی کند پس از آموختن هر مطلب جدید علمی، ارتباط آن را با سایر حوزه‌های شخصیتی خود پیدا کند و دانسته‌های جدید علمی خود را به‌عنوان ابزارهایی برای تعمیق معرفت دینی و یا بهبود رفتار اجتماعی خویش به‌کار گیرد. طراحان برنامه‌های درسی نیز باید محتواهای آموزشی را براساس این رویکرد سامان دهی کنند.

۵-۹-۲۶ - راهکار ۲۶: استفاده از دستاوردهای علم برای تبیین و توضیح اعتقادات، احکام و دستورات دینی

در ادامه‌ی راهکار پیشین می‌توان گفت که یکی از موارد مهم استفاده از دستاوردهای علم، تبیین حکمت عبادات و یا عقاید و دستورات دین است که می‌تواند وجه واقع‌گرایانه‌ی دین را به‌نحو ملموس‌تری به متربیان تفهیم کند. البته این استفاده باید با توجه به محدودیت‌های علوم، به‌خصوص علوم‌ی که از طریق تجربه و استقراء به‌دست می‌آیند، صورت بگیرد. همچنین اگر حکمت یک حکم از طریق نقل بیان نشده، نباید حکمت‌هایی که از طریق عقل و علم به‌دست می‌آیند، حکمت منحصر به فرد و قطعی تلقی شوند.

۵-۹-۲۷- راهکار ۲۷: بیان دستاوردهای تمدن اسلامی در محتوای آموزشی

بیان این دستاوردها، اعتماد به نفس دانشجویان را تقویت می‌کند؛ تبلیغات مخرب درباره‌ی ناتوانی دین در تمدن‌سازی را از بین می‌برد؛ انگیزه‌ی دانشجویان برای احیای مجدد تمدن اسلامی و قدم گذاشتن در راه نیاکان خود را بیشتر می‌کند. بیان این دستاوردها باید در قالب‌های مختلف باشد، از جمله:

- بیان تاریخی رشد یک علم و نشان دادن جایگاه مسلمانان در آن؛
- شرح زندگی دانشمندان اسلامی؛
- بیان تواضع دانشمندان علوم طبیعی در دنیای اسلام در برابر دین، درعین دانش فراوان؛
- نشان دادن آثار تمدنی دوران اسلامی؛
- تبیین ویژگی‌های تمدن اسلامی؛ مانند حضور نگاه توحیدی در بناها، محور قرار گرفتن قرآن در هنرهایی مانند خطاطی و تذهیب و دوری از ابتذال جنسی در آثار هنری مانند نقاشی و شعر.

۵-۹-۲۸- راهکار ۲۸: تمییز گزاره‌های علمی از گزاره‌های اعتقادی در متون آموزشی

یکی از ویژگی‌های متون ترجمه‌شده، به‌خصوص در علوم انسانی، وجود گزاره‌های اعتقادی مورد پذیرش مؤلف است. برای استفاده از این قبیل متون در کتاب‌های درسی، ابتدا باید این قبیل گزاره‌ها را شناخت و از متن جدا کرد و سپس دانش خالص را مورد استفاده قرار داد. در این زمینه لازم است با صرف دقت و موشکافی علمی، برخی گزاره‌هایی را که ممکن است به‌صورت غیرمستقیم و در فحوای خود، متأثر از نگرش‌های اعتقادی مؤلفان باشند نیز شناسایی کرد.

۵-۹-۲۹- راهکار ۲۹: استخراج روش‌های تربیتی قرآن کریم و معصومین (علیهم‌السلام) و استفاده از آنها در برنامه‌های درسی و همچنین استفاده از روش‌های تجربه‌شده توسط علما و دانشمندان برای تعلیم آموزه‌های قرآن کریم و معصومین (علیهم‌السلام)

البته غالب روش‌هایی که مربیان تربیتی استفاده می‌کنند در قرآن و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) استفاده شده است و مشترک میان هردو است، اما نمونه‌هایی که در قرآن کریم و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) آمده، می‌تواند انگیزه‌ی معلمان را در استفاده از این روش‌ها بیشتر کند.

۵-۹-۳۰- راهکار ۳۰: طرح مسائل مستحدثه، به‌تناسب رشته‌ها و دروس و استخراج پاسخ دین از دو منبع عقل و نقل با اجتهاد متخصصین و مجتهدین

اگر در درس‌های مختلف یک رشته و متناسب با موضوع، مسأله‌های جدید که قدمت تاریخی ندارد، مورد بحث قرار گیرد و نظرات فقها و مجتهدین زمان‌شناس به بحث گذارده شود، دانشجو می‌تواند به دریافت بهتری از توانایی دین در حل مسأله‌های جدید نائل شود و خودش هم به مهارتی هرچند اندک در این زمینه دست یابد.

۵-۹-۳۱- راهکار ۳۱: توجه به عوامل و موانع اخلاقی و رفتاری مؤثر در تربیت علمی و تنظیم برنامه‌های درسی در جهت تقویت عوامل و برداشتن موانع

نمونه‌ای از عوامل:

- تقوا: ﴿إِنَّ تَقْوَى اللَّهِ يَجْعَلُ لَكُمْ فُرْقَانًا - انفال، ۲۹﴾، ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ - بقره، ۲۸۲﴾.

نمونه‌ای از موانع:

- گناه: ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاؤُوا السُّوْأَىٰ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ - روم، ۱۰﴾.

کودک به‌طور طبیعی و فطری برخوردار از تقواست و حق‌گرا می‌باشد. نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی باید حافظ و رشد‌دهنده‌ی تقوا و دورکننده‌ی از گناه و هوای نفس باشد تا حقیقت‌گرایی و علم‌دوستی کودک در دوره‌ی نوجوانی و جوانی به خاموشی نگراید.

۵-۹-۳۲- راهکار ۳۲: توجه به عوامل محیطی که بر تربیت دینی تأثیر می‌گذارند و استفاده از عوامل مثبت برای پیشبرد برنامه‌ی درسی و تربیت دین و اصلاح عوامل منفی برای حفاظت دانشجویان در برابر آنها
اهمّ این عوامل عبارتند از:

۱- خانواده: خانواده مهم‌ترین عامل تربیتی است که بر مدرسه و دانشگاه نیز مقدم است. لذا مدرسه و دانشگاه باید کمک متقابل به خانواده را در دستور کار قرار دهند.

۲- رسانه: این عامل امروزه اهمیت خاصی پیدا کرده و جنبه‌ی منفی و تخریبی آن به‌شدت گسترده شده است. زیرا رسانه‌ها عموماً در اختیار و انحصار کسانی است که فاقد تربیت الهی هستند و فساد و ظلم را در جهان گسترش می‌دهند. برنامه‌ی درسی باید استفاده‌ی درست از رسانه‌ها را به دانشجویان یاد دهد و راه‌های حفاظت از رسانه‌های منفی را به آنان و خانواده‌های آنان بیاموزد.

۳- گروه همسالان؛

گروه‌های مرجع و الگوها، مانند علمای دین، دانشمندان علوم مختلف، هنرمندان، ورزشکاران و سیاست‌مداران.

جدول ۵-۳- اهمّ عوامل محیطی مؤثر در تربیت دینی

۵-۱۰- پژوهش و برنامه‌ی درسی

پژوهش بخشی از تربیت علمی محسوب می‌شود که باید در فرایند هر برنامه‌ی درسی لحاظ شود و به‌عنوان یکی از فعالیت‌های اصلی دانشجو در طول سال تحصیلی مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و جزء شاخص‌های ارتقاء تحصیلی شمرده شود. از این‌رو سازماندهی تشکیلاتی و فرایند پژوهش باید مطابق با اصول زیر باشد:

۵-۱۰-۱- علم‌آموزی همراه با پژوهش

ارائه و تدریس هر عنوان درسی باید با رویکرد پژوهشی همراه باشد و تمام دانشجویان متناسب با ظرفیت آن درس، پژوهشی هرچند مختصر انجام دهد. به عبارت دیگر، دانشجویان باید با هر درس خود به صورت یک پژوهشگر برخورد کنند و رفتاری محققانه با آن درس داشته باشند.

لازمه‌ی ورود پژوهشگرانه با درس، استفاده از روش تدریس پژوهشگرمحور از طرف استاد می‌باشد. استاد باید درس را به گونه‌ای ارائه دهد و انتظاراتی از دانشجویان داشته باشد که آنان را به سوی پژوهش جلب کند و انگیزه‌ی لازم را برای پژوهش در آنان به وجود آورد. تمرین کار پژوهشی در نمایی کوچک در فرایند تدریس رخ می‌دهد و دانشجو به تدریج مهارت‌های پژوهش و روحیه‌ی پژوهشگری را کسب می‌کند و آماده‌ی پژوهش در نماهائی بزرگتر و مستقل از فرایند تدریس می‌شود.

۵-۱۰-۲- توجه به سطوح مختلف پژوهش

پژوهش‌های دانشگاه در سه سطح صورت می‌گیرد:

۵-۱۰-۲-۱- سطح اول: اقدامات پژوهشی حین تدریس

سطح اول، اقدامات پژوهشی حین تدریس است که با ورود دانشجو به دانشگاه و آغاز فعالیت درسی وی شروع می‌شود.

با توجه به تعداد واحدهایی که دانشجویان در طول نیم‌سال دارند، باید اقدامات پژوهشی آنان کنترل شده و هماهنگ باشد تا از حجم زیاد و فوق طاقّت پژوهش و سطحی و صوری شدن پژوهش جلوگیری کند. مقصود از پژوهش در سطح اول، مقاله‌نویسی در چند صفحه

نیست، بلکه هدف اصلی رسیدن به روحیه‌ی تحقیق و مراجعه‌ی علمی و نظام‌مند به اسناد و مدارک و دقت و تأمل متفکرانه در آنها و استنباط و استنتاج یک مطلب می‌باشد. لذا مقاله‌نویسی در این مرحله اصالت ندارد.

۵-۱۰-۲- سطح دوم: پژوهش‌های مستقل از فرایند تدریس و در راستای رشته‌ی تخصصی

سطح دوم، پژوهش‌هایی است که دانشجویان مستقل از فرایند تدریس اما در حوزه‌ی تخصصی خود و ناظر به مسأله‌ها و چالش‌هایی که در رشته‌ی تحصیلی خود یافته‌اند، با مشورت با اساتید یا بنابر پیشنهاد اساتید برعهده می‌گیرند و انجام می‌دهند. این پژوهش‌ها که اکثراً باید در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد و دکترا انجام شود، دانشجو را به تدریج به یک پژوهشگر توانمند و حرفه‌ای نزدیک می‌کند و آماده‌ی تحقیقات راهبردی می‌نماید.

۵-۱۰-۳- سطح سوم: پژوهش‌های پیشنهادی از سوی سایر نهادها

سطح سوم، پژوهش‌هایی است که به پیشنهاد نهادهای دیگر برای پاسخ‌گویی به نیازهای آنان صورت می‌گیرد. این پژوهش‌ها می‌تواند توسط اساتید، اساتید و دانشجویان و دانشجویان به‌عنوان پایان‌نامه انجام شود.

دانشجو می‌تواند با موافقت استادی که انتخاب کرده، با راهبری وی مقاله بنویسد و آن را در مجلات پژوهشی منتشر کند.

۵-۱۰-۳- درگیر کردن گروه آموزشی و دانشکده با امر پژوهش

برای اینکه پژوهش به مقوله‌ای جدای از آموزش تبدیل نگردد و پژوهش بخشی از فرایند آموزش و تربیت علمی تلقی شود، لازم است گروه آموزشی و دانشکده در امر پژوهش مسئولیت داشته باشند.

۵-۱۰-۴- رصد نیازهای پژوهشی توسط دانشکده و گروه‌های آموزشی و انتقال آن به استاد و دانشجو

دانشکده و گروه‌های آموزشی یا نهادی همراه با آنها باید به‌طور مستمر نیازهای پژوهشی جامعه را رصد کند و در بانک اطلاعاتی ذخیره نماید و پیوسته به اطلاع دانشجویان و اساتید برساند.

۵-۱۰-۵- تشکیل بانک اطلاعاتی از پژوهش‌های اساتید و دانشجویان و پایان‌نامه‌ها

این بانک اطلاعاتی که پژوهش‌های داخل دانشگاه و سایر مؤسسات را جمع‌آوری می‌کند، از دوباره‌کاری‌ها جلوگیری می‌کند، ارزیابی از روند پژوهش در دانشگاه را آسان می‌سازد، استفاده‌ی غیرقانونی از پژوهش‌ها را کم می‌کند و به دانشجویان امکان می‌دهد که ادامه‌ی یک پژوهش را پیگیری کنند.

۵-۱۰-۶- طرح مقالات پژوهشی در کلاس و بحث و مذاکره درباره‌ی آن

با توجه به اصول فوق، لازم است نظام‌نامه و آیین‌نامه‌ای پژوهشی تدوین شود که در آن فرایند پژوهش‌ها، از جمله پژوهش دانشجو به‌رهبری استاد، پژوهش‌های آزاد و مشترک چند دانشجو، پژوهش‌های گروهی اساتید، پژوهش اساتید دانشگاه با اساتید دیگر دانشگاه‌ها و سایر امور مربوط به پژوهش، مشخص و معین شده باشد.

۵-۱۰-۷- طراحی دوره‌ها و کارگاه‌های افزایش مهارت پژوهش

۵-۱۰-۸- ایجاد وحدت رویه و هماهنگی کلان در مجموعه پژوهش‌های دانشگاه در یک نهاد معین

۵-۱۰-۹- ارزیابی مستمر از روند پژوهش توسط یک نهاد ناظر و مستقل

۵-۱۰-۱۰- تجهیز کتابخانه دانشگاه براساس نیازهای پژوهشی و آموزشی هر دانشکده

۵-۱۰-۱۱- تشویق دانشجویان برای شرکت و ارائه مقاله در گردهمایی‌های داخلی و خارجی و اختصاص بودجه‌ای برای دانشجویان حائز رتبه

۵-۱۰-۱۲- اطلاع‌رسانی دائمی درمورد برگزاری سمینارهای پژوهشی و پژوهش‌های درخواست‌شده از سوی نهادهای مختلف



۶- فصل ششم:

تولید محتوای آموزشی

۶-۱- اصول و ضوابط تولید محتوای آموزشی

۶-۱-۱- به کار گرفتن راهکارهای تدوین برنامه‌ی درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی

برای اینکه در تولید محتوای آموزشی در رشته‌های علوم انسانی تحول پدید آید و به‌طور نسبی محتواهای منطبق با مبانی و رویکرد اسلامی تولید شود، باید از راهکارهای ارائه‌شده حداکثر استفاده صورت بگیرد.

کسانی نیز که کتاب‌ها و محتواهای تولیدشده را از نظر داشتن معیارها ارزیابی کنند، باید میزان بهره‌مندی محتوای تولیدشده از این راهکارها را مشخص نمایند.

تولید محتوای آموزشی در داخل کشور، به‌خصوص در درس‌های علوم انسانی، یک اصل اساسی است که باید مورد توجه جدی باشد و تولید این مواد باید توسط کسانی انجام گیرد که با مبانی نظری اسلام و تفاوت آن با مبانی نظری اندیشمندان غربی، آشنایی کامل دارند.

۶-۱-۲- کوتاه‌تر بودن درس‌های آغازین

برای جلب مخاطب با درسی که هنوز آشنایی چندانی با آن ندارد و به‌منظور مشتاق کردن وی، بهتر است دروس اول کتاب درسی از سایر درس‌ها کوتاه‌تر باشد.

۶-۱-۳- توجه به بعد قلبی پیام

از آنجا که هر محتوایی باید بالأخره تأثیر عملی و رفتاری بر مخاطب داشته باشد، علاوه بر تبیین علمی و استدلالی، باید حاوی پیام‌های قلبی باشد تا ارتباط درونی و عاطفی با یادگیرنده پیدا کند و به تغییر رفتار در وی منجر شود.

۶-۱-۴- مشخص بودن هدف هر فصل و هر درس

۶-۱-۵- توجه به محدوده‌ی زمانی و حجم ساعات تدریس

هر عنوان درسی معمولاً گستره‌ی وسیعی از دانش تخصصی را شامل می‌شود که ناشی از تلاش‌های علمی و دستاوردهای دانشمندان در طول قرون متمادی است.

با توجه به ساعات معین و زمان محدودی که برای هر درس اختصاص یافته، تدوین‌کنندگان محتوا باید تلاش کنند که محتوای ارائه‌شده به‌میزانی باشد که دانشجو با رعایت اصول مطالعاتی و پژوهشی بتواند با دقت کافی درس را فرا گیرد و تحقیق لازم در آن درس را به‌عمل آورد و فرصت پرداختن به دروس دیگر را از دست ندهد. کمبود زمان منجر به عدم تحکیم یادگیری می‌شود و زیاد بودن زمان، هدر رفتن وقت را به‌دنبال دارد. لذا حجم مفاهیم، طراحی فعالیت‌ها، تمرین‌ها و مانند آن باید با زمان انتخاب‌شده تناسب داشته باشد.

۶-۱-۶- ایجاد جذابیت در محتوا

خداوند که بزرگترین معلم و مربی است در مقام بیان مهم‌ترین و کامل‌ترین محتوای درسی، یعنی قرآن کریم، از جذابیت استفاده کرده است. این جذابیت‌ها را می‌توانیم در تمام آیات به‌خصوص در داستان‌ها، تمثیل‌ها و لطایف ادبی مشاهده کنیم. روش قرآن کریم الگو و اسوه‌ای برای ما است که برای تأثیرگذاری بر مخاطب از جذابیت‌های ادبی و هنری بهره ببریم.

۶-۱-۷- توجه به مراحل رشد مخاطب

محتوای تولیدشده با سخن مخاطب تناسب داشته باشد. زیرا مخاطب، در هر سنی، توانایی‌های ذهنی و عاطفی و بدنی خاصی دارد و اگر سازگار با این توانایی‌ها نباشد، اهداف محتوا محقق نمی‌شود؛ خواه محتوا فراتر از سن مخاطب یا پایین‌تر از سن وی باشد.

۶-۱-۱- عرضه‌ی درس‌ها به صورت تدریجی، مستمر و حتی‌الامکان متناسب با موقعیت‌ها

۶-۲- روش‌های تولید محتوای آموزشی

روش‌های مختلفی در تولید مواد آموزشی وجود دارد که باید متناسب با درس‌ها، یک یا چند روش انتخاب شود این روش‌ها عبارتند از:

۶-۲-۱- تولید براساس ساختار علم

هر علمی از ساختار خاصی برخوردار است که اگر آن ساختار به درستی فهمیده شود، درک و فهم مطالب و محتوای مربوط به آن علم به سهولت انجام خواهد شد.

البته میزان ساختارپذیری علوم با یکدیگر متفاوت است، علوم عقلی مانند فلسفه و منطق و کلام، و علوم ریاضی و طبیعی مانند فیزیک، ساختارهای منسجم و مستحکمی دارند. اما علوم انسانی مانند تاریخ، تفسیر و زبان از ساختارهای منعطف و قابل تغییر برخوردارند و متناسب با اهداف آموزشی قابل دستکاری بیشتری هستند.

پیروی از ساختار علم در تدوین و تولید محتوای آموزشی سبب می‌شود که مخاطب درکی منطقی و منسجم از آن علم به دست آورد. اما به علت خشکی و عدم انعطاف ساختار نمی‌توان نقطه شروع آموزش را از نیاز مخاطب و مسأله‌ی مورد توجه وی آغاز کرد. از این رو درس‌هایی که تأثیرگذاری عاطفی و گرایشی برای آنها دارای اولویت است، باید این روش را با روش‌های دیگر تلفیق نمایند.

۶-۲-۲- از ساده به مشکل

دانشجو باید از ساده به دشوار سیر کند تا ذهن یادگیرنده مهارت لازم برای کسب دانش را به دست آورد. لذا حتی‌المقدور در صورت هماهنگ شدن با سایر اصول، بهتر است محتوای آموزشی از محتوای ساده‌تر آغاز شده و به محتوای پیچیده‌تر خاتمه یابد.

البته مراعات این اصل در آموزش یک موضوع، در سال‌های متوالی الزامی است؛ و محتوای سال اول باید ساده‌تر از سال دوم و سال دوم ساده‌تر از سال بعد باشد و این ترتیب باید تا پایان حفظ شود. اما در تنظیم محتوای درسی مربوط به یک سال یا یک نیم‌سال حتی‌المقدور باید به این اصل توجه شود. موارد زیر از جمله مصادیق سیر از ساده به مشکل در یک درس می‌باشد:

- از مطالب ملموس به مطالب ذهنی و انتزاعی؛
- از مطالب توصیفی و گزارشی به مطالب تحلیلی و استدلالی؛
- از مطالب روبنایی به مطالب زیربنایی؛
- توجه به محدوده‌ی زمانی و حجم ساعات تدریس.

۶-۲-۳- تنظیم متن با رویکرد مسأله‌محوری

در این روش، محتوا با مسأله‌ای که در ذهن مخاطب مطرح است یا در سطح جامعه‌ی علمی مورد بحث است آغاز می‌شود و آن مسأله پنجره‌ی ورود به محتوا می‌گردد. این روش، گرچه انسجام محتوایی روش اول و دوم را ندارد، اما از جهت توجه مخاطب به محتوای درس مؤثرتر واقع می‌شود.

البته مؤلفان با توجه به نوع علم و سن و ویژگی‌های مخاطب و پیش‌آموخته‌های وی، باید تلفیقی از این روش‌ها را در تولید محتوا و مواد آموزشی لحاظ کنند تا از آسیب‌های هریک بکاهند و از امتیازهای آنها استفاده کنند. مهارت مؤلف در تلفیق به جای این روش‌ها و حدود این تلفیق مشخص می‌شود.

یک معیار و ملاک اصلی در ارزیابی کتاب و مواد آموزشی، تلفیق به جای روش‌های تولید و محتوا است که ضروری است مورد توجه ارزیاب قرار گیرد.

۷ = فصل ہفتم:

روشِ ہا و فنونِ تربیت

علمے (فعالیتِ ہا)

یاد دہے۔ یاد گیری)

در نظام‌نامه‌ی تربیتی، اهمّ روش‌ها و فنون تربیت بیان گردید. آن روش‌ها معمولاً در همه ساحت‌ها و ابعاد تربیت کاربرد دارند، گرچه برخی از روش‌ها برای برخی از ساحت‌ها مؤثرتر هستند و بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این‌رو مراجعه به آن روش‌ها و استفاده از آنها در تربیت علمی و تدریس ضروری است و بر آنچه در اینجا می‌آید، حاکمیت دارد. درعین حال، در این قسمت، روش‌هایی را که معمولاً اختصاص به تدریس و تربیت علمی دارد، ذکر می‌شود. شایسته است که با برگزاری کارگاه‌های آموزشی، مهارت‌های تدریس اساتید ارتقاء یابد و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری به‌نحو مؤثرتر انجام پذیرد.

۷-۱- طرح درس و مراحل آن^۱

استاد وظیفه دارد قبل از آغاز دوره‌ی تحصیلی و نیز قبل از هر جلسه‌ی تدریس، برنامه‌ی تعلیمی خود را طراحی کند. طرح درس عبارت است از پیش‌بینی و تنظیم رویدادهای تعلیمی براساس اهداف، محتوا و امکانات موجود و با توجه به ویژگی‌های دانشجویان است. استاد باید کل محتوای آموزشی را به اجزای قابل تدریس که معمولاً جلسات تدریس نامیده می‌شوند، تقسیم کند و مشخص سازد که براساس زمان منظور شده، چند جلسه یا ساعت در طول نیم‌سال تدریس خواهد داشت و در هر جلسه چه موضوعی و چه اهدافی دنبال خواهد شد.

طرح درس، حداقل دارای چهار مرحله است:

۷-۱-۱- مرحله‌ی اول: تحلیل و تنظیم هدف‌های تعلیمی

استاد باید با ملاحظه برنامه‌ریزی درسی، هدف‌های موردنظر در نیم‌سال تحصیلی و هدف‌های هر جلسه تدریس را مشخص کند. این هدف‌ها باید توصیفی از نتایج یادگیری و قابل مشاهده و اندازه‌گیری باشند.

همچنین این هدف‌ها باید در سه سطح هدف‌های کلی، هدف‌های جزئی و هدف‌های رفتاری تنظیم شوند.

هدف‌های رفتاری، اهدافی هستند که اگر تدریس با موفقیت انجام شده باشد، در دانشجو مشاهده می‌شود و قابلیت ارزشیابی دارند. یعنی رفتارهایی مشخص و قابل اندازه‌گیری در قلمروهای شناختی، گرایشی و مهارتی از دانشجو سر می‌زند. درواقع هدف‌های رفتاری، عینی‌ترین و مشخص‌ترین هدف‌های تعلیمی هستند که استاد می‌تواند آنها را در ارزشیابی از دانشجو مشاهده کند و براساس آن قضاوت نماید که یادگیری اتفاق افتاده است یا نه.

از رفتارهای مورد انتظار در قلمرو شناختی می‌توان موارد زیر را نام برد: تعریف کردن، فهرست کردن، نام بردن، توضیح دادن، طبقه‌بندی کردن، تشخیص دادن، تجزیه و تحلیل کردن، قضاوت و ارزیابی کردن.

از هدف‌های رفتاری مورد انتظار در قلمرو گرایشی می‌توان موارد زیر را ذکر کرد: قبول کردن، تأیید کردن، همکاری کردن، علاقه‌مند شدن، هم‌عقیده شدن، با علاقه انجام دادن و تعهد داشتن.

برخی از هدف‌های رفتاری مورد انتظار در قلمرو مهارتی عبارتند از: به‌کار گرفتن، درست اجرا کردن، بازسازی کردن، تحقیق کردن، درست آزمایش کردن.

اساتید باید درنظر داشته باشند که فرایندها و مهارت‌هایی وجود دارند که به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیستند، اما نتایج قابل مشاهده‌ای تولید می‌کنند. مثلاً ممکن نیست اساتید فرایند تفکر دانشجویان را مشاهده کنند، اما می‌توانند پاسخ‌هایی که دانشجویان می‌دهند و تصمیم‌هایی که می‌گیرند را مشاهده، اندازه‌گیری و قضاوت کنند.

^۱ این قسمت با استفاده از بخش روش‌های تدریس، جزوه‌ی «طراحی برنامه‌ی درسی معارف اسلامی» و نیز کتاب‌های روش تدریس و برنامه‌ریزی درسی تهیه شده است.

۷-۱-۲- مرحله‌ی دوم: تحلیل و تعیین موقعیت علمی

از آنجایی که فعالیت‌های آموزشی و روش‌های تدریس در موقعیت‌های خاص اتفاق می‌افتد، استاد باید با تحلیل موقعیت و درک صحیح آن، روش‌های تدریس و محتوای آموزشی را انتخاب نماید.

یکی از مهم‌ترین اجزاء موقعیت توانایی‌های دانشجو و پیش‌آموخته‌های اوست. به‌همین جهت لازم است استاد، قبل از شروع تدریس، رفتار ورودی دانشجویان خود را ارزیابی نمایند. این ارزیابی اولیه که «ارزشیابی تشخیصی» نامیده می‌شود، استاد را نسبت به قابلیت‌ها و توانایی‌های دانشجویان آگاه می‌کند و نقطه‌ی آغاز فعالیت‌های تعلیمی را مشخص می‌کند. یعنی استاد تشخیص می‌دهد که تدریس را از کجا آغاز کند، در چه سطحی محتوا را مطرح نماید، کدام شیوه را برگزیند و از کدام دانسته‌های قبلی دانشجویان استفاده نماید.

۷-۱-۳- مرحله‌ی سوم: تحلیل و تعیین محتوا، روش تدریس و وسایل موردنیاز در آموزش

استاد با توجه به اهداف و موقعیت، محتوای موردنظر را تحلیل می‌کند و مفاهیم، مسأله‌ها، فعالیت‌ها و سایر عناصر داخل محتوا را مشخص می‌سازد. محتوای یادگیری معمولاً در کتاب درسی، معلومات و دانسته‌های استاد، و داخل در نرم‌افزارها، فیلم‌ها و سایر رسانه‌های آموزشی می‌باشد.

حجم و سازماندهی محتوای انتخاب‌شده با زمان آموزش و روش تدریس ارتباط مستقیم دارد. روش‌هایی که دانشجویان را به فعالیت بیشتر می‌کشاند، از آنجایی که زمان افزون‌تری می‌برند، محتوای کمتری را انتقال می‌دهند و یادگیری پایدارتری ایجاد می‌کنند.

پس از تحلیل و تعیین محتوا، یا در حین بررسی آن، «روش تدریس» نیز انتخاب می‌شود. روش تدریس تعیین‌کننده‌ی نوع وظایف استاد و زمینه‌ساز فعالیت‌های دانشجویان در کلاس درس می‌باشد. روش تدریس، فعالیت‌های هدفدار، تجویزی و تعاملی است که توسط استاد به‌کار گرفته می‌شود تا یادگیری در صحنه‌ی کلاس اتفاق افتد.

با توجه به روش تدریس و محتوای یادگیری، وسایل آموزشی برای یک تدریس موفق انتخاب می‌گردند. وسایل آموزشی مجموعه امکاناتی هستند که می‌توانند شرایطی فراهم سازند تا در آن شرایط، یادگیری سریع‌تر، بهتر و پایدارتر صورت بگیرد.

استاد کارآمد باید انواع و اقسام رسانه‌ها و وسایل آموزشی را برای انتقال پیام‌های آموزشی و تسهیل یادگیری بشناسد و درست به‌کار گیرد. مجموعه‌ی وسایل گرافیکی، عکس، وسایل الکتریکی، مکانیکی، نرم‌افزارها و نیز بسیاری از امکانات موجود در محیط، وسایل آموزشی محسوب می‌شوند.

۷-۱-۴- مرحله‌ی چهارم: تحلیل و تعیین نحوه‌ی ارزشیابی

ارزشیابی یکی از مراحل مهم تدریس است که تأثیر فراوانی بر نحوه‌ی یادگیری دانشجویان می‌گذارد. به‌همین جهت لازم است دانشجویان ابتدا با معیارها و فرایند ارزشیابی استاد آشنا شوند و بدانند که وی چگونه ارزشیابی را انجام می‌دهد. ارزشیابی مؤثر آن است که در طی مراحل تدریس انجام بگیرد و منحصر به ارزشیابی پایانی و یا ارزشیابی برای نمره دادن نباشد.

ارزشیابی باید متناسب با اهداف و فعالیت‌های آموزشی باشد و میزان رسیدن به هدف را در هر مرحله مشخص کند.

یکی از دانش‌ها و مهارت‌های ضروری هر استاد، آشنایی و توانایی بر طراحی الگوی تدریس و مراحل تفصیلی آن است که در اینجا به‌صورت کلی بدان اشاره شده است.

۷-۲- تنظیم طرح درس

رعایت مراحل و نکات زیر برای تدوین یک طرح درس خوب لازم و ضروری است:

- مشخص کردن موضوع یا عنوان درس؛
- نگارش عناوین فرعی یا رئوس مطالب؛
- نوشتن هدف کلی و هدف‌های جزئی درس؛



- تعیین هدف‌های رفتاری؛
- تعیین رفتار و ورودی دانشجویان؛
- ارزشیابی تشخیصی؛
- نگارش مراحل اجرایی تدریس و فعالیت‌های آموزشی.

جدول ۷-۱- نکات مورد توجه برای تدوین طرح درس

۷-۳- اصول حاکم بر روش‌ها^۱

در نظام‌نامه‌ی تربیتی اصول حاکم بر تربیت، که مربوط به همه‌ی ساحت‌های تربیت، از جمله تربیت علمی است، ذکر گردید. لذا اصولی که در اینجا می‌آید، مبتنی بر آن اصول است و برنامه‌ریزان درسی باید آن اصول را نیز مدنظر داشته باشند و مراعات کنند.

۷-۳-۱- ایجاد علاقه و انگیزه در دانشجو

استاد باید مخاطب خود را علاقه‌مند به یاد گرفتن محتوای آموزشی کند و ذهن و ضمیر متعلم را درگیر موضوع نماید؛ به‌طوری‌که متعلم مشتاق و آماده‌ی مباحث گردد. ایجاد تشنگی در متعلم، مصداق این بیت است که:

آب کم جو، تشنگی آور به‌دست تا بجوشد آبت از بالا و پست^۲

۷-۳-۲- تقویت قوه‌ی تجزیه و تحلیل، تفکر و خلاقیت

استاد باید شرایطی ایجاد کند که دانشجو به تفکر درباره‌ی مباحث کلاس نیاز پیدا کند، نه اینکه صرفاً گوش دهد و در حافظه نگه دارد. حتی یک استدلال نیز اگر فقط از طرف استاد تقریر شود، سبب تقویت قوه‌ی استدلال دانشجو نمی‌شود؛ بلکه دانشجو باید خودش استدلال را بی‌رورد و ابراز کند تا این قوه در او تقویت شود.

۷-۳-۳- بهره‌گیری از ابزارهای پیام‌رسانی در تدریس

مدرس و استاد باید بتواند متناسب با موقعیت و محتوا از ابزارهای گوناگون پیام‌رسانی بهره‌برد و آنها را واسطه و رابط القای پیام و محتوا قرار دهد.

۷-۳-۴- دخالت دادن دانشجو در تدریس

تدریس باید به‌صورتی باشد که بخشی از محتوا با هدایت استاد و فعالیت دانشجویان تولید شود. البته طراحی محتوای آموزشی نیز باید به‌گونه‌ای باشد که امکان تحقق این اصل را به استاد و دانشجو بدهد. لذا همه‌ی محتوا نباید یک‌جانبه در کتاب آمده باشد یا توسط استاد به‌صورت یک‌طرفه القاء شود.

۷-۳-۵- توجه به تقویت مهارت‌های ذهنی یادگیرنده

استاد در هنگام تدریس، علاوه بر بیان محتوای آموزشی، وظیفه دارد تفکر و استدلال و سایر مهارت‌های ذهنی دانشجو را تقویت نماید. لذا باید برای رسیدن به این هدف، طراحی مناسبی برای تدریس انجام دهد.

۷-۳-۶- برقراری ارتباط میان مباحث نظری و عملی

استاد در هنگام تدریس، باید میان مباحث نظری و واقعیت‌ها و عمل پیوند برقرار کند تا تدریس جنبه‌ی انتزاعی به‌خود نگیرد و مؤثر در حل مسأله‌ها باشد.

^۱ مبتنی بر بخش نظام‌نامه‌ی تربیتی، فصل ششم: اصول تربیت

^۲ مثنوی معنوی، دفتر سوم، بیت ۳۲۱۲.

۷-۳-۷- فراهم کردن فرصت برای تعامل دانشجویان با یکدیگر

استاد باید شرایطی فراهم کند که دانشجویان به یادگیری جمعی و تقسیم کار جمعی در یادگیری و پژوهش علاقه نشان دهند و تولید علم و تحقیق را یک کار جمعی تلقی کنند و روش‌های کار جمعی را تمرین نمایند و سطح تحمل خود را برای همکاری با افراد مختلف و با روحیه‌های متفاوت افزایش دهند.

۷-۳-۸- تنظیم فعالیت‌های یادگیری برای خارج از کلاس و ایام تعطیل

استاد باید محتوای تدریس را به‌نحوی تنظیم کند که هفته‌های تعطیل دانشجو را نیز شامل شود. به‌طور مثال، پژوهش‌های مختصر یا بخش‌هایی از کتاب‌های مرتبط را برای مطالعه پیشنهاد دهد.

۷-۴-۱- انواع روش‌ها

از آنجا که تربیت علمی، یکی از ابعاد تربیت دینی محسوب می‌شود، روش‌های تدریس نیز ذیل روش‌های تربیت به‌معنی عام قرار می‌گیرد؛ با ملاحظه اینکه در آموزش و تدریس، باید به فعالیت یاددهی - یادگیری توجه خاص شود و با این ملاحظه فعالیت تربیتی استاد تنظیم گردد. از این‌رو استاد، درعین توجه به نقش خود به‌عنوان یک مربی که باید همه ابعاد دانشجو را رشد دهد و از آن‌جهت باید روش‌های تربیتی را استفاده کند، از جهت نقش خود در فعالیت یاددهی - یادگیری باید از روش‌های تدریس نیز بهره‌برد.

اهم این روش‌ها عبارتند از:

۷-۴-۱-۱- روش نمایش علمی

این روش بر مشاهده و دیدن استوار است. افراد مهارت‌های خاصی را از طریق دیدن فرا می‌گیرند. به‌عنوان مثال، استاد در کلاس درس تصمیم دارد کار کردن با یک وسیله را به دانشجویان یاد دهد. آن ابزار را به کلاس می‌آورد و به‌صورت علمی چگونگی کار آن را عملاً نشان می‌دهد. این روش بیشتر در درس‌هایی که جنبه‌ی عملی و فنی دارند کاربرد دارد.

۷-۴-۲- روش آزمایشی

اساس این روش بر اصول یادگیری اکتشافی است. در این روش، موقعیت و شرایطی فراهم می‌شود تا دانشجویان خود از طریق آزمایش به پژوهش بپردازند و جواب مسأله را کشف کنند. این روش، فعالیتی است که در جریان آن، دانشجویان عملاً به‌کار بردن وسایل و تجهیزات و مواد خاص درباره‌ی مفهومی خاص را تجربه می‌کنند. این روش برای موضوعات علوم تجربی روش بسیار مناسبی است ولی در روان‌شناسی و سایر علوم انسانی نیز کاربرد دارد.

این روش می‌تواند کیفیت یادگیری را افزایش دهد. برای ارضای حس کنجکاوی و تقویت نیروی اکتشاف و اختراع و پرورش تفکر انتقادی فراگیران مفید است و اعتماد به نفس و رضایت خاطر را در دانشجویان ایجاد می‌کند.

۷-۴-۳- روش بحث گروهی

این روش، گفتگویی است سنجیده و منظم درباره‌ی موضوعی خاص که مورد علاقه‌ی مشترک شرکت‌کنندگان در بحث است. این روش برای کلاس‌هایی قابل اجرا است که جمعیتی بین ۶ تا ۲۰ نفر داشته باشند. این روش که در علوم انسانی کاربرد فراوانی دارد، به دانشجویان فرصت می‌دهد تا نظرها، عقاید و تجربیات خود را با دیگران درمیان بگذارند و اندیشه‌های خود را با دلایل مستند بیان کنند و در معرض داوری قرار دهند.

۷-۴-۴- روش حل مسأله

در این روش، دانشجویان با مسأله و مشکل مواجه می‌شوند و باید با بهره‌گیری از تجارب و پیش‌دانسته‌های خود، به حل مسأله بپردازند.

۷-۴-۵- الگوی پیش‌سازمان‌دهنده (Model preadvance-organizer)

پیش‌سازمان‌دهنده، یک مطلب یا مفهوم کلی است که در مقدمه‌ی تدریس می‌آید تا مبحثی را که به دانشجویان ارائه داده می‌شود، با مباحث پیشین همان درس مربوط باشد و پایه‌ای برای ارتباط مفاهیم جدید با پیشین شود. در این الگو، معمولاً مطالب از کلی به جزئی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۷-۴-۶- روش آموزش مستقیم

در این روش، مسأله موردنظر به صورت روشن و واضح با مخاطب طرح می‌شود تا مخاطب بدون ابهام و شک، مسأله را دریابد. این روش، در بیان اعتقادات و اصول و قوانین کاربرد بیشتری دارد.

۷-۴-۷- روش آموزش غیرمستقیم

این روش، بیشتر در موضوع‌های اخلاقی استفاده می‌شود و در مواردی به کار می‌رود که تذکر روشن و مستقیم مؤثر واقع نمی‌شود و شخص مخاطب تحت تأثیر قرار نمی‌گیرد. در این موارد، استاد و مربی از ابزار واسطه‌ای کمک می‌گیرد تا مخاطب به صورت غیرمستقیم به حقیقت موردنظر دست یابد.

۷-۴-۸- روش سخنرانی

این روش بیشتر برای موضوع‌های مبنایی، مانند اصول اعتقادی و مباحث فلسفی و مخاطب‌هایی که آمادگی لازم برای دریافت را دارند، کاربرد دارد. در این روش، موضوع به نحو منسجم و منطقی طرح می‌شود و مخاطب نیز در همین چارچوب منطقی به فهم مطالب ناائل می‌شود. گرچه روش سخنرانی مناسبت بیشتر با رویکردهای غیرفعال دارد، اما با تمهیداتی می‌توان یک سخنرانی فعال در تدریس ارائه کرد. به طور مثال، قبل از سخنرانی از دانشجویان درخواست شود که در پایان نکات محوری سخنرانی را بازگو کنند، یا در ضمن سخنرانی یا پایان سخنرانی، سخنران را نقد نمایند.

۷-۴-۹- روش پرسش و پاسخ

این روش که در اکثر موضوع‌ها کاربرد دارد، می‌تواند میان دو دانشجو یا استاد و دانشجو باشد. از ثمرات این روش، تقویت حافظه، قوت استدلال، سرعت انتقال ذهنی و بالا بردن توانایی صحبت کردن است.

۷-۴-۱۰- روش کنفرانس دانشجویی

این روش اعتماد به نفس دانشجویان را افزایش می‌دهد و توانایی بیان آنان را تقویت می‌کند. کنفرانس باید پیرامون یک موضوع خاص باشد. بهتر است کنفرانس‌دهنده از یک گروه خاص باشد و گروه‌های دیگر وظیفه‌ی نقد وی را برعهده بگیرند.

۷-۴-۱۱- روش مناظره

در مناظره، معمولاً بیش از دو نفر شرکت می‌کنند و افراد، در نقش رقیب ظاهر می‌شوند. این روش در مسأله‌های روز و چالش‌های اجتماعی و اعتقادی کاربرد بیشتری دارد.

۷-۴-۱۲- روش خلق موقعیت برای داوری

در این روش، ابتدا به کمک روش‌های دیگر مانند نمایش فیلم، نقل خاطره و گزارش، به دانشجو فرصت داوری داده می‌شود تا اظهارنظر نماید. این روش در مباحث حقوقی، سیاسی، اخلاقی کاربرد بیشتری دارد.

در روش تحلیل مشاهدات نیز که به همین روش نزدیک است، رفتار افراد گروه‌ها و جوامع زیرنظر گرفته می‌شود و رفتار آنان مورد نقد و تحلیل قرار می‌گیرد.

۸- فصل هشتم:

ارزشیابی در تربیت علم

یکی از ارکان مهم نظام برنامه‌ریزی درسی و فرایند تربیت علمی، ارزشیابی است. حتی اهمیت این رکن از منظر نظام‌نامه‌ی تربیتی، فراتر از آن است که در برنامه‌های متعارف درسی بیان شده است. زیرا اهداف تربیت علمی و همچنین سایر اهداف تربیت، با سعادت و کمال و رشد انسان گره خورده و صرفاً اهدافی ابزاری برای رفع نیازها نیست. لذا همان‌طور که ما در همه‌ی ابعاد تربیت نیازمند به «مراقبت» درونی و بیرونی و «محاسبه» درونی و بیرونی هستیم، در این قسمت نیز به‌همین مراقبت و محاسبه نیاز داریم.

ارزشیابی به دو منظور انجام می‌گیرد:

- (۱) تعیین میزان تحقق اهداف؛
- (۲) کمک به فرایند تربیت علمی و تحکیم و تثبیت آموخته‌ها.

۸-۱- رابطه‌ی میان اهداف و ارزشیابی

همان‌طور که در نظام‌نامه‌ی تربیتی تبیین گردید یکی از تعاریف تربیت عبارت است از: «مجموعه‌ی فعالیت‌های نظام‌مند مربی یا مربیان به‌منظور رسیدن مرتبی به مراتبی از شناخت و بینش عقلی و ایمان و گرایش قلبی تا مرتبی به عمل صالح اقدام کند و رفتار پسندیده از وی سرزند»؛ و نیز توضیح داده شد که «عقل» و «قلب» مرتبی مخاطب اصلی تربیت است. این تعریف از تربیت و مخاطب بودن «عقل» و «قلب» و رفتار منبعث از آنها اختصاص به ساحت و بُعد خاصی از تربیت ندارد و شامل همه‌ی ابعاد فردی و اجتماعی تربیت می‌گردد.

بنابراین ارزشیابی درحقیقت به‌معنای سنجش میزان رشد عقل و قلب و رفتار ناشی از آنهاست. یعنی باید سنجشی به‌عمل آید که مشخص کند مرتبی تا چه اندازه به توانایی‌ها و مهارت‌های عقلی و تفکری دست یافته و دانش موردنظر را کسب کرده است؛ همچنین مرتبی در موضوع موردنظر به چه میزان از ایمان و گرایش قلبی رسیده و تا چه اندازه مطابق با ایمان و گرایشش، رفتار مناسب از خود بروز می‌دهد.

۸-۲- قلمروهای ارزشیابی

در نظام‌نامه‌ی تربیتی بیان گردید که: گرچه دانشگاه محیطی ویژه برای تربیت علمی است و برای این‌منظور تشکیل شده است، اما به‌دلیل ارتباط وثیق ابعاد تربیت با یکدیگر و ضرورت رشد شخصیت همه‌جانبه‌ی انسان، تربیت علمی در دانشگاه، در بستر تربیت همه‌جانبه صورت می‌گیرد و فعالیت‌های تربیتی دانشگاه درعین تمرکز بر تربیت علمی، معطوف به همه‌ی ابعاد تربیت است. از این‌رو ارزشیابی باید در دو قلمرو انجام شود:

۸-۲-۱- ارزشیابی از میزان تحقق ابعاد تربیت

با توجه به رسالت عمومی دانشگاه در تربیت همه‌جانبه‌ی شخصیت دانشجو درعین توجه ویژه به تربیت علمی آنان، برای اینکه این رسالت مورد غفلت قرار نگیرد و به حاشیه نرود، ضروری است که هم مورد نظارت و مراقبت و هم در معرض ارزیابی مستمر باشد. نکات مربوط به این ارزیابی در بخش نظام‌نامه‌ی تربیتی ذکر شده است. ضروری است آیین‌نامه و دستورالعملی برای این ارزیابی تنظیم و تصویب گردد.

۸-۲-۲- ارزشیابی از میزان تحقق تربیت علمی

با عنایت به رسالت ویژه‌ی دانشگاه در تربیت علمی دانشجویان و تدوین و تنظیم برنامه‌های درسی برای تحقیق این رسالت، ضروری است برنامه‌های درسی و عوامل مؤثر در آن تحت نظارت و مراقبت مستمر و نیز مورد ارزشیابی قرار بگیرد.

این ارزشیابی به‌طور کلی باید در دو بخش صورت بگیرد:

- (۱) ارزشیابی از عناصر برنامه؛
- (۲) ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانشجو.

۸-۳- اصول حاکم بر ارزشیابی

از عوامل اصلی موفقیت هر برنامه، نظارت دقیق و مستمر و ارزشیابی مؤثر و کارآمد است. برای اینکه ارزشیابی، به‌صورت مؤثر صورت بگیرد، لازم است اصول زیر توسط ارزشیابی‌کنندگان مراعات شود:

۸-۳-۱- توجه به همه‌ی اهداف برنامه‌ی درسی

ارزشیابی باید منطبق با اهداف و برای به‌دست آوردن همه‌ی جنبه‌های هدف صورت گیرد، نه یک جنبه و بُعد خاص. معمولاً ارزشیابی‌ها روی آن بخشی از اهداف متمرکز می‌شود که آسان‌تر مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. مثلاً در ارزشیابی از دانشجو، نباید صرفاً به قلمرو شناختی وی توجه شود، بلکه باید مهارت‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای وی نیز مورد ارزشیابی قرار بگیرد.

۸-۳-۲- آشنایی و تسلط ارزشیابی‌کنندگان بر برنامه‌ی درسی موردنظر

آشنایی ارزشیابی‌کنندگان سبب می‌شود که آنان همه‌ی ابعاد برنامه‌ی درسی در هنگام ارزشیابی لحاظ کنند و به نتایج متقن و دقیق برسند.

۸-۳-۳- انجام ارزشیابی توسط نهاد نظارت‌کننده

جز ارزشیابی تحصیلی از دانشجو که باید توسط استاد صورت بگیرد، ارزشیابی از سایر عوامل برنامه باید توسط افراد یا نهادهای انجام شود که خودشان دخالتی در فرایند اجرا نداشته‌اند، اما آشنایی کامل به برنامه‌ی درسی موردنظر دارند و می‌دانند که باید به چه نکاتی توجه کنند، روی چه قسمت‌هایی بیشتر متمرکز شوند و نسبت به چه اموری حساسیت بیشتر نشان دهند.

۸-۳-۴- تعیین مشکلات در فرایند اجرای برنامه و تدریس

ارزشیابی باید مشکلات اجرای برنامه را مشخص نماید و نشان دهد که مثلاً چه عواملی سبب شده که برخی دانشجویان نتوانند قابلیت‌های خودشان را نشان دهند یا فعالیت‌های خارج از کلاس محدود شود یا استاد نتواند از زمان و فرصت خود به‌درستی استفاده کند.

۸-۳-۵- تعیین موفقیت و عوامل مؤثر در موفقیت

ارزشیابی باید عوامل موفقیت در اجرای برنامه را مشخص کند تا با تأکید بر آن عوامل و توسعه‌ی آنها، میزان موفقیت افزایش یابد.

۸-۳-۶- تعیین شاخص‌های قابل ارزشیابی

برای ارزشیابی از هریک از عوامل مؤثر در برنامه، باید شاخص‌های واضح و روشن که قابل ارزشیابی باشند، تدوین شود. شاخص‌های ارزشیابی از دانشجو، استاد، مدیریت و محتوا از جمله‌ی آنهاست.

۸-۴- ارزشیابی از عناصر برنامه

همراه با ارزشیابی از دانشجو باید عناصر دخیل در تربیت مورد ارزشیابی قرار گیرد و حتی ارزشیابی از دانشجو باید به‌نحوی تنظیم شود که علاوه بر نشان دادن وضع هر دانشجو به خودش، میزان کارکرد عوامل برنامه را روشن کند. زیرا هر دانشجویی گرایش فطری و خدادادی به‌سوی خوبی‌ها و زیبایی‌ها دارد و وظیفه‌ی عوامل تربیت، فراهم کردن زمینه‌ی رشد این گرایش‌ها و راهنمایی و هدایت دانشجو به انتخاب ره‌توشه‌ی مناسب و شایسته است. اگر این «زمینه‌سازی» و «هدایت» به‌درستی انجام گیرد، انگیزه‌های درونی دانشجو او را به‌سوی هدف سوق می‌دهد؛ اما اگر این دو وظیفه به‌خوبی انجام نگیرد یا در جهت معکوس عمل کند، به زنجیره‌هایی بدل می‌شوند که بال و پر پرواز را می‌بندند و مانع رسیدن به اهداف می‌شوند. به‌همین جهت است که می‌گوییم ارزشیابی عوامل بیرونی مقدم بر ارزشیابی از خود دانشجو است. ممکن است این ارزشیابی سابقه نداشته باشد و به‌نظر مشکل آید، اما چگونگی این ارزشیابی و شیوه‌ی اجرای آن نیازمند به شیوه‌نامه‌ای است که باید توسط دانشگاه تدوین شود و آن را عملی نماید. عمده عوامل خارجی مؤثر در آموزش عبارتند از: «برنامه‌ی درسی»، «محتوای تعلیمی»، «استاد» و «فضا و امکانات آموزشی».

۸-۴-۱- ارزشیابی از برنامه‌ی درسی

این برنامه که توسط برنامه‌ریزان و شورای علمی دانشکده‌ها تدوین می‌گردد، باید در دو مرحله ارزیابی گردد:

(۱) مرحله‌ی پس از تدوین؛

(۲) مرحله‌ی اجرا.

در مرحله‌ی پس از تدوین، باید ارزیابی شود تا اولاً مراحل تدوین را به‌درستی گذرانده باشد و ثانیاً از منظر اساتید و متخصصین اعتبارسنجی شده باشد.

در مرحله‌ی اجرا نیز باید ارزیابی و نقد گردد تا معلوم شود موفقیت یا عدم موفقیت تا چه میزان به برنامه مربوط می‌شود و تا چه اندازه به عوامل دیگر.

یک ارزیابی مداوم در نسبت با عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز ضروری است تا نشان دهد که عوامل مستحدثه چه بخش‌هایی از برنامه را تحت‌تأثیر قرار داده و تغییر در برنامه را ضروری کرده است. این ارزشیابی سبب می‌شود که برنامه متناسب با نیازها و ضرورت‌ها، فرایند اصلاح را همواره طی نماید.

۸-۴-۲- ارزشیابی از محتوای تعلیمی

محتوای آموزشی که در قالب کتاب درسی و سایر رسانه‌ها ارائه می‌شود، هم باید منطبق بر برنامه تألیف شود و هم بتواند در مرحله‌ی اجرا مؤثر و کارآمد باشد. به همین جهت هم نیازمند اعتباربخشی نظری است و هم باید در اجرای آزمایشی موفق از میدان بیرون آید.

۸-۴-۳- ارزشیابی از استاد

مهم‌ترین بخش ارزشیابی عوامل بیرونی، ارزشیابی از استاد است که رکن اصلی تعلیم محسوب می‌شود. علاوه بر توانمندی در تدریس و بیش از آن، نقش الگویی استاد است که در تربیت مؤثر واقع می‌شود. عموم دانشجویان از چنین نقشی به‌نحو مثبت یا منفی سخن می‌گویند. آنان همواره انتظار دارند که استاد باید نمونه‌ای شایسته از آموزه‌های خود باشد و قبل از آنکه با گفتارش دیگران را هدایت کند اعمال و رفتارشان جذب کنند و تأثیرگذار باشد.

ارزشیابی از عملکرد استاد باید توسط متخصصین و اساتید کاردان و مقبول صورت گیرد. این ارزشیابی باید متکی بر لیست مشاهده‌ی توانایی تدریس، توانایی پاسخ‌گویی به سؤالات دانشجویان و نظرات آنان درباره‌ی وی باشد. سخت‌گیری درباره‌ی استاد گرچه در کوتاه‌مدت زمینه‌ساز عدم استقبال برخی افراد است، اما از آثار مخرب حضور استاد ناتوان در کلاس به تدریج جلوگیری می‌کند.

شیوه‌نامه‌ی عملکرد استاد باید تنظیم شود و پس از ملاحظه‌ی اساتید به اجرا درآید. این شیوه‌نامه باید شامل سه بخش باشد:

(۱) ارزشیابی از توانایی علمی؛

(۲) ارزشیابی از مهارت‌های حرفه‌ای و شیوه‌ی تدریس؛

(۳) ارزشیابی از صلاحیت‌های اخلاقی و شخصیتی.

جدول ۸-۱- سه بخش عمده در شیوه‌نامه‌ی عملکرد اساتید

۸-۴-۳-۱- خودارزیابی استاد

این ارزیابی اهمیت بسیار زیادی دارد. مطابق با این ارزشیابی به‌جای اینکه فقط از دانشجو انتظار بهبود رفتار داشته باشیم، امید داریم که مطابق داده‌های ارزشیابی، شیوه‌های کار استاد نیز ارتقاء یابد. با این ارزشیابی مشخص می‌شود که نقاط قوت و ضعف استاد کدام است که باید تقویت یا برطرف گردد. این ارزشیابی توسط خود استاد انجام می‌شود و نتایج آن نزد خودش محفوظ می‌ماند. شیوه‌نامه این ارزشیابی نیز باید تدوین شود.

۸-۴-۴- ارزشیابی از فضا و امکانات

تربیت نیازمند فضای ویژه و امکانات خاصی است که باید به تدریج تدارک شود و متناسب با تحولات فرهنگی و علمی روزآمد گردد. ارزشیابی از فضا و امکانات باید توسط فردی آشنا به برنامه‌ی درسی و محتوای علمی رشته‌ها باشد. از این‌رو بهتر است این ارزیابی با مشارکت دانشکده‌ها انجام شود و میزان تأثیرگذاری آن بر روند آموزش هرساله اعلام گردد.

۸-۵- ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانشجو

همان‌طور که گفته شد ارزشیابی بخشی از فرایند آموزش است که در جریان آن جاری است و استاد و دانشجو پیوسته با آن درگیرند و پویایی و ارتقاء کیفی آموخته‌های دانشجویان را به دنبال دارد. ارزشیابی به اهداف یادگیری توجه دارد و همان‌گونه که میزان تحقق اهداف را می‌سنجد، به تحقق آن اهداف نیز کمک می‌کند. یعنی دانشجویان را به فعالیت‌هایی سوق می‌دهد که او را در رسیدن به اهداف یاری می‌کند. این ارزشیابی باید در حوزه‌ی فعالیت‌های زیر انجام پذیرد:

۸-۵-۱- ارزشیابی از فعالیت‌های رشددهنده‌ی تفکر عقلی و شناخت

یادگیری در حوزه‌ی شناختی و عقلی دارای سطوح مختلفی است که با تعمیق و یادگیری تناسب دارد. یادگیری مؤثر نیز آن یادگیری است که از سطوح اولیه‌ی مهارت‌های تفکر بگذرد و سطوح بالاتری را دربر گیرد. کارشناسان تعلیم و تربیت از تعداد سطوح متفاوتی سخن گفته‌اند که تعیین دقیق آنها در اینجا ضرورتی ندارد. آنچه مهم است این است که با یادگیری در این بخش، به رشد تفکر عقلی منجر شود و توانایی تعقل را افزایش دهد. سطوح شناختی را می‌توان در شش مرحله تنظیم کرد:

۱- به یاد آوردن (بازیابی اطلاعات)؛ مانند ذکر نویسندگان بزرگ و آثار آنها
۲- فهمیدن؛ مانند معنی کردن، توضیح دادن، ترجمه کردن، طبقه‌بندی کردن، خلاصه کردن، استنباط کردن، مقایسه کردن.
۳- به کار بستن؛ مانند اجرا کردن، حل کردن مسأله براساس قاعده‌ها آموخته‌شده
۴- تحلیل کردن، تجزیه کردن مطالب به عناصر تشکیل‌دهنده و توصیف روابط بین آنها؛ مانند متمایز کردن، سازمان دادن، نسبت دادن.
۵- داوری و ارزیابی (با استفاده از ملاک و معیار)؛ مانند واریسی کردن، آزمودن، نقد کردن.
۶- خلق کردن (قراردادن عناصر یا اجزا در یک الگو و ساختار نو)؛ مانند فرضیه ساختن، طرح‌ریزی کردن و ساختن.

جدول ۸-۲- مراحل سطوح شناختی

طراحی ابزارهای ارزشیابی باید به گونه‌ای باشد که همه‌ی مراحل و سطوح یادگیری شناختی را دربرگیرد. البته به‌میزانی که دانشجویان بتوانند به سؤال‌های سطوح بالاتر پاسخ دهند، نشان‌دهنده‌ی آن است که یادگیری مطلوب‌تری رخ داده است و نظام برنامه‌ریزی درسی موفق عمل کرده است.

ارزشیابی در حوزه‌ی تفکر عقلی باید به نحوی باشد که بتواند تعادلی میان این سطوح ایجاد کند. این تعادل به معنای دادن حق مساوی به هریک از این سطوح نیست، بلکه بدان معناست که متناسب با سنین رشد از یک طرف و موضوع درسی، به برخی از این سطوح اولویت داده شود و برخی از سطوح در مرحله‌ی بعدی قرار گیرند. تشخیص و انتخاب این سطوح در مراحل یادگیری و تعیین فعالیت‌های مناسب با هریک و تمرکز ارزشیابی بر آنها بسیار حائز اهمیت است.

بر این مبنا انواع مختلف ارزشیابی نیز به‌میزانی که در یادگیری این مهارت‌ها مدد می‌رساند، باید به‌کار گرفته شود. به‌طور مثال آزمون کتبی آنگاه باید مورد استفاده قرار گیرد که بتواند در سنجش یکی از مهارت‌ها ما را کمک کند. حتی آزمون‌های چهارجوابی می‌توانند سهم مناسب خود را در ارزشیابی استیفا کنند، در صورتی که بتوانند به‌عنوان جزئی از یک ارزشیابی مطلوب تلقی شوند و در موضع مؤثر خود و مطابق با استانداردهای اینگونه آزمون‌ها به‌کار روند. برخی از فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی به‌شرح زیر است:

- ۱) درک رابطه‌ی عنوان با مطلب؛
- ۲) رابطه‌ی اجزاء مطلب باهم و با کل مطلب؛
- ۳) جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی یک مطلب؛
- ۴) برقراری رابطه میان اطلاعات؛
- ۵) تعریف روشن یک مفهوم؛
- ۶) توانایی استدلال درباره‌ی یک مجهول؛
- ۷) مقایسه‌ی دو مفهوم یا دو عمل و ذکر تفاوت‌ها؛
- ۸) اعلام نظر درباره‌ی عوامل داستان و واقعه؛
- ۹) درک رابطه‌ی میان چند آیه پیرامون مفهوم واحد؛
- ۱۰) پاسخ‌گویی به سؤال جدید؛
- ۱۱) تطبیق خود و محیط زندگی با آموزه‌های دینی و ارزیابی خود و محیط؛
- ۱۲) ذکر تجربه‌ها؛
- ۱۳) تحقیق پیرامون یک موضوع؛
- ۱۴) بیان شباهت‌ها؛
- ۱۵) ذکر تفاوت‌ها؛
- ۱۶) توانایی تطبیق با مصداق‌های خارج؛
- ۱۷) ذکر فواید و نتایج یک عقیده یا عمل؛
- ۱۸) بیان یا تکمیل استدلال؛
- ۱۹) تفسیر یک عمل یا متن.

جدول ۸-۳- فعالیت‌ها و مهارت‌های قابل سنجش در قلمرو شناخت عقلی مرتبط با سطح آن

۸-۵-۲- ارزشیابی از فعالیت‌های تقویت‌کننده‌ی ایمان و گرایش قلبی

با توجه به اینکه تفکر عقلی و تعمیق آن، ایمان و احساس دینی را تقویت می‌کند، همه فعالیت‌های قبل به‌تناسب ارتباط آنها با سطوح بالاتر تفکر و تعقل در تقویت ایمان مؤثرند. علاوه‌براین برخی از فعالیت‌ها نیز هست که رابطه‌ی بیشتری با تعلقات قلبی و عاطفی دارند که تشویق دانشجویان به این فعالیت‌ها به تقویت بُعد قلبی و عاطفی می‌انجامد. برخی از این فعالیت‌ها عبارتند از:

- ۱) ابراز همدلی با شخصیت مثبت تاریخی؛
- ۲) ابراز دوری از شخصیت منفی تاریخی؛
- ۳) نوشتن یا بیان علایق درونی در قالب‌های مختلف؛
- ۴) مشارکت در گفتگوها، مباحثه‌ها و مناظره‌ها؛
- ۵) انجام منظم فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده؛
- ۶) خلق یک اثر هنری مانند نقاشی، طرح، قطعه‌ی ادبی و شعر؛
- ۷) سبقت و پیش‌دستی در پذیرش مسئولیت‌ها؛
- ۸) موضع‌گیری نسبت به وقایع و رخدادها؛

۸-۶- انواع ارزشیابی در تربیت علمی

۸-۶-۱- ارزشیابی مستمر

با توجه به نوع فعالیت‌های قابل سنجش و اندازه‌گیری که در قسمت قبل بیان گردید، ارزشیابی مناسب با هر درس، ارزشیابی مستمر می‌باشد. ارزشیابی مستمر یا تدریجی یا تکوینی به معنای ارزشیابی براساس آزمون‌های پایانی ولی در قیاس کوچکتر و با تعداد بیشتر نیست.

ویژگی عمده‌ی این ارزشیابی در پویایی و گستردگی آن است و از استاد انتظار اقداماتی فراتر از آزمون‌های سنتی دارد، تا تصویر کلی از تمامیت شخصیت دانشجو را ارائه دهد. از نتایج این نوع سنجش و ارزیابی در جهت رشد و ارتقای دانشجو استفاده می‌شود و مهم‌تر از همه اینکه، از هر دانشجو توقع رشد و بالندگی را در حد توان خودش دارد. این ارزشیابی به استاد اطلاعات مستند و معتبری می‌دهد تا براساس آن اطلاعات بتواند مرحله‌ی بعدی تدریس خود را طراحی کند. این نوع سنجش برای هر دانشجو قابلیت رشد و پیشرفت قائل است و برای آموزش هر دانشجو برنامه‌ی خاصی را طراحی می‌کند. در این رویکرد فرایند ارزشیابی با فرایند آموزش درهم تنیده، جاری و مستمر است. از نتایج به‌دست آمده برای مقایسه یا نمره دادن به دانشجویان استفاده نمی‌شود، بلکه تفاوت‌های فردی دانشجویان را می‌پذیرد و به قابلیت رشد هریک اعتقاد دارد. در فرایند چنین ارزشیابی دانشجویان نقش اساسی دارند، چون آنان هستند که در مرکز یادگیری قرار دارند و نقش اصلی را در پرورش و اصلاح یک آموخته ایفا می‌کنند. هر قدر دانشجویان بیشتر در فرایند آموزش سهیم شوند، بهتر و بیشتر می‌توانند آموخته‌های خود را در ابعاد مختلف گسترش دهند یا بهبود بخشند و به عبارتی شیوه‌ی آموختن را بهتر یاد می‌گیرند.

این نوع ارزشیابی می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود و براساس اطلاعاتی که از طرق مختلف جمع‌آوری می‌شود مانند مشاهده رفتار و عملکرد دانشجو در هنگام فعالیت‌های کلاسی یا ارائه‌ی گزارش یا پاسخ به پرسش‌های کتبی یا شفاهی، مورد ارزشیابی قرار گیرد. اما همواره به‌خاطر داشته باشیم که آنچه یک ارزشیابی را مستمر، رشددهنده و پویا می‌کند، شیوه‌ی استفاده از نتایج ارزشیابی است. ارزشیابی مستمر دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- این ارزشیابی جزئی از فرایند آموزش است.
۲- به فعالیت‌هایی منجر می‌شود که طراحی مراحل بعدی آموزش را امکان‌پذیر می‌سازد.
۳- در تمام موضوعات درسی قابل اجرا است.
۴- دانشجویان را در فرایند یادگیری خود سهیم می‌سازد و توان خود ارزیابی را در آنان تقویت می‌کند.
۵- استاد را قادر می‌سازد تا به‌طور منظم دانشجویان را در فعالیت‌های گوناگون زیر نظر بگیرد و عواملی را که مانع پیشرفت آنان است شناسایی کند.
۶- استاد را در فرایند تجربه‌اندوزی قرار می‌دهد و به او کمک می‌کند تا علایق دانشجویان را شناسایی کند و سطح فعالیت‌ها (سادگی یا دشواری آنها) و مفاهیم را به‌درستی بسنجد.
۷- استاد را قادر می‌سازد تا از طریق ارزشیابی‌های متناوب و یادداشت‌هایی که برمی‌دارد اطلاعات کافی برای ارزشیابی معتبر دانشجویان جمع‌آوری کند.
۸- ارزشیابی مستمر، دانشجویان را در فعالیت‌های متفاوتی می‌سنجد که شرایط سنجش آنها یکسان نیست. اما نباید تصور کرد این امر اعتبار قضاوت را خدشه‌دار می‌کند. معلم باید با درجه‌بندی فعالیت‌ها قضاوت نهایی خود را انجام دهد و به تشخیص خود اعتماد کند.

با توجه به آنچه در باره‌ی ارزشیابی مستمر گفته شد، ارتقای آموزش از طریق این سنجش به عوامل اساسی زیر وابسته است:

- ۱) بازخورد مؤثر به دانشجویان؛
- ۲) درگیر کردن مؤثر دانشجویان در فرایند یادگیری؛
- ۳) استفاده از نتایج سنجش در طراحی تدریس؛
- ۴) درک و توجه به تأثیر غیرقابل تردیدی که شیوه‌ی سنجش و ارزشیابی بر ایجاد علاقه و اعتماد به نفس در دانشجویان دارد؛
- ۵) توانا کردن دانشجویان در ارزیابی خود و تصمیم‌گیری برای پیشرفت و ارتقاء.

جدول ۸-۶- عوامل ارتقای آموزشی با ارزشیابی مستمر

۸-۶-۲- ارزشیابی پایانی

این ارزشیابی که به ارزشیابی مجموعی یا تراکمی نیز مشهور است، در پایان هر دوره‌ی آموزشی انجام می‌شود و استاد با استفاده از آن، آموخته‌های دانشجویان را ارزیابی می‌کند. این ارزشیابی معمولاً با هدف نمره دادن، تصمیم برای ارتقاء به دوره‌ی بالاتر، رتبه‌بندی یا اعطای امتیازات معین انجام می‌گیرد. نتایج این ارزشیابی کمتر از ارزشیابی مستمر در فرایند یادگیری مؤثر است.

تفاوت دیگر این ارزشیابی با ارزشیابی مستمر در نوع استفاده‌ی استاد از اطلاعاتی است که جمع‌آوری می‌کند. اطلاعات ارزشیابی مستمر به استاد برای ارتقای کیفی درضمن آموزش یاری می‌رساند، اما ارزشیابی پایانی در مراحل بعد (مثلاً نیم‌سال بعد) کمک‌کننده است.

تفاوت دیگری که این ارزشیابی با ارزشیابی مستمر دارد، محدودیت آن است که نمی‌تواند انواع فعالیت‌های آموزشی را تحت پوشش قرار دهد؛ لذا فرصت توسعه‌ی مهارت‌های مختلف یادگیری در قلمروهای آموزشی را از دانشجو سلب می‌کند. ارزشیابی پایانی که معمولاً به‌شکل آزمون کتبی انجام می‌گیرد، بیشتر بر اهداف شناختی، آن‌هم بر سطوح اولیه‌ی شناخت، متمرکز می‌شود حتی اگر طراح سؤال‌های پایانی بتواند سؤال‌هایی طراحی کند که سطوح برتر مهارت‌های شناختی مانند توانایی استدلال، مقایسه، تطبیق و قضاوت را دربر گیرد، به‌علت محدود بودن اینگونه سؤال‌ها به‌تدریج موقعیتی پیش می‌آید که دانشجویان پاسخ اینگونه سؤال‌ها را حفظ می‌کنند و کارایی اینگونه سؤال‌ها را از بین می‌برد. علاوه‌براین از آنجا که دانشجویان فعالیت‌های یادگیری خود را با نوع آزمون هماهنگ می‌کنند وقتی که ارزشیابی پایانی اهمیت بیشتر پیدا می‌کند، آنان می‌کوشند که فعالیت‌های داخل کلاس را به‌سمت آمادگی برای آن آزمون سوق دهند و حتی اگر استادی بخواهد فعالیت‌های دیگری را در دستور کار خود قرار دهد، آنان با نشان دادن عدم علاقه‌ی خود، مانع آن فعالیت‌ها می‌شوند و عملاً استاد را به‌سمت تدریسی می‌کشانند که با آزمون پایانی تناسب دارد. لذا توجه بیش از اندازه به آزمون پایانی، بسیار مضر و زیان‌آور است و مانع توجه دانشجویان به فعالیت‌های مستمر می‌گردد.

۸-۶-۳- نحوه‌ی نمره‌دهی

نمره‌ی دانشجو در هر درس، براساس ۵۰٪ ارزشیابی مستمر و تکوینی و ۵۰٪ ارزشیابی پایانی محاسبه می‌گردد. در ارزشیابی مستمر، فعالیت‌های زیر باید مورد توجه استاد باشد:

- ۱) طرح سؤال‌های مناسب در کلاس؛
- ۲) پاسخ مستدل به سؤال‌های استاد در کلاس؛
- ۳) مراجعه به کتاب‌های جانبی و ارائه مطلب از آنها در کلاس؛
- ۴) همکاری علمی با سایر دانشجویان؛
- ۵) توجه به پژوهش و کار پژوهشی؛
- ۶) انگیزه برای یافتن مسأله‌های جدید جامعه و پاسخ‌بایی به آنها؛

۷-۸- خودارزیابی دانشجو

تربیت علمی موفق آن است که بر زندگی روزمره دانشجویان تأثیر گذارد و آنان را به‌سوی برنامه‌ریزی، بر مبنای تعالیم دینی سوق دهد؛ به‌گونه‌ای که آنان ضمن ارتقاء بینش و نگرش خود، تصمیم‌های جدید بگیرند و رفتارهای خود را اصلاح کنند و در نهایت زندگی خود را با معیارهای دینی تعالی بخشند. این امر مهم همان‌طور که نیازمند برنامه‌ریزی و تصمیم‌های سنجیده و حساب‌شده است، به ارزیابی و محاسبه‌ی عملکرد خود نیز نیاز دارد. محاسبه از عملکردها و تصمیم‌ها، ضامن بقا و دوام برنامه است، عوامل موفقیت و پیشرفت را تعیین می‌کند، موانع راه را آشکار می‌کند و مهم‌تر اینکه خود به‌عنوان بخشی از فرایند برنامه‌ی دینی سبب تنبّه و بیداری فرد می‌شود. درواقع خود محاسبه مانند سایر اعمال دینی تعالی‌بخش و رشددهنده است.

لذا همان‌طور که استاد پیش از آنکه دانشجو را ارزیابی کند، باید «خودارزیاب» باشد، دانشجو نیز پیش از آنکه بخواهد مورد ارزیابی دیگران قرار بگیرد، باید از جانب خودش مورد قضاوت و داوری قرار بگیرد. این دوگونه ارزیابی، یعنی ارزیابی استاد از خود و ارزیابی دانشجو از خود، متناسب با روح کلی تربیت دینی و رویکردهایی است که در این برنامه اتخاذ شده است.

نکته‌ی مهم و درخور توجه اینکه این محاسبه باید صرفاً شخصی و خصوصی انجام گیرد و استاد به‌هیچ‌وجه نباید در آن دخالت کند. اما اگر دانشجو بعد از نقد و بررسی رفتار خود بخواهد با استاد مشورت کند، امری بسیار پسندیده است که باید مورد استقبال قرار گیرد؛ زیرا این زیباترین اتفاقی است که باید در رابطه‌ی میان استاد و دانشجو پیش آید. در این محاسبه، دانشجو با ضمیر و وجدان خود سروکار دارد و در خلوتی که با خدای خود دارد، اعمال خود را بررسی می‌کند. او درضمن این محاسبه درمی‌یابد که تعالی، رشد و کمال به‌دست خود اوست که با اعتماد و توکل بر خدا و گرفتن تصمیم‌های درست، این تعالی و رشد میسر خواهد شد.

خودارزیابی سبب می‌گردد که فرد پیش از انتقاد از دیگران، متوجه خود باشد و اصلاح را از خود آغاز کند. همچنین سبب می‌شود هرکس با واقعیت خود آنگونه که هست مواجه شود، خودبزرگ‌بینی‌ها تعدیل گردد و مانع شکست‌های بزرگ در زندگی شود.

خطری که محاسبه‌ی نفس را تهدید می‌کند، تبدیل این عمل اختیاری و خودجوش به کار شکلی و بی‌محتوا است. انگیزه‌ی درونی، شرط اصلی این محاسبه است. استاد باید از اصرار و تأکید و دادن جدول‌های کلیشه‌ای و کمی دوری جوید و از پرس‌وجو خودداری کند و صرفاً فضایی فراهم نماید که دانشجو با میل و رغبت به آن روی آورد و عمل نماید.

۹- فصل نهم:

جایگاه استاد

دربیرنامہ‌ی درسے

با توجه به جایگاه دانشگاه در نظام آموزشی کشور و رسالت انقلابی و جهانی آن ضروری است در جذب استاد، علاوه بر معیارهای مشخص شده در قانون جذب استاد، مانند مدرک تحصیلی و مقالات، از معیارهای دیگری که متناسب با اهداف و رسالت دانشگاه است، بهره ببرد.

البته فرایند برنامه‌های دینی و نظام تربیت علمی دانشگاه باید به نحوی باشد که بتوان از نخبگان دست‌پرورده‌ی دانشگاه به‌عنوان استاد بهره ببرد. بدین‌منظور طراحی فرایند انتخاب دانشجویان دارای شرایط استادی باید صورت بگیرد؛ گرچه جذب اساتیدی که خارج از دانشگاه تحصیل کرده‌اند و دارای شاخصه‌های لازم هستند نیز مزایای خود را دارد.

۹-۱- شاخص‌های جذب استاد

اهمّ شاخص‌های استاد ورودی به دانشگاه به شرح زیر است:

۹-۱-۱- آشنایی با معارف اسلامی، به‌خصوص مبانی اندیشه‌ی اسلامی

در حد کارشناسی‌ارشد به‌جز در درس‌های رشته‌ی الهیات که باید حائز مدرک دکترا باشد.

براساس نکاتی که در مبانی نظام تربیتی، به‌خصوص در معرفت‌شناسی آمده و نیز اصولی که در نظام‌نامه‌ی تربیتی، به‌خصوص تربیت علمی تخصصی ذکر شده، تربیت علمی در رشته‌های تخصصی علوم انسانی، بدون اشراف به مبانی اندیشه‌ی اسلامی امکان‌پذیر نیست. همان‌طور که تولید دانش تخصصی در علوم انسانی، اگر بخواهد مبتنی بر معارف اسلام باشد، بدون تسلط تولیدکننده‌ی دانش بر این معارف، مقدور نمی‌باشد. ابتکار دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) در وارد کردن عنوان «معارف اسلامی» در نام‌گذاری رشته‌های تخصصی و تأسیس کارشناسی‌ارشد پیوسته در رشته‌هایی مانند «معارف اسلامی و اقتصاد»، «معارف اسلامی و حقوق» گامی بسیار ارزشمند بوده است.

اکنون که بسیاری از دانشجویان همین دانشگاه دارای مدرک دکترای تخصصی هستند، لازم است گام دیگری برداشته شود و تخصص در معارف و مبانی اسلامی، شرط جذب استاد قرار گیرد تا این دانشگاه از یک آسیب بنیادی که دانشگاه‌های ما از آن رنج می‌برند، مصون بماند. اگر مبانی و معارف اسلامی با دانش تخصصی در ذهن و تفکر یک فرد تلفیق شوند و سازگار گردند، به‌طور طبیعی دانش تخصصی وی در فضا و هوای معرفت دینی به دانشجویان منتقل می‌شود و تولید مبتنی بر اسلام مقدور می‌شود. همچنین این تلفیق و هم‌نشینی ذهنی سبب می‌شود که فرد صاحب این علوم، اگر میان ریشه‌ها و شاخه‌های دانش تخصصی و معارف اسلامی فرد، ناسازگاری منطقی مشاهده کند در جستجوی حل مشکل برآید و به روش صحیح منطقی سازگاری پدید آورد و دانش تخصصی خود را با معارف اسلامی خود منطبق نماید.

۹-۱-۲- برخوردار از معیارهای انقلابی‌گری

دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) به‌منظور تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی در حوزه‌ی علوم انسانی تأسیس شده و از جمله اهداف آن پرورش دانشجویان انقلابی، معتقد به آرمان‌های نظام اسلامی و مجاهد در صحنه‌های علمی و اجتماعی است.

از این‌رو اساتید و مربیانی که مسئولیت پرورش چنین دانشجویانی را برعهده می‌گیرند، خود نیز باید حائز این ویژگی باشند تا مصداق این کلام امام صادق (علیه‌السلام) باشند که فرمود: «مردم را به غیر از زیانتان دعوت به دین کنید، تا سعی و کوشش و درستی و پرهیزگاری و خویشتن‌داری را از شما مشاهده کنند.»^۱

اهمّ ویژگی‌های انقلابی‌گری عبارتند از: استکبارستیزی، عدالت‌خواهی، آرمان‌گرایی در عین واقع‌بینی، ساده‌زیستی، معنویت، فعالیت مجاهدانه در عرصه‌ی علمی و اجتماعی.

^۱ قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِجْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَعْدَ» (كافی، ج ۲، ص ۷۸)

۹-۱-۳- هوشمندی، خلاقیت و قدرت ابتکار

اهداف علمی دانشگاه که تولید علم در حوزه‌ی علوم انسانی در رسیدن به دانشگاه مرجع می‌باشد، مقتضی جذب اساتیدی است که توانایی پیمودن مسیرهای سخت برای تحقق چنین اهدافی را دارند. از این رو لازم است با مطالعه سوابق علمی و پژوهشی و ارزیابی و سنجش هوشمندی و خلاقیت، اینگونه اساتید در سطح جامعه شناسایی شوند و جذب گردند؛ اساتیدی که از استعداد لازم، توان جسمی و روحی، پرکاری، انگیزه‌ی بلندپروازی در علم، اعتماد به نفس در تحقیق و نوآوری، تلاش لازم برای حرکت در مرزهای دانش، ظرفیت آموختن مداوم و حافظه‌ی قوی برخوردار باشند و بتوانند دانشگاه را در جهت رسیدن به اهداف تعیین شده مددکار باشند.

۹-۱-۴- دارا بودن حد نصاب صلاحیت‌های اخلاقی و شخصیتی، صلاحیت‌های علمی و صلاحیت‌های مهارتی

حدنصابی از این صلاحیت‌ها، که اهم آنها تحت عنوان «شاخص‌های استاد طراز دانشگاه امام صادق (علیه السلام)» آمده است، باید در بدو ورود به مرتبه‌ی استادی احراز شده باشد و سپس در دوره‌ی استادی با تجربه‌اندوزی و گذراندن دوره‌های کسب علم و مهارت ارتقاء یابد. از آنجا که این شاخص‌ها عموماً جنبه‌ی کیفی دارند، باید در آیین‌نامه‌ای که برای جذب استاد تنظیم می‌شود به کیفی بودن شاخص‌ها توجه شود و کمیته‌ی احراز صلاحیت بایستی توانایی ارزیابی این شاخص‌ها را داشته باشد.

۹-۱-۵- تسلط بر زبان‌های عربی و انگلیسی

داوطلب هیئت علمی دانشگاه باید بر زبان عربی و انگلیسی حدی از مهارت و توانایی داشته باشد که بتواند به این دو زبان، مقاله بنویسد. در صورتی که داوطلب شاخص‌های دیگر را داراست، باید با گذراندن دوره‌ی مهارت‌آموزی، تا قبل از هیئت علمی شدن، این مهارت را به دست آورد.

۹-۱-۶- احراز موفقیت در تدریس در یک نیم سال آزمایشی

داوطلب بعد از اینکه حدنصابی از شاخص‌ها را به دست آورد، باید بتواند به نحو عملی نیز توانمندی خود را نشان دهد. لذا یک نیم سال تحصیلی زیر نظر دانشکده و ارزیابی استاد راهنما در گروه مورد نظر تدریس کند و صلاحیت نهایی را احراز نماید.

۹-۲- ویژگی‌های استاد طراز دانشگاه

علاوه بر شاخص‌هایی که برای جذب و حضور مربی و استاد در دانشگاه تعیین شده است، هر مربی و استاد باید در سه زمینه به حدنصاب صلاحیت رسیده باشد و ویژگی‌هایی را کسب کرده باشد. این سه صلاحیت عبارتند از:

أ. صلاحیت اخلاقی و شخصیتی؛

ب. صلاحیت علمی؛

ج. صلاحیت مهارتی.

همچنین، این سه صلاحیت مبنای ارزیابی اساتید نیز می‌باشد و مسیر ارتقاء و پیشرفت استاد را نیز تعیین می‌کند و لازم است دانشگاه برنامه‌های معینی را برای ارتقاء اساتید اجرا کند و ایشان را به سطح بالاتری از این صلاحیت‌ها برساند.

شاخص‌های تفضیلی این سه صلاحیت به شرح زیر است:

۹-۲-۱- صلاحیت اخلاقی و شخصیتی

۹-۲-۱-۱- رفق و مدارا

از مهم‌ترین خصلت‌های کسی که در مقام هدایت و تربیت قرار می‌گیرد، رفق و مدارا با مهتدی و متربی است. این خصلت، سبب نفوذ در متربی و متعلم می‌شود و حالت پذیرش در او پدید می‌آورد.

به همین جهت خداوند به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ -

آل عمران، ۱۵۹﴾.

رسول خدا ﷺ فرمود: «این دین استوار است، پس با مدارا به آن بپردازید و بندگان خدا را بر عبادت خدا وادار نکنید وگرنه مانند سواری از قافله بازمانده، نه را سفر را پیموده و نه مرکب را نگاه داشته است.»^۱

۹-۲-۱-۲- سماحت و بزرگواری

مقام و منزلت معلم و استاد، مقام کرامت و بزرگواری است. رفتاری بزرگوارانه و از روی تسامح لازمه‌ی جذب دانشجو و خاشع شدن وی در برابر استاد است.

امام مجتبی (علیه السلام) در برابر مرد شامی که به ایشان جسارت‌هایی کرد، با خوشرویی و ادب سلام فرمود و با ملایمت و بزرگواری با وی سخن گفت؛ در حالی که یاران آن حضرت می‌توانستند او را تنبیه کنند و دور نمایند. این بزرگواری سبب هدایت مرد شامی گردید و محبت آن حضرت در دل مرد شامی قرار گرفت.^۲

۳-۹-۲-۱-۳- داشتن روحیه‌ی تغافل و اغماض^۳

به‌طور معمول، رفتارهای ناشایست از برخی دانشجویان سر می‌زند که باید با تعافل و اغماض از کنار آنها عبور کرد تا دانشجو نسبت به آن رفتار، احساس عادی شدن نکند و پرده‌ای که میان او و استاد است، دریده نشود. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «از بهترین کارهای کریم و بزرگوار چشم پوشیدن (بی‌خبر و انامودن) او است از آنچه (زشتی‌های دیگران که) می‌داند.»^۴

همچنین امام سجاد (علیه السلام) نیز فرمود: «حق کوچکتر بر بزرگتر آن است که نسبت به او مهربان بوده در تربیت و تعلیم او بکوشد، خطاهایش را نادیده گرفته، عیش را بر او بیوشاند و با او به مدارا رفتار نماید...»^۵

۹-۲-۱-۴- داشتن عفت نگاه و کلام

این صفت، نشانه‌ی سنگینی و وقار استاد و سبب حفظ حریم او از جانب دانشجو است.

۹-۲-۱-۵- پرهیز از پرگویی

پیرگویی که می‌تواند به‌معنای نادیده گرفتن عفت کلام تلقی شود و اعتدال در سخن گفتن را از بین ببرد، سبب کم اثر شدن کلام و بی‌توجهی دانشجویان و خستگی و ملالت آنان می‌گردد.

۹-۲-۱-۶- تکریم دانشجو

دانشجو که برای تعلّم به‌سوی استاد آمده، دارای کرامت ذاتی است که شایسته است این کرامت ازجانب استاد حفظ شود و آسیب نیند. امیر المؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «راه اصلاح خویان به اکرام و بزرگداشت آنها و اصلاح افراد شرور به تنبیه و عقاب آنهاست.»^۶

از مصادیق ادب تکریم، سلام کردن، مهربانی را به نیکی صدا زدن، از لقب‌های زشت استفاده نکردن (وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ - حجرات، ۱۱) و نگاه محبت‌آمیز به دانشجویان است.

۹-۲-۱-۷- آراستگی ظاهر

ظاهر آراسته، محبت اولیه‌ی دانشجو نسبت به استاد را در پی دارد و معاشرت با استاد را برای شاگردان تسهیل می‌کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند دوست می‌دارد وقتی بنده‌ی مؤمنش به‌سوی برادرش می‌رود، خود را برای او آماده و مرتب کند و خود را آراسته و زیبا سازد.»^۷

١ قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَيِّينٌ فَأَوْعِلُوا فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تُكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ إِلَى عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالرَّاكِبِ الْمُتَمَبِّتِ الَّذِي لَا سَفَرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَى» (كافي، ج

٢، ص ١٦٤ ح (١)

^۲ بحار، ج ۴۳، ص ۳۴۴، ح ۱۶.

^۳ مستنیر بخش، نظام‌نامه‌ی تربیت، بند ۴-۲-۷-۱-۲-اهم فضائل اخلاقی، استاد و معلم (ب ۱۹ و ۲۴)

٤ قال، امير المؤمنين (عليه السلام): «مَنْ أَشْرَفَ أَعْمَالِ الْكَرِيمِ عَقَلَتْهُ عَمَّا يَعْلَمُ» (نهج البلاغه، حکمت ٢٢٢)

٥٩ قال السجّاد عليه السلام: «وَأَمَّا حَقُّ الصَّغِيرِ فَرَحْمَتُهُ وَتَثْقِيفُهُ وَتَغْلِيظُهُ وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسِّرُّ عَلَيْهِ وَالرَّقْفُ بِهِ...» (من: لايحضره الفقيه، ج ٢، ص ٦٢٥ ح ٣٢١٤)

^٦ قال امير المؤمنين عليه السلام: «استصلاح الأخيار يكرهمهم والأشرار يتأديهم» (بحار الأنوار، ج ٧٥، ص ٨٢، ح ٨١)

٧ قال رسول الله ﷺ «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا خَرَجَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ إِلَى أَخِيهِ أَنْ يَتَّيَّأَ لَهُ وَ أَنْ يَتَّخِذَهَا» (بحار الأنوار، ج ٧٦، ص ٣٠٧)

۹-۲-۱-۸- بیان نرم و زیبا

استفاده از عبارتهای جذاب، شمرده سخن گفتن و بیان ادیبانه تأثیر کلام را افزایش می‌دهد و شنونده را جذب می‌کند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «زبان خود را به نرم‌گویی و سلام کردن عادت ده، تا دوستانت زیاد و دشمنانت کم شوند.»^۱ همچنین می‌فرماید: «با مخاطب خویش پسندیده و مؤدب سخن بگویند تا او نیز به شما با احترام جواب گوید.»^۲ همچنین می‌فرماید: «آدم بدکار را به وسیله کار نیک خود اصلاح کن، و با سخن زیبایی دیگران را به کار خیر رهنمون باش.»^۳

۹-۲-۱-۹- داشتن سعه صدر و تحمل درمقابل دانشجویان

مسئولیت هدایتی و تربیتی استاد ایجاب می‌کند که در برابر مسأله‌های ناشی از جوانی دانشجویان سعه صدر داشته باشد و از لغزش‌ها و کوتاهی‌های آنان با درایت عبور کند، به‌طوری‌که به رفع نقایص آنها منجر شود. می‌توان گفت که استاد و مربی، در موقعیت پدری یا مادری نسبت به دانشجو است؛ و همان‌طور که فرزند درمقابل پدر یا مادر مرتکب اشتباهات می‌شود و می‌داند که آنان با روحیه‌ی پدرانه و مادرانه با وی برخورد می‌کنند، همین انتظار را از استاد خود نیز دارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی یاری رساند، یعنی از بدی‌اش درگذرد و در خلوت خود با خدا برایش دعا کند.»^۴

۹-۲-۱-۱۰- دغدغه‌مند بودن و احساس مسئولیت نسبت به کار خود

استاد باید دغدغه‌ی انتقال مطلب به دانشجو را داشته باشد و به‌صرف بیان مطلب در کلاس اکتفا نکند، بلکه در جستجوی این باشد که آیا دانشجویان محتوای ارائه‌شده را درک کرده و فهمیده‌اند یا به راه‌های دیگری برای درک محتوا نیاز دارند. استاد باید به این نکته توجه کند که بخشی از عمر دانشجویان در اختیار او قرار گرفته است و هر سهل‌انگاری به‌معنای وارد کردن خسران به دانشجویان است.

۹-۲-۱-۱۱- اخلاص در تعلیم و تدریس

یکی از شرایط موفقیت، اخلاص در تعلیم است. زیرا دانشجو امانتی از جانب خداست که خداوند هدایتش را به وی سپرده است. کوتاهی در این وظیفه‌ی خطیر، شرمندگی در پیشگاه الهی را به دنبال دارد.

۹-۲-۱-۱۲- تقید مستمر به ارزش‌های دینی و انقلابی

استاد، الگو و اسوه‌ی دانشجویان و تأثیرگذار بر آنهاست. دانشگاهی که به‌منظور تربیت نسلی انقلابی تأسیس شده است، باید مسئولیت را به استادانی بسپارد که خود متدین و انقلابی باشند؛ تا بتواند روحیه‌ی دینی و انقلابی دانشجویان را تقویت کنند و آنان را آماده‌ی حضور فعال و سازنده در صحنه‌های مهم اجتماعی نمایند.

۹-۲-۱-۱۳- محل رجوع و مشاوره‌ی دانشجویان

لازمه‌ی ایفای نقش پدری و هدایتگری استاد، رفتاری است که سبب رجوع دانشجویان به استاد و مشاوره با وی در زمینه‌های تحصیلی، علمی، شغلی و امور دیگر شود و استاد را صاحب تجربه و نظر صائب بیاورد. گشودن باب مشورت به دانشجویان، سبب ارتباط مؤثر می‌شود و مشکلات و چالش‌های دانشجویان را حل می‌کند.

^۱ قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «عَوِّذُ لِسَانِكَ لِيَنَّ الْكَلَامَ وَ بَذَلُ السَّلَامِ، يَكْثُرُ مُجْتَوِكَ وَ يَقَلُّ مُبْغُضُوكَ» (غررالحکم، ج ۲۳۱)

^۲ قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ» (غررالحکم، ج ۲۵۸)

^۳ قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «أَصْلَحَ الْمُسِيءُ بِخُسْنِ فِعَالِكَ، وَ ذَلَّ عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ» (غررالحکم، ج ۲۳۰۴)

^۴ قال رسول الله (صلی الله علیه و آله): «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرٍّ، وَ هُوَ أَنْ يَغْفُو عَنْ سَيِّئِهِ، وَ يَدْعُو لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ» (بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۹۸، ح ۷۰)

۹-۲-۱۴- توانایی هدایت دانشجویان در ابعاد مختلف

استاد علمی و تخصصی باید علاوه بر تعلیم دانشجویان در درس تخصصی خود، توانایی تربیت عبادی، اخلاقی و اجتماعی آنان را نیز داشته باشد. زیرا تأثیرگذاری استاد اختصاص به حوزه‌ی تدریس وی ندارد و شخصیت استاد از ابعاد مختلفی بر دانشجو تأثیر می‌گذارد و به سبک زندگی او جهت می‌دهد. علاوه بر این ابعاد تربیت کاملاً با یکدیگر رابطه دارند و بر یکدیگر مؤثر واقع می‌شوند و استاد باید با بهره گرفتن از این رابطه بکوشد سایر ابعاد شخصیت دانشجو را نیز تربیت کرده و ارتقاء دهد.

۹-۲-۱۵- مسئولیت‌پذیری در اصلاح و هدایت دانشجویان و همکاران و سایر اعضای دانشگاه

۹-۲-۱۶- مشاوره و همکاری با تشکلهای قانونمند دانشجویی، نهادهای فرهنگی و حوزه‌های علمیه

۹-۲-۱۷- مشارکت در امور فرهنگی و تربیتی دانشگاه

۹-۲-۲- صلاحیت‌های علمی

۹-۲-۲-۱- گواهینامه‌ی شرکت در کارگاه‌های دانش‌افزایی و کسب مهارت

استاد باید در شروع تدریس آمادگی لازم را به‌دست آورده باشد و درضمن تدریس نیز توانایی علمی و مهارتی خود را تقویت نماید. لازمه‌ی این امر، شرکت در کارگاه‌هایی دانش‌افزایی و مهارت‌های تدریس است.

۹-۲-۲-۲- تألیف مقالات پژوهشی

استاد باید اهل پژوهش و تحقیق باشد و ثمرات پژوهش را در قالب مقاله یا کتاب تدوین کرده و به جامعه‌ی علمی عرضه نماید.

۹-۲-۲-۳- توانایی تدریس در دروس مختلف حوزه‌ی تخصصی

برای اینکه استاد در رشته‌ی تخصصی خود از جامع‌نگری برخوردار باشد، باید دروس مختلف رشته را تدریس کند.

۹-۲-۲-۴- توانایی تألیف کتاب آموزشی با رویکرد اسلامی در حوزه‌ی تخصصی خود

از صلاحیت‌های علمی که می‌توان آن را ثمره‌ی تلاش استاد برشمرد، تألیف کتاب آموزشی با معیارهای یک کتاب آموزشی و با رویکرد اسلامی است. جامعه‌ی دانشگاهی، علاوه بر اینکه از کمبود کتاب‌های آموزشی مؤثر و موفق رنج می‌برد، نیازمند یک تحول در کتاب‌های درسی نیز می‌باشد؛ تحولی که از شاخه‌های اصلی تحول در علوم انسانی است. از این رو تألیف کتاب‌هایی در حوزه‌ی علوم سیاسی، اقتصاد، حقوق و مانند آن که در چارچوب مبانی اسلامی تدوین شده باشد و معیارهای یک کتاب علمی و آموزشی را هم داشته باشد، از اقدامات اساسی است که در این دانشگاه، باید تحقق یابد و از صلاحیت‌های اصلی اساتید محسوب شود.

۹-۲-۲-۵- داشتن رویکرد اجتهادی به محتوای درسی

رویکرد اجتهادی به‌معنای ایستادن در مقام داوری و نقادی و ارائه‌ی نظر خود با استفاده از شواهد و استدلال است.

رویکرد اجتهادی استاد به محتوای تدریس، علاوه بر اینکه زمینه‌ساز نوآوری است، برای دانشجو نیز جنبه‌ی الگویی دارد و حرکت علمی اجتهادی را به وی آموزش می‌دهد.

۹-۲-۲-۶- توانا در اجرای طرح‌های پژوهشی

۹-۲-۲-۷- توانا در ترجمه‌ی کتاب‌های تخصصی

۹-۲-۲-۸- هدایت مؤثر در پایان‌نامه‌ها

۹-۲-۲-۹- تسلط بر موضوعات جانبی مرتبط با درس

۹-۲-۳- صلاحیت‌های مهارتی

۹-۲-۳-۱- طرح درس داشتن برای هر جلسه‌ی تدریس

بخشی از آمادگی استاد برای حضور در کلاس است. تعیین هدف‌های آموزشی، مشخص کردن محورهای مباحث، زمان‌بندی جلسه‌ی درس، فعالیت‌های موردنظر و ارزیابی از دانشجویان از نکاتی است که باید در طرح درس پیش‌بینی شود.

۹-۲-۳-۲- توانایی استفاده‌ی مطلوب از زمان

تقسیم زمان یکی از عوامل موفقیت در تدریس و رسیدن به اهداف آموزشی است و سبب می‌شود که زمان مناسب برای هریک از سرفصل‌های تعیین‌شده در دوره‌ی آموزشی، به‌خوبی مراعات گردد.

۹-۲-۳-۳- پویا در تدریس و حفظ انگیزه برای نوآوری

با توجه به ثابت بودن عناوین و سرفصل‌های دروس و تخصص استاد در درس‌های خاص و امکان تکرار محتوای یک درس در سال‌های متوالی، شرایط ملال‌آور و خسته‌کننده را برای استاد پدید می‌آورد. برای خروج از این حالت، استاد باید برنامه‌ای ویژه برای تکرار نکردن همه‌ی محتوا داشته باشد؛ ازجمله: تغییرات در شیوه‌ی تدریس، ناظر کردن درس به مسائل جاری و روز دانشگاه و جامعه، همراه کردن درس با پژوهش و مقاله‌نویسی، توجه تفصیلی در هربار تدریس به یکی از عناوین و سرفصل‌ها و گردشی کردن درس‌ها میان اساتید.

۹-۲-۳-۴- توانا در شاگردپروری و شکوفا کردن استعداد شاگردان

تربیت دانشجو و شکوفایی استعدادهای علمی وی، سنت حسنه‌ای بوده که در نظام مدرسی رواج داشته است. اساتید، معمولاً چند شاگرد مستعد را تحت‌نظر می‌گرفتند و مانند فرزند خود به تربیت آنها می‌پرداختند و امانت علمی را به آنها می‌سپردند. لذا شایسته است استاد تلاش کند تعداد قابل توجهی از دانشجویان را تربیت علمی نماید به‌طوری‌که بعد از سال‌ها تلاش علمی بتواند تعداد قابل توجهی از دانشمندان را نام ببرد که محصول تربیت وی بوده‌اند.

۹-۲-۳-۵- توانا در تربیت پژوهشگر

استاد باید این توانایی و مهارت را داشته باشد که دانشجویان خود را به پژوهش سوق دهد و روحیه‌ی پژوهشگری آنان را شکوفا کند؛ دانشجویانی که بتوانند نتایج پژوهش خود را در قالب مقالات متقن یا در گردهمایی‌ها و محافل علمی ارائه دهند.

۹-۲-۳-۶- توانایی استفاده از شیوه‌های تنوع در تدریس

استاد باید بتواند متناسب با موضوع درس و محتوای آموزشی شیوه‌ی تدریس را انتخاب کند و تدریس نماید. لازمه‌ی این امر، آشنایی و تسلط استاد بر شیوه‌های متنوع تدریس است که باید با شرکت در دوره‌های آموزشی روش تدریس به‌دست آید. توجه به شیوه‌های متنوع در آموزش همچنین منجر به نوآوری در تدریس و جذابیت کلاس درس و تعمیق یادگیری می‌گردد.

۹-۲-۳-۷- توانایی در همکاری جمعی با اساتید

استاد عضو دانشکده یا گروه آموزشی باید روحیه‌ی تعامل با سایر اساتید و اجرای برنامه‌های گروهی و جمعی را داشته باشد و بتواند انسجام و هماهنگی در دانشکده و گروه آموزشی را ارتقاء دهد.

۹-۳-۲- توانا در اجرای جامع سرفصل‌ها

از آنجا که سرفصل‌های پیش‌بینی‌شده در هر درس، علی‌الأصول متناسب با توانایی دانشجویان و براساس ضرورت آن درس طراحی شده، و دانشجویان حق دارند مجموعه‌ی سرفصل‌های مصوب را بیاموزند، استاد باید برنامه‌ی تحصیلی خود را به‌نحوی تنظیم کند که مجموعه‌ی سرفصل‌ها تدریس شود.

۹-۳-۲-۹- توانا در تقویت مهارت‌های فکری دانشجویان

یکی از رسالت‌های استاد، شکوفا کردن مهارت‌های فکری و عقلی دانشجویان است. لذا استاد، علاوه بر توضیح محتوای علمی درس، باید بتواند قدرت استدلال، تجزیه و تحلیل، نقادی و سایر مهارت‌های تفکری دانشجویان را ارتقاء دهد.

۹-۳-۲-۱۰- توسعه‌ی فضای تدریس کلاس به فضاهای دیگر

تنوع در فضای آموزشی، از عوامل نشاط دانشجو و تقویت یادگیری است. استاد می‌تواند متناسب با موضوع و محتوای درس، تدریس را از کلاس درس خارج کند و در فضایی که با موضوع تناسب دارد و شواهد و نمونه‌های مربوط به موضوع درس را در دسترس قرار می‌دهد، تدریس نماید.

۹-۳-۲-۱۱- توانایی تعامل و ارتباط با دانشجویان

تعامل با دانشجویان و ارتباط کلامی و روحی با آنان از عوامل مؤثر در درک صحیح توانایی و مسأله‌ها و مشکلات آنان است. همچنین این تعامل سبب نزدیکی دانشجویان به استاد و مباحث طرح‌شده از طرف وی می‌گردد.

۹-۳-۲-۱۲- توانایی مرتبط ساختن محتوای آموزشی با مسائل واقعی جامعه

برای اینکه دانشجو در یک فضای واقعی و فعال تربیت شود و ذهن او جدای از واقعیت‌ها نباشد، استاد باید با ذکر مثال‌های متعدد محتوا را به مسائل روز پیوند دهد. همچنین بایستی تکلیف‌های کوچک میدانی به دانشجویان بدهد تا آنها را با واقعیت درگیر نماید.

۹-۳-۲-۱۳- ایجاد انگیزه و پویایی و نشاط علمی در دانشجو

استاد باید مقدم بر انتقال محتوای علمی و تدریس سرفصل‌های تعیین‌شده، انگیزه‌ی دانشجو به تعلّم را تقویت کند؛ به‌طوری‌که دانشجو با نشاط علمی در کلاس درس شرکت کند و آموختن را دنبال نماید.

۹-۳-۲-۱۴- اهل ورزش و فعالیت‌های جسمانی بودن

لازمه‌ی نشاط علمی، داشتن فعالیت جسمانی و ورزش و حفظ تندرستی است. اگر استادانی که اهل ورزش و بازی‌های ورزشی هستند، با استادی که صرفاً مشغول تدریس است، مقایسه شوند، مشخص می‌گردد که استادان دسته‌ی اول با نشاط بیشتری تدریس می‌کنند و بهتر می‌توانند کلاس خود را به مرحله‌ی نشاط برسانند.

۹-۳- نظام ارتقاء استاد

ارتقاء پیوسته‌ی اساتید و افزایش توانمندی‌های آنان از شاخص‌های اصلی یک نهاد آموزشی پویاست، به‌خصوص نهادی که رسالت تولید علم و حرکت در مرزهای دانش و حضور در صحنه‌ی رقابت جهانی را دارد و باید در تأسیس تمدن نوین اسلامی و بسترسازی حکومت جهانی امام عصر علیه السلام ایفای نقش نماید. زیرا بار اصلی این رسالت مقدس و عظیم بر دوش اساتید است و با قدرت علمی و معنوی و جهاد آنان است که این اهداف تحقق می‌یابد.

البته برنامه‌ریزی برای ارتقاء و تمهیدات لازم برای رشد و بالندگی بر دوش مدیریت عالی دانشگاه است که امکانات و شرایطی متناسب با اهداف فراهم نمایند و پس از آن از اساتید انتظارات تعیین‌شده را طلب کند.

لازم به ذکر است که «آئین‌نامه‌ی ارتقاء مرتبه‌ی اعضای هیئت‌علمی مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی» که به‌تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسیده است، ملاک و معیار قانونی ارتقاء اساتید می‌باشد.

این آئین‌نامه نحوه‌ی امتیازدهی را در چهار حوزه‌ی «فعالیت‌های فرهنگی - تربیتی - اجتماعی»، «فعالیت‌های آموزشی»، «فعالیت‌های پژوهشی - فناوری» و «فعالیت‌های علمی - اجرایی» مشخص کرده و این برنامه نیز تابع آن است. در قسمت‌هایی از «نظام‌نامه‌ی تربیتی»، و «نظام برنامه‌ریزی درسی» ویژگی‌ها و شاخص‌هایی برای استاد تعیین شده که مصداق‌هایی برای حوزه‌های چهارگانه آئین‌نامه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی محسوب می‌شوند و ضروری است که کمیته‌های ارزیاب، به آنها توجه نمایند. این قسمت‌ها عبارتند از:

- ۱) شاخص‌های استاد و مربی در نظام‌نامه‌ی تربیتی؛
- ۲) شاخص‌های مشترک و تخصصی جذب استاد در نظام برنامه‌ریزی درسی؛
- ۳) ویژگی‌های استاد طراز دانشگاه.

۹-۴- استاد راهنما

رویکرد تربیتی دانشگاه و فرایند تربیت اقتضاء می‌کند در هر گروه آموزشی و رشته تحصیلی یا در هر دانشکده (متناسب با جمعیت دانشجویی گروه یا دانشکده)، استاد راهنما مسئولیت هدایت دانشجویان را در طول دوره‌ی تحصیلی برعهده بگیرد و دانشجویان را به سمت اهداف تربیت علمی و سایر ابعاد تربیت راهنمایی کند. استاد راهنما دارای ویژگی‌های زیر است:

- ۱- درعین تخصص در رشته‌ی تحصیلی دانشجویان و توانایی تدریس درس‌های رشته، با ویژگی‌های روحی دانشجویان آشناست؛ ضوابط، اصول و روش‌های تربیتی را می‌داند، مهارت مواجهه با مشکلات دانشجویان را دارد و از تجربه‌ی کافی برخوردار است.
- ۲- با دانشجویان ارتباط پیوسته دارد، مسأله‌ها و مشکلات آنان را ثبت می‌کند و به‌موقع برای حل مسأله‌ها و رفع مشکلات اقدام می‌کند.
- ۳- دانشجویان وی را پدري دلسوز و ناصح می‌شناسند که تکیه‌گاه و مورد اعتماد آنان است. لذا با وی مشورت می‌کنند و از نظرات وی بهره می‌برند.
- ۴- علاوه بر آمادگی برای رجوع دانشجویان، خودش برای آنان برنامه دارد. جلسات انفرادی و عمومی با دانشجویان برگزار می‌کند، به آنها برنامه می‌دهد و هدایت تحصیلی می‌کند.
- ۵- برای تعیین استعداد دانشجویان و کمک به او برای کشف حوزه‌های مورد علاقه‌ی وی اقدام می‌کند. استاد راهنما باید با برنامه‌ی مدون و ثبت علائم و نشانه‌ها، استعدادها را شناسایی کند و به آنان برای شکوفایی آن استعدادها آموزش دهد و برای پیشرفت در حوزه‌های مورد علاقه کمک نماید.
- ۶- واحدها و دروس حیطه‌ی تخصصی و حوزه‌ی مورد علاقه‌ی دانشجویان را پیشنهاد می‌دهد. استاد راهنما وظیفه دارد پس از تشخیص و تعیین حوزه‌ی مورد علاقه‌ی هر دانشجویان، تعداد واحدها و دروس خاصی را که این دانشجویان باید بگذرانند مشخص کند و به دانشجویان و دانشکده اعلام نماید و اگر این واحدها در دانشکده‌ها یا دانشگاه‌های دیگر ارائه می‌شوند، دانشکده با طی مراحل قانونی دانشجویان را معرفی نماید.
- ۷- میزان علاقه‌مندی دانشجویان به اصل رشته را پیگیری نماید و افزایش یا کاهش علاقه‌مندی وی را در طول دوره‌های تحصیلی ثبت کند و در صورت کاهش علاقه و رویگردانی دانشجویان، پیشنهادهای جایگزینی را مشخص کند.

۱۰- فصل دهم:

جایگاه دانشجو در

دانشگاه

۱-۱۰- صلاحیت‌های دانشجوی ورودی

با عنایت به نظام‌نامه‌ی تربیتی، بیانی‌هی رسالت و اهداف دانشگاه، دانشجوی ورودی باید واجد صلاحیت‌های ممتازی باشد تا رسالت و اهداف دانشگاه و جایگاه ویژه‌ای که برای وی مورد توجه بوده است، محقق گردد. این صلاحیت‌ها شامل صلاحیت‌های «اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی» و صلاحیت‌های «تحصیلی و آموزشی» می‌شود.

۱-۱-۱- صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی

۱- معتقد و مؤمن به اصول اعتقادی اسلام و مبانی و ارکان، که اهم آنها عبارتند از: توحید، عدل، معاد، نبوت و امامت.
۲- معتقد به ولایت الهی و اطاعت از پروردگار و پیروی از دین حق (اسلام) و معتقد به ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه‌ی اطهار علیهم السلام به‌عنوان پرتو ولایت حق و معتقد به حضور امام عصر علیه السلام و تحقق ولایت ایشان در زمان حاضر و زندگی و فعالیت در سایه‌ی ولایت آن حضرت. همچنین معتقد به ولایت فقیه جامع‌الشرایط به‌عنوان نایب امام عصر علیه السلام و تبعیت از وی.
۳- متخلق به اخلاق الهی و ملتزم به احکام دین، اعم از واجبات و محرمات که براساس موازین متقن اجتهاد توسط مرجع تقلید استخراج شده است.
۴- مسئول و متعهد به نظام جمهوری اسلامی و ستون این نظام (ولایت فقیه) و اهل مجاهده و پایداری و استقامت برای اعتلای نظام.
۵- دارای احساس مسئولیت جهانی برای اعتلای اسلام و کلمه‌ی حق در جهان و مقابله با شرک و کفر جهانی و دفاع از مستضعفان و محرومان و استقرار عدالت در جهان.
۶- معتقد به انتظار سازنده و حرکت آفرین برای استقرار حکومت عدل جهانی به‌امامت موعود امم حضرت مهدی علیه السلام و حضور فعال در عرصه‌ی اجتماعی برای تشکیل تمدن اسلامی و آماده ساختن جهان برای ظهور.
۷- تلاشگر برای ساختن زندگی با سبک اسلامی در ساحت‌های فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی، منطبق با آموزه‌های قرآن کریم و سنت و سیره‌ی معصومین علیهم السلام و متناسب با مقتضیات زمان.
۹- برخوردار از آراستگی ظاهری متناسب با فرهنگ دینی و شعائر اسلام به‌خصوص از نظر پوشش و لباس.
۱۰- دارای سابقه‌ی فعالیت انقلابی و دینی در مدرسه و اشتها به رعایت شعائر و آداب مذهبی در محیط درس و محل زندگی.

جدول ۱-۱۰- صلاحیت‌های اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی دانشجویان ورودی

۱-۱-۲- صلاحیت‌های تحصیلی و آموزشی

۱- کسب نمره‌ی حداقل ۱۷ در امتحان کتبی سال سوم دوره‌ی متوسطه و کسب حداقل ۶۰٪ نمره‌ی آزمون ورودی دانشگاه‌ها؛
۲- داشتن کارنامه‌ی تحصیلی مناسب در سه سال آخر تحصیلی، به‌خصوص در درس‌های دینی و قرآن، فلسفه و منطق، ریاضیات و فیزیک (با توجه به رشته‌ی تحصیلی دوره‌ی متوسطه)؛
۳- داشتن قدرت تحلیل و استدلال در توضیح و تبیین مسأله‌ها و پاسخ‌گویی به سؤال‌ها؛
۴- ارائه‌ی سوابق که پشتکار علمی و جدیت و تلاش دانشجو را در تحصیل نشان دهد.
۵- آگاه به زیربناها و مبانی فرهنگ و تمدن جدید غرب و آثار و تبعات آن بر ساختارهای اجتماعی و سبک زندگی. همچنین دارای نگاه منتقدانه به وضع موجود و تلاش برای اصلاح و تغییر این تمدن و سبک زندگی.

جدول ۱-۲- صلاحیت‌های تحصیلی و آموزشی دانشجویان

۱۰-۲- شاخص‌های جذب دانشجوی دوره‌ی دکتری

با توجه به اهداف مشخص‌شده برای دوره‌ی دکتری، علاوه بر شاخص‌های جذب دوره‌ی کارشناسی‌ارشد، شاخص‌های زیر نیز باید موردنظر باشد:

۱- آشنا به مبانی تفکر اسلامی و تفاوت آن با مبانی تفکر مدرن و سکولار؛
۲- توانا در تحلیل اسلامی و انقلابی از رخدادها و جریان‌ات روز داخلی و جهانی و اهل اقدام به‌موقع در رخدادها و چالش‌ها؛
۳- کسب نمره‌ی حداقل ۱۶ در دوره‌ی کارشناسی‌ارشد و کسب حداقل ۶۰٪ نمره‌ی آزمون ورودی دانشگاه‌ها؛
۴- واجد شاخص‌های نخبگی، مانند حضور موفق در سمینارها، داشتن مقاله‌ی علمی - پژوهشی و سخنرانی در مجامع علمی؛

جدول ۱۰-۳- شاخص‌های جذب دانشجوی دوره‌ی دکتری

۱۰-۳- پذیرش دانشجوی غیرایرانی

با توجه به رسالت دانشگاه در تمدن‌سازی اسلامی و ارتقاء جایگاه علمی جمهوری اسلامی ایران در جهان و تربیت دانشمندانی تحول‌آفرین در علوم انسانی، پذیرش دانشجوی غیرایرانی امری ضروری و غیرقابل انکار است.

از این‌رو باید پیش‌بینی شود که حدود ۱۰ درصد از دانشجویان این دانشگاه را دانشجوی خارجی تشکیل دهد. نهاد روابط عمومی و نهاد گزینش دانشگاه وظیفه دارند برای تحقق این هدف برنامه‌ریزی کنند و شرایط حضور دانشجویان غیرایرانی را فراهم نمایند. حضور این دانشجویان سبب آشنایی بیشتر دانشجویان ایرانی با فرهنگ‌ها، دغدغه‌ها و مسأله‌های سایر کشورها و ارتباط بیشتر با جریان‌های علمی خارج از کشور از طریق این دانشجویان نیز می‌گردد و به آنها دید جهانی می‌دهد و دایره‌ی رسالت وسیع‌تری در پیش‌روی خود مشاهده می‌کنند.

۱۰-۴- شاخص‌های سبک زندگی دانشجویی طراز دانشگاه امام صادق (علیه السلام)^۱

با توجه به اینکه دانشگاه امام صادق (علیه السلام) یک دانشگاه انقلابی و در خدمت نظام اسلامی و اسوه و مرجع برای سایر مؤسسات آموزش عالی در جهان اسلام است، دانشجوی این دانشگاه باید سبک زندگی ویژه‌ی خود را داشته باشد و متناسب با موقعیت این دانشگاه زندگی کند و رفتار نماید و تلاش حداکثری خود را به‌کار برد که در طراز چنین دانشگاهی قرار بگیرد. اهم شاخص‌های سبک زندگی دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) عبارتند از:

۱۰-۴-۱- انس با قرآن و تدبیر در آن

جایگاه ممتاز قرآن را در زندگی یک انسان مسلمان درک می‌کند و می‌کوشد قرآن کریم را هادی و چراغ راه قرار دهد. قرائت و تدبیر در قرآن کریم را در برنامه‌ی روزانه خود قرار داده و با این کتاب انس دارد.

۱۰-۴-۲- مراجعه به سیره‌ی پیامبر اکرم و ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام)

او می‌داند که لازمه‌ی درک صحیح از حوادث اجتماعی و توانایی در موضع‌گیری صحیح و مبتنی بر معیارهای اسلامی، آشنایی با سیره و رفتار پیامبر اکرم و معصومین (علیهم السلام) و احادیث آن بزرگواران است. به‌همین جهت بخشی از وقت خود را به مطالعه در سیره و تاریخ آن بزرگواران اختصاص داده و می‌کوشد تحلیلی درست و بینشی عمیق از حوادث تاریخی صدر اسلام به‌درست آورد.

^۱ عموم این شاخص‌ها از بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام) درباره‌ی دانشجوی مؤمن و انقلابی و با استفاده از سایت دفتر ایشان و دو جلد کتاب نکته‌های ناب و یکی از تحقیقات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) استخراج شده است. لذا از آنجا که رهبر انقلاب این شاخص‌ها را عموماً خطاب به دانشجویان یادآور شده‌اند، معلوم می‌شود این شاخص‌ها، به‌خصوص برای دانشجویان دانشگاه امام صادق (علیه السلام) قابل دسترسی و تحقیق است.

۱۰-۴-۳- تمرین برای مقاوت در برابر شهوات و هوس‌ها

اقتضائات جوانی را می‌شناسد؛ لذا برای مقاومت و مصون ماندن در برابر شهوات‌ها و جلوه‌های آن در جامعه و زندگی پیرامونی، دارای برنامه است. مهم‌ترین این برنامه پاسخ صحیح و در چارچوب دین به تمایلات و احساسات است. همچنین تلاش می‌کند تقوای خود را افزایش دهد تا بتواند درعین حضور فعال در جامعه از آسیب‌های آن بهتر خود را حفظ کند.

۱۰-۴-۴- دل‌بسته به کار و پیشرفت

دارای روحیه‌ی جهادی و تلاش و کار بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر و استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های وجودی خود است و از تنبلی و رکود بیزار است.

۱۰-۴-۵- اجتناب از روزمرگی

زندگی با برنامه و هدفمند دارد و گرفتار روزمرگی‌ها و اتلاف وقت‌ها و ازدست دادن فرصت‌ها و موقعیت‌ها نیست.

۱۰-۴-۶- احساس مسئولیت نسبت به آینده مسلمانان

خود را نسبت به آینده‌ی کشور و مسلمانان مسئول می‌داند و آماده‌ی پذیرش مسئولیت‌های سنگین و بزرگ می‌شود؛ محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک جامعه است، به آینده نگاه امیدوارانه دارد، بدبینی نسبت به آینده و ناامیدی را نقد می‌کند.

۱۰-۴-۷- ایفای مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر (نظارت همگانی)

اهمیت نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر را برای حفظ کیان نظام اسلامی و پایداری و تداوم اجرای احکام الهی در جامعه درک می‌کند و بدان پایبند است و می‌کوشد این اصل مهم را در تمام ابعاد و سطوح آن به‌خصوص نسبت به کسانی که مسئولیتی در جامعه دارند، اجرا نماید و مسئولیت خود را انجام دهد.

۱۰-۴-۸- پرهیز از سرگرمی‌های باطل

درعین جوانی و اقدام برای داشتن روحیه‌ی شاد می‌کوشد که این هدف را از راه حقیقی و واقعی آن که به نشاط عمیق و ریشه‌دار می‌انجامد، به‌دست آورد؛ نه از مسیر سرگرمی‌های باطل و به‌هدر دادن عمر و اتلاف نعمت‌های روحی و جسمی و پیرامونی خداوند.

۱۰-۴-۹- داشتن برنامه‌ی خودسازی فکری، اخلاقی و انقلابی

دانشجو دغدغه‌ی رشد و تکامل معنوی و ایمانی دارد. به‌همین منظور برنامه‌ای روشن طراحی کرده که هم از نظر فکری و اعتقادی و هم از نظر کسب فضائل اخلاقی و هم از نظر کسب خصلت‌های انقلابی که حقیقت همان فضیلت‌های اخلاقی است، رشد نماید و به مراتبی از تسلیم و بندگی درمقابل حق تعالی ناآل شود.

۱۰-۴-۱۰- تعادل میان مسئولیت علمی با سایر مسئولیت‌ها

درعین توجه به مسئولیت تعلیمی به‌عنوان رسالت اصلی دانشجویی، یک دانشجوی گوشه‌گیر نیست و متوجه سایر ابعاد روحی و جسمی و مسئولیت‌های خانوادگی و اجتماعی نیز هست و می‌تواند میان این مسئولیت‌ها توازن و تعادل برقرار کند.

۱۰-۴-۱۱- حضور فعال و مسئولانه و مبتنی بر وظیفه‌ی دینی در جامعه

درعین وابستگی به انقلاب با آزادی و رهایی از وابستگی‌های گوناگون حزبی و سیاسی در جریان مسائل سیاسی و اجتماعی کشور می‌باشد، نسبت به جریان‌ات و حوادث روز و مبتنی بر نگرش اسلامی خود دارای قدرت تحلیل و ارزیابی است و نسبت به آنچه که در جهان و کشور رخ می‌دهد موضع‌گیری می‌کند و منفعل و تماشاگر نمی‌باشد.

۱۰-۴-۱۲- داشتن برنامه برای ارتقاء معرفتی خود

برای کسب معارف اسلامی و رسیدن به بینش دینی عمیق برنامه دارد و بخشی از وقت خود را به سیر مطالعاتی آثار بزرگان و به‌خصوص استاد مطهری و شرکت در جلسات درس اساتید اختصاص می‌دهد و ارتقاء معرفتی خود را لازمه‌ی دین‌داری و غلبه بر مسئله‌ها و چالش‌های جدید می‌داند.

۱۰-۴-۱۳- برنامه‌ریزی برای حفظ انقلاب اسلامی به‌عنوان امانت الهی و مردمی

انقلاب اسلامی را ودیعه‌ای الهی می‌داند که با مجاهدت و شهادت ملت به‌دست آمده و به‌عنوان دانشجویی انقلابی، مثبت، فعال و متعهد، خود را مسئول انقلاب و آرمان‌های آن می‌داند و در این راه مجاهدت و تلاش خستگی‌ناپذیر دارد. او خود را مدیون شهیدان و مجاهدان انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی می‌داند و با مطالعه در زندگی و سیره و عمل آنان روحیه‌ی جهاد و شهادت‌طلبی خود را تقویت می‌کند و آماده‌ی ادامه دادن راه آنان می‌گردد.

۱۰-۴-۱۴- داشتن روحیه‌ی مستقل و نقاد نسبت به سبک زندگی غربی

سبک زندگی غربی را مخالف با شأن انسان و آرمان‌های انسانی و حیات الهی می‌بیند و به‌عنوان یک مسئولیت الهی برای راهنمایی و هدایت جوانان غربی تلاش می‌کند. هویت اسلامی خود را در همه‌ی محیط‌ها، چه در داخل کشور و چه در خارج به‌نمایش می‌گذارد و بدون تحقیر دیگران با عزت نفس اسلامی، زمینه‌ی جذب جستجوگران حق و طلب‌کنندگان راه راست را فراهم می‌آورد.

۱۰-۴-۱۵- پیوند با مسجد

رابطه دانشجو و جوان مسلمان با مسجد مانند رابطه‌ی وی با خانه و محل سکونت خود است. لذا می‌کوشد همان انسی را با مسجد داشته باشد که با خانه و محل زندگی خود دارد و همان‌طور که در خانه احساس راحتی می‌کند، در مسجد نیز راحت باشد. می‌کوشد که یک شخص فعال در مسجد باشد و ایفای نقش نماید.

۱۰-۴-۱۶- داشتن یک فعالیت هنری

می‌کوشد که حتی‌المقدور دستی در یکی از هنرها داشته باشد، تا آرمان‌ها و احساسات مقدس خود را در قالب آن هنر و به زبان هنر تجلی دهد و بدین‌وسیله هم خلاقیت خود را تقویت کند و هم اوقات فراغت خود را مصروف کاری نشاطبخش کرده باشد و هم دیگران را در حد توان به‌سوی آن آرمان‌ها و احساسات مقدس جلب کرده باشد.

۱۰-۴-۱۷- همکاری با بسیج

بسیج مستضعفین انقلاب اسلامی، یک نهاد مردمی - انقلابی است و ارتباط با آن نشانه‌ی تداوم روحیه‌ی انقلابی - مردمی و بودن در متن مردم و حضور در صحنه‌های انقلاب و خطرپذیری انقلابی است. لذا دانشجوی این دانشگاه، در سطحی از سطوح ارتباطی، با این نهاد انقلابی ارتباط دارد و همکاری می‌کند.

۱۰-۴-۱۸- تشکیل خانواده در اولین فرصت

او می‌داند که سیره و سنت معصومین (علیهم‌السلام) و پیام آنان به سایر پیروان، ازدواج در اولین فرصت است. لذا می‌کوشد با اقتدایی به آن بزرگواران ازدواج را به تأخیر نیندازد و با همسری مؤمن و انقلابی وصلت کند.

۱۰-۴-۱۹- تصمیم‌گیری عاقلانه و متفکرانه و همراه با بصیرت

می‌کوشد بصیرت در دین‌داری، بصیرت در سیاست‌ورزی و بصیرت در فعالیت دانشجویی را به‌دست آورد. او می‌کوشد پیچیدگی‌های دنیای امروز را بشناسد و ترفندهای استکبار جهانی را بشناسد و جایگاه جریانات اجتماعی و سیاسی را درک کند و با مراجعه به سنت و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) و درک موقعیت تصمیم بگیرد. او می‌کوشد بر احساسات و حب و بغض‌های خود غالب باشد تا بصیرانه تصمیم بگیرد.

۱۰-۴-۲۰- توانایی ارزیابی، گزینش و طرد

مربی و نظام تربیتی باید بکوشد که دانشجو به معیارهای لازم برای زندگی دست یابد، نه اینکه صرفاً به تقلید از مرجع‌های اجتماعی بپردازد. کسی که به معیار رسیده، نیازمند پشتیبانی دائمی از طرف دیگران نیست. او می‌تواند در شرایط مستحدثه با مراجعه به معیارها گزینش کند و یا طرد نماید.

۱۰-۴-۲۱- داشتن روحیه‌ی حق‌پذیری و انعطاف در مواجهه با جریان‌های اجتماعی و سیاسی

در تعامل اجتماعی و سیاسی خود با گروه‌ها، همواره جانب حق و انصاف را نگه می‌دارد و درعین پایبند بودن به اصول و معیارهای اسلامی، ابتدا سخنان و موضع‌گیری‌های مخالف را تحلیل و ارزیابی، و سپس اظهارنظر می‌کند و فرصت جذب و تأثیرگذاری را از دست نمی‌دهد.

۱۰-۴-۲۲- دارای روحیه‌ی حقیقت‌طلبی و علم‌دوستی

از درک حقایق لذت می‌برد و دانش آموختن را دوست دارد و با پشتکار آن را طلب می‌کند و کسب علم را یک مسئولیت واجب دینی تلقی می‌کند. لذا از فرصت حضور در دانشگاه به‌شکل مطلوب بهره می‌برد. می‌داند که عمر خود، ثروت بیت‌المال و وقت و توانایی اساتید و مربیان امانت الهی است که در اختیار وی قرار گرفته و او با اختیار این امانت را دریافت کرده است. لذا کاستی‌های دانشگاه و اساتید و مربیان پنهانی کم‌کاری او نمی‌گردد. او می‌داند که اعتلای اسلام و برپایی تمدن اسلامی در گرو فعالیت بی‌دریغ دانشجویان است.

۱۰-۴-۲۳- اهل نوآوری در دانش تخصصی

در دانش تخصص خود، با مراعات اصول حاکم بر علم، می‌تواند دست به نوآوری بزند. البته می‌داند که لازمه‌ی نوآوری، درک صحیح دستاوردهای فعلی است. او انگیزه‌ی گذر از مرزهای دانش را دارد.

۱۰-۴-۲۴- ودیعه‌ی الهی دانستن علم در جهت خدمت به اسلام و جامعه‌ی اسلامی

علم و تخصص خود را ودیعه‌ی الهی تلقی می‌کند که باید در خدمت اهداف دین، اعتلای توحید، استقرار عدالت، زندگی بهتر مسلمانان و نجات مستضعفان و محرومان قرار گیرد.

۱۰-۴-۲۵- داشتن هدف روشن و چشم‌انداز مشخص از تحصیل در رشته‌ی موردنظر

۱۰-۴-۲۶- داشتن یک برنامه‌ی منظم ورزشی

۱۰-۴-۲۷- حضور عدالت‌خواهانه در جامعه و تلاش برای عدالت و رفع فساد

۱۰-۴-۲۸- داشتن درک واقع‌بینانه از خود با شناخت قوت‌ها و ضعف‌های درونی برای تصمیم‌گیری درست و پیمودن قدم‌های استوار و مطمئن

۱۰-۴-۲۹- درک درست از حیات دنیوی به‌عنوان مزرعه‌ی آخرت و بستر شکوفایی استعدادها و پیمودن فرازها برای رسیدن به کمال با سنت ابتلاء و امتحان و تلاشگر برای برخورد درست با ابتلائات و امتحانات

۱۰-۴-۳۰- انتقادپذیر و اندرزپذیر در هنگام نقد یا راهنمایی و ارشاد و داشتن حالت پذیرش و قبول در صورت حقانیت نقد و راهنمایی

۱۰-۴-۳۱- برخورددار از روحیه‌ی قدردانی و شکر، نسبت‌به خانواده، معلمان، دوستان و کسانی که به او خیر می‌رسانند

۱۰-۴-۳۲- اهل اعتدال و میانه‌روی و دوری از انحراف به راست و چپ، درعین حضور مسئولانه در صحنه‌ی اجتماع و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی

۱۰-۴-۳۳- اهل اقدام به‌جا و عکس‌العمل به‌موقع در برابر حوادث و رخدادها، و طرح دیدگاه‌ها و چالش‌ها برای ازدست ندادن فرصت و عدم زمان‌سوزی

۱۰-۴-۳۴- برخورددار از آراستگی ظاهری متناسب با فرهنگ دینی و تجلی و ظهور شخصیت اخلاقی و سیرت باطنی در سلوک ظاهری

۱۰-۴-۳۵- امیدوار و خوشبین نسبت‌به حیات فردی و اجتماعی، با توجه به بنیادهای اعتقادی و فکر صحیح درباره‌ی خداوند، جهان خلقت و خود و توانا بر حفظ خود در شرایط سخت و دشوار و دور بودن از یأس و ناامیدی و سرخوردگی

۱۰-۵- برنامه‌های ویژه‌ی دانشجویان مستعد برای اهداف ۳ تا ۵

به‌منظور تربیت دانشجویانی که مستعد رسیدن به سطوح اهداف ۳ تا ۵ تشخیص داده می‌شوند، باید برنامه‌های ویژه‌ی تدوین گردد و به‌اجرا درآید. ازجمله:

۱- با تشخیص استاد راهنما، دانشجو می‌تواند مدارج را سریع‌تر طی کند و قدم در مراحل پژوهشی گذارد.

۲- با تشخیص استاد راهنما و به‌پیشنهاد وی می‌تواند دروس خاصی در دانشکده‌ی خود یا دانشکده‌ی دیگری انتخاب کند.

۳- در دوره‌های آموزش متون کلاسیک شرکت کند.

جدول ۱۰-۴- برنامه‌های ویژه‌ی دانشجویان مستعد برای اهداف ۳ تا ۵

۱۰-۶- آموزش‌های ویژه‌ی دانشجوی مستعد برای اهداف ۳ تا ۵

علاوه‌بر دوره‌های آموزشی رسمی در چارچوب برنامه‌های درسی رشته‌های تحصیلی و ضوابط و آیین‌نامه‌ها، برنامه‌های ویژه‌ی باید طراحی شود. یکی از این برنامه‌ها، دوره‌های تحصیلی در متون کلاسیک و درجه‌ی اول تخصصی است.

این دوره‌ها که شبیه تدریس سنتی مدرسین و اساتید حوزه‌های علمیه برگزار می‌شود، اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- ۱- پاسخ‌گویی به انگیزه‌ها و عطش دانشجویانی که می‌خواهند فراتر از چارچوب‌ها و ضوابط مرسوم و متداول و در ارتباط آزاد با استاد، مراتبی خاص و دقیق‌تر از معرفت را ببینند.
- ۲- احیاء سنت حسنه‌ی تدریس متون کلاسیک و محوری در رشته‌های مختلف.
- ۳- تربیت متخصصینی که بر متون کلاسیک تسلط کامل داشته باشند، و همچون سلف صالح توانایی تدریس دقیق و عمیق آن متون را حائزند و می‌توانند به نسل‌های بعد انتقال دهند.
- ۵- امکان بررسی و ارزیابی مجتهدانه و آزادانه‌ی دانشمندان بزرگ و درجه اول در هر رشته.
- ۶- امکان اظهارنظر نو و ابتکاری در رشته‌های موردنظر در دانشگاه.

جدول ۱۰-۵- اهداف تدریس متون کلاسیک برای دانشجویان مستعد برای اهداف ۳ تا ۵ (که در جدول ۴-۴- سطوح اهداف تحصیلی، مشخص شده است).

۱۰-۶-۱- ضوابط شرکت در آموزش‌های ویژه

این ضوابط باید در ابتدای تشکیل دوره به اطلاع دانشجویان برسد:

- ۱- گذراندن حداقل ۴ نیم‌سال تحصیلی، برای اینکه دانشجو علایق و توانایی‌های ویژه‌ی خود را شناخته باشد و جهت‌گیری علمی خود را به‌دست آورده باشد و از آینده‌نگری دقیقی نیز برخوردار باشد.
- ۲- رضایت استاد، بعد از تشخیص صلاحیت دانشجو برای حضور در دوره از جانب استاد.
- ۳- ادامه‌ی حضور در کلاس همواره منوط به علاقه‌ی دانشجو و رضایت و اجازه‌ی استاد است. عدم موافقت استاد در هر زمان مانع از حضور داوطلب در کلاس است.
- ۴- تعداد شرکت‌کننده و ظرفیت کلاس در اختیار استاد می‌باشد.

جدول ۱۰-۶- ضوابط لازم برای حضور در دوره‌های تدریس متون کلاسیک

۱۰-۷- رسالت متقابل دانش‌آموختگان و دانشگاه

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) یک نهاد علمی - تربیتی است که در نظام اسلامی و با مدیریت و رهبری یکی از شخصیت‌های انقلابی این نظام یعنی مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (رحمه الله) تأسیس شده است؛ و همان‌طور که در سخنان آن مرحوم و چشم‌انداز، اهداف کلان و راهبردهای کلان دانشگاه آمده، اهدافی بسیار بزرگ و مقدس سبب تأسیس این دانشگاه شده است.

از این‌رو باید دانشجویان در بدو ورود نسبت به این اهداف آگاه شوند و بدانند که این دانشگاه به‌منظور توسعه‌ی مؤسسات آموزش عالی یا صرفاً رفع نیاز کشور به متخصص و نظایر آن دایر نشده است. هدف این دانشگاه تربیت سرباز بسیجی برای امام زمان (عج) و نظام اسلامی در عرصه‌ی علم بوده است.

این حقیقت، همان‌طور که درطول این سالیان توسط مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (رحمه الله) در مراسم مختلف تذکر داده شده، باید پیوسته از زبان شخصیت‌هایی که مرجع اخلاقی و علمی دانشجویان هستند یادآوری شود تا دانشجویان معتقد شوند که برای چنین هدفی، قدم به دانشگاه گذاشته‌اند و انتظارشان از دانشگاه، انتظار یک بسیجی و سرباز فداکار از فرماندهان خود باشد، نه انتظار یک مهمان از میزبان یا خریدار از فروشنده یا کارمند از مدیر و نظایر آن. همچنین لازم است آنان به این اعتقاد برسند که پس از دانش‌آموختگی برای ارتقاء این دانشگاه تلاش نمایند و حفظ این سنگر علمی و استحکام آن را یک وظیفه تلقی کنند.

البته همین حقیقت، همواره باید مدنظر ریاست عالی و مدیران و اساتید دانشگاه نیز باشد که ایفای مسئولیت در این دانشگاه، به‌معنای گرفتن شغلی درمیان مشاغل و ایفای نقشی علمی درکنار سایر عالمان نیست، بلکه قبول داوطلبانه‌ی مسئولیتی بس خطیر است؛ مسئولیت تربیت سرباز و بسیجی صحنه‌ی علم برای امام عصر (عج) و تمدن‌سازی نوین اسلامی.

و از آنجا که همواره انسان‌ها پایی در «دنیا» دارند و ممکن است به سستی، خمودی و غفلت بگرایند و اندک‌اندک و فردی بعد از فرد دیگر، به عافیت‌اندیشی و زندگی معمولی رو آورند و صحنه‌ی مبارزه و جهاد را ترک کنند، لازم است دانشگاه با تمام اجزاء و هویتش و دانشجویان از بدو ورود و پس از دانش‌آموختگی، براساس آیه‌ی شریفه‌ی ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ



– آل عمران، ۲۰۰: نظامی از تعاون، تعاضد و تذکر جمعی را سامان دهند که نه تنها ریزش افراد و ترک صحنه‌ی جهاد به‌حداقل برسد، بلکه این دانشگاه همواره همان شجره‌ی طیبه‌ی رو به آسمان باشد که ﴿أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ * تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذِنُ رَبُّهَا – ابراهیم، ۲۴-۲۵﴾. اگر این نظام تعاون و تعاضد و تذکر جمعی مستقر شود، سربازان علمی این دانشگاه، درعین تکرر و توزیع در تمام نقاط جهان، همواره متوجه «اصل» و «ریشه» و درختی که از آن جدا شده‌اند، خواهند بود. و اگر این نظام تعاون و تعاضد و تذکر استمرار یابد، یک روح جمعی پدید می‌آورد که فرد را درپناه خود می‌گیرد و علی‌الدوام به او توان و انرژی می‌بخشد و حافظ وی می‌شود.

از این‌رو ضروری است کانون‌ها و نهادهایی که حضور در آن‌ها جنبه‌ی داوطلبانه دارند، مانند بسیج اساتید و دانشجویان، انجمن‌های علمی، دفتر اعزام مبلغ و مرکز رشد تقویت شوند و روزه‌روز توسعه یابند و فعالیت آن‌ها چشم‌گیرتر و محسوس‌تر باشد. علاوه‌براین، لازم است میان دانشگاه و دانش‌آموختگان رسالتی دوجانبه و پیوندی مستمر برقرار شود و فعالیت‌های متقابلی را برعهده بگیرند، که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱- تشکیل کانون دانش‌آموختگان از طرف دانشجویان دانش‌آموخته؛
۲- حمایت نظام‌مند دانشگاه از این کانون و استقرار آن در دانشگاه؛
۳- برنامه‌ریزی برای یک جنبش اجتماعی علمی در حوزه‌ی علوم انسانی با رویکرد اسلامی و سازماندهی دانش‌آموختگان و تقسیم کار میان آن‌ها و انجام اقدامات مستمر و پیوسته؛
۴- ارتباط اعضای کانون با دانشجویان برای تمرین جهاد علمی و حضور در صحنه‌های عمل؛
۵- توسعه‌ی اهداف دانشگاه به نهادهای آموزشی و پژوهشی دیگر با حضور فعال علمی یا برگزاری نشست‌ها و کانون‌های علمی توسط دانش‌آموختگان؛
۶- ارتباط دوجانبه میان نهادهای دانشگاه، مانند معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی، معاونت پژوهشی، معاونت دانشجویی و فرهنگی، دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی، اداره‌کل طرح و برنامه، بسیج دانشجویی و انجمن‌های علمی با کانون دانش‌آموختگان؛
۷- توسعه‌ی ارتباط‌های علمی و فرهنگی به اجتماعات خانوادگی در ایام خاص سال و مراسم ویژه، برای تقویت روابط عاطفی و افزایش همبستگی؛
۸- انتقال تجربیات از طرف دانش‌آموختگان شاغل در بیرون دانشگاه به دانشگاه و بسترسازی دانشگاه برای بهره‌مندی از این تجربیات؛
۹- ارتباط تعریف‌شده و نظام‌مند کانون با دانش‌آموختگان دانشگاه در سراسر دنیا و بهره‌مندی متقابل از یکدیگر؛
۱۰- حفظ هویت انتساب به دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) توسط دانش‌آموختگان با رفتار و منش و شخصیت خود؛
۱۱- تلاش دانش‌آموختگان برای ادای دین به دانشگاه و ارتقاء جایگاه دانشگاه از جهات علمی و تربیتی؛
۱۲- تشکیل کانون‌های فرعی دانش‌آموختگان در شهرهای دیگر و انجام فعالیت‌های علمی، پژوهشی، فرهنگی و اجتماعی در راستای اهداف عالی دانشگاه و تشکیل مراکز آموزش عالی و پژوهشی در مقیاس کوچک‌تر در مراکز استان‌ها.

جدول ۱۰-۷- مجموعه وظایف و رسالت دوجانبه‌ی دانشگاه و دانش‌آموختگان



۱۱- فصل یازدهم:

پیام‌های نظام‌نامه تربیت

و نظام برنامه‌ریزی درسه

برای نهادهای دانشگاه

نهادهای دانشگاه، اعم از نهادهای رسمی و اداری و نهادهایی که فعالیت‌های فوق‌برنامه و غیررسمی دارند، به‌منظور تحقق اهداف عالی دانشگاه تأسیس شده و در آن راستا سامان یافته‌اند. از این‌رو کلیه این نهادها باید جایگاه روشن و ضروری در نقشه‌ی جامع دانشگاه داشته باشند؛ به‌طوری‌که حذف هر نهاد سبب خلأ و کمبود شود و قطعه‌ای از نقشه‌ی تشکیلاتی دانشگاه از میان برود. به‌عبارت دیگر، باید میان کلیه‌ی تشکیلات دانشگاه «وحدت رویه»، «هم‌افزایی»، «تعاون»، «تقسیم کار شفاف» و «مکمل و مؤید یکدیگر بودن» حاکم باشد و مبرا و مصون از «انجام کارهای مشابه و تکراری»، «اتلاف توانایی‌های انسانی»، «عدم ارتباط سازمانی» و «تضاد و تناقض میان فعالیت‌ها» باشد.

برای تحقق این اهداف، مراعات اصول زیر ضروری است:

۱- برنامه‌ریزی و عمل در چارچوب اسناد تولیدشده: کلیه‌ی برنامه‌ریزان، در هر نهادی، اعم از رسمی یا غیررسمی، موظفند منویات مجموعه‌ی اسناد بالادستی دانشگاه (بیانیه‌ی رسالت، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای کلان، مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی) را تحقق بخشند و معطوف به همه‌ی آنها برنامه‌ریزی نمایند و در تنظیم برنامه به این اسناد ارجاع دهند؛ زیرا این اسناد، درطول یکدیگر هستند و مربوط به بخش خاصی نیستند.

۲- برنامه‌ریزی و اقدام در جهت تقویت گسترش روحیه‌ی مجاهدت علمی و نشاط انقلابی: شور و نشاط علمی وقتی ارزشمند و مفید است که به‌عنوان بخشی از شور و نشاط انقلابی و مجاهدت اجتماعی فضای دانشگاهی را فراگیرد. شور و نشاط انقلابی و مجاهدت‌های اجتماعی نیز وقتی در راستای اهداف عالی‌ی نظام و رسالت جهانی آن است که نشاط علمی را احیا کند و کلاس‌های دانشگاه را کانون‌های مجاهدت علمی نماید. از این‌رو کلیه‌ی مدیران و برنامه‌ریزان نهادهای رسمی و غیررسمی وظیفه دارند برای ایجاد محیطی که در آن محیط، مجاهدت علمی به‌منظور ایفای رسالت انقلابی و اسلامی صورت بگیرد، مدیریت و برنامه‌ریزی نمایند.

۳- همکاری و هماهنگی نهادهای دانشگاه در جهت تسهیل فرایند تربیت، به‌خصوص تربیت علمی: با توجه به بیانیه‌ی رسالت و سند چشم‌انداز دانشگاه، که حرکت در مرزهای علم و مرجعیت علمی را نشانه گرفته است و با عنایت به «نظام‌نامه‌ی تربیتی»، به‌خصوص «تربیت علمی» و نیز «نظام برنامه‌ریزی درسی»، تربیت علمی محور اصلی فعالیت‌های عمده‌ی دانشگاه است. لذا رسالت اصلی همه‌ی نهادها، اعم از مالی و اداری، فرهنگی، امور دانشجویی، بهداشتی و تندرستی، تبلیغی و رسانه‌ای، تسهیل فرایند تربیت علمی، ارتقاء روحیه‌ی علم‌دوستی و تولید علم است. ضوابط اداری، قوانین و آیین‌نامه‌ها باید دانشجوی را راغب به علم کند و استاد را مشتاق تدریس نماید. امکانات و فضاها باید با محوریت برنامه‌ریزی درسی و تسهیل در علم‌آموزی به‌کار گرفته و سازماندهی شوند و نیروی انسانی باید برای برخورد فعال و صمیمانه و جذب‌کننده و درعین حال، ضابطه‌مند با دانشجویان، انتخاب شوند و آموزش ببینند.

۴- تدوین و تنظیم آیین‌نامه‌ها و ضوابط، در جهت ارتقاء کیفیت تربیت علمی و سایر ابعاد تربیت: به‌طور مثال، ضوابط باید معطوف به نوآوری در علم، عمق‌بخشی به پایان‌نامه‌ها و توجه دانشجویان به نیازها و مسأله‌های اجتماعی باشد. و از آنجا که این اهداف، نیازمند محیطی بانشاط و پرتحرک است، نمی‌توان صرفاً با امتیازدهی کمی زمینه‌های وصول به آنها را فراهم کرد؛ بلکه باید ضوابط و مقررات به‌سمت عواملی رود که چنان محیطی را شکل می‌دهند و تقویت می‌کنند. به‌طور مثال، سعی صدر مدیران، رسیدگی به مشکلات عاطفی دانشجویان و نظایر آن می‌تواند به نشاط و تحرک علمی کمک نماید.

۵- کوچکی و سادگی تشکیلات و کاستن از تکرر و تعدد آن و اجتماع فعالیت‌های هم‌سنخ و مشابه و به‌حداقل رساندن قوانین و بخشنامه‌ها: این ضابطه در نهادهای علمی و آموزشی اهمیت بیشتری دارد و باید مراعات گردد. لذا باید فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در یک نهاد، فعالیت‌های تبلیغی و مراسمی در یک نهاد و فعالیت‌های

سلامتی و تندرستی و ورزش در یک نهاد متمرکز شوند.

۶- چالاکي و انعطاف‌پذیری در حوزه‌ی اجرایی: یکی از آفت‌های نظام‌های اجرایی، اولویت دادن به آیین‌نامه‌ها و فرایندهای تعریف‌شده و غفلت از اهداف و غایاتی است که این فرایندها برای آنها تعریف شده‌اند. نتیجه‌ی این آفت، سختی و سنگینی نظام اداری و ایجاد موانع مصنوعی و غیرضروری درمقابل دانشجو و استاد می‌باشد. ضروری است اصل تسهیل و آسان‌گیری برای رسیدن هرچه مطلوب‌تر به اهداف و غایات مورد توجه دائم مسئولین باشد.

۷- ایجاد رابطه‌ی اعتمادساز میان نظام مدیریتی و دانشجویان: برنامه‌های دانشگاه باید بر حسن‌ظن به دانشجویان به نظام اداری بنا شده باشد. نظام اداری باید دانشجویان را علاقه‌مند و شایق یادگیری و صاحب انگیزه برای ارتقاء اخلاقی و معنوی، حاضر در صحنه‌های دفاع از آرمان‌های انقلاب اسلامی و نظام اسلامی بداند و با اعتماد بر چنین ویژگی‌هایی برنامه‌ریزی کند. البته توجه به این اصل باید همراه با انضباط دقیق و حفظ نظم باشد و این دو امر منافاتی با یکدیگر ندارند. همچنین لازم است برنامه‌ریزی‌های درسی و تربیتی به بخش‌های مربوط به خود به‌خصوص به دانشکده‌ها و گروه‌های درسی و پژوهشی واگذار شود و تصمیم‌گیری‌های کلان دانشگاه مظهر نظرات مشورتی اساتید و انعکاس پیشنهادها و دانشکده‌ها و گروه‌های درسی باشد.

۸- برنامه‌ریزی مسئولان دانشگاه برای استمرار نشاط علمی در تمام طول سال، از جمله در تابستان: با توجه به اهداف بلند و انقلابی دانشگاه، خاموشی و رکود در این محیط علمی و تربیتی جایگاهی ندارد. باید برنامه‌ریزی مسئولان دانشگاه به‌گونه‌ای باشد که دانشجو میان زمستان و تابستان فرقی نگذارد و با پشت‌گرمی به شرایط و فضایی که دانشگاه فراهم کرده، در تابستان نیز به کارهای پژوهشی و فعالیت‌های یادگیری ادامه دهد و سه‌ماه از زندگی را تلف ننماید.

۹- حضور اساتید در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دانشگاه: از آنجا که تشکیلات اجرایی دانشگاه و برنامه‌ریزی‌های آن به‌منظور تعلیم و تربیت مطلوب توسط اساتید است، شایسته است که تصمیم‌گیری‌های کلان دانشگاه و برنامه‌ریزی‌های آن مظهر و منعکس‌کننده‌ی نظرات جمعی اساتید و پیشنهادها سازنده‌ی آنان باشد. حضور اساتید، به‌خصوص در دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی و پژوهشی باید روشن‌تر و جدی‌تر صورت گیرد.

جدول ۱-۱۱- اصول حاکم بر فعالیت‌های تشکیلات و نهادهای دانشگاه

علاوه بر اصول ذکرشده که همه‌ی نهادهای دانشگاه مخاطب آن هستند، پیام‌های اولیه‌ای که از نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای برخی از نهادهای دانشگاه به‌دست می‌آید، در اینجا ذکر می‌شود. البته با توجه به نقش تخصصی هریک از نهادها، پیام‌های تفصیلی توسط برنامه‌ریزان و مدیران همان نهادها به‌دست خواهد آمد و تدوین خواهد شد.

۱-۱۱- حوزه‌ی ریاست دانشگاه

از آنجا که دانشگاه یک نهاد هدایتی و تربیتی به‌سوی اهداف عالی نظام اسلامی، به‌خصوص در بعد تربیت علمی است، ریاست عالی دانشگاه مسئول راهبری و هدایت این نهاد است و مسئولیت تحقق آرمان‌های دانشگاه و اجرای نظام‌نامه‌ی تربیتی و برنامه‌های درسی را بر دوش دارد. علاوه بر این مسئولیت کلان و همه‌جانبه، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی حاوی پیام‌هایی برای حوزه‌ی ریاست دانشگاه است؛ از جمله:

۱- انتخاب معاونان، مدیران و مسئولان بخش‌های مختلف از میان اعضای هیئت علمی و مدیران تربیتی: اتخاذ این رویکرد در انتخاب مسئولان سبب می‌شود که روح علمی و تربیتی همواره بر تشکیلات دانشگاه حاکم باشد، درک متقابل و عمیق‌تری میان مدیران و اساتید باشد، در تصمیم‌گیری کلان مدیریتی اهداف علمی و تربیتی همواره در منظر تصمیم‌گیران باشد و مسیر ارتقاء در دانشگاه مسیری طبیعی و فرایندی داشته باشد.



۲- تعامل مستمر با رؤسای دانشکده‌ها، مدیران گروه‌ها و اعضای هیئت علمی و نشست‌های منظم با آنان؛

۳- حضور حداکثری شخصیت‌های علمی و تربیتی دانشگاه، مانند رؤسای دانشکده‌ها و مدیران گروه‌ها در شوراهای اصلی و کلان دانشگاه به منظور حاکمیت روح علمی و تربیتی و اولویت یافتن حل چالش‌های علمی و تربیتی؛

۴- تقویت ارتباط معنوی و روح تعاون میان نهادهای دانشگاه با یکدیگر و میان ایشان و دانشجویان و برقراری رابطه‌ی محبت‌آمیز با دانشجو، به طوری که دانشجو احساس قرب و نزدیکی کند و ارتباطش با نهادهای دانشگاه قطع نشود.

۵- مراقبت و ارزیابی مستمر و سخت‌گیرانه از اجرای برنامه‌ها و میزان تحقق اهداف: با توجه به نظام‌نامه‌ی تربیتی مشخص گردید که مراقبت از برنامه و ارزیابی از عملکرد مجریان برنامه، هم در مراحل اجرا و هم در پایان هر برنامه از اهمیت ضرورت‌هاست که غفلت و کوتاهی از آن آسیب‌های جدی، از جمله ضعف در مدیریت و پایین بودن کیفیت را به دنبال دارد. از آسیب‌های نظام اداری و اجتماعی کشور ما پایین بودن مراقبت و ارزیابی از برنامه‌هاست که اگر در دانشگاه امام صادق (علیه السلام) شکلی کارآمد پیدا کند، می‌تواند الگویی برای سایر نهادها محسوب شود.

البته مراقبت و ارزیابی باید از سوی کسانی انجام بگیرد که با روح اسناد بنیادی دانشگاه (بیانیه‌ی رسالت، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای کلان، مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی) آشنا باشند. لذا مدیریت این امر باید برعهده‌ی شخصیت‌هایی علمی باشد که با مطالعه‌ی مستمر اسناد یادشده، به طور مستمر دلالت‌های اسناد را در اختیار بخش‌های دانشگاه قرار دهند و معیارهای ارزیابی را تدوین کنند تا ارزیابان مطابق آن عمل نمایند و آیین‌نامه‌ی مراقبت و ارزیابی را با استفاده از بخش ارزیابی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی تدوین کنند.

۶- تکمیل و ارتقاء آیین‌نامه‌ی گزینش اساتید: مطابق معیارهای ذکرشده برای استاد در نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی و نقش بی‌بدیلی که برای استاد در آن تعیین شده، باید آیین‌نامه‌ی گزینش ارتقاء پیدا کرده و انتخاب استاد بسیار جدی‌تر و سخت‌گیرانه‌تر انجام شود.

۷- توسعه‌ی اختیارات و مسئولیت‌های مدیران و اساتید: با ارتقاء مراقبت و ارزیابی و گزینش سخت‌گیرانه، لازم است اختیارات و مسئولیت مدیران، رؤسای گروه‌های علمی و اساتید بیشتر شود. این اقدام سبب می‌شود جایگاه مدیران و اساتید ارتقاء یابد (امری که لازمه‌ی تربیت است)، قدرت تفکر و نوآوری آنها تقویت گردد، احساس مسئولیت آنها بیشتر شود و خود را مسئول نتایج تصمیم‌ها بدانند. تفویض اختیار در امور آموزشی، مانند انتخاب محتوای آموزشی، ایفای نقش اصلی در انتخاب عناوین پایان‌نامه‌ها، به گروه‌های علمی و اساتید گروه نیز حائز اهمیت است.

۸- عمل شفاف و روشن در چارچوب اسناد و مقررات: ریاست دانشگاه و معاونان ایشان و مدیران، اسوه و الگوی مجموعه‌ی اجرایی، اساتید و دانشجویان دانشگاه هستند. رفتار آنها به تدریج به صورت قاعده‌ی نانوشته در عملکرد دانشگاه منعکس می‌شود. به عبارت دیگر، نظام تربیتی دانشگاه، پیش از آنکه در طرح‌های مصوب و قوانین و مقررات باشد، در رفتار مدیران و مسئولان دانشگاه است. لذا عملی شدن نظام‌نامه‌ی تربیتی در دانشگاه، منوط به پذیرش قلبی و عمل به آن از سوی مدیران و مسئولان است.

جدول ۱۱-۲- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی ریاست دانشگاه

۱۱-۲- اداره کل طرح و برنامه

با توجه به جایگاه این اداره کل که برنامه‌ریزی‌های کلان دانشگاه را برعهده دارد، دو اقدام اساسی و بنیادین از جانب این اداره کل

ضروری است:

۱- استخراج دلالت‌ها و پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای مجموعه‌ی طرح‌ها و برنامه‌هایی که در این اداره‌کل تدوین می‌شود. لازمی چنین اقدامی، آشنایی تفصیلی نسبت به محتوای این دو سند است.

۲- اشراف و نظارت این دفتر بر مجموعه‌ی برنامه‌ریزی‌ها مانند برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی و تربیت بدنی، به‌منظور یکپارچگی و هماهنگی میان کلیه‌ی برنامه‌ها، از بین بردن دوباره‌کاری‌ها، استفاده‌ی مؤثر از کارشناسان و برنامه‌ریزان، ساده و کوتاه کردن فرایند برنامه‌ها و از همه مهم‌تر، حضور روح این دو سند در کلیه‌ی برنامه‌ها و در جایگاه مناسب خود.

جدول ۱۱-۳- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای اداره‌کل طرح و برنامه

۱۱-۳- اداره‌کل روابط عمومی و بین‌المللی

در راستای تقویت نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی دانشگاه شایسته است اقدامات زیر صورت گیرد:

۱- ارتباط علمی - پژوهشی دانشگاه با مجامع علمی جهانی به‌خصوص در جهان اسلام و معرفی اسناد و برنامه‌های دانشگاه و گرفتن برنامه‌های آنها و انجام پژوهش‌های تطبیقی با همکاری مجامع؛

۲- فراهم کردن تمهیدات برای مطالعات تطبیقی در زمینه‌ی مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی، برنامه‌های درسی، محتواهای آموزشی با سایر کشورها؛

۳- فراهم کردن تمهیدات برای تبادل نظر میان اساتید دانشگاه و سایر کشورها؛

۴- استفاده از توان علمی و پژوهشی موجود در دانشگاه در راستای پاسخ‌گویی به نیازهای تحقیقاتی جامعه؛

۵- فراهم کردن شرایط برای حضور دانشجویان انقلابی و متعهد کشورهای دیگر در دانشگاه، برای تقویت تفکر جهانی دانشجویان، مراوده با دانشجویان صاحب انگیزه در کشورهای دیگر، آگاهی دانشجویان از مسئولیت‌های جهانی خود و...؛

۶- انطباق برنامه‌های تبلیغی با اهداف تربیت اجتماعی و اخلاقی مندرج در نظام‌نامه‌ی تربیتی؛

۷- تدوین و ارائه‌ی برنامه‌ی سالانه برای حضور در مجامع علمی و گردهمایی‌های فرهنگی و انقلابی جهان اسلام و سایر کشورها و حضور مستمر اساتید و دانشجویان برای آشنا کردن محافل علمی جهان با دانشگاه و فراهم شدن زمینه برای ایفای نقش جهانی؛

۸- شناسایی مراکز علمی و پژوهشی در حوزه‌ی علوم انسانی - اسلامی و برقراری تعامل میان آنها و دانشکده‌ها و معاونت پژوهشی برای دادوستد علمی و پژوهشی؛

۹- امضاء تفاهم‌نامه‌های بین‌دانشگاهی برای تبادل استاد، دانشجو، فرصت مطالعاتی، استفاده از کلاس‌های مشترک و نظایر آن.

جدول ۱۱-۴- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای اداره‌کل روابط عمومی و بین‌المللی

۱۱-۴- حوزه‌ی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی

این حوزه نقش اصلی را در اجرای صحیح نظام برنامه‌ریزی درسی برعهده دارد. از این رو لازم است شاکله‌ی تخصصی در تربیت علمی

و برنامه‌ریزی درسی پیدا کند و اقدامات زیر را انجام دهد:

۱- این حوزه باید برخوردار از تعدادی متخصص برنامه‌ریزی درسی، با رویکرد فلسفه‌ی تعلیم و تربیت اسلامی باشد که به دانشکده‌ها و گروه‌ها در تنظیم برنامه‌های درسی کمک نمایند و هماهنگی در برنامه‌ریزی‌ها را پیگیری کنند.

۲- آگاه ساختن دانشجویان و اساتید از وظایف و آیین‌نامه‌های اجرایی، از وظایف این حوزه است. دانشجو در

همان ابتدای ورود با ساختار دانشگاه و دانشکده و مراحل اجرایی کار در آن مواجه می‌شود که اگر در همان نیم‌سال اول دانشجو از فرایندها آگاه شود و از امکانات و تسهیلاتی که در دانشگاه برای او فراهم آمده مطلع باشد، اعتمادش به دانشگاه بیشتر می‌شود و فعال‌تر با فرایندها و آیین‌نامه‌ها برخورد می‌کند.

۳- فراهم کردن امکانات برای عملی شدن ابتکارات دانشکده‌ها و اساتید: نشاط علمی و فعالیت همراه با انگیزه درگرو میدان دادن به دانشکده‌ها و اساتید و ایجاد تسهیلات برای اجرای ایده‌ها و طرح‌های آنهاست. ساختار واحد دروس و نظایر آن نباید سبب بسته شدن راه‌های خلاقیت اساتید شود. برخی از اساتید، طرح‌های ابتکاری دارند که در قالب دروس مصوب و کلاس‌های رسمی نمی‌گنجد. معاونت آموزشی نه تنها باید نگاه مثبت به این قبیل ابتکارات داشته باشد، بلکه به‌طور مستمر باید خواستار ارائه طرح‌های ابتکاری شود و مسیر تصویب آن‌را در مراجع بالاتر هموار نماید.

۴- ایجاد تنوع در دروس و افزایش دروس انتخابی: به‌منظور ایجاد پاسخ‌گویی به ویژگی‌های مخاطب و افزایش قدرت انتخاب و انگیزه علمی وی باید تنوع دروس بیشتر شود و بر تعداد دروس انتخابی افزوده گردد.

۵- همکاری با نهاد پژوهشی دانشگاه برای تعیین رشته‌های جدید، به‌خصوص از حیث امکان‌سنجی تأسیس رشته‌ی پیشنهادی و اقدامات ضروری برای تأسیس؛

۶- ارزیابی پیوسته از مسئولان دانشکده‌ها: از آنجا که مسئولان دانشکده‌ها نقش مهمی در اجرای برنامه‌های درسی دارند و نحوه‌ی مدیریت آنها با اجرای صحیح آن برنامه‌ها گره خورده است، شایسته است که همواره مورد سنجش و ارزیابی قرار بگیرند. البته سنجش و ارزیابی باید متناسب با اختیارات مسئولان دانشکده‌ها باشد.

۷- پیگیری ارزشیابی از اساتید و گروه‌های علمی: یکی از ارزشیابی‌های مهم که در این برنامه پیش‌بینی شده ارزشیابی استاد است، که لازم است مسئول دانشکده شرایط انجام آن‌را فراهم کند.

۸- دادن اختیارات به مسئولان دانشکده‌ها: تفویض اختیار به دانشکده‌ها که حیث علمی و آموزشی بیشتری دارند، به ارتقاء روحیه علمی کمک می‌کند. همچنین آنها را در برابر قانون مسئول‌پذیرتر می‌سازد.

۹- نقد و بررسی «مبانی نظام تربیتی»، «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و «نظام برنامه‌ریزی درسی» در دانشکده‌ها به‌منظور رفع کاستی‌ها و ارتقاء دائمی آنها.

جدول ۵-۱۱- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی

۵-۱۱- دانشکده‌ها

دانشکده، محور و کانون اصلی تربیت علمی و تولید علم است و محل اصلی اجرای برنامه‌های درسی و نظام‌نامه‌ی تربیتی است. دانشکده، محل اجتماع، همفکری و همکاری اساتید، ارتباط دانشجویان با اساتید و راهبری و هدایت آنان توسط اساتید است. از این‌رو مجموعه فعالیت‌های نهادهای مختلف دانشگاه به‌منظور تحقق اهداف تربیتی، به‌خصوص تربیت علمی و تولید علم در دانشکده و توسط اساتید است. بنابراین باید بر مجموعه‌ی نهادهای دانشگاه، این نگرش حاکم باشد که چگونه اقدامات خود را بهتر سامان دهند تا هدف اصلی دانشگاه در دانشکده‌ها به‌نحو مطلوب‌تری محقق شود. با توجه به این جایگاه و موقعیت، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی پیام‌های زیر را برای دانشکده‌ها دارد:

۱- انتخاب رئیس دانشکده از میان اعضای هیئت علمی همان دانشکده، با مقبولیت میان اعضاء و توانایی هدایت اعضاء و تعامل سازنده و معتقد به رویکردها و مبانی و اهداف عالی دانشگاه؛

۲- تمام‌وقت بودن رئیس دانشکده و تدریس حداقلی وی، به‌منظور وجود زمان و فرصت برای ارتباط با اعضای هیئت علمی و دانشجویان، برنامه‌ریزی برای ارتقاء سطح علمی دانشکده، ارتباط با سایر مراکز علمی و مانند آن.

۳- اعطای اختیارات لازم به دانشکده و رئیس دانشکده؛ از قبیل امکان مصرف برخی از بودجه در مواردی که



رئیس دانشکده با مشورت اعضای دانشکده تشخیص می‌دهد، تعیین دانشجویان مناسب برای سطح ۳ تا ۵ اهداف با همکاری استاد راهنما و اجازه‌ی گذراندن برخی واحدها برای دانشجویان ویژه.

۴- دانشکده باید اقدامات ویژه‌ی خود را در جهت تحقق چشم‌انداز و اهداف و راهبردهای کلان دانشگاه مشخص کند تا امکان مطالبه وجود داشته باشد.

۵- رئیس دانشکده باید زمینه و فرصت لازم برای آشنایی اعضای هیئت‌علمی با نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی را فراهم کند و وظایفی را که دانشکده در قبال این دو سند دارد، به اطلاع اعضای هیئت‌علمی برساند.

۶- دانشکده باید شرایط پویایی و نوآوری استاد را فراهم کند. برای این منظور، موضوع تدریس استاد باید متنوع باشد و از تدریس یک درس، با یک روش و یک محتوا در طول چند نیم‌سال اجتناب شود. دانشکده باید به دانشجویان اولویت دهد تا استاد بیشتر احساس مفید بودن و مؤثر بودن کند.

دانشکده باید واسط و رابط میان استاد و نهاد پژوهشی باشد و مسأله‌های جدید پژوهشی را در اختیار وی قرار دهد و استاد برای حل مسائل جدید، با همکاری دانشجویان و دستیاری کمک‌استاد، اقدام کند و به مطالب جدید برسد.

۷- تدوین برنامه‌ی رشته‌ی تحصیلی براساس چارچوب ارائه‌شده در «نظام برنامه‌ریزی درسی» و مبتنی بر نظام‌نامه‌ی تربیتی؛

۸- تدوین برنامه‌ی درسی هر درس براساس چارچوب تدوین‌شده در «نظام برنامه‌ریزی درسی» دانشگاه و مبتنی بر نظام‌نامه‌ی تربیتی؛

۹- تشکیل کارگاه‌های آموزشی برای توانمندسازی اساتید در اجرای روش‌ها و اصول و دلالت‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی در هنگام تدریس؛

۱۰- همکاری دانشکده‌ها و مشارکت در برنامه‌های یکدیگر از قبیل: تبادل استاد، حضور دانشجویان یک دانشکده در جلسات درس اساتید دانشکده‌ی دیگر به پیشنهاد استاد مربوط و برگزاری جلسات علمی مشترک در موضوع واحد.

۱۱- هدایت، مراقبت و حمایت از دانشجو به‌طور مستمر و پویا: دانشکده موظف است در طول دوره‌ی تحصیل، دانشجویان را هدایت کند و با آگاهی از مسأله‌ها و مشکلات، آنان را حمایت نماید. از جمله اقداماتی که باید در این زمینه صورت بگیرد، عبارتند از:

ا. آشنا کردن دانشجویان با رشته‌ها، گرایش‌ها و قوانین و مقررات؛

ب. برقرار کردن ارتباط سازنده و تربیت‌کننده میان اساتید و دانشجویان و عدم انحصار آن به زمان آموزش؛

ج. آگاهی‌بخشی نسبت به واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و اوضاع جهانی؛

د. تلاش برای رسیدن دانشجویان به نگاه استقلالی نسبت به تمدن غرب و توانایی تحلیل مسائل جهانی؛

ه. کمک به دانشجویان در جهت اصلاح شخصیت و ارتقاء اخلاق دانشجویی؛ از قبیل دوری از خصیصه‌ی غرور، داشتن انگیزه‌ی آموختن و روحیه‌ی طلبگی و کار و تلاش؛

و. شناخت مشکلات موردی دانشجویان و کمک به آنان برای برطرف کردن فشارهای روحی؛

ز. حاکم کردن روحیه‌ی علم‌آموزی؛

ح. عادت دادن دانشجویان به مطالعه؛

ط. کمک به دانشجویان برای کسب توانایی‌های لازم برای اشتغال به‌موقع.

۱۲- برنامه‌ریزی برای ارتقاء مهارت‌های تدریس اساتید؛



۱۳- برنامه‌ریزی برای تولید محتوا و علم و تألیف کتاب درسی در چارچوب نظام‌نامه‌ی تربیتی؛

۱۴- انتخاب استاد راهنما از میان اعضای هیئت علمی مطابق با شاخصه‌های ضروری برای استاد راهنما؛

۱۵- برنامه‌ریزی برای ارتقاء علمی اساتید برای تدریس دروس معارف اسلامی، به‌منظور نزدیک شدن به تلفیق.

جدول ۱۱-۶- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای دانشکده‌ها

۱۱-۶- حوزه‌ی معاونت پژوهشی

ذیل بند «اصول و ضوابط پژوهشی در رشته‌های تحصیلی»، دلالت‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی درباره‌ی پژوهش توضیح داده شد. علاوه‌بر آنها، موارد دیگری که به حوزه‌ی معاونت پژوهشی مربوط می‌شود، عبارتند از:

۱- متمرکز شدن برنامه‌ریزی و مدیریت پژوهش دانشگاه در یک نهاد؛

۲- جداناپذیر بودن پژوهش از برنامه‌های درسی و تربیت علمی؛ از این‌رو عناوین پژوهش‌ها باید از تعامل میان استاد و دانشجویان بیرون آید و گروه‌های درسی و دانشکده‌ها و اساتید باید نقش محوری در فرایند پژوهش‌ها ایفا کنند. لذا باید میان معاونت پژوهشی و معاونت آموزشی و دانشکده‌ها و گروه‌های علمی یک ارتباط و هماهنگی و همکاری دقیق صورت بگیرد، که به برخی از آنها قبلاً اشاره شده است.

۳- برنامه‌ریزی برای تولید علم با همکاری دانشکده‌ها و گروه‌های آموزشی، با توجه به رویکردهای تطبیقی، برای رسیدن به متون استاندارد و قابل دفاع.

۴- ایجاد فرصت برای دانشجویانی که توانایی تحقیقات جدید و خلاقانه زیر نظر استاد را دارند و تأمین امکانات برای آنها.

۵- اولویت دادن به پژوهش‌های گروهی و جمعی: پژوهش گروهی روحیه‌ی همکاری و مشارکت را تقویت می‌کند، سبب تقسیم کار و سرعت عمل می‌شود و نتایج مطلوب‌تر و دقیق‌تری را به‌دنبال دارد.

۶- تشکیل اتاق فکر برنامه‌ریزی تربیتی و درسی: با توجه به اینکه اولین قدم برای برنامه‌ریزی جدید، پژوهش است، لازم است در نهاد پژوهشی اتاق فکری باشد که محل تبادل نظر و ارائه‌ی ایده‌ها در این زمینه باشد و اساتید و دانشجویان بتوانند نظرات خود را طرح کنند و بدانند که روی این نظرات کار فکری و پژوهشی صورت می‌گیرد و به‌عنوان یک نظر برای آینده ثبت می‌شود و در زمان مناسب خود و در فرایند بازنگری و اصلاح برنامه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۷- محور قرار دادن کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه به‌طوری‌که محل جنب‌وجوش و آمودوش اساتید، دانشجویان و جویندگان علم باشد. این محوریت علمی، البته اگر با محوریت مکانی هم همراه شود، ارزشمندتر خواهد بود.

۸- اطلاع‌رسانی مستمر به دانشجویان و اساتید درباره‌ی تازه‌های کتاب، مقالات و نرم‌افزارها؛

۹- غنی کردن کتابخانه با کتاب‌های موردنیاز دانشجویان و اساتید؛

۱۰- ارتقاء سایت کتابخانه به‌طوری‌که دانشجویان انگیزه‌ی مراجعه پیدا کنند؛

۱۱- ایجاد رابطه بین ناشرین و دانشجویان و اساتید، به‌منظور تهیه‌ی کتاب‌ها و نرم‌افزارهای درخواست‌شده از جانب اساتید و دانشجویان؛

۱۲- ارتقاء آرشیو مجلات، مقالات پایان‌نامه‌ها و امکان دسترسی آسان به محتوای آنها؛

۱۳- مناسب‌سازی فضای فیزیکی از جهت نور، میزان گرما و سرما، صندلی، میز، امکانات رایانه‌ای و...؛

۱۴- تقویت مستمر نرم‌افزار آذرخش با همکاری دانشجویان مراجعه‌کننده و تقویت جستجوی موضوعی کتاب؛

۱۵- برگزاری جلسات دوره‌ای با اساتید به‌منظور ارائه‌ی راه‌های افزایش مراجعه‌ی دانشجویان به کتابخانه؛

۱۶- کسب اطلاع از منابع درسی معرفی‌شده از طرف اساتید به دانشجویان، در ابتدای هر نیم‌سال و تهیه‌ی منابع

جدید:

۱۷- تمرکز و انسجام بخشی به فعالیت‌های نشر؛

۱۸- انتشار به موقع رخدادهای علمی و پژوهشی، مانند سفرهای علمی و گردهمایی‌ها؛

۱۹- رصد کردن دانشگاه‌های مشابه با دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در داخل و خارج کشور و تشکیل بانک اطلاعات از آنها برای انجام پژوهش‌های تطبیقی و مراددهی علمی.

جدول ۷-۱۱- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت پژوهشی

۷-۱۱- حوزه‌ی معاونت دانشجویی و فرهنگی

با توجه به عنوان این معاونت که امور دانشجویی و فرهنگ را شامل می‌شود و نیز با توجه به ادارات ذیل آن، پیام‌ها و دلالت‌های بخش‌هایی از «نظام‌نامه‌ی تربیتی» مربوط به این معاونت می‌باشد. در میان ابعاد تربیت، «تربیت بدنی و زیستی»، «تربیت زیبایی‌شناختی»، «تربیت اخلاقی»، «تربیت خانوادگی» و «تربیت اجتماعی»، ارتباط بیشتری با نوع فعالیت‌های این معاونت دارد و لذا باید برای تحقق آنها برنامه‌ریزی نماید.

اهم پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی برای این حوزه عبارتند از:

۱- تدوین برنامه‌های جامع برای:

أ. تربیت اخلاقی و تربیت عبادی؛ همان‌طور که در بند تربیت اخلاقی در نظام‌نامه‌ی تربیتی آمد، تدوین برنامه‌ی جامع تربیت اخلاقی و تربیت عبادی باید در رأس برنامه‌های این معاونت باشد. از آنجاکه این برنامه باید بر تربیت علمی تقدم داشته و حاکم بر آن باشد، باید با همکاری معاونت آموزشی و براساس نظام‌نامه‌ی تربیتی تدوین شود.

ب. تربیت بدنی و زیستی؛ براساس نظام‌نامه‌ی تربیتی و با استناد به موازین نقلی و عقلی برای دوره‌ی هفت‌ساله‌ی حضور دانشجویان در دانشگاه و حضور مستمر اساتید، با دیدگاه حمایت از برنامه‌های درسی و تربیت علمی.

ج. تربیت هنری و زیبایی‌شناختی؛ به‌طوری‌که دانشجویان انگیزه‌ی حضور حداقل در یک رشته‌ی هنر اسلامی را داشته باشند.

د. تربیت خانوادگی؛ به‌منظور آمادگی برای ازدواج، ایفای نقش صحیح بعد از ازدواج و حل مسأله‌های مربوط به زندگی مشترک.

ه. تربیت اجتماعی؛ برای حضور مؤثر و انقلابی در جامعه، از قبیل ایفای نقش در فعالیت‌های سیاسی، فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی معارف اسلامی، فعالیت‌های عام‌المنفعه، تأسیس سایت‌های فرهنگی دفاع از انقلاب اسلامی و نقد فرهنگ سکولار و ...

۲- برنامه‌ریزی برای ورزش اساتید و تربیت بدنی آنان: این برنامه‌ریزی باید متناسب با سن، وقت و موقعیت‌های مختلف اساتید باشد. همچنین باید شامل پیگیری دائم و نظارت مستمر باشد؛ به‌طوری‌که احساس نیاز به ورزش را در اساتید افزایش دهد و آنان خود را موظف به ورزش کردن بدانند. برنامه‌ی ورزش اساتید هر نیم‌سال، مجدداً یادآوری شود.

۳- اجباری کردن اصل ورزش و اختیاری بودن نوع آن برای دانشجویان: با توجه به احساس مثبت دانشجویان نسبت به اصل ورزش، لازم است در دانشگاه فضایی ایجاد شود که مانند حضور در مسجد و نماز جماعت و حضور در غذاخوری دانشگاه، در فعالیت‌های ورزشی نیز حضور منظم داشته باشند. فرهنگ‌سازی توسط شخصیت‌های تأثیرگذار در دانشگاه و ایجاد شرایط مناسب، به حضور فعال دانشجویان کمک خواهد کرد. باید دانشجویان دریابند که سبک زندگی یک زندگی مجاهدانه، فعال، بانشاط و پویاست. لازمه‌ی این سبک زندگی، تحرک



جسمانی و نشاط روحی است و فعالیت مستمر ورزشی، عامل اصلی این تحرک و نشاط است.

۴- تنظیم برنامه‌هایی برای رفع کسالت و رخوت دانشجویان، درطول روز: فعالیت قوی علمی درطول روز نیازمند فرصت‌هایی برای رفع خستگی و خروج از رخوت است. ایجاد این فرصت‌ها به دانشجویان کمک می‌کند که آنها بتوانند با نشاط بهتر و آمادگی مطلوب‌تر در کلاس‌ها حضور یابند و فعالیت پژوهشی خود را تداوم بخشند.

۵- دادن مشاوره به دانشجویان و حمایت فکری، روانی و اجتماعی از آنان: به‌منظور آرامش و سلامت روحی و روانی دانشجویان درطول دوره‌ی تحصیلی و پشتیبانی و یاری دادن به آنها در شرایط آسیب‌زا و خطر، مرکز مشاوره‌ی دانشجویی تشکیل شده است. تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی و تحول در ساختار خانواده و ورود فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی متنوع، دانشجویان را با مسأله‌ها و چالش‌های روزافزونی مواجه کرده است. از این‌رو مصونیت‌بخشی به دانشجویان و آماده کردن آنان برای برخورد منطقی و معقول، حمایت فکری و روانی و اجتماعی از آنان، آموزش مهارت‌های لازم برای مواجهه با خطرات و آسیب‌های روانی و اجتماعی و ارتقاء سطح بهداشت روان فردی و اجتماعی آنان، از اقدامات ضروری دانشگاه به‌شمار می‌رود.

جدا شدن دانشجویان از محیط خانوادگی خود، ورود آنان به محیط جدید، قرار گرفتن درکنار دوستان تازه، دلتنگی‌های دوری از خانواده، ورود به زندگی دانشجویی، نیاز به سازگاری با محیط خوابگاه، مدیریت مسائل معیشتی، تحصیلی و عاطفی ازجمله آسیب‌های ورود به دانشگاه است که مرکز مشاوره باید برای آنها برنامه‌ریزی کند.

۶- برنامه‌ریزی برای ازدواج و شغل دانشجویان، متناسب با موقعیت تحصیلی آنان: از آنجا که لازمه‌ی زندگی دانشجویی با سبک اسلامی، ازدواج در همین دوره‌ی دانشجویی است، لازم است بخش مشاوره این حوزه پرونده‌ی خاصی برای تعجیل در ازدواج آنان دایر کند و شرایط یک ازدواج به‌موقع و مطلوب را فراهم نماید. از آنجا که لازمه‌ی ازدواج درآمدی حداقلی است، این مرکز با دادن مشاوره‌های مؤثر و رایزنی‌های به‌موقع دانشجویان را در رسیدن به یک شغل دانشجویی کمک و مساعدت نماید. این مساعدت هم سبب افزایش انگیزه‌ی تحصیلی و هم ارتقاء اخلاقی می‌شود.

۷- برنامه‌ریزی جامع برای ساعات روزانه‌ی دانشجویان با داشتن انعطاف لازم برای سلیقه‌های مختلف: ساعات درسی باید در چارچوب تنظیم ساعات شبانه‌روز برای عبادت، استراحت، بهداشت و نظافت، غذا خوردن و علم‌آموزی تنظیم شود. به‌طور مثال، با توجه به کراحت خواب بعد از طلوع آفتاب، بهتر است ساعت صبحانه در ابتدای صبح و متصل به آن کلاس درس تشکیل شود.

همچنین مناسب است فقط یک جلسه‌ی درس بعدازظهر برگزار گردد تا امکان برنامه‌های ورزشی، فرهنگی، اجتماعی و مطالعاتی و مانند آنها بیشتر فراهم گردد و دانشجویان به ورزیدگی و مهارت لازم برسند.

۸- تناسب‌سازی برنامه‌ی غذایی با زندگی دانشجویی: برنامه‌ی غذایی باید مناسب با فعالیت دانشجویی باشد. صبحانه باید غذای مقوی باشد. غذای ظهر باید سبک باشد تا دانشجو بتواند بعدازظهر سرحال و بانشاط در کلاس درس حضور یابد.

۹- بررسی مستمر مشکلات دانشجویان به‌خصوص دانشجویان متأهل و اقدام برای حل آنها: رویکرد تربیتی دانشگاه مقتضی ایفای نقش پدری مدیران و کارکنان دانشگاه با دانشجویان است. رابطه‌ی پدری و فرزندنی، که معمولاً میان مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه حاکم بوده و طلاب، مسئولان و مدرسان خود را پدران معنوی خود می‌دانند، راهگشای بسیاری از بن‌بست‌ها و گشاینده‌ی بسیاری از گره‌هاست.

لازمه‌ی چنین نقشی، برنامه‌ریزی برای باخبر شدن از مشکلات و معضلات دانشجویان و اقدام مؤثر درجهت رفع آنهاست.

البته دانشجویان متأهل مشکلات خاص خود را دارند که اگر حل نشود، انعکاس نامطلوبی میان سایر دانشجویان



دارد و آنان را به سمت تأخیر در ازدواج سوق می‌دهد.

جدول ۸-۱۱- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت دانشجویی و فرهنگی

۸-۱۱- حوزه‌ی معاونت اداری و مالی

امکانات مالی و توانایی اقتصادی دانشگاه و اختصاص مقتصدانه و با جهت‌گیری صحیح بودجه‌ها نقش کلیدی در به‌انجام رسیدن فعالیت‌ها و تحقق اهداف دارد. لذا شایسته است:

۱- برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان مالی با اولویت‌های تربیتی دانشگاه و نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی آشنا باشند و با رویکرد تربیتی نظام مالی دانشگاه را برنامه‌ریزی نمایند.

۲- از آنجا که عامل انسانی و استاد و مربی، مطابق آنچه در نظام‌نامه‌ی تربیتی آمده، اساس تربیت علمی و سایر ابعاد تربیت است، فراهم کردن شرایط برای جذب و حفظ و توانمندی اساتید و مربیان باید در اولویت قرار بگیرد. صرف هزینه برای اینکه استادان توانمند در دانشگاه حضور داشته باشند و در بهترین شرایط تدریس و تعلیم قرار بگیرند و حضور در دانشگاه و در جمع دانشجویان بودن را بر امور دیگر ترجیح دهند، بر سایر هزینه‌ها اولویت دارد.

۳- حل مشکلات مربوط به زندگی اساتید، برای حضور بدون دغدغه در کلاس و محیط دانشگاه یک اقدام ضروری برای تحقق اهداف دانشگاه است. باید توجه داشت که رسیدن به یک دانشگاه مرجع در جهان اسلام و تولید علم، با یک برنامه‌ریزی معمول و متداول میسر نیست. نگاهی به تاریخ تمدن اسلامی و دوره‌ی طلایی رشد علم در جهان اسلام، نشان می‌دهد که در دانشگاه‌ها و مدارس علمی آن دوره، اساتید دارای جایگاه ممتازی بودند و امکانات لازم برای یک زندگی علمی را برای آنان فراهم کرده بودند.

۴- انعطاف در موارد مصرف بودجه و تعیین حدودی از اختیارات به دانشکده‌ها: برای مصرف بودجه در مواردی که رئیس دانشکده معین می‌کند، چنین اختیاراتی زمینه‌ی رشد و بالندگی در دانشکده‌ها را فراهم می‌آورد و امکان تصمیم‌گیری در شرایط مختلف را افزایش می‌دهد و البته مسئولیت‌پذیری رئیس دانشکده را نیز بیشتر می‌کند.

جدول ۹-۱۱- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای حوزه‌ی معاونت اداری و مالی

۹-۱۱- مرکز رشد

نام این مرکز، الهام‌بخش بالندگی علمی دانشجویان و ظهور خلاقیت‌ها و نوآوری‌های آنان تا رسیدن به مرزهای دانش و عبور از آنهاست. از این‌رو نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی پیام‌های ویژه‌ای برای این مرکز دارد:

۱- نقد و ارزیابی دائم نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی، همراه با مطالعات تطبیقی، به‌خصوص با مطالعه و بررسی برنامه‌های تربیتی و درسی دانشگاه‌های مشابه در جهان اسلام و دانشگاه‌های وابسته به نهادهای دینی مسیحی و یهودی و مانند آن؛

۲- جذب دانشجویان سطوح ۳ تا ۵ و اجرای برنامه‌های تربیتی برای بارور کردن قدرت عقلی و فکری و شکوفایی خلاقیت آنان؛

۳- وارد کردن دانشجویان به میدان چالش‌های جهانی و تعریف پژوهش‌های ناظر به این چالش‌ها؛

۴- تعریف دوره‌های فوق‌تخصصی برای دانشجویان سطوح ۴ و ۵ و رساندن آنان به قدرت اجتهاد و نظریه‌پردازی؛

۵- ارتباط با مراکز علمی و پژوهشی خلاق و نوآور که دارای رویکرد اسلامی هستند، و انجام پژوهش‌ها و

دوره‌های آموزشی مشترک؛

۶- برنامه‌ریزی برای تبدیل دانشجویان سطح ۴ و ۵ به اساتید دارای شاخص‌های تعیین‌شده، جهت جذب در دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) و دانشگاه‌های دیگر؛

۷- ایجاد انگیزه در دانشجویان و سوق دادن آنها به سمت حل مهم‌ترین چالش‌های نظام اسلامی و درگیر کردن آنان با آن چالش‌ها.

جدول ۱۱-۱۰- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای مرکز رشد

۱۱-۱۰- بسیج دانشجویی

این نهاد کانون و محور فعالیت‌های انقلابی دانشگاه و رابط میان دانشجویان و فعالیت‌های بسیج در سطح جامعه، جهان اسلام و مردم مستضعف در سراسر جهان است و با توجه به جایگاه دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، این نهاد اسوه و الگوی بسیج دانشجویی در سراسر کشور است و یا باید باشد. از آنجا که «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و «نظام برنامه‌ریزی درسی» به‌منظور تحقق مقاصد بلند مؤسسان این دانشگاه تدوین شده است، به‌طور طبیعی پیام‌هایی برای این نهاد مقدس دارد، از جمله:

۱- بحث و تبادل‌نظر درباره‌ی «مبانی نظام تربیتی»، «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و «نظام برنامه‌ریزی درسی» برای اصلاح و ارتقاء آن؛

۲- همکاری برای تحقق محورهایی که به فعالیت این نهاد مربوط می‌شود؛ مانند «تربیت اجتماعی و سیاسی» و «تربیت عبادی و اخلاقی» دانشجویان که در نظام‌نامه‌ی تربیتی پیش‌بینی شده است.

۳- تقویت روحیه‌ی جهادی، انقلابی و ارتقاء آرمان‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و اخلاقی دانشجویان برای کمک به تحقق اهداف عالی‌های امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالیه) و مرحوم حضرت آیت‌الله مهدوی‌کنی (ره)؛

۴- ایفای نقش پیشرو در همه‌ی صحنه‌های علمی و اجتماعی پیش‌بینی‌شده در «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و «نظام برنامه‌ریزی درسی».

جدول ۱۱-۱۱- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای بسیج دانشجویی

۱۱-۱۱- مرکز تحقیقات بسیج

این نهاد که متکی به تحقیقات دانشجویی و انگیزه‌های انقلابی آنان است، بستر مناسبی برای ظهور و بروز خلاقیت‌هاست. از این‌رو پیشنهاد می‌شود:

۱- با تشکیل جلسات، مبانی و نظام‌نامه‌ی تربیتی مورد مطالعه تطبیقی قرار بگیرد و با نگاه نقادانه ارزیابی شود.

۲- این نهاد بکوشد که دانشجویان را برای مشارکت در اینگونه اسناد آموزش دهد.

۳- مطالعه‌ی تطبیقی میان این سه سند و اسناد دیگر، مانند نظام‌نامه‌ی جامعه‌المصطفی و سند تحول آموزش و پرورش صورت بگیرد.

۴- مطالعات بنیادین برای نقادی رشته‌های موجود دانشگاه و رسیدن به پیشنهاد‌های جدید انجام شود.

۵- مطالعه و پژوهش برای ارتقاء ابعاد تربیت اخلاقی، هنری و... در دستورکار قرار بگیرد.

۶- میان این مرکز با انجمن‌های علمی و نهاد پژوهشی دانشگاه و مرکز رشد تعامل و دادوستد علمی برقرار شود.

۷- توانمندی دانشجویان همکار با مرکز سطح‌بندی شود و متناسب با سطوح اهداف تحصیلی، برنامه‌های تربیتی و پژوهشی آنان تنظیم گردد.

جدول ۱۱-۱۲- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای مرکز تحقیقات بسیج

۱۱-۱۲- هیئت میثاق با شهدا

دراستای تربیت همه‌جانبه‌ی دانشجویان، به‌طوری‌که در نظام‌نامه‌ی تربیتی پیش‌بینی شده، و نیز رسالتی که دانشگاه در جهت هدایت فرهنگی و ارائه‌ی الگوهای انقلابی، مطابق با رهنمودهای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) برعهده دارد، هیئت میثاق با شهدا نقشی بزرگ و مسئولیتی خطیر برعهده دارد؛ که بحمدالله آثار سازنده و انقلابی آن نیز در سطح فرهنگ جامعه قابل مشاهده است. در همین راستا نکته‌ی اساسی زیر قابل ذکر است:

هیئت میثاق با شهدا، گرچه یک نهاد رسمی محسوب نمی‌شود، اما برای تحقق اهداف متعالی دانشگاه و نظام تربیتی آن، یک نهاد ضروری و حائز اولویت است. از این رو پیشنهاد می‌شود «نظام‌نامه‌ی تربیتی» در این نهاد مقدس مورد بررسی قرار بگیرد و بخش‌هایی از آن، به‌خصوص بخش‌های مربوط به «تربیت عقل و قلب»، «رویکرد بنیادین نظام تربیتی»، «ابعاد تربیت» به‌خصوص «تربیت اخلاقی»، «تربیت زیبایی‌گرایی»، «تربیت عبادی»، «تربیت خانوادگی» و «تربیت اجتماعی»، «روش‌های تربیت»، «عوامل تربیت» و نیز بخش‌های مربوط به «سبک زندگی دانشجویی» در «نظام برنامه‌ریزی دینی» توجه بیشتری شود و نسبت آنها با هیئت مشخص شود و کمک‌هایی را که هیئت می‌تواند برای تحقق آنها انجام دهد، تعیین نماید.

جدول ۱۱-۱۳- پیام نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی دینی برای هیئت میثاق با شهدا

۱۱-۱۳- انجمن‌های علمی

با توجه به نقش محوری تربیت علمی در «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و ضرورت شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های پژوهشی دانشجویان، اقداماتی در رابطه با این انجمن‌ها باید انجام بگیرد:

- ۱- اهتمام مسئولان دانشگاه در ارتقاء جایگاه انجمن‌های علمی؛
- ۲- ارتباط وثیق انجمن‌های علمی با دانشکده‌ها و برنامه‌ریزی برای همکاری و مشارکت میان دانشکده‌ها و انجمن‌های علمی؛
- ۳- اختصاص مکان و امکانات مناسب به انجمن‌های علمی؛
- ۴- برنامه‌ریزی انجمن‌ها برای حضور شاداب و فعالانه‌ی نخبگان علمی و دادوستد علمی میان آنها؛
- ۵- تشکیل جلسات بحث و تبادل نظر درباره‌ی «مبانی نظام تربیتی» و «نظام‌نامه‌ی تربیتی» و نوشتن مقالات پیرامون بخش‌ها و موضوعات مختلف این دو سند توسط دانشجویان؛
- ۶- حضور نمایندگان انجمن‌های علمی در برنامه‌های علمی و آموزشی دانشگاه و واگذاری برخی اقدامات علمی به آنها.

جدول ۱۱-۱۴- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی دینی برای انجمن‌های علمی

۱۱-۱۴- دفتر اعزام مبلغ

این دفتر رسالت سنگین ارتباط دانشگاه با اقشار مختلف اجتماع را برعهده دارد. این ارتباط سبب می‌شود که کارایی برنامه‌های دانشگاه در یک صحنه‌ی عمومی محک بخورد و دانشجویان دانشگاه با مسأله‌ها و چالش‌های واقعی و عینی جامعه آشنایی ملموس پیدا کنند. در همین راستا نکات زیر قابل ذکر است:

- ۱- توسعه‌ی کار تبلیغ به حوزه‌های موردنیاز در تربیت؛ مانند تربیت خانوادگی، تربیت سیاسی و تربیت اجتماعی. بر این مبنا تبلیغ می‌تواند جنبه‌های تخصصی پیدا کند و تبلیغ در اقشار خاص نیز در دستورکار قرار گیرد: تبلیغ در میان هنرمندان، تبلیغ در میان خانواده‌ها و تبلیغ در میان سیاستمداران و...
- ۲- بررسی نظام‌نامه‌ی تربیتی به‌منظور تدوین برنامه‌های تربیتی و تبلیغی برای عموم اقشار جامعه در هریک از ابعاد تربیت و تدوین یک برنامه‌ی جامع تبلیغی با رویکرد تربیتی؛

۳- تدوین برنامه برای تربیت علمی عمومی، متناسب با قشرهای مختلف مخاطبین، به منظور تعمیق معرفت دینی آنان براساس یک برنامه‌ی تعریف‌شده؛

۴- تدوین متون و تألیف مناسب برای «تربیت علمی عمومی».

جدول ۱۱-۱۵- پیام‌های نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی برای دفتر اعزام مبلغ



۱۲- فصل دوازدهم:

اشاعه‌ی پرنامه



به‌منظور آگاهی مخاطبان نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی از مبانی و محتوای این دو برنامه و گسترش و توسعه‌ی آن در سایر نهادهای علمی و تربیتی و استفاده‌ی مستمر از دیدگاه‌ها، «معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی» وظیفه دارد برنامه‌ی جامع اشاعه را تدوین نماید و به‌اجرا درآورد.

۱۲-۱- مخاطبان اشاعه

مخاطبان اشاعه که باید جهت آگاهی و آموزش آنان اقدام شود، عبارتند از:

- ۱) مدیران، مسئولان و کارشناسان دانشگاه؛
- ۲) اساتید و مربیان دانشگاه؛
- ۳) دانشجویان (نسبت به بخش‌هایی که به آنان مربوط است)؛
- ۴) نهادهای علمی و تربیتی، به‌خصوص در آموزش عالی و حوزه‌های علمیه؛
- ۵) نهادهای علمی و تربیتی مشابه در جهان اسلام و سایر نقاط دنیا.

جدول ۱۲-۱- مخاطبان اشاعه‌ی برنامه‌ی تربیتی و برنامه‌ریزی دانشگاه

۱۲-۲- روش‌های اشاعه

اشاعه‌ی برنامه باید با روش‌های متنوع و مؤثر بر تأکید با تأثیر کیفی به‌جای کثرت کمی صورت پذیرد، ازجمله:

- ۱- برگزاری کارگاه‌های آموزشی، به‌خصوص برای مخاطبان بند ۱ و ۲؛
- ۲- برگزاری جلسات نقد، مناظره، کرسی آزاداندیشی؛
- ۳- گشایش درگاه مناسب در پایگاه اینترنتی دانشگاه؛
- ۴- دعوت از اساتید تعلیم و تربیت و نظام تربیتی و برنامه‌ریزی دانشگاه؛
- ۵- گردهمایی سالانه برای ارتقاء و برنامه‌ریزی در نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی.

جدول ۱۲-۲- روش‌های اشاعه‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی دانشگاه

۱۲-۳- پشتیبانی از برنامه

به‌منظور اجرای صحیح برنامه و حل مشکلات اجرایی و رفع موانع تشکیلاتی و آسان‌سازی برنامه اقدامات زیر ضروری است:

- ۱- شناسایی قوانین، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های معارض و اصلاح آنها؛
- ۲- تدوین برنامه‌های فرعی پیش‌بینی‌شده در متن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی؛
- ۳- فراهم کردن امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و امکانات مالی.

جدول ۱۲-۳- اقدامات لازم به‌منظور اجرای صحیح برنامه‌ی اشاعه

۱۲-۴- مراحل اجرا و عملیاتی شدن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی

پس از طی مراحل تصویب و رسمیت یافتن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی دانشگاه، برای پیاده کردن این دو سند و اجرای تدریجی آن باید قدم‌های زیر برداشته شود:

- ۱- اشاعه‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی در سطح اساتید، دانشجویان و مدیران و مجریان، با تشکیل جلسات توجیهی مستمر، انتشار اسناد و برگزاری دوره‌های کارگاهی؛
- ۲- ابلاغ نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی به نهادهای دانشگاه، همراه با تعیین مسئولیت‌های هر نهاد



در ابلاغیه؛

۳- انجام تغییرات ساختاری متناسب با مفاد نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی؛

۴- تدوین و تصویب برنامه‌های درخواست‌شده در نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی، مانند برنامه‌ی جامع تندرستی و ورزش و برنامه‌ی جامع تربیت اخلاقی؛

۵- اجرای زمان‌مند نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی در بخش‌های مختلف همراه با نظارت و مراقبت مستمر از سوی ریاست دانشگاه.

جدول ۱۲-۴- مراحل اجرا و عملیاتی شدن نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی



۱۳- فصل سیزدهم:

نظارت و ارزشیابی اجرا

نظام نامہ ی تربیت و

نظام پرنامہ ریزی درسے



اجرای موفق هر برنامه منوط به نظارت دقیق و همه جانبه و ارزیابی بدون اغماض از مجموعه عوامل مؤثر در اجرای برنامه به خصوص عوامل انسانی است. تأکید بر نظارت و ارزیابی ویژه از عوامل انسانی، بدان جهت است که سایر عوامل نیز توسط عوامل انسانی فراهم می شوند و هر نوع کاستی و فزونی در آنها نشانه ی ضعف و قوت عملکرد نیروی انسانی است.

همچنین نظارت و ارزیابی باید توسط نهادی انجام بگیرد که از اقتدار لازم برخوردار باشد و از موضعی بی طرف اظهار نظر نماید. لذا نهاد نظارت و ارزیابی نباید جزء یکی از نهادهای دانشگاه باشد و مسئولیت آن می بایست توسط ریاست عالی دانشگاه معین شود. این نهاد باید مسئولیت نظارت و ارزیابی را برعهده بگیرد؛ همچنان که مسئول آن باید آشنایی دقیق به نظامنامه ی تربیتی و نظام برنامه ریزی درسی داشته باشد تا بتواند لایه های پنهان و غیر آشکار برنامه ها و عملکردها را رصد کند و میزان تأثیر آنها را تشخیص دهد و برخوردار از نظر صائب باشد.

نهاد پژوهشی دانشگاه نیز باید همکاری نزدیکی با این نهاد داشته باشد و پژوهش های مرتبط با ارزیابی را به اساتید و دانشجویان پیشنهاد دهد.

۱۳-۱- ضرورت پویایی و تکامل مستمر

ارزیابی و نظارت، زمینه ساز پویایی و تکامل مستمر برنامه است. با نظارت و ارزیابی، امکان شناخت نقاط ضعف برنامه و برنامه ریزی برای رفع آنها و شناخت نقاط قوت و تقویت آنها فراهم می شود. در غیر این صورت، رخوت و خمودی حاکم می گردد و مرگ تدریجی برنامه فرا می رسد.

نظارت و ارزیابی یک عمل مستمر و دائمی است و اختصاص به زمان خاص ندارد. البته هر برنامه ی مستمر و پیوسته ای، نیازمند زمان بندی و طراحی زمانی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

۱۳-۲- زمان بندی بازنگری در برنامه

نظارت و ارزیابی پیوسته و مستمر منجر به ثبت نتایج و پیشنهادهایی می گردد که بهترین منبع برای بازنگری و ارتقاء برنامه است. از آنجا که برنامه های تربیتی باید دوام لازم را داشته باشد و دستخوش تغییرات موردی نگردد، لازم است بازنگری در برنامه در دوره های شش ساله انجام پذیرد.

البته بازنگری به معنی تغییر حتمی برنامه ها نیست، بلکه این بازنگری به معنی بررسی وضع موجود براساس داده های نظارتی و ارزیابی کنندگان است.

کتابهای درسی، محتواها و مواد آموزشی از این دوره ی شش ساله مستثنی هستند و در هر مرحله ای که نیازمند تغییر تشخیص داده شد، باید فرایند تغییر را طی کنند.

۱۳-۳- مهم ترین بخش های مورد نظارت

اموری که باید مورد نظارت و ارزیابی قرار بگیرند، شامل اسناد و برنامه های عوامل انسانی و عوامل غیر انسانی است که اهم آنها عبارتند از:

- ۱) مدیران، مسئولان و کارشناسان؛
- ۲) اساتید و مربیان؛
- ۳) تشکیلات و ساختارهای دانشگاه؛
- ۴) مبانی نظام تربیتی؛



۵) نظام نامه ی تربیتی؛

۶) نظام برنامه ریزی درسی؛

۷) برنامه های درسی هر رشته؛

۸) محتوای آموزشی و منابع درسی؛

۹) فضا و امکانات؛

۱۰) بودجه و نحوه ی توزیع آن.

جدول ۱۳-۱- مهم ترین بخش های مورد نظارت و ارزیابی

۱۴- فصل چہار دہم:

الگوی جامع مراحل

برنامہ ریزی تربیت و درس



از آنجا که برنامه‌ی درسی بخشی از برنامه‌ی تربیتی است، اجرای این برنامه باید سیری تربیتی را پیمايد. در این سیر تربیتی، مجریان و علی‌الخصوص اساتید از این اختیار برخوردارند که متناسب با امکانات و محدودیت‌ها و فراهم شدن آگاهی‌های فکری و عملی، نظام‌نامه‌ی تربیتی را به‌پیش ببرند و در عمل، آن را ارتقاء بخشند.

از آنجا که مسئولیت اصلی بر دوش مسئولان دانشکده‌ها، مدیران گروه‌ها و اساتید است، باید پیشسازی اساتید را به‌رسمیت شناخت و فرصت نوآوری و قدرت اختیار آنان را تقویت کرد.

همچنین، از آنجا که برنامه‌ریزی درسی و تربیتی هویتی جمعی دارد، این برنامه‌ریزی باید فرایندی رفت‌و برگشتی بین مسئولین برنامه‌ریز و اساتید و اعضای هیئت‌علمی داشته باشد؛ چنانچه یکی از وظایف هیئت‌علمی نیز مشارکت در برنامه‌ریزی درسی است. لذا لازم است نظام دانشگاه، در مراحل برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مشورتی عمل کند و بخش‌های مختلف دانشگاه و اعضای هیئت‌علمی را در مراحل برنامه و متناسب با هر مرحله، در برنامه‌ریزی مشارکت دهد.

برای تحقق این امر لازم است در فرایند و مراحل تعیین‌شده از شیوه‌ی زیر برای این مشارکت استفاده شود:

۱- مشاوره‌ی مستمر با مدیران و اساتید و کسب دیدگاه‌ها و نظرات آنان درباره‌ی ابعاد، اجزاء و عناصر برنامه‌های موجود و استخراج پیشنهادها و توصیه‌های آنان برای وضع مطلوب؛
۲- تشکیل گروه تدوین‌کننده و تولید برنامه، متناسب با موضوع برنامه؛
۳- در اختیار اساتید قرار دادن هر متن تولیدشده‌ی پیشنهادی و تشکیل جلسات تبادل نظر با اساتید برای ارتقاء آن متن و اعمال نظرات اساتید در آنها؛
۴- مشارکت اساتید هر رشته در تولید بخش‌های تخصصی همان رشته؛
۵- اعتباربخشی پایانی با نظرخواهی مجدد از اساتید و مدیران؛
۶- همراه کردن سایر بخش‌های اداری و مالی برای اختصاص وقت لازم به اساتید و تأمین بودجه‌ی آن.

جدول ۱۴-۱- نحوه‌ی مشارکت اساتید و اعضای هیئت‌علمی در تولید برنامه‌های درسی

۱۴-۱- مراحل برنامه‌ریزی

مراحل برنامه‌ریزی برای بازنگری و تدوین مجدد و پیوسته‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی به‌قرار زیر است:

۱۴-۱-۱- پژوهش

نهاد پژوهشی دانشگاه باید مرجعیت علمی و اقتدار برنامه‌ای داشته باشد و پژوهش‌هایش معیار و ملاک اصلی تحولات و تغییرات باشد. پژوهش در موضوع‌های مربوط به بیانیه‌ی رسالت، چشم‌انداز، اهداف کلان، راهبردهای کلان، مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی، نظام برنامه‌ریزی درسی، رشته‌های تحصیلی، برنامه‌ی ماده‌ی درسی، محتوای دانش هر ماده‌ی درسی، برنامه‌های فرهنگی، ورزشی، سلامت، نیازهای جامعه، تولید دانش و نوآوری در هر ماده‌ی درسی با عنایت به مبانی اسلامی و نیازهای جامعه‌ی دینی، رویکردها و روش‌های یاددهی - یادگیری، رویکردها در کیفیت‌بخشی به تولید محتوای آموزشی، رویکردها در کیفیت‌بخشی به ارزشیابی تحصیلی و تربیتی، چابک‌سازی تشکیلات و نهادهای دانشگاه، میزان انطباق اساتید دانشگاه با شاخص‌ها، میزان انطباق دانشجویان دانشگاه با شاخص‌ها، توانایی مدیریت دانشگاه، میزان انطباق هریک از برنامه‌ها با اهداف و چشم‌انداز، پژوهش‌های تطبیقی به‌خصوص در مباحث کلان و مبنایی و مسأله‌هایی ازجمله‌ی این پژوهش‌ها می‌باشد.

با توجه به اصل درون‌زایی، باید این پژوهش‌ها به اساتید دانشکده‌ها و دانشجویان محول شود به‌طوری‌که اساتید و دانشجویان در متن و محور تحول‌ها و برنامه‌های دانشگاه قرار بگیرند و نقش‌آفرینی کنند. پایان‌نامه‌ها، مقالات دانشجویی، سمینارهای علمی می‌تواند با محوریت برنامه‌ریزی‌شده‌ی نهاد پژوهش دانشگاه صورت بگیرد و هر کار علمی دانشگاهی که توسط دانشجو یا استاد صورت می‌گیرد، به‌عنوان حلقه‌ای از حلقات پژوهشی دانشگاه شمرده شود و دانشجو و استاد احساس کند که اقدام علمی وی، علاوه‌براینکه یک گام علمی

است، در ارتقاء نظام علمی و تربیتی دانشگاه مؤثر واقع خواهد شد. بنابراین پژوهشگران فعال نهاد پژوهشی، همهی اساتید و دانشجویان دانشکده‌ها هستند، نه افرادی بیرون از دانشگاه، یا بخش اندکی از اساتید و دانشجویان.

این نهاد باید یک بانک اطلاعات، متناسب با مراحل برنامه‌ریزی تربیتی داشته باشد که دسترسی به پژوهش‌های مربوط به مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی و سایر مراحل را آسان کند و کمبودها و خلأها را نشان دهد. همچنین با همکاری مستقیم دانشکده‌ها، اساتید و دانشجویان بانک اطلاعاتی مربوط به مسأله‌های پژوهش را متناسب با مراحل برنامه‌ریزی تربیتی ساماندهی کند و در ابتدای هر نیم‌سال تحصیلی در رؤیت اساتید و دانشجویان قرار دهد (یعنی اقدام به اطلاع‌رسانی نماید و الا صرف وجود آن در پایگاه نهاد پژوهش کفایت نمی‌کند). به همین خاطر لازم است پژوهش‌ها در یک ساختار جامع پژوهشی که براساس مراحل برنامه‌ریزی طراحی شده صورت پذیرد، تا جایگاه هر پژوهش در این ساختار مشخص باشد و مفید و مؤثر بودن آن، به‌وضوح نشان داده شود. البته این امر بدان معنا نیست که مثلاً یک دانشکده یا یک گروه علمی مربوط به یک رشته نمی‌تواند برای برنامه‌ی درسی خود پژوهشی انجام دهد و براساس آن پژوهش، در برنامه تغییراتی اعمال کند و باید منتظر بماند تا پژوهش‌های قبلی به نتیجه برسد؛ بلکه بدین معناست که پژوهش‌ها، هرچند جزئی و خاص، با تعیین جایگاه در ساختار کلی، تعریف شوند و گروه‌ها و دانشکده‌ها واحدهای بی‌خبر از یکدیگر و جدا از نظام کلی دانشگاه عمل ننمایند.

۱۴-۱-۲- تدوین مبانی نظام تربیتی

از آنجا که مبانی نظام تربیتی، شالوده و زیربنای برنامه و شامل عمیق‌ترین مباحث نظری و فلسفی است که به‌مثابه‌ی روح در اجزای برنامه‌ها حضور دارد، باید توسط حلقه‌ای تدوین شود که ضمن آشنایی جامع به مبانی موردنظر، در صحنه‌ی تربیت علمی و آموزشی نیز ایفای نقش کرده باشد. همچنین چالش‌های تمدن جدید را با نظام اعتقادی اسلام بشناسد و اعتقاد راسخ به انقلاب اسلامی و نظام اسلامی داشته باشد. لذا لازم است پژوهش‌های به‌دست‌آمده، به‌خصوص پژوهش‌های نظری، مورد توجه تألیف‌کنندگان مبانی نظام تربیتی باشد؛ و حلقه‌ی تدوین‌کننده‌ی این مبانی، می‌بایست متخصص در الهیات و معارف اسلامی و حکمت و فلسفه باشد. همچنان‌که مبانی فکری دوره‌ی جدید را بشناسد و با آسیب‌های تربیتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، تمدنی آن آشنایی داشته باشد و نقاد جدی این مبانی باشد.

اما این بدان معنا نیست که اساتید دانشگاه در طراحی آن سهیم نباشند، بلکه همان‌طور که ذکر شد، طراحی مبانی نظام تربیتی باید توسط اساتید دانشگاه و در گفتگو و تعامل با سایر اساتید و دانشجویان انجام شود.

۱۴-۱-۳- تدوین نظام‌نامه‌ی تربیتی

اقدام سوم تدوین نظام‌نامه‌ی تربیتی دانشگاه است. با توجه به ارتباط وثیق نظام‌نامه‌ی تربیتی با مبانی نظام تربیتی، لازم است که هسته‌ی اصلی تدوین‌کنندگان مبانی نظام تربیتی در نظام‌نامه‌ی تربیتی حضور داشته باشند و با محوریت آنان این نظام طراحی شود.

نظام‌نامه‌ی تربیتی دانشگاه، به‌عکس مبانی نظام تربیتی که جنبه‌ی نظری دارد، برنامه‌ای است برای عمل و مبنایی‌ترین و پایه‌ای‌ترین برنامه‌ی دانشگاه را تشکیل می‌دهد که همهی اهداف، برنامه‌ها و رویکردها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر سؤال شود که اهداف کلان دانشگاه براساس چه منبع و معیاری تدوین شده، نیازمند یک منبع مکتوب یعنی نظام‌نامه‌ی تربیتی است.

با اینکه رسالت تخصصی یک نهاد دانشگاهی، تربیت علمی است، اما به دلیل تفکیک‌ناپذیری ساحت‌های تربیت از یکدیگر و رسالت ویژه‌ای که این دانشگاه در تربیت دانشجویان انقلابی، دیندار و بسیجی برعهده گرفته است، نمی‌تواند به تربیت علمی قناعت نماید. لذا ضروری است نظام‌نامه‌ی تربیتی، ابتدا طراحی شود و همهی نهادهای دانشگاه نظام‌های خود را با محور قرار دادن این نظام جامع طراحی نمایند و سپس در داخل آن نظام جایگاه تربیت علمی مشخص شود.

۱۴-۱-۴- تدوین چشم‌انداز، رسالت، اهداف و راهبردهای کلان

مسئله تعیین چشم‌انداز، رسالت، اهداف و راهبردهای کلان هر مجموعه‌ای نیازمند مبنا و معیار است. زیرا این عناصر جهت‌گیری اصلی هر مجموعه را مشخص می‌کنند و در لایه‌های همه‌ی برنامه‌ها حضور دارند. از این‌رو تعیین چشم‌انداز، رسالت، اهداف کلان یا راهبردهای کلان را باید بر مبنای نظام تربیتی و نظام‌نامه‌ی تربیتی استوار کرد تا شبهه‌ی سلیقه‌ای یا غیرواقعی بودن متوجه آن نباشد و اتقان علمی و اعتبار اجرایی لازم را به‌دست آورده باشد.

شورای عالی دانشگاه، با ملاحظه‌ی محتوای مبانی و نظام‌نامه‌ی تربیتی و جایگاه دانشگاه در نظام علمی کشور، به طراحی چشم‌انداز، بیانیه‌ی رسالت، اهداف و راهبردهای کلان دانشگاه می‌پردازد و یا با توجه به اینکه این عناصر از قبل تعیین شده‌اند، آنها را با مبانی نظام تربیتی و نظام‌نامه‌ی تربیتی تطبیق می‌دهد و در صورتی که نیازمند به اصلاح بود، اقدام به بازبینی و اصلاح می‌کند.

۱۴-۱-۵- تدوین نظام برنامه‌ریزی درسی

نظام برنامه‌ریزی درسی، سندی است که مسیر کلان برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه را ترسیم می‌کند و حاکم بر برنامه‌ریزی در دانشکده‌ها و رشته‌های تحصیلی و چگونگی تدوین درس‌ها در هر رشته می‌باشد.

برنامه‌ریزی درسی دانشگاه، رویکردهای کلان برنامه‌ی درسی، جایگاه و اهداف کلان رشته‌ها و ضرورت آنها، ساختار رشته‌ی تحصیلی، ساختار برنامه‌ی درسی در هر ماده‌ی درسی، ضوابط تولید مواد آموزشی، اصول حاکم بر روش‌های تربیت علمی (فعالیت‌های یاددهی - یادگیری)، مبانی ارزشیابی در تربیت علمی، جایگاه استاد و اصول ارتقاء و ارزیابی از استاد، جایگاه دانشجو و صلاحیت‌های ورودی و وظایف دانشجو و شاخص‌های دانش‌آموختگی، شیوه‌ی اشاعه‌ی برنامه‌های درسی و چگونگی نظارت و ارزیابی از اجرای نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی از جمله اموری است که باید تدوین و اجرا گردد.

لازم به ذکر است، با توجه به اینکه «نظام برنامه‌ریزی درسی» مبتنی بر مبانی نظام تربیتی و نظام‌نامه‌ی تربیتی باید تدوین شود و منطبق بر آنها باشد، لازم است هسته‌ی اصلی این سه برنامه ثابت باشد و برحسب تخصص‌های مورد نیاز، در هر مرحله از این سه برنامه، متخصصین مربوط به گروه تدوین‌کننده اضافه شود.

۱۴-۱-۶- تدوین برنامه‌ی درسی رشته‌ها

ششمین مرحله، تولید برنامه‌ی درسی رشته‌های تحصیلی در دانشکده‌های مربوط است. شورای دانشکده، مبتنی بر چشم‌انداز، بیانیه‌ی رسالت، اهداف کلان، راهبردهای کلان، مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی، به تولید یا بازنگری در رشته‌های تحصیلی و درس‌ها و واحدها اقدام می‌کنند.

همان‌طور که در نظام برنامه‌ریزی درسی مشخص گردیده، برای تدوین برنامه درسی رشته‌ها باید به منابع دیگر، از جمله: پژوهش‌ها و ارزیابی‌های نهاد پژوهشی، پژوهش‌های خارج از دانشگاه، نیازها و اقتضائات جدید جامعه، تقاضاها و نیازهای نظام اسلامی و تحولات جدید در رشته مراجعه شود.

۱۴-۱-۷- تدوین برنامه‌های نهادها و تشکیلات

با پذیرش این اصل که مجموعه‌ی نهادهای دانشگاه در خدمت یک هدف مشترک، یعنی تربیت ابعاد وجودی دانشجو و به‌خصوص، تربیت علمی وی می‌باشد، تدوین برنامه‌های نهادها و تشکیلات، باید پس از تدوین سه سند اصلی، یعنی مبانی نظام تربیتی، نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی باشد، به‌گونه‌ای که تابع این سه سند و متأثر از آنها و در خدمت تحقق منویات مندرج در آنها باشد. لذا بازنگری در برنامه‌ها و نظامات نهادها و هماهنگ کردن آنها، پس از تدوین این اسناد ضروری است که باید طی برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده، صورت بگیرد.

۱۴-۱-۸- تدوین برنامه‌ی درسی ماده‌ی درسی

شورای دانشکده، پس از طراحی رشته‌ی تحصیلی و تعیین جدول و مواد درسی آن رشته، موظف است اقدام به تدوین برنامه‌ی درسی رشته بنماید. در تدوین این برنامه، باید عناصر زیر مورد توجه باشد:

- ضرورت و فلسفه‌ی وجودی درس؛
- اهداف کلی و جزئی درس؛
- اصول ویژه‌ی انتخاب محتوا؛
- جدول محتوا و سرفصل‌ها؛
- فعالیت‌های یاددهی - یادگیری؛
- صلاحیت‌های تخصص استاد؛
- شیوه‌ی ارزشیابی.

تدوین‌کنندگان برنامه‌ی درسی باید نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی و برنامه‌ی درسی رشته را به‌دقت مطالعه نموده و دلالت‌های آن اسناد برای یک ماده‌ی درسی را مشخص کنند و در برنامه بگنجانند و مرجع دلالت را ذکر نمایند.

۱۴-۱-۹- اشاعه‌ی نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی

به‌منظور آگاهی مخاطبان نظام‌نامه‌ی تربیتی و نظام برنامه‌ریزی درسی از مبانی و محتوای این دو برنامه و گسترش و توسعه‌ی آن در سایر نهادهای علمی و تربیتی و استفاده‌ی مستمر از دیدگاه‌ها، «معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی» وظیفه دارد برنامه‌ی جامع اشاعه را تدوین نماید و به‌اجرا درآورد.^۱

۱۴-۱-۱۰- اجرای برنامه‌ها

فعالیت نهادها و بخش‌های مختلف دانشگاه، یک فعالیت مستمر و توقف‌ناپذیر است که از بدو تأسیس آغاز شده و ان‌شاءالله در حکومت عدالت‌گستر امام عصر^{علیه السلام} نیز ادامه خواهد داشت.

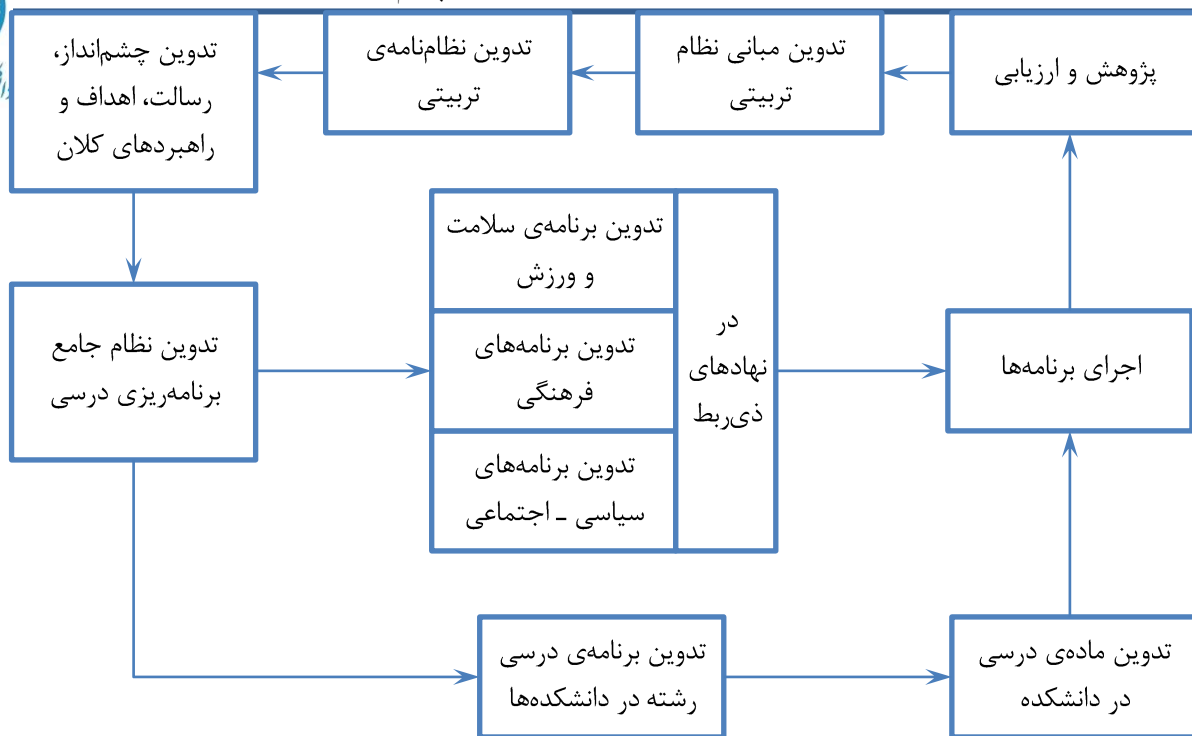
تدوین برنامه‌ها و اصلاح ساختار درطول زمان و در فرایند بازنگری‌ها صورت می‌گیرد و مجریان و مسئولان امر، خود را با این اصلاحات هماهنگ می‌کنند.

مدیریت کلان دانشگاه و به‌تبع آن مدیریت‌های تابع باید بازنگری‌های برنامه‌ای را به صورت‌های مقتضی و در قالب آئین‌نامه و بخشنامه به اطلاع نهادهای ذی‌ربط برسانند و مسئولیت‌های اجرایی را مشخص کنند.

۱۴-۱-۱۱- نظارت و ارزیابی

نهاد پژوهش و ارزیابی نیز با آغاز هر برنامه‌ی جدید، بدون وقفه و ازدست دادن زمان، باید ارزیابی و نظارت را آغاز کند و در صورت تعلل و تأخیر در اجرا، این تأخیر را علت‌یابی نماید.

^۱ پس از مذاکره یکی از این نهادها برای ایفای مسئولیت اشاعه مشخص شود.



نمودار ۱۴-۱: الگوی جامع مراحل برنامه‌ریزی تربیتی (با تکیه بر وحدت رویه و استمرار تحول و تکامل)

تعريف

استاد راهنما مسئولیت هدایت دانشجویان را در طول دوره‌ی تحصیل برعهده دارد و آنان را در جهت رسیدن به اهداف دانشگاه در تربیت علمی و سایر ابعاد تربیت راهنمایی می‌کند.

اندیشه‌ی کل‌نگر:

این اندیشه که درمقابل اندیشه‌ی جزئ‌نگر قرار دارد، علاوه‌بر قدرت تحلیل یا تجزیه کردن مفاهیم و گزاره‌ها، توانایی ترکیب و مجموعه‌ای دیدن امور را دارد؛ مبانی و زیرساخت‌ها را بهتر می‌فهمد؛ شاکله و سیستم را درک می‌کند و قدرت علت‌یابی حوادث را دارد و می‌تواند فروع را به اصول و اجزاء را به کل ارجاع دهد.

اهداف تحصیلی:

اهدافی هستند که دانشجویان رشته‌های تحصیلی در پایان دوره‌ی تحصیل باید بدان نائل شوند. برنامه‌های درسی نیز برای تحقق این اهداف تنظیم می‌شوند و به‌اجرا درمی‌آیند.

برنامه درسی:

برنامه‌ای است برای اجرایی کردن و پیاده نمودن درس خاص. عناصر اصلی یک برنامه‌ی درسی عبارتند از: تعیین ضرورت درس، اهداف، حدود و وسعت محتوا، شیوه‌های تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و مواد آموزشی و رسانه‌های مرتبط با آن. از برنامه‌ی درسی، گاهی به‌عنوان راهنمای برنامه‌ی درسی نیز یاد می‌شود.

برنامه‌ریزی درسی:

عبارت است از تدوین و تنظیم برنامه، وظایف و نقش‌های عوامل دخیل و مؤثر در اجرای برنامه‌های درسی، اعم از عوامل انسانی و غیرانسانی، در یک نهاد یا سازمان آموزشی، به‌منظور تحقق اهداف تربیت علمی. در برنامه‌ریزی درسی، ساختار و چارچوب مشترک برنامه‌های درسی نیز تعیین می‌گردد.

پژوهش:

بخشی از تربیت علمی است که دانشجوی، فعالیت نظام‌مندی را برای رسیدن به مجهولات، و حل یک مسأله‌ی مبنایی سامان می‌دهد. هر پژوهش، معمولاً دارای چند مرحله‌ی به‌هم پیوسته و متوالی است، به‌نحوی که پیشرفت هر مرحله‌ی پژوهش زمینه‌ساز رسیدن به مرحله‌ی بعد است.

تربیت:

بنابر مبانی اسلامی، تربیت عبارت است از مجموعه‌ی نظام‌مند فعالیت‌های مربی یا مربیان به‌منظور رشد همه‌جانبه و انتخاب‌گرانه‌ی استعدادهای فطری متربی و تقرب وی به غایات کمالی که خداوند در انسان به‌ودیعت نهاده و منطبق با صراطی که خداوند انسان‌ها را به‌سوی آن دعوت کرده است. آنچه ارائه شد، تعریف با محوریت غایت و هدف است. ازمنظر دیگر، با عنایت به فرایند تربیت، تربیت عبارت است از: مجموعه‌ی فعالیت‌های نظام‌مند مربی یا مربیان به‌منظور تلاش انتخاب‌گرانه‌ی متربی برای رسیدن به مراتبی از شناخت و معرفت به حقایق دین، ایمان مبتنی‌بر آن معرفت و عمل شایسته‌ی آن ایمان و معرفت، به‌منظور نیل به غایات فطری.

دراین دو تعریف عناصر زیر مندرج است:

۱) رشد، یک حرکت طبیعی است، نه قشری؛ از درون صورت می‌گیرد، نه از بیرون.

۲) مربی تنها زمینه‌ساز و آماده‌کننده‌ی شرایط و رفع‌کننده‌ی موانع نیست.

۳) مربی، معلم نیز هست، یار و مددکار و اسوه و الگو نیز می باشد. آنجا که مربی نقش فاعلی دارد، فاعلیتش طولی است و منافاتی با اختیار و انتخابگری متربی ندارد.

۴) تربیت فعالیتی تدریجی و گام به گام است، زیرا ساختار تکاملی انسان تدریجی الحصول است.

۵) گام ها و مراحل تربیت، تعاقبی و متصل به یکدیگرند. لذا تا مرحله ی قبل پخته نشده و به کمال نرسیده، اقدام برای مرحله بعد، آسیب زاست.

۶) متربی با انتخاب و آگاهی عمل می کند و مربی به جای او تصمیم نمی گیرد.

۷) متربی دارای ساختار وجودی معین و مخلوقی با ویژگی های مشخص است و تربیت باید منطبق با این ساختار باشد.

۸) این ساختار وجودی و فطرت را خداوند در انسان به ودیعت نهاده و همان خدا برنامه ی کلی شکوفایی فطرت را از طریق رسولان به انسان اعطا فرموده است (دین). مربی باید برنامه ی ویژه ی خود را در چارچوب دین الهی که دقیقاً با فطرت و ساختار وجودی انسان سازگار است، تدوین کند و به اجرا درآورد.

۹) نیاز به مربی و هدایتگر.

۱۰) نظام مند بودن تربیت.

۱۱) فعال بودن متربی در جریان تربیت (نفی تربیت انفعالی).

تربیت علمی:

قسمی از اقسام تربیت است که به منظور شکوفایی استعداد علمی و بعد حقیقت طلبی انسان انجام می پذیرد. تربیت علمی، با تعلیم مترادف است.

تعلیم:

نوعی از تربیت است که به منظور شکوفایی استعداد علمی متربی صورت می گیرد و مانند سایر اقسام تربیت، مجموعه ای از فعالیت نظام مند مربی و معلم است تا متربی و متعلم فعالیت یادگیری را انجام دهد و به مراتبی از علم دست یابد. از این رو تعلیم، مترادف با تربیت علمی است و لذا تعلیم در عرض تربیت نیست و نوعی از آن است.

تفکر ارزیاب و نقاد:

مرحله ای از توانایی تفکر و تعقل است که می تواند ارزیابی، نقادی و قضاوت کند. نقد به معنای آشکار ساختن حسن و عیب است. اگر متربی این قدرت را پیدا کند که بتواند با منطق عقل، حسن یا عیب یک سخن، کتاب، روش، سنت اجتماعی، فیلم سینمایی و هر امر دیگری را پیدا کند و بیان نماید، مراتبی از تفکر ارزیاب و نقاد را به دست آورده است و چنین کسی توانایی و صلاحیت قضاوت و داوری دارد.

تفکر خلاق:

خلاقیت و ابداع، استعدادی است که خداوند در انسان به ودیعت گذاشته که نتیجه ی رشد همه جانبه ی تفکر است. انسان متفکر دارای قدرت ابتکار است. انسان متفکر می تواند در اندیشه ی خود چیزی را که نیاز دارد، بهروراند و راه پدید آوردن آن در خارج را بیابد. هنر و فناوری از نمودهای تفکر خلاق است. البته خلاقیت اختصاص به این امور عینی ندارد. ارائه ی یک نظر ابتکاری در فلسفه، خلق یک شعر بدیع و تازه و نظایر آن نیز ناشی از تفکر خلاق است.

تفکر فلسفی:

اگر ذهن انسان از تفکر در عالم محسوس و امور جزئی و عادی عبور کند و برای درک سطوح عمیق حقیقت تلاش نماید و به سؤال‌های بنیادین زندگی مانند، از کجا آمده‌ام؟ برای چه آمده‌ام؟ و به کجا می‌روم بیندیشد و بتواند پاسخ‌های درخور و معقول ارائه کند، به مرتبه‌ای از تفکر فلسفی دست یافته است.

تفکر نظام‌مند و سیستمی:

تفکر، خودش یک حرکت نظام‌مند و باقاعده است که وقتی انسان در آن مهارت پیدا کند و از تفکر ساده به مراحل پیچیده‌تر آن دست یابد، به ذهنی نظام‌مند و سامان‌یافته می‌رسد که می‌تواند روابط پیچیده نظام خلقت را کشف کند یا برنامه‌های دقیق و منسجم طراحی نماید که نشانه‌ی تفکر سیستمی یا نظام‌مند است.

تلفیق:

به‌معنای عبور از سازماندهی دیسیپلینی و موضوع‌محور برنامه‌های درسی و تولید برنامه‌های درسی بین‌رشته‌ای است؛ به‌طوری‌که با محور قرار دادن مسأله‌های مشترک میان برنامه‌های درسی مستقل، یک برنامه‌ی درسی تدوین شود. این برنامه‌ی درسی که با عنایت به نیازهای مخاطب تنظیم شده، اهداف هریک از موضوع‌ها را تاحدودی دنبال می‌کند؛ درعین‌حال که به اهداف مشترک توجه بیشتری دارد و نیازهای مخاطب را مدنظر قرار می‌دهد.

دانش‌جو محوری:

رویکردی در انتخاب محتوا و تدوین است که نیازها و علائق دانشجو را در اولویت قرار می‌دهد. این رویکرد به فعالیت دانشجو و مشارکت وی در آموزش بیشتر توجه می‌کند و انسجام منطقی و صوری محتوا را در رتبه‌ی دوم اهمیت قرار می‌دهد.

رسانه:

قالب‌ها و ظروفی هستند که محتوا در آنها ریخته می‌شود تا قابل انتقال به مخاطب گردد. کتاب یکی از مهم‌ترین رسانه‌هاست که حاوی محتوای یادگیری است. گاهی از باب اطلاق ظرف به مظروف به مجموعه‌ی کتاب و محتوای آن، رسانه گفته می‌شود.

رویکرد:

رویکرد یا رهیافت جهت‌گیری اساسی یک برنامه است که از یک‌طرف ریشه در مبانی فلسفی و مفروضات دارد و از طرف دیگر بر تمام عناصر و اجزای برنامه پرتو می‌افکند و ساختار و سامان آن را جهت می‌دهد. اتخاذ صحیح رویکرد از مبانی و التزام به آن در برنامه، سبب انسجام درونی و همگرایی اجزاء آن برنامه می‌شود و روح واحد را بر مجموعه حاکم می‌کند.^۱

رویکردها می‌توانند ناظر بر مجموعه و کلیت یک برنامه باشند یا ناظر بر یکی از بخش‌ها و اجزاء. مثلاً یک برنامه‌ی درسی می‌تواند یک رویکرد کلی داشته باشد که تمام عناصر برنامه را تحت‌تأثیر قرار دهد. روش تدریس این برنامه نیز از حیث روش تدریس، دارای یک رویکرد است که ریشه در آن رویکرد کلی دارد و از عناصر مقدم بر خود به‌دست آمده است.

ساختار علم:

هر شاخه و رشته‌ای از دانش، دارای یک ساختار است که قضایا و قوانین آن علم در چارچوب آن ساختار سامان می‌یابند و با یکدیگر رابطه پیدا می‌کنند. به عبارت دیگر، هر شاخه‌ی دانش، دارای یک شبکه‌ی مفهومی و گزاره‌ای است که هر قضیه‌ای در آن شبکه جایگاه خاص دارد. محور ساختار هر شاخه‌ای از دانش که جایگاه همه‌ی قضایا و احکام آن دانش را تنظیم می‌کند، موضوع آن دانش است.

^۱ بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی، علیرضا صادق‌زاده قمصری، ص ۳۳۹.

شاخص:

معیارها و ملاک‌های قابل تبدیل به ابزارهای سنجش و اندازه‌گیری برای ارزیابی یک برنامه، نهاد، شخص یا رفتاری است که با مراجعه به مبانی و اصول و اهداف پذیرفته‌شده، استخراج می‌شوند.

ضرورت و فلسفه وجودی:

تأسیس هر رشته‌ی تحصیلی نیازمند دلیل، تبیین و ذکر چرایی رشته است. آنچه باید در این موارد بیان گردد، ضرورت و فلسفه‌ی وجودی آن رشته نامیده می‌شود.

علوم عملی:

علوم و دانش‌هایی هستند که پیرامون فعل و عمل اختیاری انسان شکل گرفته و سامان یافته‌اند و در قالب گزاره‌های انشائی بیان می‌شوند. این علوم یا در رابطه‌ی انسان با خود (مانند: هر فردی باید اهل تفکر باشد) یا با خدا (مانند: هر انسانی باید سپاسگزار خداوند باشد) یا با جامعه (مانند: هر انسانی باید عدل را مراعات کند) یا با خانواده (مانند: هر کس باید حقوق اعضای خانواده را رعایت کند) یا با خلقت و طبیعت (مانند: هیچ‌کس نباید آب را آلوده کند) می‌باشد. در تقسیم‌بندی کلاسیک، علوم عملی شامل علم اخلاق، تدبیر منزل (نظام خانواده)، سیاست مدن (احکام و مقررات اجتماعی) است.

علوم نظری:

علوم و دانش‌هایی هستند که انسان‌ها از طریق حس و تجربه یا استدلال عقلی درباره‌ی واقعیات به‌دست آورده‌اند؛ و شامل دانش‌های فلسفی (مانند، جهان دارای خالق و علتی واجب‌الوجود است)، ریاضی (مانند: مجموع زوایای مثلث ۱۸۰ درجه است)، طبیعی (مانند: اجسام دارای نیروی جاذبه هستند) و انسانی (مانند: انسان مرکب از جسم و روح است) می‌شود.

فرایندمحوری:

رویکردی در برنامه‌ریزی درسی و تربیت است که رشد و تحول و تکامل انسان را امری فرایندی تلقی می‌کند و به برنامه‌ریزان درسی، این پیام را می‌دهد که برنامه و محتوای درسی و تربیتی نیز باید ساختار فزاینده‌ی و متناظر با فرایندهای یادگیری و هویت‌یابی در انسان باشد.

فعالیت یاددهی - یادگیری:

رخدادی است که در تقابل میان استاد و دانشجو به‌منظور تحقق اهداف تعلیمی و برای آموزش یک موضوع درسی، در کلاس یا هر محیط تعلیمی دیگری سامان‌دهی می‌شود. آنچه از ناحیه‌ی استاد رخ می‌دهد، تدریس نام دارد. «تدریس» بار معنایی یکجانبه بودن را دارد، اما اصطلاح «یاددهی - یادگیری» حکایت از تعامل و فعالیت توأمان استاد و دانشجو می‌کند.

قلمرو اهداف:

از آنجاکه یادگیری باید ساحت‌ها یا قلمروهای وجودی انسان به‌وقوع بپیوندد، اهداف تربیتی یا یادگیری را نیز متناظر با قلمروها تنظیم می‌کنند. این قلمروها، بنابر نظر بنیامین بلوم، عبارتند از: شناختی، عاطفی و روانی - حرکتی.

درباره‌ی جامع و مانع بودن این قلمروها و ماهیت هریک، بحث‌های زیادی صورت گرفته که قابل توجه و اعتنا هستند. در بخش انسان‌شناسی مبانی نظام تربیتی که فرایند وقوع فعل اختیاری در انسان بیان گردید، از «عقل»، «قلب» و جوانح و جوارح سخن به‌میان آمد و توضیح داده شد که معرفت و شناخت، داده‌ی قوه‌ی عقل، ایمان و اعتقاد، مظروف و زینت‌بخش قلب و رفتار جوانحی یا جوارحی ثمره‌ی معرفت عقل و ایمان قلب است.

ماده‌ی درسی:

در هر رشته‌ی تحصیلی تعدادی از عناوین درسی با واحدهای معین وجود دارد که هریک از آن عناوین درسی یک ماده‌ی درسی را تشکیل می‌دهند. این مواد درسی می‌توانند از دروس عمومی باشند یا دروس تخصصی. به‌طور مثال، «مکالمه‌ی عربی» یک ماده‌ی درسی عمومی و «مبانی علم اقتصاد» یک ماده‌ی درسی تخصصی در رشته‌ی اقتصاد محسوب می‌شود. برای هر ماده‌ی درسی، یک برنامه‌ی درسی تدوین می‌کنند و در این برنامه، اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، شیوه‌های ارزشیابی و سایر عناصر دخیل در تدریس آن ماده‌ی درسی را تعیین می‌نمایند.

محتوای یادگیری:

مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول، تصویرها، نمودارها، توضیحات و اموری از این قبیل هستند که به یادگیرنده ارائه می‌شود تا ورود آنان را به فعالیت‌های آموزشی میسر سازد و رسیدن آنان را به هدف‌های آموزشی ممکن نماید. محتوا می‌تواند در قالب‌های مختلفی ارائه شود که متداول‌ترین آنها کتاب درسی است.

مواد آموزشی:

محتوایی است که توسط مؤلف در قالب کتاب یا سایر رسانه‌های آموزشی تدوین شده و در اختیار دانشجو قرار می‌گیرد.

موضوع محوری:

هر شاخه‌ای از دانش، ساختار موضوعی خاصی دارد. اگر محتوای آموزشی و تقدم و تأخر عناوین دروس متناسب با ساختار و تقدم و تأخر موضوعات در آن ساختار باشد و از آن تجاوز نکند، محتوای آموزشی و فعالیت‌های یادگیری رویکردی موضوع‌محور پیدا می‌کند. محتوای آموزشی موضوع‌محور، نظم منطقی و انسجام درونی دارد، اما ممکن است با نیازها و علائق دانشجو هماهنگی نداشته باشد و سبب مشارکت وی در تدریس نشود.

نظام‌نامه‌ی تربیتی:

سندی است که در آن برنامه‌ی کلان یک نهاد تربیتی طراحی شده است. در این سند، که خود مبتنی بر مبانی است، تعریف تربیت، ابعاد تربیت، فرایند تربیت، اصول و روش‌های تربیت و موضوع‌ها و مباحثی از این قبیل تدوین شده است. این سند با توجه به نوع و هدف نهاد تربیتی جهت‌گیری ویژه پیدا می‌کند. از این رو جهت‌گیری نظام‌نامه‌ی ویژه‌ی دانشگاه به سمت تربیت علمی است، گرچه به سایر ابعاد تربیت نیز توجه می‌شود و تربیت علمی در بستر تربیت همه‌جانبه‌ی انسان سامان‌دهی می‌گردد.

هم‌افزایی:

به معنای هماهنگی و همکاری و تعاون میان برنامه‌های درسی مستقل است، به نحوی که این تعاون سبب ارتقاء فرایند یادگیری در هریک از برنامه و افزایش کیفیت تربیت علمی شود. این هم‌افزایی می‌تواند میان چند رشته‌ی تحصیلی یا میان درس‌های یک رشته‌ی تحصیلی پدید آید.



منابع و مآخذ



- (۱) قرآن کریم
- (۲) نهج البلاغه
- (۳) صحیفه سجادیه
- (۴) نهج الفصاحه
- (۵) مفاتیح الجنان
- (۶) بحار الأنوار
- (۷) کافی
- (۸) اصول کافی
- (۹) فروع کافی
- (۱۰) الذریعه الى حافظ الشریعه: شرح اصول کافی
- (۱۱) مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه
- (۱۲) غرر الحکم و درر الکلم
- (۱۳) تحف العقول
- (۱۴) فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر صافی
- (۱۵) فیض کاشانی، ملا محسن، علم الیقین
- (۱۶) توحید صدوق
- (۱۷) امالی صدوق
- (۱۸) شیخ صدوق، معانی الاخبار
- (۱۹) شیخ صدوق، ثواب الأعمال
- (۲۰) شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه
- (۲۱) من لایحضره الفقیه
- (۲۲) امالی طوسی
- (۲۳) ارشاد القلوب
- (۲۴) نور الثقلین
- (۲۵) طبرسی، الاحتجاج
- (۲۶) وافی
- (۲۷) تفسیر قمی
- (۲۸) شرح غرر و درر آمدی
- (۲۹) علل الشرائع
- (۳۰) کنز العمال
- (۳۱) مجمع البحرین، طریحی، شیخ فخرالدین
- (۳۲) نفس المصدا
- (۳۳) مشکاة الأنوار



اسناد دانشگاه

- ۳۶ اسناد بالادستی دانشگاه، اعم از بیانیه‌ی رسالت، سند چشم‌انداز، سند اهداف کلان و راهبردهای کلان دانشگاه (ابلاغی از جانب مقام معظم رهبری دامت‌السلام)
- ۳۷ بیانات حضرت آیت‌الله مهدوی کنی رحمته‌الله
- ۳۸ استراتژی‌های کلی ریاست فقید دانشگاه در بازنگری برنامه‌های درسی.
- ۳۹ صورتجلسات شورای دانشگاه.
- ۴۰ مصوبات کمیته برنامه‌ریزی علمی.
- ۴۱ بررسی اجمالی فرایند علمی برنامه‌ریزی درسی دانشگاه.
- ۴۲ برنامه‌های درسی رشته‌های مختلف دانشگاه.
- ۴۳ گزارش تجزیه و تحلیل فعالیت‌های دانشکده‌ها، بررسی ساختاری آنها و مکانیزم ارتباطی دانشکده‌ها با معاونت‌های ستادی (۱۳۹۳/۷/۱۹).
- ۴۴ طراحی برنامه‌ی درسی دروس معارف اسلامی برای دوره‌ی کارشناسی‌ارشد پیوسته‌ی تمام رشته‌های دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دکتر خندان.
- ۴۵ مکتب تلفیقی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دکتر همایون.
- ۴۶ مجموعه مصاحبه‌های سال ۹۰ با رؤسای دانشکده‌ها و برخی اعضای هیئت علمی دانشگاه راجعه رویکرد نسبت به علم دینی و راه تحقق آن در دانشگاه.
- ۴۷ مجموعه مصاحبه‌های سال ۹۳ با رؤسای دانشکده‌ها و برخی اعضای هیئت علمی دانشگاه.
- ۴۸ اسناد مربوط به معاونت‌ها و بخش‌های مختلف دانشگاه درمورد اهداف، وظایف و خلاصه اقدامات انجام‌شده تاکنون؛ اعم از:
- مأموریت حوزه‌ی معاونت آموزشی و تحصیلات تکمیلی
 - آیین‌نامه ارتقاء مرتبه‌ی اعضای هیأت علمی مؤسسه‌های آموزشی و پژوهشی مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۸۹/۱۱/۲۳)
 - اهداف و مأموریت معاونت دانشجویی و فرهنگی
 - خلاصه‌ی گزارش اجرای طرح ارتقاء وضعیت تحصیلی (معاونت دانشجویی و فرهنگی) (دی ماه ۹۲)
 - اهداف و وظایف کتابخانه
 - ره‌آورد (معرفی و گزارش‌های دفتر اعزام مبلغ)
 - برنامه‌ریزی راهبردی دفتر اعزام مبلغ
- ۴۹ نقد متون علوم انسانی، براساس دیدگاه مبنائگرایی و روش استاد مطهری، دکتر خندان.
- ۵۰ طراحی مدل نظام انگیزش مالی دانشجویان دانشگاه، دکتر پیغامی.
- ۵۱ گونه‌شناسی رهیافت‌های تلفیقی در طراحی برنامه‌های درسی و دلالت‌های کاربردی آن برای رشته‌ی اقتصاد، دکتر پیغامی.

اسناد بیرون

۵۲ نقشه‌ی جامع علمی کشور.

۵۳ سند و مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش.

- (۵۴) برنامه‌ی درسی ملی آموزش و پرورش.
- (۵۵) راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیمات دینی و قرآن آموزش و پرورش.
- (۵۶) نظام‌نامه‌ی تربیتی جامعه المصطفی العالمیه، زیر نظر حجت‌الاسلام دکتر اعرافی.
- (۵۷) طرح دوره‌ی حکمت‌جویی.

سایر کتب

- (۵۸) ابن‌سینا، الشفاء
- (۵۹) صدرالمتألهین، الاسفار الاربعه
- (۶۰) خواجه طوسی، نصیرالدین، شرح الاشارات و التنبیها
- (۶۱) خواجه طوسی، نصیرالدین، اساس الاقتباس
- (۶۲) شاه‌آبادی، محمدعلی، رشحات‌البحار، الانسان و الفطره
- (۶۳) امام خمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل
- (۶۴) امام خمینی، صحیفه‌ی امام
- (۶۵) امام خمینی، چهل حدیث
- (۶۶) امام خمینی، مصباح‌الهدایه الی الخلافه و الولایه
- (۶۷) خامنه‌ای، علی، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری
- (۶۸) روشنای علم (مجموعه سخنرانی‌های مقام معظم رهبری)
- (۶۹) علامه طباطبائی، محمدحسین، ترجمه‌ی تفسیر المیزان
- (۷۰) علامه طباطبائی، محمدحسین، بدایه‌الحکمه
- (۷۱) علامه طباطبائی، محمدحسین، نهایه‌الحکمه
- (۷۲) علامه طباطبائی، محمدحسین، رسائل توحیدی
- (۷۳) علامه طباطبائی، محمدحسین، رساله‌الولایه
- (۷۴) علامه طباطبائی، محمدحسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم
- (۷۵) علامه طباطبائی، محمدحسین، بررسی‌های اسلامی
- (۷۶) علامه طباطبائی، محمدحسین، شیعه در اسلام
- (۷۷) علامه طباطبائی، محمدحسین، انسان از آغاز تا انجام
- (۷۸) مطهری، مرتضی، مجموعه آثار
- (۷۹) مطهری، مرتضی، یادداشت‌های استاد
- (۸۰) علامه طهرانی، محمدحسین، معادشناسی
- (۸۱) جوادی آملی، عبدالله، تسنیم
- (۸۲) جوادی آملی، عبدالله، حقیق‌مختوم
- (۸۳) جوادی آملی، عبدالله، سرچشمه‌ی اندیشه
- (۸۴) جوادی آملی، عبدالله، شریعت در آینده‌ی معرفت
- (۸۵) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر انسان به انسان
- (۸۶) جوادی آملی، عبدالله، توحید در قرآن

- ۸۷) جوادی آملی، عبدالله، معاد در قرآن
- ۸۸) جوادی آملی، عبدالله، معرفت‌شناسی در قرآن
- ۸۹) جوادی آملی، عبدالله، اخلاق در قرآن
- ۹۰) جوادی آملی، عبدالله، فطرت در قرآن
- ۹۱) جوادی آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن
- ۹۲) جوادی آملی، عبدالله، حیات حقیقی انسان در قرآن
- ۹۳) جوادی آملی، عبدالله، اسلام و محیط زیست
- ۹۴) جوادی آملی، عبدالله، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی
- ۹۵) جوادی آملی، عبدالله، ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد
- ۹۶) مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش فلسفه
- ۹۷) مصباح یزدی، محمدتقی، معارف قرآن
- ۹۸) مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید
- ۹۹) مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن
- ۱۰۰) مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه‌ی اخلاق
- ۱۰۱) فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، زیر نظر مصباح یزدی
- ۱۰۲) عبودیت، فلسفه مقدماتی
- ۱۰۳) سوزنچی، حسین، معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی
- ۱۰۴) ابراهیمی دینانی، غلامحسین، ماجرای فکر فلسفی
- ۱۰۵) سروش، عبدالکریم، درس‌هایی در فلسفه‌ی علم الاجتماع
- ۱۰۶) سروش، عبدالکریم، تفرج صنع
- ۱۰۷) ملکیان، مصطفی، راهی به رهایی: جستارهایی در باب عقلانیت و معنویت
- ۱۰۸) ابن تیمیه، درء تعارض العقل و النقل
- ۱۰۹) خدا و مسأله شر، قدردان قراملکی، محمدحسن
- ۱۱۰) پترسون، عقل و اعتقاد دینی
- ۱۱۱) اصول فلسفه و روش رئالیسم، علامه طباطبائی.
- ۱۱۲) مجموعه آثار، مرتضی مطهری.
- ۱۱۳) معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی، دکتر حسین سوزنچی.
- ۱۱۴) وضعیت علوم انسانی در ایران معاصر، به‌اهتمام پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۱۵) علوم انسانی بومی دینی، پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۱۶) آسیب‌شناسی علوم انسان در ایران، پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۱۷) راهبردهایی برای ارتقاء علوم انسانی در کشور، پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۱۸) تولید علم و علوم انسانی، دکتر فیاض.
- ۱۱۹) همایش مبانی فلسفی علوم انسانی، مؤسسه پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ۱۲۰) مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی بر اساس فلسفه‌ی صدر، دکتر جمیله علم‌الهدی.
- ۱۲۱) نظریه‌ی اسلامی تعلیم و تربیت، دکتر جمیله علم‌الهدی.

۱۲۲) تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، دکتر سعید بهشتی.

۱۲۳) آیین خردورزی، دکتر سعید بهشتی.

۱۲۴) نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، دکتر خسرو باقری.

۱۲۵) درآمدی بر فلسفه‌ی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران، دکتر خسرو باقری.

۱۲۶) تعلیم و تربیت بصیرت‌گرا، دکتر علیرضا رحیمی.

۱۲۷) بنیان نظری تحول راهبردی در نظام تربیت رسمی و عمومی، علیرضا صادق‌زاده قمصری.

۱۲۸) برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، دکتر حسن ملکی.

۱۲۹) تفکر سیستمی در اسلام، فریدون وردی‌نژاد.

۱۳۰) تفکر سیستمی، دکتر عباس بازرگان.

۱۳۱) روش تدریس خدا، دکتر سنگری.

۱۳۲) روش‌های نوین تدریس، محرم آقازاده.

پی‌ان‌ها

۱۳۳) بررسی پاسخ‌هایی سازمانی به فشارهای نهادی (موردکاوی: دانشگاه امام صادق (ع)، علی قاسمی.

۱۳۴) بررسی تطبیقی انتظارات دانشجو و انتظارات دانشگاه براساس فلسفه‌ی بازاریابی رابطه‌ای (مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق (ع)، جمال حسینی.

۱۳۵) تبیین الزامات ساختاری دانشگاه امام صادق، به توجه به جهت‌گیری‌های مأموریتی، سیامک طهماسبی.

۱۳۶) تدوین استراتژی‌های کلان پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، مرتضی سلطانی.

۱۳۷) روش‌شناسی اجرای مهندسی مجدد فرایندها در دانشگاه امام صادق (ع) با تأکید بر فرایندهای آموزشی و پرورشی، صادق بحرینی.

۱۳۸) طراحی مدل ریاضی برنامه‌ریزی نیروی انسانی (دانشجویان) دانشگاه امام صادق (ع) با رویکرد منطق فازی، احمد خدایی.

۱۳۹) طراحی الگوی تعالی سازمان‌های آموزشی بر مبنای مدل EFQM (مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق (ع)، محمدصادق خیاطیان یزدی.

۱۴۰) طراحی و تدوین استراتژی‌های کلان حوزه‌ی آموزش (مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق (ع)، جواد دل‌پسند.

۱۴۱) نظام آموزشی و بازتولید سرمایه‌ی فرهنگی (مورد مطالعه: دانشگاه امام صادق (ع)، محمدحسن حسن‌پور.

۱۴۲) واکاوی و فهم تصویر سازمانی (دانشگاه امام صادق (ع)) در پرتو عملکرد دانش‌آموختگان (مورد مطالعه: سازمان صداوسیما)، مهدی قمری.

۱۴۳) تبیین عوامل ایجادکننده‌ی تفکر نقاد در دانشکده‌ی مرجع، محسن شیری.

۱۴۴) طراحی مدل دانشکده‌ی مرجع علمی (مطالعه موردی: دانشکده معارف اسلامی و مدیریت)، کمیل رودی.

۱۴۵) مؤلفه‌های اصلی الگوی اسلامی ایرانی تربیت اقتصادی، مهدی طغیانی دولت‌آبادی.

۱۴۶) الگوی تربیت اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های امام سجاد (ع)، حسین مهدوی‌منش.

۱۴۷) رویکرد اجتماعی - تربیتی شهید مطهری در تفسیر قرآن کریم، اباذر حبیبیان.

۱۴۸) طراحی چارچوب مفهومی خط‌مشی‌گذاری عمومی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی با تأکید بر خط‌مشی‌های آموزش عالی، مهدی ثنایی.

۱۴۹) الگوی پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) در جایگاه مرجعیت علمی مبتنی بر مکتب علمی امام صادق (ع)، مهدی قضاوی‌زاده.

۱۵۰) اندازه‌گیری و تحلیل سطح یادگیری سازمانی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و ارائه‌ی راهکارهای ارتقاء آن در دانشگاه امام صادق (ع)، علیرضا اسلامبولچی.

۱۵۱) بررسی رویکردهای تربیت دینی به‌منظور استخراج رویکرد مبتنی بر سند تحول در دوره‌ی ابتدایی، سید صالح اسدی.





امیدواریم با درک معارف دینی و معلومات حوزوی و دانشگاهی، دانشجویان این دانشگاه مظهر وحدت حوزه و دانشگاه و حلقه‌ی ارتباطی میان این دو پایگاه باشند و با تجهیز علم و عمل، مبلغان شایسته و مجربان خوبی برای اسلام و انقلاب در داخل و خارج کشور شناخته شوند.

مرحوم آیت‌الله محمد رضا مهدوی کنی (ره)

